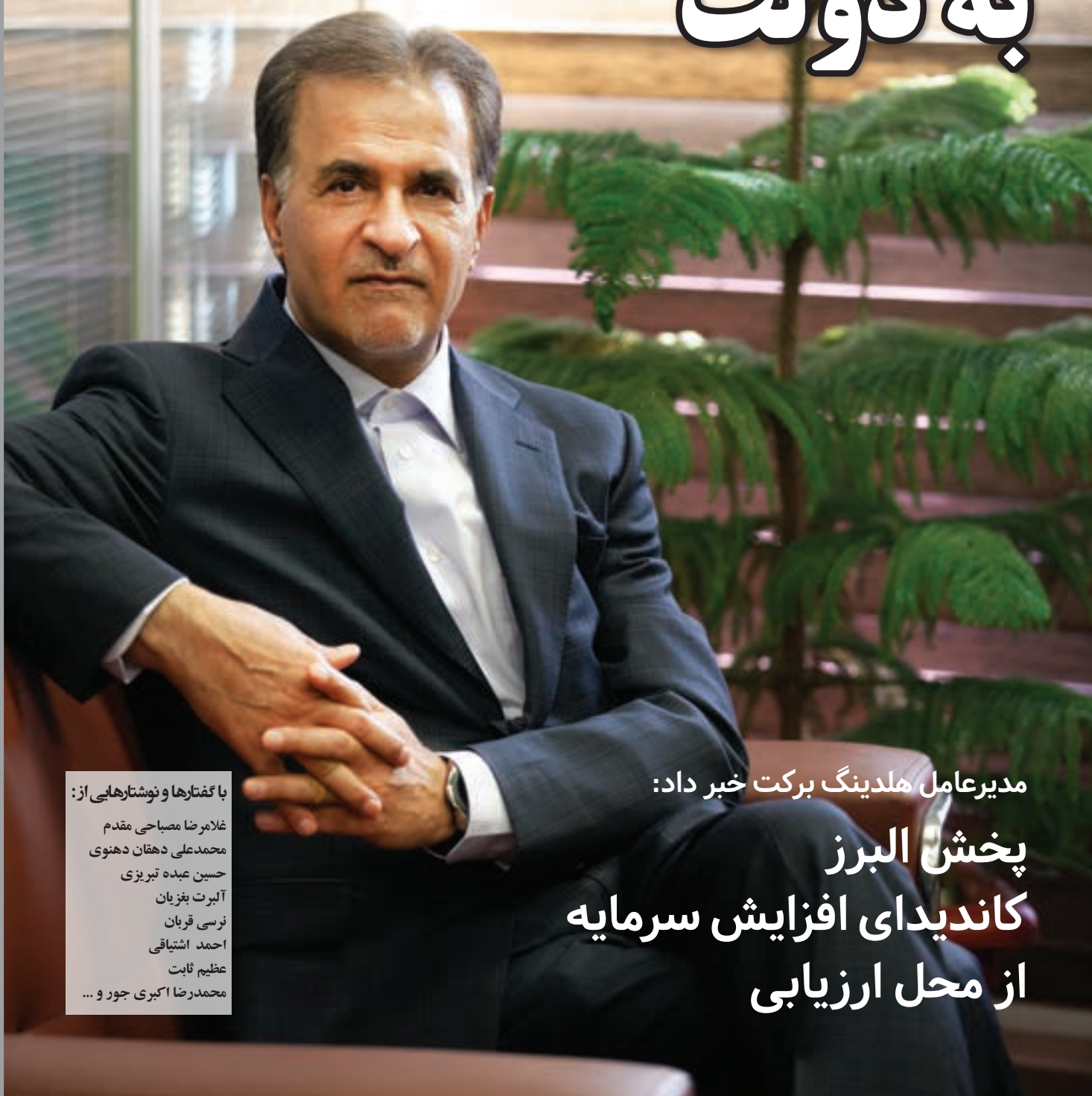




چک سفید به دولت



مدیرعامل هلدینگ برکت خبر داد:

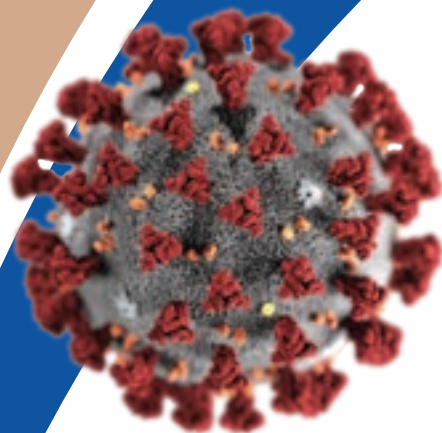
پخش البرز
کاندیدای افزایش سرمایه
از محل ارزیابی

با گفتارها و نوشتارهایی از:

غلامرضا مصباحی مقدم
محمدعلی دهقان دهنوی
حسین عبده تبریزی
آلبرت بغزیان
نرسی قربان
احمد اشتیاقی
عظیم ثابت
محمدرضا اکبری جور و ...

CAPITAL & MARKET

اقدامات گروه دارویی برکت در مبارزه با بیماری کرونا



Barakat Pharmaceutical Group



زنجیره کامل ارزش
مواد اولیه
معمول نهایی
توزیع
سرمایه گذاری

تعداد اقلام دارویی
بالف بر ۸۰۰ قلم دارو

تعداد شرکت ها
۱۷ شرکت

بازارهای صادراتی
بیش از ۱۲ کشور

تعداد موزه های درمانی
فعال در ۱۰ موزه درمانی

شهرک صنعتی دارویی برکت
امداث اولین شهرک تخصصی دارویی کشور
(مجهز به زیر ساخت های روز دارویی دنیا)
با وسعت بیش از ۲۰۰ هکتار

تأسیس در سال ۱۳۹۰ با استراتژی ورود به موزه های نوین درمانی
رتبه دوم هلدینگ های دارویی کشور
بالف بر ۱۸,۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری در زمینه های High-Tech
اولین و تنها سایت تولید فرآورده های سلول درمانی در منطقه
اولین سایت تولید داروهای ضد سرطان تزریقی در منطقه منا

سهم از بازار دارویی کشور
بالف بر ۱۴ درصد از بازار دارویی کشور
دومین هلدینگ بزرگ دارویی کشور



اولین تولید کننده رمذیویر

- * اولین توسعه دهنده واکسن کرونا که موفق به اخذ مجوز بالینی شد
- * دریافت مجوز ورود به فاز مطالعات انسانی واکسن در مجموعه
- برکت به عنوان نخستین تولید کننده واکسن کووید-۱۹ در کشور

Collaboration Opportunities



شرکت های زیر مجموعه گروه دارویی برکت





فروش تلفنی بیمه کرونا

۰۲۱ - ۴۱۷ ۵۲ ۳۴۳

 farzaminsurance.com
 [bimehfarzam](https://www.instagram.com/bimehfarzam)





بانک ایران زمین
IRAN ZAMIN BANK

بانک ایران زمین حامی همیش تولید و صادرات



ایران زمین خانه ماست

www.izbank.ir

REPAXIR®

NEW

Remifentanyl

Short acting anesthetic with rapid recovery.
Suitable for patients with renal and hepatic impairment.
very rapid achievement of the peak effect of an intravenous dose.
consistently rapid elimination after discontinuing its administration.
predictable offset of action, independent of duration of infusion.

شرکت داروسازی اکسیر ویال های رمی فنتانیل را با برند ریپاکسیر و با تکنولوژی لنوفیلیزه برای اولین بار در ایران تولید نموده است.

بیهوش کننده کوتاه اثر با پوتنسی بالا • قابل استفاده در بیماران با نارسایی کلیوی و کبدی
دست یابی به اثر سریع با تزریق وریدی • حذف سریع اثر و علائم با قطع تزریق و ریکاوری سریع



ZAGROS PHARMED

شرکت داروسازی زاگرس فارمد پارس (سهامی عام)، با بیش از ۲۰ سال سابقه در تولید داروهای دامی، با بهره‌وری ۵۶۰۰۰ متر مربع مساحت تولیدی، ۱۴۷۹۰ متر مربع دفاتر اداری و اشتغال زایی برای بیش از ۲۵۰ نفر از جوانان متخصص کشور، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولیدکننده داروهای دامپزشکی در سطح کشور است.

این شرکت در عصر پر افتخار جمهوری اسلامی ایران و در دوران جنگ تممیلی در سال ۱۳۶۲ با نام داروسازی داملران، باهدف تولید داروهای دامی با مشارکت نیروهای کارآمد و متخصص در تخصص‌های دامپزشکی، داروسازی، شیمی، میکروبیولوژی و مهندسی با گرایش‌های گوناگون، در شهرستان بروجرد تأسیس گردید. در سال ۱۳۸۲ به‌منظور ایجاد هم‌افزایی با بخش تولید داروهای دامی شرکت رازک ادغام گردیده و تحت نام شرکت داروسازی داملران رازک فعالیت نمود. در سال ۱۳۹۳ نیز با ورود به عرصه تولید داروهای استریل انسانی و دامپزشکی به نام فعلی تغییر نام داد. این مجموعه با بهره‌گیری از برترین تکنولوژی و همکاری علمی و فنی با شرکت‌های داروسازی معتبر دنیا و مطابق با نیازمندی‌های تولید بهینه (cGMP) اقدام به تولید بیش از ۱۰۰ قلم دارو در گروه‌های درمانی آنتی‌بیوتیک در ۲ بخش انسانی و دامپزشکی، ضد انگل، ویتامین و مواد معدنی، ضد عفونی‌کننده و ضد کوکسیدیوز نموده است.



تهران - کیلومتر ۱۸ جاده مخصوص کرج - خیابان داروپخش
شرکت کارخانجات داروپخش - درب شماره ۲

www.zagrospharmed.com

این شرکت به عنوان صنعت برتر کشوری در سال ۱۳۹۸ شناخته شده و از دستان معاون اول رئیس جمهور جناب آقای دکتر جهانگیری لوح و تندیس طلایی روز صنعت و معدن را در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۰ دریافت نموده است.

اعطای غیر حضوری و فوری کد آنلاین



چه
انتظاری از
کارگزاری تون
دارین؟

یه کارگزاری خوب چه ویژگی‌هایی داره؟

کارگزاری بورس بیمه ایران
Bourse Bimeh Iran Brokerage Co.



مرکز تماس: ۰۲۱-۸۹۴۸

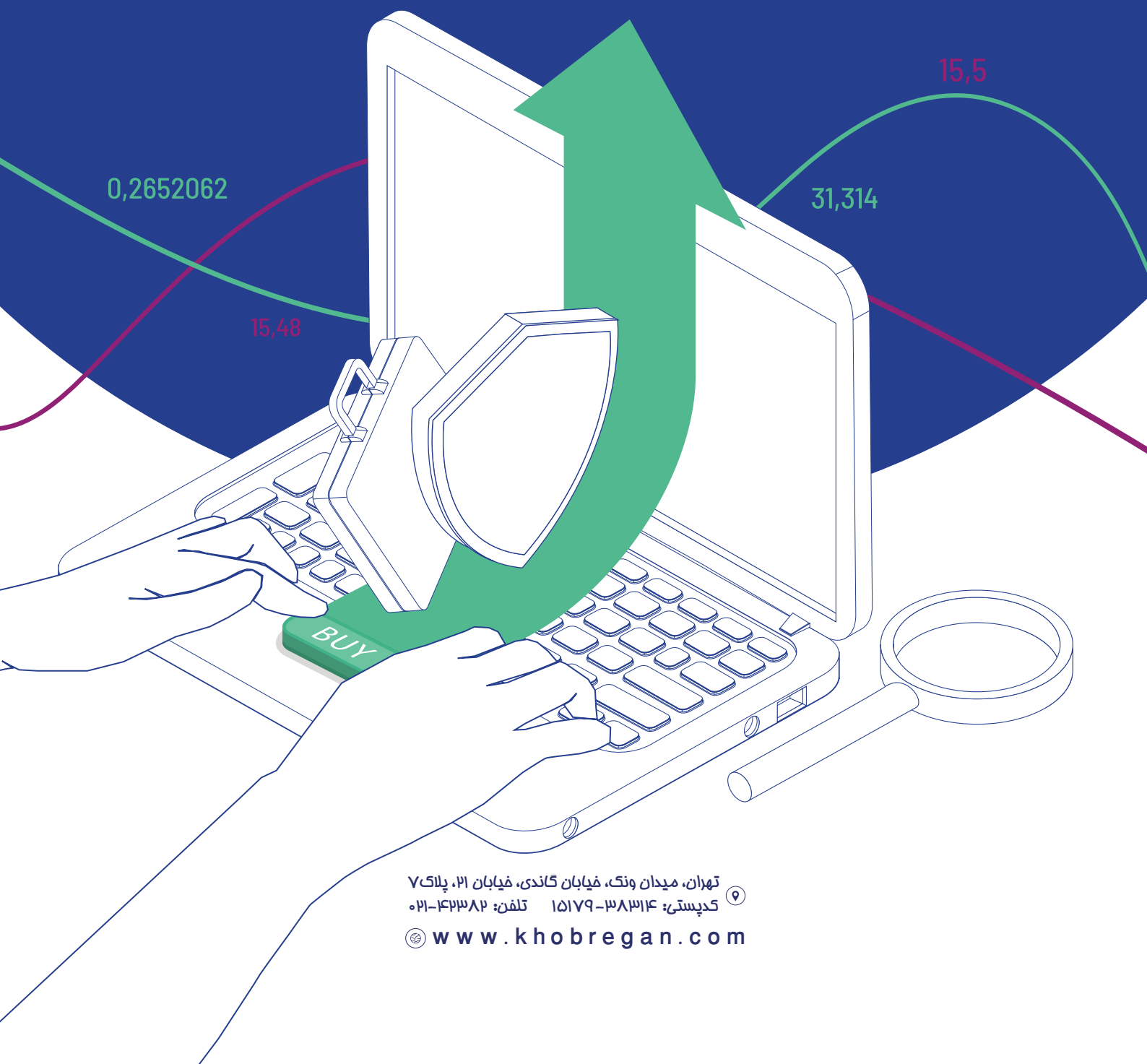
www.bimehiranbroker.com



شرکت کارگزاری خبرگان سهام

صندوق سرمایه‌گذاری اختصاصی
بازارگردانی خبرگان اهداف

با خبرگان سهام متفاوت
سرمایه‌گذاری کنید
و کسب سود کنید



تهران، میدان ونک، خیابان گاندی، خیابان ۲۱، پلاک ۷
کدپستی: ۳۸۳۱۴-۱۵۱۷۹ تلفن: ۰۲۱-۴۲۳۸۲

🌐 www.khobregan.com



سرمقاله

تأسیسات ۸
سکاندار پست
تأمین مالی را فراهم کند



بهره‌ملا

۱۰ زنگ سواد مالی در سال ۲۰۲۰
به صد درآمد
۱۱ آینده فناوری
۱۲ تحلیل روند صندوق‌های
سرمایه‌گذاری در ۲۰۲۰
۱۳ رشد بازارهای سهام
در سه ماه سوم ۲۰۲۰
۱۴ مسئولیت‌پذیری
عامل رونق کسب‌وکارها
۱۵ چالش‌ها و درس‌های ۲۰۲۰
۱۶



اقتصاد کلان

۲۰ کار عاقلانه مجلس
در مدارا با دولت
۲۱ شرایط سیاسی و اقتصادی
برای فروش نفت مهیا شود
۲۲ چک سفید مجلس به دولت
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰



اوراق بهادار

۴۲ آرامش تزریق شود
۴۳ خواسته‌ها از رئیس جدید
۴۴ تقویت زیرساخت‌ها
اولویت‌های ضروری
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰



روش اجرای سهام عدالت ایراد دارد

هر چند طرح توزیع سهام عدالت از سال ۱۳۸۵ تاکنون در کشور با شعار توزیع عادلانه سهام دولت میان اقشار مختلف در حال اجراست، اما به گفته کارشناسان واکنش چه افراد مشمول و چه بازماندگان از دریافت این سهام، نشان می‌دهد که سهام عدالت به عدالت میان برخی از مشمولان توزیع نشده است. در این زمینه امیرحسین ارضاء، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه در گفت‌وگویی با اشاره به مشکلات اجرایی سهام عدالت، راهکارهایی را پیشنهاد دادند.

• شرح کامل این گفت‌وگو در صفحه ۵۰ آمده است



ISSN: 2252 - 0198

سال یازدهم - شماره ۱۱۸

دی و بهمن ۱۳۹۹ - ۱۳۸ صفحه



ماهنامه تخصصی بازار و سرمایه
کاری از: نیکان رسانه بازار سرمایه

صاحب امتیاز: شرکت نیکان رسانه بازار سرمایه

مدیر مسئول: معراج نادری فصیح

قائم مقام مدیر مسئول: امیر آشتیانی عراقی

رئیس شورای سیاست‌گذاری: دکتر مهدی کرباسیان

شورای سیاست‌گذاری: دکتر علی سنگینیان، دکتر علی رحمانی، غلامحسین دوانی، بهروز زارع، دکتر سعید جمشیدی فرد، دکتر ولی نادی قعی، دکتر آلبرت بغزیان، دکتر سعید اسلامی‌بیدگلی، دکتر مصطفی امید قائمی، حسین خزلی خراسی، دکتر محمد ابراهیم پورزرنندی، دکتر بهروز خداحمی، دکتر حسین زارعی

سردبیر: علی شریفی نیستانی

دبیر تحریریه: نازنین نامور

تحریریه: مینا هرمزی، زهره فدوی، گلشن بابادی، ساره صابری، فرزاد مهدیزادگان، محبوبه قرمزچشمه، زهرا مالمیر، حسین حریریان، راحیل فراهانی، فاطمه حیدرپور، مروارید اسلامی، نجمه اجریندیان

بین‌الملل: حبیب علیزاده

مدیر هنری: سید مهدی لنگرانی

طراح و صفحه‌آرا: مهسا سادات کیانی

ویراستار: نسرين اسلامی

دبیر عکس: یلدا معیری

بازرگانی: نسیم بهمنی، معصومه صالحی، فاطمه فراهانی، سارا تاجی، محدثه حاج‌علی

اشتراک: سمیرا صالحی، سارا مهرجو

مالی و اداری: میلاد کرمی، حدیثه مهین روستا، یلدا تاجدار

ناظر چاپ: هادی میرزایی

نشانی: تهران، بزرگراه شهید گمنام، خیابان جهان‌آرا، کوچه ۱۳/۲ (بابک)، پلاک ۱۶، طبقه دوم.

تلفن: ۸۸۰۲۷۳۷۸ - ۸۸۰۱۳۸۷۱ - ۴۱۶۷۴۰۰۰ (۰۲۱)

دورنگار: ۸۹۷۷۵۷۶۵ (۰۲۱)

چاپ: آیین چاپ تابان

ماهنامه بازار و سرمایه آماده دریافت مطالب و مقالات کارشناسان محترم برای انتشار در ماهنامه است.

مسئولیت آرا و عقاید ابراز شده در مقالات به عهده نویسندگان است و نشریه در گزینش، ویرایش و اصلاح مطالب پذیرفته شده آزاد است.

مطالب ماهنامه بازار و سرمایه را در بانک اطلاعات نشریات کشور بخوانید

www.magiran.com

bazarosarmaye@gmail.com

اوراق بهادار

اعتمادسازی بلاکچین در بازارهای سرمایه	۵۴	داستان بیک شکست	۵۸
همایش بین‌المللی «تأمین مالی» برگزار شد	۶۲	دستاوردهای خوب بورس در زمینه تأمین مالی	۶۶
ایران می‌تواند به بخش مهمی از بازارهای بین‌المللی بپیوندد	۶۶	فولادی‌ها پس از تحریم	۶۶
سایه دستورات خلق الساعه معدنی بر سهام بررسی	۷۰	فولادآفت زده در بورس کالا	۷۲

مسکن

چرخه معیوب سیاست‌گذاری مسکن	۷۴	«ریت» دروازه نوین تأمین مالی مسکن	۸۰
نوسازهای بی‌مشتري در بازار مسکن	۸۲	روند متفاوت در بازار اجاره	۸۴

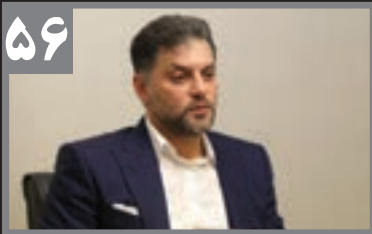
صنعت دارو

پخش البرز، کاندیدای افزایش سرمایه از محل ارزیابی	۱۰۲	قاجاق، چالش بزرگ صنعت دارو	۱۰۳
صنعت دارو درگیر نوسانات ارز است	۱۰۴	۲۰ محصول جدید در سبد دارویی پارس	۱۰۷
تحریم‌ها دستمان را بسته است	۱۰۸	روزهای موفقیّت ادامه دار است	۱۱۰
شرکت عملکردی مثبت خواهد داشت	۱۱۱	به دنبال ارائه محصولات با کیفیت هستیم	۱۱۲
متروصد کسب جایگاه برتر هستیم	۱۱۵	افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی	۱۱۶
چرا باید به کشورهای همسایه پیرانه بدهیم؟	۱۱۹		

بینندگان سردبیر



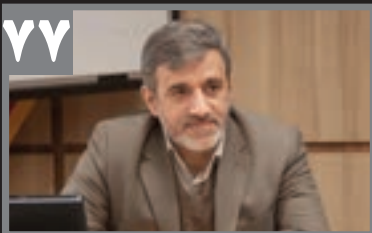
به‌رغم وعده همراه‌مان برای انتشار ماهنامه، شیوع ویروس کرونا چند ماهی ما را از رسالت‌مان دور نگاه داشت؛ حالا هرچند به سختی، اما با رعایت پروتکل‌های بهداشتی کار را از سر گرفته و سعی در ادامه رسالتی داریم که آگاهی‌سازی بخشی از تعهد آن است. ما را در راه توسعه بازار سرمایه همچنان همراهی فرمایید.



رتبه‌بندی اعتباری قطعه‌ای از پازل تأمین مالی
ک. در گفت‌وگو با حمید میرمعینی، عضو هیأت مدیره شرکت رتبه‌بندی اعتباری برهان مطرح شد



بازار سرمایه ایران در حال تاریخ‌سازی است
ک. محمدعلی دهقان دهنوی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی تأکید کرد:



راهکار حل معضل توسعه درونی شهری
ک. گفت و گوی بازار و سرمایه با محمد آیینی، دکتری شهرسازی و عضو هیأت مدیره شرکت باز آفرینی شهری ایران

نباید خجالت بکشیم!؟

کرونا از یک سو و از سوی دیگر، گرانی و ضعف مدیریت باعث شده تا مشکلات اقتصادی مردم هر روز بیشتر و بیشتر شود؛ اقدامی هم از طرف دولت برای حل آن صورت نمی‌گیرد. غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار هم در این خصوص عنوان می‌کند که تا پایان فعالیت دولت دوازدهم چند ماهی فرصت باقی است که به نظر اگر مهمترین رسالت دولت در چندماه پیش رو با توجه به بی‌ثباتی قیمت‌ها، مدیریت بازار و کنترل قیمت‌ها باشد، بهتر است.

• مشروح این را گفت‌وگو را در صفحه ۲۱ بخوانید



تافته جدا بافته



آلبرت بغزیان
اقتصاددان

تنها کشوری که سرو صدای بودجه در آن می‌پیچد و همه چشم به تصمیمات آن دوخته‌اند، ایران است. حال باید ببینیم واقعا بودجه حائز اهمیت است؟ در اصل بودجه دخل و خرج و صورت مالی دولت است، اما هزینه‌های دولت و منبع تأمین آن در اقتصاد کشور ما موثر است و در آمریکا مهم ترین قسمت بودجه مربوط به مستمندی افراد سالمند و تغییرات مالیات‌ها است.

لازم به ذکر است، نسبت هر بودجه تقسیم بر GDP تولید ناخالص داخلی عددی است و این عدد معمولا با کوچک شدن دولت کوچک می‌شود، اما مالیات به GDP افزایش پیدا می‌کند و این رقم باید چیزی حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد باشد. در ایران نسبت مالیات GDP پایین و زیر ده درصد است و در مقابل هزینه‌های دولت بالا است که این روند منجر به ایجاد کسری بودجه می‌شود، بنابراین در ایران دلیل حساسیت بر بودجه کاهش هزینه‌های دولت است، اما اعداد منتشره بیانگر رشد هر ساله این رقم است و حائز اهمیت است که چه مقدار از آن رقم نصیب مستمیری بگیران و بازنشتگان می‌شود.

اصولا همه ساله چالش‌های بسیاری در این باره بوجود می‌آید، در کنار این روند و با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در زیر بنا کم است، دولت تصمیم به افزایش هزینه‌های عمرانی خود می‌گیرد و معمولا به این می‌نگرد که تا چه مقدار قصد تکمیل‌سازی پروژه‌های عمرانی و زیربنایی را دارد که اصولا تعداد آن کم نیست. یکی دیگر از حساسیت‌های بودجه که بر اقتصاد کشور ما اثرگذار است، تعیین نرخ ارز است. در ایران این مسئله بر درآمدهای ارزی اثرگذار خواهد بود و شبهات بسیاری درباره تحقق یا محقق نشدن آن مطرح می‌شود که دو فرضیه پیش روی آن قرار دارد؛ آیا دولت در صورت تحقق نیافتن بودجه دست به جیب مردم خواهد برد یا کسری بودجه خود را از جانب بانک مرکزی تأمین خواهد کرد؟ هرچند تأمین کسری بودجه از طریق بانک‌ها، بدهی تلقی شده و در نهایت منجر به ایجاد تورم می‌شود و در این صورت بوجه نگران کننده می‌شود. در دیگر کشورها بودجه به عنوان یک عامل نگران‌زا دیده نمی‌شود، اما در ایران باتوجه به اینکه بودجه به شدت بخشی نقدینگی و رشد آن وابسته است، مورد توجه اقتصاددانان و نمایندگان قرار می‌گیرد.

در نهایت در کشور ما بودجه به دلیل محل تأمین کسری، تورم‌زا بودن و در نهایت تصمیم درباره نرخ ارز حائز اهمیت است. اما امروزه تناقض‌های بسیاری در این خصوص مطرح است، بانک مرکزی به دنبال تک نرخی کردن است و در مقابل برخی به دنبال یکسان‌سازی و همسان‌سازی نرخ هستند که این تناقض نشانگر چندنرخی بودن است و بعید است شرایطی ایجاد شود تا نرخ ارز یکسان شود.

در خصوص نرخ ارز ۴۲۰۰ نیز باید گفت، این نرخ باید به کارهای اساسی و تقویت سفره مردم اختصاص داده شود و در دیگر بازارهای لوکس دلار با نرخ آزاد محسوب می‌شود. باید گفت ضعف دولت در تخصیص نظارت شده ارز ۴۲۰۰ تومانی و اقدام نابه‌جا در خصوص افزایش نرخ ارز، منجر به ایجاد تورم در بازار می‌شود. بنابراین با حذف ارز ۴۲۰۰ مجددا بار سنگینی برای مبارزه با تورم در سال ۱۴۰۰ خواهیم داشت.

سکانشمار بستر تأمین مالی را فراهم کند



احسان عسگری

معاون تأمین مالی شرکت تأمین سرمایه امید

هدف بازار سرمایه تأمین مالی است، در واقع کارکرد بازار همین است، البته مقطعی به واسطه نیاز در آزادسازی سهام عدالت و اینکه عده‌ای از سهامداران در شرایط تحریم و کرونا به منابع مالی نیاز داشتند، مشکلاتی برای بازار سرمایه ایجاد و این مهم باعث فشار بر بازار سرمایه شد. تأمین مالی شامل دو دسته است؛ بخش اول انتشار اوراق بدهی است که دولت در ۲ سال گذشته بازیگر اصلی آن بود. در کنار آن این امکان برای شرکت‌های ناشر و پذیرفته نشده هم جهت تأمین مالی فراهم بود. بخش دوم تأمین مالی از طریق افزایش سرمایه، صرف سهم، آورده نقدی و مطالبات سود بوده که از گذشته تا کنون در حال انجام است. در سال‌های گذشته به دلیل افزایش تعداد شرکت‌ها، طرح‌های توسعه‌ای و توجیه اقتصادی بخشی از تأمین مالی نیز از این طریق صورت گرفته است.

در ۲ سال گذشته که کشور با تحریم روبه‌رو بود، منبع کسب منابع مالی برای طرح‌های زیرساختی و بودجه‌ای کشور، بازار سرمایه و از طریق انتشار انواع صکوک بوده است و در کنار آن شهرداری‌ها نیز اقدام به انتشار اوراق برای توسعه‌ای شهری و طرح‌های زیرساختی کرده‌اند. همچنین شرکت‌های ناشر مبادرت به انتشار اوراق صکوک و بدهی کرده‌اند. آماری که وزیر اعلام کرده حاکی است ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در ۱۰ ماهه سال جاری تأمین مالی صورت گرفته است. اطلاعات منتشر شده از سوی سازمان بورس نشان می‌دهد که تا پایان آذرماه تأمین مالی از طریق انتشار انواع اوراق بدهی مبلغی بالغ بر ۱۴۵ هزار میلیارد تومان بوده که احتمال می‌رود اختلاف آن بابت تأمین مالی از ابزارهای سهام و روش‌های مختلف افزایش سرمایه است.

طبق اطلاعات واصله از سازمان بورس، کل اوراقی که در بازار است در ۱۰ ماهه سال جاری ۲۷۳ هزار میلیارد تومان بوده که در مقایسه با سال قبل ۲ برابر شده است، از طرفی حجم انتشار اوراق جدید ۱۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۸ بوده که در ۱۰ ماهه سال به ۱۴۵ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. با این مقدمه باید تاکید کرد که وظیفه اصلی سکانشمار سازمان بورس کمک به شرکت‌ها، شهرداری‌ها، ناشران و دولت است تا بتوانند از بازار سرمایه به عنوان بازاری کارآمد برای تأمین مالی استفاده کنند. در حال حاضر شرایط بازار سهام به گونه‌ای است که با توجه به هدف‌گذاری اعلامی از سمت وزیر؛ ۱۴۰۰ میلیارد تومان تأمین مالی در سال ۱۴۰۰ پیش زمینه‌هایی نیاز دارد که در شرایط فعلی فراهم نشده است و اگر اعتماد سهامداران دوباره به بازار بازگردد، منابع نقدی که در بازارهای موازی سرمایه‌گذاری شده به بازار هدایت و این هدف‌گذاری محقق می‌شود. پیش نیازهای بازار سرمایه عمدتاً به نیاز سرمایه‌گذار به ثبات در قوانینی که بر بازار سرمایه حاکم است و جلوگیری از قیمت‌گذاری دستوری بازمی‌گردد؛ اگر به بازار آزاد و سرمایه معتدیم، این نوع قیمت‌گذاری خود باعث رانت می‌شود و منافع سهامداران و عموم مردم ایران که می‌توانند از آن بهرمنند شوند را سلب می‌کند و این منافع به جیب درصد کمی از دلال‌ها سرازیر می‌شود. بسیار از عموم مردم با دید بلندمدت اعتماد کردند و در بازار سهام سرمایه‌گذاری کردند، ولی بازار در دوره بسیار کوتاه مدت رشد کرد و با همان شدت رشد اصلاح شد. سرمایه‌گذاری که از خرداد ماه به بعد وارد بازار شدند؛ الان در بیشترین میزان ضرر هستند و در هر مثبت بازار حجم فروش بسیار افزایش پیدا می‌کند و منابع مالی از بازار خارج می‌شود که خود نمایانگر این موضوع است که اعتماد سرمایه‌گذاران از دست رفته است.

از این رو باید سازوکار و قوانین مقرراتی در دستور کار قرار گیرد که سرمایه‌ها دوباره به سمت بازار سهام هدایت شود که بتوان به بحث ورود نقدینگی و افزایش اعتماد مردم اشاره کرد. باید از رئیس سازمان درخواست کرد که تصمیمات کارشناسی شده را اتخاذ کنند و منافع بلندمدت آن در بازار سرمایه تأمین شود. اعتماد در دوره زمانی طولانی به دست آمده و در اندک زمانی از دست می‌رود. بنابر این نظر جمعی اهالی بازار اخذ و امکان ارائه مشاوه‌های سرمایه‌گذاری فراهم شود. این اقدام می‌تواند با افزایش مجوزهای مختلف مشاوه سرمایه‌گذاری، سبگردان و... میسر شود.



گفت‌وگو با آدنا فریدمن، مدیرعامل
و رئیس هیأت مدیره بورس نزدک

آینده فناوری

کنفرانس دوسالانه «فناوری آینده» بورس نزدک (که هفدهمین دوره آن برای نخستین بار به صورت مجازی برگزار شد)، مجموعه مشتریان و کاربران فناوری بازار نزدک را که به دنبال رونق اکوسیستم‌های بازار سرمایه هستند، گرد هم می‌آورد تا درباره مسائل مختلف به بحث و گفت‌وگو بپردازند؛ مسائلی همچون روش‌های بهبود و توسعه کسب و کار و پذیرش فناوری‌های نوین از سوی مجریان و گردانندگان بازار از جمله موارد مهمی است که مورد بحث قرار می‌گیرند.

به عنوان بخشی از این کنفرانس، لارس اوترسگارد، معاون اجرایی و مدیر بخش فناوری بازار نزدک با آدنا فریدمن، مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره بورس نزدک گفت‌وگویی انجام داد. محور این گفت‌وگو، وضعیت فناوری در بازارهای سرمایه در سال ۲۰۲۰ بود. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.



حمایت گسترده از ابتکار فدراسیون بورس‌های جهان زنگ سواد مالی در سال ۲۰۲۰ به صدا درآمد

بورس‌های سراسر جهان برای حمایت از سواد مالی، در هفته جهانی سرمایه‌گذار ۲۰۲۰ (WIW) زنگ معاملات را به صدا درآوردند. این ابتکار عمل با حمایت گسترده بورس‌های جهان مواجه شد.

فدراسیون بورس‌های جهان (WFE) از برنامه WIW ۲۰۲۰ سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار که از ۵ تا ۱۱ اکتبر (۱۴ تا ۲۰ مهر) برگزار شد، حمایت کرد. WIW پویشی یک هفته‌ای و جهانی برای افزایش آگاهی درباره اهمیت آموزش و فرهیختگی سرمایه‌گذار و ارتقاء و حمایت از سواد مالی است.

در برنامه سال ۲۰۲۰، اعضای فدراسیون بورس‌های جهان (از نیوزیلند گرفته تا برزیل)، طی این هفته مراسم به صدا درآوردن زنگ آغاز یا پایان معاملات و برگزاری کارگاه آموزشی را به صورت مجازی برگزار کردند تا اهمیت و ضرورت تمرکز مردم بر سواد مالی و تاثیر آن بر بهبود زندگی را نشان دهند. حدود ۴۰ بورس از سراسر جهان به عنوان بخشی از این برنامه، ذینفعان بازار را گرد هم آوردند تا این پیشرفت را جشن بگیرند.





جامعه خواهد بود. در واقع، در حالی که شرکت‌ها به تولید تجهیزات بهداشتی و محافظتی روی آورده‌اند یا فروشگاه‌ها، زنجیره تأمین خود را به خرید محصولات و تحویل آنها به بانک‌های غذا اختصاص داده‌اند، ما شاهد درخشش مفهوم سرمایه‌داری تعاونی یا اشتراکی بوده‌ایم. اینها همه اقداماتی برای حمایت از جامعه هستند که اگرچه تاثیر اقتصادی کوتاه‌مدتی ندارند اما در بلندمدت به ایجاد ثبات اقتصادی پایدار منجر خواهند شد.

■ آیا بیماری کرونا روش تعامل و همکاری شما با مشتریان، سرمایه‌گذاران و کارکنان را تغییر داده است؟ چگونه؟

در این مورد باید اعتماد وجود داشته باشد، خواه اعتماد بین ارائه‌دهنده خدمات و مشتری باشد یا اعتماد بین کارفرما و کارمند. شما سال‌ها وقت صرف ایجاد اعتماد برای مشتریان و کارکنان خود کرده‌اید و حالا زمان تقویت این اعتماد است. معتقدم، بورس نزدک در طول سال‌های فعالیت موفق به ایجاد اعتماد برای کارکنان و مشتریان خود شده است، بنابراین در حالی که ما فعالیت خود را به صورت دورکاری ادامه می‌دهیم، آنها می‌توانند همچنان به این مجموعه اعتماد داشته باشند. برای یک انسان چیزی مثل سرسختی وجود ندارد، بنابراین زمانی که همه در برابر بیماری کرونا واکسینه شدند، ما می‌توانیم دوباره در یک جا و در کنار هم به کار و فعالیت بپردازیم. من دوست دارم سفر کنم و به دیدن همکارانم و مشتریان مان بروم. یکی از بزرگترین و مهمترین ویژگی‌ها در جایگاهی که من دارم، همین امکان دیدار با مردم مختلف در سراسر جهان و آگاهی از دیدگاه‌های آنهاست.

■ علاوه بر این تغییرات، آیا در دوران همه‌گیری بیماری کرونا شاهد بروز یا رونق فناوری خاصی بوده‌اید؟

استفاده از رایانش ابری و نرم‌افزار خدماتی یکی از مواردی است که از مشتریان مان مشاهده کرده‌ایم. در شرایط کنونی، قابلیت اجرا، سطح پیچیدگی و نیاز به امنیت در حوزه فناوری تشدید شده است. همکاری همه‌جانبه برای بردن بازارها به سمت محیط ابری به ما امکان می‌دهد تا قابلیت اجرا را بالا ببریم، در حوزه‌های دشوار امنیتی تخصص پیدا کنیم و بازاری پویاتر و فعال‌تر داشته باشیم. روند دیگری که شاهد بودیم، یادگیری ماشینی بود. آخرین مورد هم امنیت سایبری است که به اوج پیچیدگی خود رسیده است. عده‌ای از تکنیک‌ها و روش‌های مختلف برای فیشینگ و رخنه در شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند که این موضوع، ضرورت افزایش امنیت سایبری را تشدید می‌کند.

دوباره ضرورت تعطیلی بازارها به مدت یک یا چند روز برای ایجاد آرامش و بازسازی بازارها در آمریکا بود. با این حال، به نظر من از آنجا که دلیل حضور و فعالیت ما، تأمین نقدینگی سرمایه‌گذاران و شرکت‌هاست، هر اقدام و حرکتی که موجب قطع جریان نقدینگی شود، می‌تواند ضربه سنگینی به اعتماد عمومی بازارهای سرمایه در آمریکا و کشورهای دیگر وارد کند. مدتی است که به صورت دورکاری فعالیت می‌کنیم و مطمئنم همه ما از چالش‌های خاص ارتباط موثر و تضمین ارتباط کامل کاربران و مشتریان با بازار آگاه هستیم. برای ایجاد این حس، هر دو هفته با همه کارکنانی که دورکاری می‌کردند، تماس تلفنی داشتیم و من قصد دارم این برنامه را تا ابد ادامه دهم تا مطمئن شوم همه کارکنان مجموعه نزدک امکان ارتباط با من و طرح مشکلاتشان را دارند.

■ پیش از این درباره مفهوم سرمایه‌داری اشتراکی یا تعاونی صحبت کرده بودید.

حال با توجه به همه‌گیری بیماری کرونا، سرمایه‌داری تعاونی چه معنایی برای اقتصاد و جوامع ما دارد؟ این بیماری چگونه فرصت‌های کسب و کار را شکل داده تا ما سرمایه‌داری تعاونی را مورد توجه و پذیرش قرار دهیم؟

صادقانه بگویم در سال‌های اخیر، جامعه تجاری برای خدمت‌رسانی به همه افراد تلاش چندانی نکرده است و به همین دلیل، مردم فراموش شده‌اند و دولت باید پا پیش بگذارد و اوضاع را کنترل کند. وقتی موضوع تعادل درست بین نقش دولت و نقش شرکت‌ها مطرح می‌شود، من عمیقاً به سمت مفهوم سرمایه‌داری تعاونی کشیده می‌شوم. این جایی است که شرکت‌ها نقشی در جامعه ایفا می‌کنند. در واقع، شرکت‌ها نقش واقعی در بهبود وضع کارکنان خود، خدمت‌رسانی عادلانه به مشتریان و فراتر رفتن از حد انتظارات آنها دارند. حال، بخش خصوصی چگونه می‌تواند برای حل مشکلات بزرگتر جامعه که پس از همه‌گیری کرونا بروز کرده‌اند، به دولت ملحق شود؟ چگونه می‌توان آموزش را مدرنیزه کرد؟ چطور مطمئن شویم که ثبات سیستم بهداشت و درمان خود را تقویت کرده‌ایم؟ همچنین چطور مطمئن شویم که دوره دیجیتال بعدی زیرساخت‌ها را پذیرفته‌ایم؟ همه اینها مواردی هستند که بخش خصوصی می‌تواند نقش اساسی در آنها ایفا کند و با پیوستن به دولت، در حل مشکلات بزرگ موثر باشد. دیدگاه ما این است که می‌توان یک بخش سهام‌دار محور در اقتصاد داشت که پیوستن آن به دولت به نفع

■ در ماه‌های گذشته، مقابله با همه‌گیری جهانی بیماری کرونا به تغییر چشم‌انداز اقتصادی و زندگی روزمره مردم در سراسر جهان منجر شده است. در حالی که تلاش می‌کردیم تا دورکاری کارکنان را مدیریت کنیم، شاهد نامتعادل شدن شرایط بازار بودیم. در این شرایط غیرمعمول، نزدک به عنوان گرداننده بازار، چگونه توانست بی‌ثباتی بازار را کنترل و به چالش‌های موجود رسیدگی کند؟

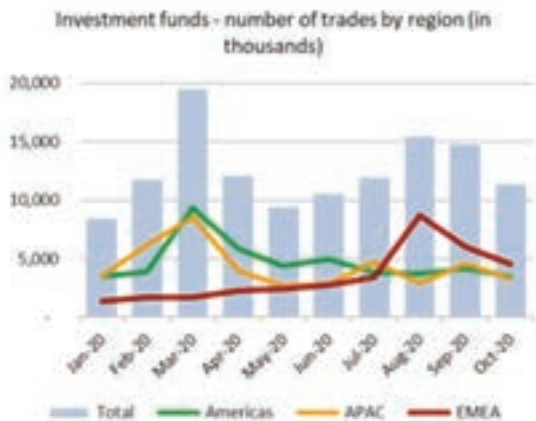
معتقدم، به عنوان یک گروه کارهای مهمی انجام دادیم و با تصمیم‌گیری و اقدام سریع توانستیم کارایی و کارآمدی فعالیت‌های بازار را تضمین کنیم. مارس ۲۰۲۰ واقعاً یک ماه غیرمنتظره بود و احتمالاً هرگز فراموش نخواهد شد. در این زمان، بی‌ثباتی شدیدی را در بازارها شاهد بودیم. بیشترین حجم سفارشات با ۶۲ میلیون پیام، روز ۲۸ فوریه در بازارهای سهام و اوراق اختیار معامله ثبت شد. ناگهان مجبور شدیم در سراسر جهان به صورت دورکاری فعالیت کنیم و هم‌زمان ناچار بودیم برنامه‌های غیرمنتظره‌ای را به دلیل بی‌ثباتی بازار و حجم‌های نامتعارف اجرا و مدیریت کنیم. روزهای بسیار شلوغی بود. یکی از چالش‌های بزرگ پیش‌روی ما، بحث



گروه پژوهش فدراسیون بورس های جهان منتشر کرد:

تحلیل روند صندوق های سرمایه گذاری در ۲۰۲۰

ماهه ۲۰۲۰ تعداد معاملات یونیت های صندوق های سرمایه گذاری در مناطق آمریکا و APAC در ماه مارس به اوج رسید و به ترتیب اعداد ۹ میلیون و ۳۳۷ هزار و ۱۹۰ و ۸ میلیون و ۵۱۵ هزار و ۸۴۰ ثبت شد. تغییرات ماهانه در تعداد معاملات صندوق های سرمایه گذاری در تصویر شماره ۲ نشان داده شده است.



همچنین در جدول زیر، تغییرات ماهانه در تعداد معاملات هر منطقه به تفکیک نشان داده شده است. (درصد تغییر نسبت به ماه قبل است)

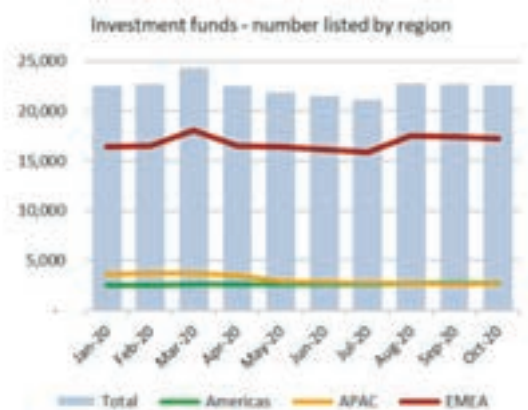
منطقه	فوریه	مارس	آوریل	می	ژوئن	جولای	اگوست	سپتامبر	اکتبر
آمریکا	۱۰,۲	۱۴۱,۲	۳۷,۴	۲۵,۶	۱۴,۲	۲۲,۸	۲,۶	۱۱,۷	۱۶,۲
APAC	۷۸,۱	۳۷,۱	۵۳,۵	۳۳,۱	۷,۲	۶۴,۵	۳۶,۹	۵۵,۰	۲۷,۳
EMEA	۱۸,۳	۰,۴	۳۵,۸	۷,۰	۱۴,۶	۲۳,۱	۱۵۷,۱	۳۰,۷	۲۴,۴
جمع کل	۳۹,۷	۶۶,۱	۳۸,۲	۲۲,۰	۱۲,۳	۱۲,۶	۲۹,۵	۴,۰	۲۳,۰

در ۱۰ ماه نخست سال ۲۰۲۰ تعداد معاملات نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۹ به میزان ۶۴,۵ درصد افزایش یافت و به ۱۲۵ میلیون و ۲۲۰ هزار و ۳۱۰ مورد در سراسر جهان رسید. در این مدت، همه مناطق شاهد افزایش تعداد معاملات بودند و منطقه آمریکا با ۳۹ درصد، منطقه APAC با ۲۳,۹ درصد و منطقه EMEA نیز با رشد چشمگیر ۳۷۳,۲ درصد روبه رو شدند. در اکتبر ۲۰۲۰، منطقه EMEA با ۴۰ درصد، بیشترین تعداد معاملات را به خود اختصاص داد. سهم مناطق آمریکا و APAC نیز به ترتیب ۳۱ و ۲۹ درصد بود.

گروه پژوهش فدراسیون بورس های جهان در بررسی عملکرد صندوق های سرمایه گذاری ۵۱ بورس جهان در سال ۲۰۲۰ گزارشی تحلیلی از تعداد معاملات، ارزش کل معاملات و تعداد صندوق های پذیرفته شده منتشر کرده است که در ادامه می خوانید.

تعداد صندوق ها

در سال ۲۰۲۰ تعداد صندوق های پذیرفته شده در جهان تغییر چندانی نداشت، مگر در منطقه EMEA (اروپا-خاورمیانه-آفریقا) که در ماه مارس با افزایش و در ماه اگوست با رشد اندک مواجه شد. در مقایسه با اکتبر ۲۰۱۹، تعداد صندوق های سرمایه گذاری در اکتبر ۲۰۲۰ با ۱,۱ درصد افت روبه رو شد که علت اصلی آن، کاهش ۲۵,۱ درصدی تعداد صندوق ها در منطقه APAC (آسیا-اقیانوسیه) بود. حتی افزایش ۹,۳ درصدی تعداد صندوق های سرمایه گذاری در منطقه آمریکا و ۲,۶ درصدی در منطقه EMEA هم نتوانست کاهش شدید ثبت شده در منطقه APAC را جبران کند. تا اکتبر ۲۰۲۰، منطقه EMEA با ۷۶ درصد، بیشترین سهم از کل صندوق های سرمایه گذاری جهان را به خود اختصاص داد. سهم هر یک از دو منطقه آمریکا و APAC نیز معادل ۱۲ درصد بوده است. (تصویر شماره ۱)



تعداد معاملات

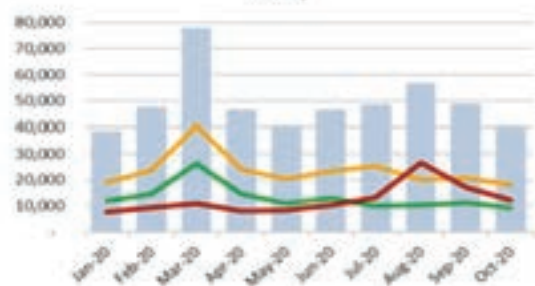
گزارش گروه پژوهش فدراسیون بورس های جهان نشان می دهد که در ۱۰



ارزش معاملات

بر پایه این گزارش، ارزش معاملات نیز همراستا با تعداد معاملات روندی رو به رشد داشته است. ارزش معاملات در دو منطقه آمریکا و APAC در ماه مارس به اوج رسید و به ترتیب رقم ۲۶,۳ میلیارد دلار و ۴۰,۷ میلیارد دلار را ثبت کرد. در منطقه EMEA ارزش معاملات در ماه آگوست موفق به ثبت رکورد شد و به ۲۶,۷ میلیارد دلار رسید. در تصویر ۳ روند نوسان ارزش معاملات نشان داده شده است.

Investment funds - value traded by region (in USD million)

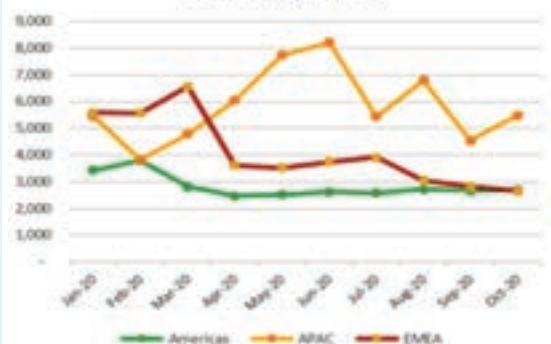


همچنین در جدول زیر، درصد تغییر ماهانه ارزش معاملات در هر منطقه به تفکیک نشان داده شده است. (درصد تغییر نسبت به ماه قبل است)

منطقه	فوریه	مارس	آوریل	می	ژوئن	جولای	آگوست	سپتامبر	اکتبر
آمریکا	۲۱,۸	۷۹,۴	-۴۵,۰	-۲۴,۲	۱۸,۸	-۲۳,۹	۲,۶	۹,۳	-۱۵,۰
APAC	۲۴,۸	۷۱,۴	-۴۱,۱	-۱۴,۴	۱۳,۷	۹,۲	-۲۱,۳	۳,۵	-۱۲,۰
EMEA	۱۸,۱	۱۷,۴	-۲۵,۲	۴,۱	۲۲,۰	۲۸,۷	۱۰۰,۱	-۳۶,۰	-۲۸,۶
جمع کل	۲۲,۶	۶۳,۴	-۴۰,۲	-۱۴,۲	۱۶,۹	۴,۳	۱۶,۸	-۱۴,۰	-۱۸,۵

در ۱۰ ماه نخست ۲۰۲۰، ارزش معاملات جهانی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۹ در مجموع با ۲۱,۳ درصد رشد روبه‌رو شد و به ۴۹۲ میلیارد دلار رسید. این میزان رشد مدیون افزایش ارزش معاملات در دو منطقه APAC و EMEA بود که در این مدت به ترتیب ۱۹,۷ و ۱۷۵ درصد رشد کرد. این در حالی است که منطقه آمریکا در این بازه زمانی شاهد افت ۱۹,۲ درصدی بود. در اکتبر ۲۰۲۰، سهم عمده ارزش معاملات به میزان ۴۶ درصد به منطقه APAC تعلق گرفت. در این ماه، سهم دو منطقه EMEA و آمریکا به ترتیب به ۳۱ و ۲۴ درصد رسید. در تصویر شماره ۴ بزرگی معاملات بر حسب دلار آمریکا نشان داده شده است. یافته‌های گروه پژوهش فدراسیون بورس‌های جهان نشان می‌دهد، در حالی که در منطقه APAC بزرگی معاملات ماه به ماه نوسان‌های زیادی را شاهد بوده، اما این نوسان‌ها در منطقه آمریکا کمتر بوده است. بزرگی معاملات در اکتبر ۲۰۲۰ در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۱۹ در تمامی مناطق کاهش یافت: در آمریکا ۲۴ درصد، در منطقه APAC ۳۶,۱ درصد و در منطقه EMEA ۵۰,۸ درصد.

Trade size by region, in USD



آمارهای فدراسیون بورس‌های جهان نشان داد:

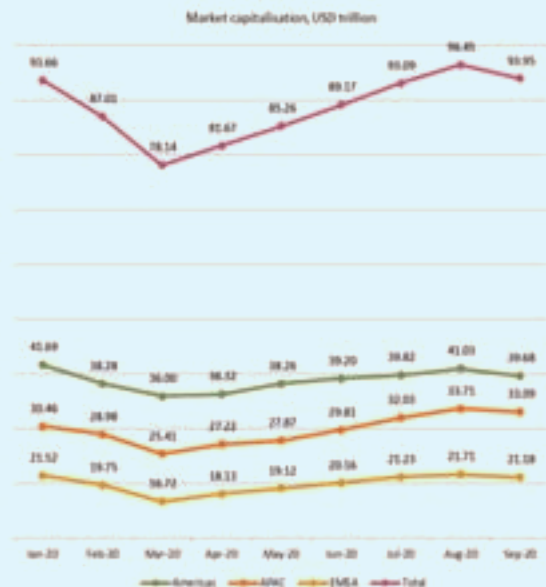
رشد بازارهای سهام در سه ماه سوم ۲۰۲۰

فدراسیون بورس‌های جهان (WFE) گزارش فعالیت بازارهای سهام جهان در سه ماه سوم ۲۰۲۰ را منتشر کرد. مهمترین بخش‌های این گزارش را در ادامه می‌خوانید.

ارزش بازار

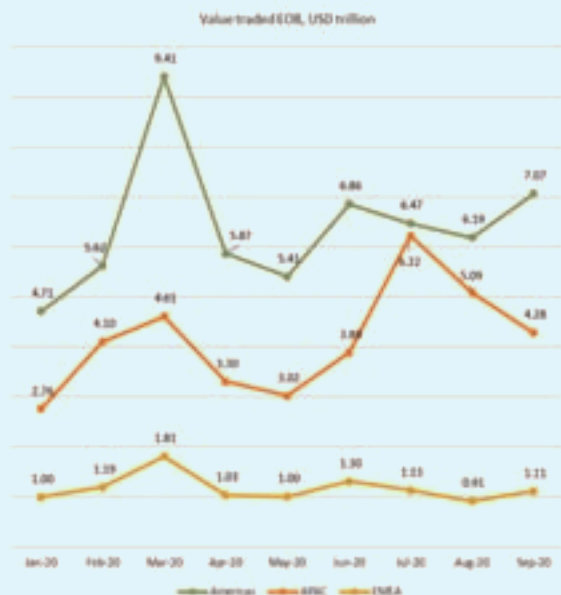
مجموع ارزش بازارهای سرمایه کشورهای جهان در پایان سپتامبر ۲۰۲۰ به ۹۳ هزار و ۹۵۰ میلیارد دلار رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن، رشدی ۹,۸ درصدی را نشان می‌دهد. در سه ماهه سوم ۲۰۲۰ همه مناطق شاهد رشد ارزش بازار بودند و در مجموع نسبت به سه ماه دوم، ۵,۴ درصد افزایش پیدا کردند. در سه ماه سوم، ارزش بازار سرمایه مناطق آمریکا، آسیا-اقیانوسیه (APAC) و اروپا-خاورمیانه-آفریقا (EMEA) به ترتیب ۱,۲ درصد، ۱۱ و ۵ درصد رشد کردند. البته بررسی‌های ماهانه نشان داد که پس از ۵ ماه رشد مداوم، در ماه سپتامبر ارزش بازارهای سهام در همه مناطق نسبت به ماه آگوست

در مجموع ۲,۶ درصد کاهش یافته است.



ارزش معاملات

در سه ماه سوم ۲۰۲۰ مجموع ارزش معاملات سهام به ۳۸ هزار و ۴۸۰ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده ۶۶,۲ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۹ و بالاترین رقم رشد فصلی در سال ۲۰۲۰ بود. در این میان، EMEA تنها منطقه‌ای بود که در سه ماه سوم نسبت به سه ماه دوم با ۵,۴ درصد افت ارزش معاملات سهام روبه‌رو شد. در این مدت، منطقه آمریکا و APAC به ترتیب ۸,۸ و ۵۲,۶ درصد رشد را تجربه کردند. همچنین ارزش معاملات سهام در بازارهای جهان در ۹ ماه نخست سال ۲۰۲۰ به حدود ۱۰۵ هزار و ۳۷۰ میلیارد دلار رسید.



تعداد معاملات

در سه ماه سوم ۲۰۲۰ تعداد معاملات سهام با رشدی ۵۳,۲ درصدی نسبت به سه ماهه مشابه سال ۲۰۱۹ و افزایش ۵,۸ درصدی نسبت به

سه ماه دوم ۲۰۲۰ به ۹,۸۷ میلیارد مرتبه رسید.

در مجموع ۹ ماه نخست سال این رقم معادل ۲۸,۳ میلیارد مرتبه ثبت شد که از این نظر، سه ماه سوم رکورددار بود. از نظر تعداد معاملات سهام، همه مناطق با رشد روبه‌رو نشدند. به عنوان نمونه، در منطقه آمریکا تعداد معاملات سهام با ۳۷ درصد افت نسبت به سه ماه دوم مواجه شد، در حالی که در دو منطقه APAC و EMEA به ترتیب شاهد رشد ۳۰,۵ و ۴,۵ درصدی بودیم.

این در حالی است که در ماه سپتامبر نسبت به ماه آگوست تعداد معاملات سهام در کل جهان با ۱,۵ درصد کاهش روبه‌رو شد.

عرضه‌های اولیه

تعداد عرضه‌های اولیه در سه ماه سوم ۲۰۲۰ نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۹ به میزان ۶۴,۹ درصد رشد نشان می‌دهد. تعداد کل عرضه‌های اولیه در ۹ ماه نخست ۲۰۲۰ معادل ۹۷۹ IPO بود. همچنین در کل مناطق، تعداد عرضه‌های اولیه نسبت به سه ماه دوم ۲۰۲۰ شاهد ۱۱۸,۱ درصد رشد بود.

میزان رشد عرضه‌های اولیه در مناطق آمریکا، APAC و EMEA به ترتیب ۵۹,۱ درصد، ۱۶۵,۳ و ۷۱,۸ درصد بوده است. در مقایسه دو ماه سپتامبر و آگوست نیز تعداد عرضه‌های اولیه در سراسر جهان به میزان ۲۷,۵ درصد افزایش یافت.

سرمایه جذب شده از طریق عرضه‌های اولیه نیز شاهد افزایش چشمگیر بود. در سه ماه سوم ۲۰۲۰ سرمایه‌گذاری در عرضه‌های اولیه با بیش از ۱۱۰ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۹ به رقم ۸۷,۷ میلیارد دلار رسید. این رقم در مجموع ۹ ماه نخست ۲۰۲۰ معادل ۱۶۵,۲ میلیارد دلار بوده است.

در این میان، رشد فصلی عرضه‌های اولیه نیز به ۸۹,۵ درصد رسید و همه مناطق آمار مثبتی به جا گذاشتند. میزان رشد عرضه‌های اولیه در مناطق آمریکا، APAC و EMEA به ترتیب معادل ۳۸,۲، ۱۶۷,۸ و ۲۳,۹ درصد بوده است. در مقایسه ماهانه (سپتامبر نسبت به آگوست) نیز شاهد رشد چشمگیر ۷۱,۹ درصدی تعداد عرضه‌های اولیه بودیم.



مدیرعامل بورس ملی هند تاکید کرد:

مسئولیت پذیری عامل رونق کسب و کارها



تابآوری شرکتی و سرمایه گذاری مسئولانه تاکید می کنیم. در ژوئن ۲۰۲۰ ما شاخص ESG Nifty ۱۰۰ را راه اندازی کردیم. این شاخص، معیاری برای ارزیابی مدیران و شاخص مرجع برای صندوق های غیرفعال، صندوق های شاخصی و محصولات ساختارمند است.

به علاوه ما با اجرای اقدامات بیشتر، چارچوبی ویژه برای ارزیابی ESG طراحی و ارائه کرده ایم. گرچه گزارشگری در زمینه ESG در فرمت های بخش وجود داشته است، اما بیشتر آن در اختیار شرکت ها بوده و با نظر آنها منتشر می شده است. ما مدلی جهت گزارشگری ESG برای ۵۰ شرکت پذیرفته شده از ۱۲ صنعت در بورس هند ارائه کرده ایم. شرکت های منتخب از نظر سرمایه بازار، در میان ۱۰۰ شرکت برتر صنعت خود جای دارند. در ارزیابی فعالیت این شرکت ها و عملکرد آنها در برابر معیارهای ملی و بین المللی، ما اهداف چهارگانه زیر را دنبال کردیم:

کمک به India Inc. که نشان دهنده اهمیت بیشتر ESG است؛

ترویج گفت و گوی آزاد درباره شفافیت اقدامات در زمینه ESG؛

تشدید فعالیت ها در زمینه ESG؛

تعیین معیارهایی برای شرکت ها در زمینه سرمایه گذاری مسئولانه.

با فرض اینکه شرکت هایی که قادر به هماهنگ کردن مدل های تجاری شان با شرایط موجود نبوده اند، با فشارهای عمومی، قانونی و نظارتی روبه رو می شوند، ما تلاش می کنیم تا از طریق فعالیت های شفاف ESG به بهبود وضع ذینفعان کمک کنیم. در نهایت، این اقدام ما برای این است که شرکت ها و هیأت مدیره ها را تشویق کنیم تا به فعالیت های ESG به چشم یک وظیفه صرف نگاه نکنند بلکه با مشارکت واقعی و خالصانه به بهتر شدن اوضاع کمک کنند.

تحلیل ESG: کمک به تحول

در جولای ۲۰۲۰ ما با همکاری شرکت خدمات SES گزارش جامعی از تحلیل وضع ۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس هند در زمینه رعایت الزامات ESG منتشر کردیم. نتایج به دست آمده از جهات مختلف قابل توجه بود. این نتایج در نمودار زیر نمایش داده شده است:

ویکرام لیمایا، مدیرعامل بورس ملی هند در یادداشتی که در نشریه Focus به چاپ رسیده، به نقش مسئولیت پذیری کسب و کارها در حوزه های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی (ESG) پرداخته و آنها را از عوامل اصلی رونق و تابآوری شرکت ها دانسته است. متن یادداشت وی را در اینجا می خوانید.

پایه گذاری یک کسب و کار مسئولیت پذیر برای کسب موفقیت در بلندمدت بسیار ضروری است. در جهان نابرابر و ناهمسان امروز، لازم است سازمان ها و نهادها در توسعه کل گرا و همه جانبه جوامعی که در آنها فعالیت می کنند، مشارکت داشته باشند. فراتر از شاخص ها و پارامترهای مالی، این فاکتورهای ESG (زیست محیطی، اجتماعی، حاکمیتی) هستند که در ثبات و تابآوری شرکت ها در بلندمدت تاثیر می گذارند.

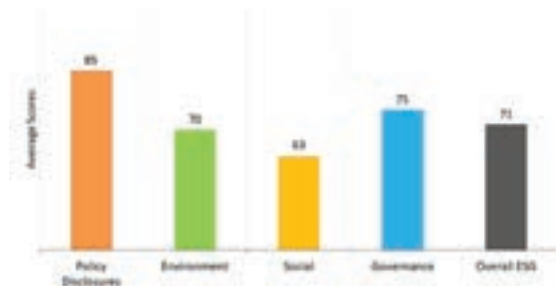
شخصا شاهد بوده ام که تمرکز بر فاکتورهای ESG و رعایت آنها چه تفاوت ها و مزیت های چشمگیری برای یک سازمان یا نهاد ایجاد می کند. به عنوان مثال، با اجرای طرح های ابتکاری برای صرفه جویی در مصرف انرژی در بورس ملی هند، ما موفق شدیم تاثیرات کربن را در دفاتر و ادارات خود تا ۹ هزار تن کاهش دهیم. این اقدامی قاطعانه و جدی بود که بر مسائل زیست محیطی تمرکز داشت. همچنین برای افزایش استفاده از انرژی های پاک، ما یک نیروگاه بادی ۶،۲۵ مگاواتی نصب کردیم.

در همین حال، از طریق بخش CSR (مسئولیت اجتماعی شرکتی) خودمان اقدامات موثری در زمینه گسترش تحصیلات ابتدایی، مراقبت از سالمندان، بهداشت و آب آشامیدنی سالم در مناطق روستایی هند انجام داده ایم.

با همین اعتقاد است که ما از برنامه های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به عنوان صلاحیت اصلی India Inc. (بخش دولتی و شرکتی در هند) دفاع می کنیم.

تقویت ESG

به عنوان امضاکننده طرح ابتکاری بورس های باثبات سازمان ملل متحد و عضو فعال گروه کاری تابآوری WFE (فدراسیون بورس های جهان)، ما بر



سیاست افشاء: به دلیل الزامات قانونی نهادهای ناظر همچون هیأت بورس و اوراق بهادار هند (SEBI)، بیشتر شرکتها از قانون افشای اطلاعات پیروی کردند. در حالی که بسیاری از بازیگران این عرصه، سیاستهای افشاء را درباره کارکنان، ذینفعان، محیط زیست و مسئولیت اجتماعی شرکتی به کار گرفتند، اما تعداد اندکی سیاستهای حمایت عمومی را افشاء کردند. محیط زیست: به شکل قابل توجهی، سازمانها و شرکتهای متعددی از مرز الزامات قانونی در زمینه فعالیتهای زیستمحیطی فراتر رفتهاند. بسیار دلگرمکننده است که همه سازمانها برنامههایی برای توسعه استفاده از انرژیهای نو شوند و پاک در دست اجرا دارند. همچنین بیشتر آنها طرحهای ابتکاری برای جمعآوری آب باران به اجرا درآوردهاند.

به علاوه، ۳۴ شرکت برنامههای زیستمحیطی خود را به کل گروههایشان، سرمایه‌گذاریهای مشترکشان، تأمین‌کنندگان خدماتشان و... تعمیم داده‌اند. بی‌شک این روند، راه را برای ایجاد یک اکوسیستم پویا از شرکتهایی که از نظر زیستمحیطی دارای ثبات و تاب‌آوری هستند، هموار می‌کند. اجتماعی: از میان ۱۲ گروهی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ۳ گروه گزارش دادند که بیش از ۱۰ درصد کارکنان دائمی آنها را زنان تشکیل می‌دهند. این شرکتها خواهان از بین رفتن شکاف جنسیتی هستند. بالاترین میزان مرگومیر در بخش‌های صنایع فلزی و ساخت‌وساز مشاهده شده که نشان‌دهنده اهمیت انجام اقدامات ایمنی برای کارگران است.

حاکمیت شرکتی: همه شرکتها همگام با الزامات و مقررات افشاء SEBI تعداد و شرایط فعالیت روسا، زنان مدیران اجرایی و دیگر اعضای هیأت مدیره را افشاء کرده‌اند. ما شاهد درجه بالایی از شفافیت در زمینه ترکیب و دستمزد مدیران و اعضای هیأت مدیره‌ها بودیم. بسیار اطمینان‌بخش است که تعداد اعضای مستقل در همه کمیته‌های حسابرسی و کمیته‌های انتصاب و تعیین دستمزد، بیش از میزان تعیین‌شده بوده است. با وجود این، کمتر از نیمی از شرکتها اطلاعات دقیقی درباره برنامه‌های آموزش اخلاقی و رفتاری، و برنامه‌های ضد رشوه‌خواری و ضد فساد خود افشاء کرده‌اند. همچنین تعداد کمتری هم سیاستهای خود را در زمینه رسیدگی به شکایات افشاگران (سوت‌زنان بازار که فساد و تقلب را فاش می‌کنند) آشکار کرده‌اند.

تاب‌آوری، تضمین آینده شرکتها

تجمع فاکتورهای ESG در تصمیمات سرمایه‌گذاری و برنامه‌های افشای سازمانها و شرکتها به نقطه‌ای رسیده است که می‌توان آثار آن را مشاهده کرد. در سال‌های آینده، با تبدیل شدن برنامه‌های ESG (زیستمحیطی، اجتماعی، حاکمیتی) به جریان و روند اصلی، India Inc. باید فرصت اجرای برنامه‌های مربوط به تضمین آینده شرکتها را فراهم کند. این برنامه‌ها باید تاب‌آوری بلندمدت را در قانون توجه قرار دهند. هر اقدام مثبت در این زمینه، منافع و مزایای قابل توجهی به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال برای سرمایه‌گذاران، فرصتهای بی‌نظیری جهت تغییر مسیر سرمایه‌گذاری برای تضمین تاب‌آوری را فراهم می‌کند. برای شرکتها و سازمانها هم به طراحی دوباره مدل‌ها و الگوهای رشد و حضور قدرتمندانه‌تر در بازار رقابت یاری می‌رساند.

نشریه فوکوس بررسی می‌کند

چالش‌ها و درس‌های ۲۰۲۰

بازارهای سهام جهان با پشت سر گذاشتن بحرانی بی‌سابقه و اندوختن تجربه‌های فراوان وارد دهه جدید شدند. پس از همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ و گسترش بیماری مرگبار کرونا، در مدت کوتاهی اقتصاد جهان تحت تأثیر قرار گرفت و با توقف یا کاهش فعالیتهای اقتصادی و تجاری، جهان با موج بزرگی از بیکاری روبه‌رو شد. در این میان، بازارهای سهام جهان از اواخر ماه فوریه افت چشمگیر سرمایه را تجربه کردند و ارزش بازار آنها در یک ماه حدود ۳۰ درصد سقوط کرد. هر چند در ادامه شاهد رشد ارزش بازار و رکوردزنی تا پایان سال بودیم. روند حرکت بازارها نشان‌دهنده این است که بورس‌های جهان از این بحران درس‌هایی گرفته‌اند.

نشریه فوکوس در شماره دسامبر ۲۰۲۰ خود با نظرسنجی از برخی بورس‌های جهان، به بررسی چالش‌ها و درس‌های بحران کرونا در این سال پرداخته است که بخش‌هایی از این گزارش را در این نوشتار می‌خوانید.

اجرای تعهدات و تضمین ثبات بازار

ادتیلی، مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره Cboe



Global Markets: تأثیرات اقتصادی و اجتماعی همه‌گیری بیماری کرونا کاملاً روشن است. به عنوان یک گرداننده بورسی، یکی از راه‌های مشارکت Cboe در روند بهبود، اجرای تعهدات به ذینفعان و تضمین ثبات بازار است. در جریان این بحران و بی‌ثباتی، بورس‌ها انعطاف‌پذیری چشمگیری از خود نشان دادند و امکان تبادل نظر بین سرمایه‌گذاران و ارائه دیدگاه‌های آنان درباره مدیریت ریسک را فراهم کردند. این انعطاف‌پذیری مهر تاییدی است بر این نکته که بازارهای مالی، زیرساخت‌های حیاتی برای اقتصاد هستند و مسئولیت ما حفظ آمادگی برای پایش مداوم سیستم‌ها، راه‌اندازی امکانات پشتیبان و تداوم فعالیتهای روزمره‌مان است. در اصل، ماهیت فعالیت Cboe هیچ تغییری نکرده است. ما با اولویت دادن به مردم و همکاری با مشتریان، ناظران و فعالان صنعت برای یافتن راه‌حل، فعالیت‌هایمان را تشدید کردیم.

سال ۲۰۲۰ را نباید سال تغییر بدانیم بلکه به نظر من، سال شتاب گرفتن و اقدامات مثبت بود. یکی از روندهایی که سال گذشته شکل گرفت، عمومیت یافتن معاملات خرد بود. افزایش مشارکت سرمایه‌گذاران خرد به رشد چشمگیر آمار معاملات منجر می‌شود و در حال حاضر، معامله‌گران خرد سهم بزرگی از همه بازارهای سهام را به خود اختصاص داده‌اند. قدرت

دادیم. با این حال، سال ۲۰۲۰ در پیچه تازه‌ای در زمینه ارائه خدمات به روی ما گشود. به زبان ساده، برای ارائه خدمات غیر حضوری و دور کاری بدون توقف روند فعالیت‌ها، ما تجربیات زیادی به دست آوردیم. این موضوع نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری الگوی فعالیت ما و کارایی زیرساخت‌هایی است که در دهه گذشته ایجاد شده‌اند. همه‌گیری کرونا موجب شد تا ۹۰ درصد کارکنان شرکت بورس عربستان بدون آن که خللی در روند فعالیت‌ها به وجود آید، دور کار شوند. بازارها باز بودند و هر روز به فعالیت عادی خود ادامه دادند تا به سرمایه‌گذاران و ناشران اطمینان دهند که بازار سرمایه عملکرد مناسبی دارد.

یکی از درس‌های همه‌گیری کرونا، شناسایی تغییر رفتار سرمایه‌گذاران بود. گرچه در دوره همه‌گیری بیماری کرونا، مردم از میزان هزینه‌های خود کاستند و کاهش فعالیت‌های اقتصادی هم تاثیر منفی شدیدی بر میزان درآمد و سود شرکت‌ها بر جا گذاشت، اما در همین مدت توجه سرمایه‌گذاران خرد به مدیریت پس‌اندازهایشان بیش از پیش افزایش یافت. نه تنها در کشور عربستان یا خاورمیانه، بلکه در اقتصادهای بزرگ نیز ما شاهد بازگشت سرمایه‌گذاران خرد به بازارها بودیم. معنای این وضع، افزایش حجم معاملات خرد در بازارهای سهام بود. به بیان دیگر، نه تنها پس‌اندازهای بیشتری در دسترس بود بلکه سرمایه‌گذاران زمان بیشتری برای کشف فرصت‌ها و انتخاب و تصمیم‌گیری داشتند.

موضوع دیگری که به نظر من می‌رسد، افزایش پذیرش راهبردهای سرمایه‌گذاری ESG (زیست‌محیطی، اجتماعی، حاکمیت شرکتی) در سال گذشته است.

افزایش آگاهی نسبت به تاثیرات زیست‌محیطی کووید ۱۹ و زبان‌های اقتصادی و اجتماعی آن (که ممکن است تا سالین سال با ما باقی بماند)، سرمایه‌گذاران نهادی، ارائه‌کنندگان خدمات و بورس‌ها را به اجرای برنامه ESG ترغیب کرده است. به نظر من، این بزرگترین و ماندگارترین تغییری است که باید بپذیریم و از آن حمایت کنیم.

بزرگترین چالش تیم رهبری بورس عربستان در شرایط بحرانی همه‌گیری کرونا، اتخاذ رویکرد مناسب برای حفظ انگیزه فعالیت گروه‌های اجرایی و تجاری بود. در شرایط عادی، به دلیل حضور فیزیکی کارکنان و مشاهده رفتارها، کار مدیران راحت‌تر است. اما در شرایطی که تنها ابزار ارتباطی، یک تلفن یا کنفرانس ویدئویی است، فعالیت بسیار دشوار می‌شود. دسترسی به تک تک افراد تیم در چنین شرایطی به موضوعی مهم تبدیل می‌شود. یکی دیگر از چالش‌هایی که در دوران کرونا و دور کاری بروز کرد، دشواری تمایز قائل شدن بین افراد تیم که در تعطیلات به سر می‌برند با کارکنانی است که دور کار هستند. در شرایط عادی، حضور فیزیکی به معنای مشغول بودن به فعالیت روزمره است و غیبت به معنای در مرخصی بودن. در دوره بیماری کرونا که تعداد زیادی از کارکنان دور کار بودند، این تمایز دیگر کاربرد نداشت.

از نقطه‌نظر اقتصاد کلان، سال ۲۰۲۱ را سال بهبود و بازیابی خواهد بود. امسال از تاثیرات کووید ۱۹ بر اقتصاد جهان کاسته خواهد شد. به نظر من دو بخشی که در طول دوره همه‌گیری کرونا عملکرد بسیار خوبی داشتند، بخش مالی و فناوری بود. حل مسائل کلیدی و چالش‌هایی که به عنوان یک صنعت با آنها مواجه خواهیم شد، به توانایی ما در بهبود و سهم هر یک از ما در این روند بستگی دارد. به دلیل این بحران، برخی شرکت‌ها ورشکست شده یا خواهند شد، بعضی هم به دلیل عملکرد ضعیف از گردونه صنعت حذف خواهند شد. اما برخی شرکت‌ها که از شرایط بهتری برخوردارند، به فعالیت خود ادامه خواهند داد. در زمینه بهبود و بازیابی توان پیشین، بخش بانکی و دولت رقیب ما به شمار می‌روند. بنابراین باید مطمئن شویم که نقش بورس‌ها به عنوان بستر جذب سرمایه مورد تایید و حمایت قرار خواهد گرفت.

روزافزون نسل بعدی سرمایه‌گذاران خرد انکارناپذیر است و Cboe از طریق نوآوری در محصولات، اطلاع‌رسانی به موقع و ارائه بهترین آموزش‌ها، آمادگی کاملی برای خدمت‌رسانی به این مشتریان جدید را دارد. اوراق و قراردادهای کوچک Cboe از محبوبیت زیادی برخوردار هستند و ما در نظر داریم در مجموعه اختصاصی محصولات خود برای سال ۲۰۲۱ قراردادهای کوچکتری بگنجانیم. از آنجا که آموزش برای موفقیت هر محصول جدیدی یک ضرورت به شمار می‌رود، برای آشنایی معامله‌گران تازه‌وارد با بازار و محصولات متنوع قبل از انجام معاملات، ما برنامه‌های آموزشی خود را تقویت کرده‌ایم. پیش‌بینی من این است که رشد معاملات خرد در سال ۲۰۲۱ ادامه خواهد یافت و به روند غالب در این سال تبدیل خواهد شد.

موضوع دیگری که همه‌گیری کرونا آشکار کرد، قدرت ارتباط بین بورس و مقام ناظر بود. در جریان بی‌ثباتی بازار در ماه مارس، پاسخگویی و حساسیت و انعطاف‌پذیری مقام‌های ناظر آمریکا قابل توجه بود. آنها در زمان قرنطینه همکاری نزدیکی با بورس‌ها داشتند تا ادامه فعالیت بازارها در زمانی که نیاز حیاتی به سرمایه‌گذاران وجود داشت، تضمین شود. در این زمینه، شفافیت موضوع بسیار مهمی بود، نه تنها به این دلیل که به بورس‌ها امکان می‌داد تا به سرعت تغییرات را اعمال کنند، بلکه در ایجاد آرامش در بازارهای سرمایه ما نیز اثرگذار بود. امیدوارم این روح همکاری به عنوان یک مثال خوب از چگونگی همکاری فعالانه بین بورس‌ها و مقام‌های ناظر تداوم یابد. ما باید بر نیازهای اصلی و ضروری همه سرمایه‌گذاران، خواه کوچک یا بزرگ، تمرکز کنیم.

در دنیای بی‌ثبات امروز که همه چیز به سرعت تغییر می‌کند، چابکی و چالاکی به امری حیاتی تبدیل شده است. بنابراین ما تلاش می‌کنیم تا انعطاف‌پذیری و سرعت عمل را در همه فعالیت‌هایمان داشته باشیم. همچنین می‌کوشیم خود را با نیازهای متغیر سرمایه‌گذاران سازگار کنیم. با وجود چالش‌های دور کاری، در سال ۲۰۲۰ Cboe خریدهای راهبردی موفق داشته است. ما به دنبال فعالیت‌های مکمل کسب و کارمان هستیم، فعالیت‌هایی که کمک می‌کنند در روند معاملات دسترسی سریع‌تری به مشتری داشته باشیم یا اطلاعات مورد نیاز پس از معاملات را بهتر ارائه کنیم. ما همچنین به دنبال فرصت‌های گسترش فعالیت، ابزارهای معاملاتی، دارایی‌ها و توسعه جهانی هستیم. Cboe در حال بازتعریف روند فعالیت و چگونگی ارائه خدمات از طریق فناوری پیشرفته خود است. ما سه شرکت تحلیلگر داده‌ها را خریداری کردیم تا برای توسعه بخش معاملات سهام آمریکای شمالی Cboe و آماده‌سازی بخش معاملات مشتقه در اروپا، به عنوان بازوی کمکی و تقویتی شرکت عمل کنند. احساس می‌کنم که در سال ۲۰۲۱ به موفقیت‌های بیشتری دست یابیم.

درباره درس‌ها و تجربه‌هایی که در سال گذشته کسب کردیم، باید بگویم، به سرعت عمل کل تیم Cboe در هماهنگی و انجام فعالیت‌ها به صورت دور کاری افتخار می‌کنم. تلاش مجموعه‌های وابسته در سازگاری سریع با شرایط پرچالش اوایل همه‌گیری کرونا نیز بسیار تاثیرگذار بود. سال گذشته، بیش از هر چیز به اهمیت ارتباط پی‌بردم. در این مدت، برای ارتباط و تعامل مداوم با افراد مختلف (از تالار معاملات مجازی تا کارکنان) درس‌های زیادی گرفتم. ارتباط مداوم، رمز موفقیت در ایجاد انگیزه و آماده‌سازی کل مجموعه Cboe در جریان بحران همه‌گیری بیماری کرونا بود.

انعطاف‌پذیری الگوهای فعالیت

خالد الحصان، مدیرعامل بورس عربستان سعودی: سال گذشته بنیان‌های فعالیت ما شاهد تغییر خاصی نبودند. ما به فعالیت خود در زمینه افزایش سرمایه شرکت‌ها و حمایت از سرمایه‌گذاران برای یافتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید ادامه



راهاندازی برنامه نشست عمومی مجازی



سوکراتس لازاریدیس، مدیرعامل بورس آتن: از

زمانی که سازمان جهانی بهداشت رسماً همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ را در ماه مارس اعلام کرد و در واکنش به آن، سیاست قرنطینه گسترده برای جلوگیری از انتشار ویروس در پیش گرفته شد،

تضمین فعالیت بدون وقفه بازار و ایمنی و سلامت کارکنان به مشغله فکری و کانون توجه ما تبدیل شد. در این راستا، خدمات مبتنی بر وب را برای کارکنان مجموعه راهاندازی کردیم تا دسترسی آنها و مشتریان‌شان به بازار امکان‌پذیر شود. در همین شرایط، انجام بیشتر فعالیت‌ها را به صورت دورکاری درآوردیم. از سویی، دورکاری کارکنان نیز مستلزم ایجاد مهارت‌ها و عادت‌های جدید برای اطمینان از تخصیص کارآمد منابع و حفظ روند عادی فعالیت‌ها بود. در سال ۲۰۲۰ ما فرصتی پیدا کردیم تا با برگزاری نشست مجازی Axia خدمات مرتبط با دستورالعمل حقوق سهامداران (موسوم به SDR II) را راهاندازی کنیم.

برآوردهای اقتصادی نشان می‌دهند که یونان یکی از کشورهایی است که به دلیل توقف فعالیت صنعت توریسم بیشترین آسیب را از همه‌گیری بیماری کرونا متحمل خواهد شد. در نتیجه، پیرو وخامت اوضاع اقتصادی، بازار مالی نیز با کاهش ارزش روبه‌رو می‌شود. رشد بخش بانکداری که از نظر تاریخی وزنه اصلی برای عملکرد شاخص بوده، تکرر می‌شده و به پایین‌ترین سطوح در چند دهه گذشته رسیده است. در این مدت، با وجود حضور گسترده سرمایه‌گذاران، کاهش سرمایه ورودی به بازار موجب کاهش حجم معاملات شده است. البته به دلیل ماهیت خبرمحور بازارها، سطح نوسان‌ها و بی‌ثباتی‌ها در سال ۲۰۲۰ متغیر بوده است.

بروز وقفه در فعالیت‌های روزمره ما موجب شد تا برای ادامه فعالیت به استفاده از ابزارهای جدید روی آوریم. سرعت و میزان پذیرش ابزارهای جدید ارتباط مستقیم با دانش دیجیتال دارد. آنان که گام به گام به محصولات و تحولات حوزه فناوری جלו آمده و از دانش روز در این زمینه برخوردار بوده‌اند، سریع‌تر از دیگران توانستند با شرایط تطابق پیدا کنند. یکی از این ابزارها، دورکاری و فعالیت بر بستر فضای مجازی بود.

بر این اساس، ما هم از روش دورکاری استفاده کردیم. از نظر ما، این موضوع اهمیت آموزش مداوم و معرفی پیشرفت‌های جدید در حوزه فناوری در محیط کار را برجسته می‌کند. البته در این مرحله نباید اهمیت افزایش آگاهی کارکنان نسبت به امنیت سایبری را نادیده گرفت. با توجه به تغییراتی که در سال ۲۰۲۰ شاهد بودیم، معتقدم نشست‌های مجازی بین کارکنان شرکت‌ها و بین مدیران شرکت‌های مختلف در دوره پس از همه‌گیری کرونا نیز ادامه خواهد یافت. نشست‌های مجازی نشان دادند که ابزاری کارآمد هستند، بنابراین ضرورت انجام سفرهای تجاری برای دیدار با همتایان و دینفعان رفع شده است.

تیم رهبری ما در ترکیب کنونی خود نسبتاً جدید است و اعضای گروه از زمان بهسازی سازمانی که اواخر سال ۲۰۱۹ انجام شد، در کنار هم قرار گرفته‌اند. تلاش گروه برای ایجاد تحول و پیشرفت همچنان ادامه دارد.

نیاز به این تلاش به ویژه در دوره‌های بحرانی (همچون امروز) بیش از پیش افزایش یافته است. در یک سال گذشته، حفظ روحیه و انگیزه کارکنان در حالی که حدود ۸۰ درصد فعالیت‌ها به صورت دورکاری انجام می‌شد، نیازمند تلاش مضاعفی بود. به علاوه، اقدام به چنین تغییری مستلزم تعهد کامل همه کارکنان بود.

در این مدت، ما با سرلوحه قرار دادن این جمله معروف انیشتین که گفته «در دل هر بحران، فرصتی نهفته است»، کارها را پیش بردیم و موفق شدیم با راهاندازی یک خدمت جدید، برنامه نشست عمومی مجازی را ارائه کنیم. در حالی که ضرورت دیدارهای حضوری به دلیل محدودیت‌های بهداشتی،

ممنوع بود، اجرای این برنامه موفق دستاوردهای زیادی به همراه داشت. یکی از سخت‌ترین لحظات کاری در سال گذشته، زمانی بود که تست کرونا تعدادی از کارکنان مثبت شد. بنابراین، برنامه مقابله گسترده با شیوع کرونا در مجموعه (کارکنان، همکاران و...) در دستور کار قرار گرفت. با در نظر گرفتن این که جهان به آخرین مراحل همه‌گیری کرونا رسیده و با اجرای اقدامات موثر، ریسک‌های بهداشتی را تا حد زیادی خنثی شده‌اند، بر این باوریم که به زودی شاهد افزایش فعالیت بازارهای سهام و اوراق (به ویژه در یونان) خواهیم بود.

حمایت دولت و بانک مرکزی

مارک پترسون، مدیرعامل بورس نیویورک:



بی‌ثباتی جهانی و نرخ‌های بهره نازل موجب شد تا حجم معاملات به رکوردهای جدیدی دست پیدا کند. تا ژوئن ۲۰۲۰ تعداد معاملات در بورس نیویورک کل معاملات سال ۲۰۱۹ را پوشش داد و تا اوایل سپتامبر هم از رکوردهای سال ۲۰۱۹ عبور کرد. مجموع معاملات مشتریان در این دوره زمانی تقریباً مطابق میانگین‌های تاریخی بود و معاملات و خرد و الگوریتمی به ترتیب ۱۸ درصد و ۲۲ درصد ارزش معاملات را به خود اختصاص دادند. این وضع بسیار امیدبخش است چون نشان می‌دهد رشد بازار تنها محدود به سرمایه‌گذاران نهادی نبوده بلکه کل بازار را شامل می‌شود.

گرچه در مقایسه با آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر، نیویورک در زمینه تأثیرپذیری از همه‌گیری کرونا و پیامدهای اقتصادی آن از وضع مطلوب‌تری برخوردار بوده اما این موجب نشد تا اهمیت «پول نقد و آماده» برای کسب‌وکارهای کشور غافل باشیم. شوک اقتصادی ناشی از همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ و محدودیت سفرهای بین‌المللی نیاز فوری به جریان نقدینگی را برای شرکت‌های بورسی به وجود آورد. جذب ۵ میلیارد دلار نیویورک در سه ماه دوم ۲۰۲۰، میزان سرمایه وارد شده به بازار طی ماه‌های نخست پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ را تحت‌الشعاع قرار داد. بدون شک دستیابی به این سرمایه موجب شد تا مشاغل زیادی در نیویورک نجات پیدا کنند و تأثیر شوک اقتصادی ناشی از همه‌گیری بیماری کرونا تا حد زیادی کاهش یافت.

این همه‌گیری نشان‌دهنده اهمیت شرکت‌های بورسی و بازار سهام برای نیویورک است، نه تنها به دلیل حمایت از کسب‌وکارهای کشور بلکه به خاطر ارائه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد نیویورک برای همه سرمایه‌گذاران نیز اهمیت دارد. این دو مزیت اثبات‌شده نشانگر وجود فرصت‌های بی‌نظیر برای توسعه شرکت‌های بورسی جهت حمایت از رشد اقتصادی نیویورک در بلندمدت است. اینجا همان نقطه‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. آنچه بیماری کرونا به ما آموخت، بسیار مهم بود. ما اهمیت اتخاذ تصمیم‌های سخت در کمترین زمان ممکن را دریافتیم. تصمیم‌هایی همچون اعمال قرنطینه برای مردم، کسب‌وکارها و اقتصادمان در حالی که دیگر نقاط جهان با زبان‌های اقتصادی روبه‌رو شده بودند، از این دست بود. در این مدت، بخش مالی نیویورک (شامل بازارهای سرمایه) از اقدامات و خدمات مالی دولت و بانک مرکزی بهره‌مند شدند.

سال ۲۰۲۰ نشان داد، برای شرکت‌های خصوصی که به دنبال سرمایه هستند، فرصت‌های بزرگی در بازار سهام وجود دارد. گزارش بازارهای سرمایه ۲۰۲۹، از وجود نزدیک به ۱۲۰۰ شرکت خصوصی با درآمد سالانه بیش از ۳۰ میلیون دلار در نیویورک خبر می‌دهد. این شرکت‌ها، کارفرمایان مهم و از عوامل اصلی اشتغال‌زایی در نیویورک به شمار می‌روند. در حال حاضر، ما بر توصیه‌ها، پیشنهادها و راهکارهای این گزارش برای توسعه و پیشرفت اقتصاد نیویورک متمرکز شده‌ایم.



ارزش پول ملی در کشورهای جنگ‌زده ثابت مانده است

نباید خجالت بکشیم؟!!

۲۱

۲۵

کرونا و
اقتصاد جهانی



۲۴

چک سفید مجلس
به دولت



۲۳

شرایط سیاسی
و اقتصادی برای
فروش نفت مهیا شود



بودجه در ایران هیچ‌گاه صددرد به اجرا در نیامده است بنابراین عدد بودجه مقداری بالا یا پایین باشد اصلاً قابل توجه نیست، مسئله اصلی خط‌مشی بودجه است که باید حائز اهمیت باشد. از آنجا که تهیه بودجه هزینه‌بر است و به طور کامل هم اجرا نمی‌شود دیگر چه لزومی داشت که مجلس بودجه ۱۴۰۰ را به دولت برگرداند؟ همان بهتر که در کمیسیون بودجه مجلس کلیت بودجه به شرط اصلاح برخی از موارد از طرف دولت به تصویب رسید. کار مجلس عاقلانه بوده که با دولت مدارا و بودجه ۱۴۰۰ را تصویب کرده است.

در حقیقت، دولت یازدهم در برجام سرشان به سنگ خورد و جایگزینی هم برای به دست آوردن آبروی رفته خود نداشتند پس بحث بودجه بدون اتکا به نفت را مطرح کرده‌اند در صورتی که بودجه ۱۴۰۰ کاملاً متکی به استقراض است. استقراض از مردم به وسیله تورم، استقراض از بانک مرکزی با بالا بردن پایه پولی، استقراض از بانک‌ها با ایجاد بدهی برای بانک‌ها به خصوص با اوراق مشارکت و فروش اوراق مالی. این بودجه قطعاً بودجه خوب تعریف نمی‌شود. بعد از تصویب بودجه، رئیس جمهوری در نامه‌ای اعلام کرد دولت به جای نفت، اوراق مالی بیشتری به فروش می‌رساند که این یعنی استقراض بیشتر. البته رئیس جمهوری وعده دیگری هم مبنی بر اینکه در موقع تخصیص، برخی از ردیف‌ها را طبق نظر مجلس جابه‌جا خواهند کرد، دادند. این سخنان نشان می‌دهد شرایط خط و مشی بودجه که مهمتر از عدد بودجه است، بدتر شده است. این یعنی باید در بودجه، تعادل‌های منطقه‌ای و بخشی، عدالت و رفاه اجتماعی و تأمین و توازن اجتماعی رعایت شود، زیرا در نظام اسلامی دولت حکم کفیل مردم را دارد و باید با بودجه جامعه را سرپرستی کند.

در این راستا، وقتی دولت وظایف فعالیت‌های عمومی خود را در برابر جامعه به خوبی انجام دهد قطعاً برای انجام آن باید از مردم مالیات اخذ کند. به این دلیل بودجه باید متکی به مالیات باشد. بودجه اکثر کشورهای پیشرفته هم متکی به مالیات است به گونه‌ای که به طعنه می‌گویند "اگر در اروپا عطسه کنید، باید مالیاتش را پرداخت کنید" اما در کشور ما فرار مالیاتی به شدت بالاست. از آنجا که بودجه هر کشوری بسیار مهم است قطعاً تدوین بودجه در کشور ما نیازمند چند تحول بزرگ است.

در ابتدا باید دولت متکی به یک سامانه یکپارچه اطلاعات حساب‌های تراکنش‌ها از عوامل اقتصادی باشد تا با رصد گردش مالی آنها بتواند مالیات درستی دریافت کند. همچنین اصلاح ابزارهای اخذ مالیات، جلوگیری از فرار مالیاتی، توزیع عادلانه مالیات، گسترش پایه‌های مالیاتی است که باید این اتفاقات در بودجه رخ دهد تا یک بودجه کارآمد، موثر و متناسب با شأن جمهوری اسلامی تدوین شود.

البته اجرای این بندها می‌تواند از همین دولت هم آغاز شود زیرا پست و وظایف دولتی همیشه برقرار است فقط امانت اجرای آن از یک دولت به یک دولت دیگر منتقل خواهد شد. نباید با تغییر یک رئیس جمهوری، راهبردهای کشور تغییر کند. در راهبرد و استراتژیک نباید اختلافی وجود داشته باشد. اجرای وظایف دولت براساس سیاست‌های کلی نظام مسئله‌ای استراتژیک است بنابراین فردا برای شروع اصلاحات در بودجه دیر است، اما این دولت این کاره نیست زیرا مردم به دولت اعتماد ندارند و تاکنون هرچه گفته خلاف آن به نتیجه رسیده است. امیدواریم در دولت‌های بعدی بودجه‌ریزی یک امر مهم در کشور تلقی شود.



کار عاقلانه مجلس در مدارا با دولت



عبدالمجید شیخی
اقتصاددان و استاد دانشگاه

ارزش پول ملی در کشورهای جنگ‌زده ثابت مانده است

نباید خجالت بکشیم؟!!

کاری که دولت انجام می‌دهد؛
کاهش ارزش پول مردم از نظر شرعی حرام است

کرونا از یک سو و از سوی دیگر، گرانی و ضعف مدیریت باعث شده تا مشکلات اقتصادی مردم هر روز بیشتر و بیشتر شود؛ اقدامی هم از طرف دولت برای حل آن صورت نمی‌گیرد به گونه‌ای که مراجع تقلید هم به آن اشاره و وضعیت اقتصاد و معیشت مردم را نگران‌کننده توصیف کرده‌اند. غلامرضا مصباحی مقدم، نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار هم در این خصوص عنوان می‌کند که تا پایان فعالیت دولت دوازدهم چند ماهی فرصت باقی است که به نظر اگر مهمترین رسالت دولت در چندماه پیش رو با توجه به بی‌ثباتی قیمت‌ها، مدیریت بازار و کنترل قیمت‌ها باشد، بهتر است.



مینا هرمزی
خبرنگار

■ یکی از راه‌هایی که بتواند فاصله این دهک‌ها را کم و درآمدهای نامساوی را تعدیل کند، چیست؟

اخذ مالیات. اگر مالیات‌ها بر عایدی سرمایه و به تناسب با ثروت نباشد، ثروتمندان برنده هستند و بازنده کسانی هستند که چنین ثروت‌هایی را ندارند و نتیجه اینکه شکاف فقر و ثروت مرتباً افزایش پیدا می‌کند. اینکه قیمت‌ها همیشه بی‌ثبات است و مردم دائماً در عذابند، از آثار تورم است. الان دیگر به گونه‌ای شده که قیمت‌ها حتی روزانه دستخوش نوسان می‌شود. البته نمی‌توان گفت که این تورم مربوط به این دولت است بلکه مربوط به همه دولت‌هاست که تا به امروز روی هم انباشته شده است. این موجب شده که بودجه دولت، دائماً دچار کسری و دولت به شدت بدهکار باشد. طبق آخرین آمار سال گذشته، دولت ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک مرکزی، بانک‌ها، پیمانکاران، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بیمه و امثال این موارد دارد. الان بودجه سال آینده را ۸۴۰۰ میلیارد تومان پیش‌بینی کرده‌اند بنابراین بالاتر از مجموع بودجه عمومی کشور، بدهی دولت به سازمان‌های مختلف است.

■ این زنجیره اشتباه بودجه‌ریزی از کدام بودجه باید اصلاح شود، آیا زمان مناسبی است که از همین

با درآمدهای از درون سیستم تأمین شود یعنی بودجه باید با مالیات اداره در غیر این صورت باید از راه دیگر مثل استقراض ملی، استقراض خارجی و گاهی استقراض از بانک مرکزی جبران شود. در یک کلام ریشه بسیار مهم بیماری اقتصادی کشور ما رشد نقدینگی است. نقدینگی از سال ۱۳۵۰ تاکنون ۲۵ هزار برابر شده است در حالی که رشد نقدینگی باید با رشد تولید ملی همخوان باشد.

اگر رشد تولید سالانه ۵ درصد باشد رشد نقدینگی هم باید ۵ درصد باشد. در ۴۰ سال گذشته تاکنون رشد نقدینگی ما همواره بالای ۲۰ درصد بوده و گاهی هم به ۳۸ درصد رسیده است. این رشد نقدینگی منشأی اساسی تورم در کشور است که ساختارهای اقتصادی را بهم می‌ریزد و منابع به جای آنکه به سمت تولید برود به واسطه گری، دلالتی و واردات می‌رود و رانت ظهور می‌کند.

از طرف دیگر حقوق بگیران و صاحبان درآمد ثابت را دائماً دچار فقر و کمبود درآمد کرده و درآمد حقیقی آنها را کاهش می‌دهد، بنابراین پله پله این طبقه دچار فقر بیشتر می‌شوند و در مقابل توزیع درآمد به نفع صاحبان مستغلات و کارخانه‌ها می‌شود و شکاف غنا و فقر به وجود می‌آید. به گونه‌ای که الان ۳ دهک بسیار ثروتمند داریم و ۷ دهک یا نزدیک خط فقر و یا زیر خط فقر هستند.

■ مشکلات اقتصادی باعث کوچک شدن سفره‌ها شده، به گونه‌ای که کودکان هم آن را درک و به زبان می‌آورند. آیا این مشکلات تنها از عدم مدیریت دولت در این دوره بوده یا عدم مدیریت در دولت‌های گذشته هم سبب این مشکلات شده است؟

مشکلات اقتصادی ما، هم انباشت از دوره‌های گذشته است و هم ناشی از اتفاقاتی است که در دو دوره اخیر دولت حاضر رخ داده است. البته اینگونه نیست که ما را بن بست روبرو کرده باشد، همه این مشکلات راه حل دارد منتهی به شرط و شروطها. در وهله اول نیازمند روی کارآمدن افرادی دانا و توانا هستیم که علاوه بر این صبر و تحمل قابل توجهی هم نیاز است تا تغییرات و تحولات ساختاری در اقتصاد کشور پدید آید. اما در تفسیر ماجرا باید بگوییم که از سال ۱۳۵۰ از زمانی که پول ملی ما از وابستگی به طلا خارج شد، تغییراتی در اقتصاد رخ داد و علاوه بر این مسئله اتکا به درآمد نفت در بودجه عمومی همه دولت‌ها موجب شده که دچار رشد نقدینگی به صورت بی حساب و بی رویه شویم. اتکا به نفت منشأی رشد نقدینگی شده زیرا قیمت نفت در اختیار بازارهای جهانی است. از نظر اقتصادی وابستگی بودجه به نفت خود به معنای کسری بودجه است چون بودجه باید

بودجه آخر که بسیار هم حرف و حدیث با خود دارد، این اصلاح آغاز شود؟

خیر، چون از عمر این دولت چندماه بیشتر نمانده و تاکنون هم هنری از خود نشان نداده که بتواند در مقابل مشکلات ساختاری، اقدامی کند و کلاً نسبت به این دولت حتماً در حل مشکلات ساختاری ناامیدیم. این دولت جدای اینکه وارث مشکلات انباشته شده گذشته است خود هم یک دولت ناکارآمد است. دولتی که نتوانسته مشکلات ساختاری را حل کند بلکه به آن افزوده است، بنابراین عاملی که خود عاملی پدید آمدن مشکل است نمی تواند عامل حل مشکل باشد.

■ فکر می کنید مشکلات اقتصادی قابل حل است یا حل مشکلات از دست خارج شده است؟

قطعاً نه می گویم قابل حل است و می توانیم مشکلات خود را حل کنیم. همانطور که گفتیم کلید حل مشکلات، ساختار بودجه دولت است. رهبر معظم انقلاب هم به این مسئله چندبار تأکید کردند و دو سال و نیم قبل هم خواستار اصلاح ساختار بودجه شده اند. در این راستا سازمان مربوط اعلام کرد که اقدام به اصلاح ساختار می کنیم، ولی نکردند.

اینکه می گویم این دولت نمی تواند مثال روشنش این است. اما اصلاح ساختار به چه معناست؟ یکی اینکه باید درآمد نفت از بودجه عمومی کشور خارج شود. در برنامه سوم، چهارم و پنجم سیاستگذاری شده بود که اتکای بودجه جاری به نفت به صفر برسد ولی هیچوقت نرسید. براساس رهنمودهای رهبر معظم سیاستگذاری شد که اتکای بودجه به نفت اعم از جاری و عمرانی در برنامه ششم به صفر برسد که الان هم سال های آخر برنامه ششم را می گذرانیم که باز این اتفاق رخ نداده است.

حالا دولت می گوید ما اتکای بودجه را به نفت کاهش داده ایم در حالی که در بودجه سال آینده اتکا به درآمد نفت از ۱۰ درصد به ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده است.

■ چگونه می توان اتکا به درآمد نفت را در کشوری که همیشه بودجه آن متکی به نفت بوده، به صفر رساند؟

عجول نیستیم که بگویم باید یک ساله این کار انجام شود، گرچه معتقدم شدنی است، اما این کار نیازمند هنر مدیریتی است. می توانیم در ۲ تا ۴ سال وابستگی بودجه به نفت را به صفر برسانیم. قطور در سال جاری اتکا به نفت ۱۰ درصد بود؟ سال آینده این را به ۸ درصد

برسانیم و سال بعد ۶ درصد و... تا در ۵ سال آینده اتکا به نفت به صفر برسد.

باید بگویم که در بودجه امسال قطعاً مجلس می تواند نقش مهمی داشته باشد، اگر مجلس بر مقدار بودجه نیفزاید، هنر کرده و اگر بتواند حجم بودجه را کم کند کار مهمی انجام داده است. زیرا ۴۷ درصد نسبت به بودجه سال جاری رشد دارد. حداقل رشد بودجه را به اندازه تورم رشد دهند نه بیشتر، زیرا این کار خود منشای کاهش کسری بودجه می شود و بعد برای جبران باید درآمدهای مالیاتی افزایش پیدا کند. درآمدهای مالیاتی هم نیاز به اصلاح دارد. الان یک نوع مالیات برارزش افزوده داریم که اجرای آن هم قابل قبول نیست. مالیات بر ارزش افزوده باید از کالاهای لوکس گرفته شود که مصرف کننده آن خانواده های متوسط به بالای جامعه هستند و نفع ناشی از این مالیات هم باید برای خانواده های زیرمتوسط باشد اما اینگونه نیست. یکی دیگر از مالیات ها، مالیات بر عایدی سرمایه است که این مالیات جلوی دلالت های بی معنا را می گیرد و پول را به سمت تولید روانه می کند. اگر از امسال مجلس این نوع مالیات را تصویب کند، به طور یقین بخش دلالتی جامعه کاهش پیدا می کند که کار بزرگی در اقتصاد به حساب می آید.

همچنین آزادسازی قیمت ها هم در اقتصاد مهم است. به گونه ای که می گویند قیمت ها در اقتصاد به تولیدکننده، مصرف کننده، واردکننده و صادرکننده علامت می دهد اما الان قیمت ها در کشور ما درست علامت نمی دهند و دستوری تعیین می شوند. قیمت انرژی در کشور ما بی معناست که در نتیجه کشوری بسیار پرمصرف انرژی هستیم. بنابراین قیمت ها باید آزاد شوند. اما البته و صد البته که تمام خانوارهای زیر متوسط جامعه باید تحت پوشش حمایتی در حد کامل رفع فقر قرار بگیرند.

■ نرخ ارز یکی از اثرگذارترین موضوعات در اقتصاد است که چند نرخی بودن آن همیشه مشکل ساز بوده، اکنون دولت هم

در بودجه خود تنوع نرخ ارز دارد، چه تفسیری برای آن وجود دارد؟

چند نرخی بودن قیمت ارز هم نوعی یارانه است، مگر مصرف کننده ارز در کشور ما خانواده های محروم جامعه هستند، نه مصرف کننده ارز واردکننده و سفرکننده به خارج است. چرا باید گروهی فقط از این یارانه برخوردار باشند. در مرحله اول باید جلوی تورم گرفته شود و نباید جهش های هر چند سال قیمت ارز در کشور وجود داشته باشد. باید

ارزش پول ملی ثابت بماند. کاهش ارزش پول مردم، با بالا بردن رشد نقدینگی اقدامی است که دولت انجام می دهد که این اقدام از نظر شرعی حرام است. علاوه بر این دولت ضامن کاهش قدرت خرید مردم است. پس باید از این عیب بزرگ پرهیز کرد.

بنابراین اگر دولت بتواند جلوی رشد قیمت ها را بگیرد یعنی ارزش پول ملی به ثبات می رسد. من ۳ کشور نزدیک ایران را مثال می زنم؛ در کشورهای عراق، افغانستان و سوریه که در این مدتی که ارزش پول ملی ما روند کاهشی داشته ارزش پول این کشورها ثابت بوده است. نباید خجالت بکشیم؟ عراق، سوریه و افغانستان در جنگ هستند اما ارزش پول این کشورها همچنان ثابت است. این کشورها چه کاری انجام داده اند؟ این کشورها جلوی کسری بودجه شان را گرفته اند.

■ قطعاً حل مشکلات عزم جدی سه قوا را با هم می خواهد؟

بله، اما اراده اصلی برای حل مشکلات از آن دولت است. چون دولت لایحه بودجه و اصلاح قیمت ها را ارائه می دهد. الان آقای نوبخت اعلام می کند که در سال آینده اصلاح قیمت های حامل های انرژی را نخواهیم داشت. این به ملت ما خدمت است؟ نه من این را خدمت نمی دانم. نتیجه این حرف یعنی مصرف بیش از اندازه انرژی با ثبات قیمت ها، قاچاق هم بسیار زیاد خواهد شد.

فردی از بندر گناوه با من تماس گرفت و گفت ۳ هزار موتور لنج، گازوئیل برای حمل کلم می زنند، اما کلم ها را در دریا تخلیه می کنند و بعد گازوئیل خود را به کشتی ها می فروشند. آخر این کاسبی است؟ همه اقتصاد به هم پیوسته است و کلیدی ترین عاملی که می تواند اقتصاد را اصلاح کند دولت است.

مجلس ها یکی پس از دیگری می آیند و می روند و دولت است که اینها را مدیریت می کند. حال اگر تعدادی نخیه هم در مجلسی حضور داشته باشند و بخواهند ریل گذاری کنند، اینجا دولت است که مقاومت می کند. مثال روشنش هم این است که این مجلس می خواست یارانه ای را برای ۶۰ میلیون نفر در نظر بگیرد که دولت گفت بودجه نداریم که پرداخت کنیم و شورای نگهبان هم لایحه را رد کرد. تمام شد، دیگر مجلس دستش خالی خالی شد.

بعد دولت متعاقباً خودش شروع کرد به پرداخت یارانه و مجلس گفت از کجا تأمین می کنید؟ گفت من منبع این یارانه را دارم، خب اگر دولت این منابع را دارد چرا با طرح مجلس موافقت نکرد؟ پس قدرت، اول دست



شرایط سیاسی و اقتصادی برای فروش نفت مهیا شود



نرسی قربان
تحلیلگر بازار نفت

یکی از اشکالات اساسی بودجه ۱۴۰۰ کشور، سهم بالای درآمدهای نفت در تأمین منابع بودجه است. البته دولت‌ها از ۵۰ سال گذشته تاکنون همیشه بودجه را اتکا به نفت بسته‌اند و فقط معطوف به این دولت نیست.

هرچند درستش این است که دولت‌ها بودجه بدون اتکا به نفت تدوین کنند که البته این نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق در این زمینه است. اتکای بودجه ۱۴۰۰ به فروش ۲/۳ میلیون بشکه نفت در سال آینده موضوع بحث بسیاری از کارشناسان بود که کمیسیون تلفیق بودجه مجلس هم در اصلاحیه‌ای این سقف فروش را تا ۱/۵ میلیون بشکه در روز به منظور واقع بینانه‌تر بودن این امر کاهش داد. اما باید توجه شود قبل از اینکه برجام امضا شود، تحریم‌ها فروش نفت ایران را کم کرده بودند، اما بعد از امضای برجام، زودتر از آن چیزی که کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند، توانستیم مجدد تولید نفت را بالا ببریم و صادرات نفت را به میزان قبل از امضا برجام برسانیم.

موضوع مهمی که باید در اینجا به آن اشاره کنم اینکه برای فروش نفت به اندازه گفته شده در بودجه، قطعاً باید شرایط مهیا باشد. اما در حال حاضر شرایط به دو دلیل برای فروش نفت گفته شده در بودجه مهیا نیست. یکی اینکه تحریم‌ها و برجام مانع فروش نفت هستند و دیگر اینکه کرونا تقاضای نفت را در دنیا کاهش داده است. حالا اگر با وجود واکسن این بیماری تحت کنترل دربیاید و تقاضای جهانی دوباره رونق بگیرد تقاضا برای نفت بسیار افزایش خواهد یافت که به نظر می‌رسد تحقق این اتفاق شرایط دیگری هم نیاز دارد و مسائل سیاسی کشور ما هم بسیار مهم است یعنی باید تحریم‌ها برداشته شود و همه به برجام عمل برگردند. از طرفی باید FATF هم عملی شود چراکه اگر نفت هم بفروشیم و پول آن را وارد نکنیم، مشکلی برطرف نخواهد شد. همین الان هم مشکل انتقال پول نفت‌های قبلی را داریم.

اینها شرایطی است که اگر برطرف شود امکان دارد همین میزان یک و نیم میلیون بشکه و حتی بیشتر تا ۲ میلیون بشکه در روز هم نفت بفروشیم. بنابراین باید اول شرایط سیاسی و اقتصادی مهیا شود که این موضوعات هم قابل پیش‌بینی نیست. غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط است که باعث می‌شود همه تصمیمات بر مبنای احتمالات گرفته شود و حتی بودجه هم بر اساس احتمالات بسته می‌شود. البته دولت در بودجه به پیش فروش نفت هم اشاره کرده که به نظر من در حد محدود امکان پذیر است اما آنچه جبران صادرات نفت را برای کشور داشته باشد نه امکان پذیر نیست.

دولت است. دولت باید دانا، توانا و کارآمد باشد و برنامه‌ای درست برای اصلاح مشکلات اقتصادی داشته باشد. علاوه بر مشکلات داخلی قطعاً مباحث بین‌المللی هم بر آتش مشکلات می‌دمد به گونه‌ای که نتیجه انتخابات کشور دیگر در قیمت نرخ ارز در داخل کشور اثرگذار است و کلی از معادلات اقتصادی را بهم می‌ریزد.

اولاً مشکلات سیاسی کشوری مثل آمریکا نباید در اقتصاد ما اثرگذار باشد اما چون ترامپ تحریم‌های سنگینی علیه کشور وضع کرد، رفتن او نوعی امید به وجود آورده که حتماً این تحریم‌ها از بین خواهد رفت.

امید خوب است ولی نباید خیلی روی این امید حساب باز کرد. اینکه در بودجه آمده می‌توانیم روزانه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت صادر کنیم، مبنایش برداشته شدن تحریم‌های نفتی و دست یافتن به منابع مالی است اما این موارد نه به دار است نه به بار و نباید بودجه براساس یک پیش‌بینی غیرواقعی تنظیم شود.

اگر این اتفاق افتاد، می‌توان اصلاحیه داد نه اینکه اول خود را بدهکار کنیم بعد ببینیم این بدهی برطرف نشد. من بارها گفته‌ام که اقتصاد ایران ۸۰ درصد مربوط به ظرفیت داخل و ۲۰ درصد مربوط به خارج از کشور است آن هم در صادرات و واردات. فقط آن ۲۰ درصد باید تحت تأثیر مسائل سیاسی جهان قرار گیرند آن هم نه فقط مسائل سیاسی آمریکا، ما با کشورهای دیگر مثل چین، هند، روسیه، امارات و ترکیه هم رابطه داریم و البته روابط ما با اروپا و آمریکا هم وجود دارد.

■ البته خیلی از کارشناسان

اثرگذاری روابط بین‌المللی بر اقتصاد را ۲۰ درصد نمی‌دانند، اما اگر فرض بر همان ۲۰ درصد باشد چگونه باید برای بهبود آن تلاش کرد تا مشکلات اقتصادی ناشی از روابط بین‌المللی حل شود؟

دنیا منحصر به اروپا و آمریکا نیست، البته که آمریکا از ۲۴ درصد اقتصاد جهانی سهم دارد اما نقطه مقابلش چین ۱۶ درصد از اقتصاد جهانی را در اختیار دارد؛ در حال حاضر باید روابط خود را با سایر کشورهایی که می‌توانیم از طریق دیپلماسی بهتر کنیم و با پول دو جانبه و تهاجر تجارت خود را پیش ببریم تا ۶۰ درصد نیاز به ارز جهان مثل دلار و یورو دیگر نیاز نباشد.

در نتیجه روابط سیاسی و اقتصادی ما با همسایگان و همسایگان همسایگان مان باید تنگناک باشد و باید صادرات افزایش پیدا کند که قطعاً مشکلات اقتصادی برطرف خواهد شد.



چک سفید مجلس به دولت



جعفر قادری

رئیس کمیته اقتصادی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

می کرد و بودجه به صحن می آمد و با قول و تعهد کتبی از دولت که همراهی کند به تصویب می رسید. زیرا این نگرانی وجود دارد که دولت در اصلاح بودجه کمک و همراهی لازم را انجام ندهد و اصلاح کلی بودجه مشکل پیدا کند. البته اشتباهی که در بودجه ریزی همیشه وجود داشته این است که سقف بودجه ها همیشه بالا و غیرواقعی در نظر گرفته می شود و در چند سال گذشته هم دیده نشده که دولت متممی را به بودجه ارائه دهد و عملاً مجلس این چک سفیدی که به دولت می دهد کار را از دست خود خارج می کند و مجلس هیچ عزم و اراده ای در بودجه نخواهد داشت و دولت می تواند هر کاری که بخواهد، انجام دهد. این روند باید اصلاح شود و بودجه باید دو سقفی دیده شود اما اینکه بودجه بالا دیده شود و ریش و قیچی کامل در دست دولت باشد این کاملاً اشتباه است.

اگر اصلاحات در بودجه از طرف دولت انجام نگیرد قطعاً بودجه تورم زاست، در این شرایط به نظر من باید بودجه به صورت دو سقفی دیده شود، حتی دو سقف زمانی و دو سقف ریالی. موضوع دو سقفی بودن بودجه یک موضوع منطقی است، زیرا دولت اعداد و ارقام را کاهش نداد و ما اگر بخواهیم در مجلس این اعداد و ارقام را کاهش دهیم، ایجاد مشکل می کند. ناچاراً باید بخشی از هزینه ها را به سقف دوم انتقال دهیم و اگر درآمدها محقق شد، انجام می گیرد و اگر درآمدها محقق نشد خب انجام نمی گیرد. یعنی دولت در مقابل درآمدهای قطعی، هزینه های قطعی کند و در سقف زمانی هم دیده شود که دولت فقط در حد اعتبارات چندماهه که مانده هزینه کند و اجازه نداشته باشد که هزینه هایی که باید در دولت بعدی انجام شود در این دولت انجام دهد و بار مالیش متوجه دولت بعدی شود.

در کل، اگر دولت این اصلاحات را نپذیرد، مجلس باید با جدیت کار را دنبال کند و بودجه به شورای نگهبان فرستاده می شود و اگر شورای نگهبان نظر مجلس را نپذیرد، مجلس بر اعتراض خود اصرار می کند و به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده می شود و در مجمع هر چه تصمیم بگیرند هم برای مجلس و هم برای دولت لازم الاجراست.

بودجه ۱۴۰۰ به صورت خیلی ناپلثونی در کمیسیون بودجه مجلس به تصویب رسید. نمایندگان که رای به تصویب دادند و چه نمایندگانی که رای نداده اند به هیچ وجه این بودجه را به این شکل قابل ارائه در مجلس نمی دانند و معتقدند که باید اصلاح ساختاری در بودجه ۱۴۰۰ صورت گیرد و محورهای کلی قطعاً تغییرات اساسی داشته باشد زیرا اگر قرار باشد همین بودجه به تصویب مجلس برسد، سال آینده، سال بسیار سختی را خواهیم داشت.

در بودجه ۱۴۰۰، رشد بودجه عمومی نسبت به سال ۹۹ تقریباً ۴۷ درصد رشد داشته که در هیچ دوره ای چنین رشدی دیده نشده است. همچنین وابستگی بالای ۴۰ درصد به درآمدهای نفتی و کاهش ۲۹ درصدی مالیات نسبت به گذشته هم ایراد دیگری است که در بودجه وجود دارد. دولت در بودجه خود پیش بینی کرده که در سال آینده روزانه بین یک میلیون تا ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت صادر خواهد کرد که این فرض واقعی نیست، چراکه در شرایط تحریم امکان فروش نفت به این میزان وجود ندارد. در حقیقت بودجه سال آینده، نزدیک به ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان وابستگی به اوراق دارد در صورتی که انتشار اوراق می تواند با مشکلات جدی کشور را با بحران مواجه کند. زیرا اوراق بدهی بدترین شکل تأمین هزینه های یک کشور است. بعد از مدتی که آثار تورمی آن نمایان شد و ساختار کشور به هم ریخت، همه متوجه خواهند شد که این کار چه ضررهایی برای کشور داشته است.

با توجه به این گفته ها، دولت قبول کرده تا میزان فروش نفت را کاهش دهد و ارز قابل محاسبه را از ارز ۴۲۰۰ تومانی به ارز نیمایی برساند و موضوع دیگری که دولت باید دنبال کند دو سقفی بودن بودجه است. این مشکلات اساسی بوده که دولت قبول کرده تا آنها را حل کند. اگر دولت در این بودجه تغییرات اساسی را انجام دهد، می تواند بودجه قابل قبولی باشد ولی اگر قرار باشد تغییراتی نداشته باشد آمیدی به تصویب آن در مجلس نیست.

البته من شخصاً نظرم این بود که کمیسیون تلفیق باید بودجه را رد



کرونا

و اقتصاد جهانی



محمد رضا اکبری جور
دانشجوی دکتری اقتصاد بین الملل
پژوهشگر اقتصاد بین الملل

طریق تخصیص یارانه، سیاست‌های کاهش مالیات و تخصیص بیمه‌های حمایتی، از جمله این سیاست‌ها در این دوران بود. طبیعی است که ابتکارات در حوزه قوانین و انعطاف پذیری آنان متناسب با شرایط فعلی نیز جای خود دارد و مسئله مذکور جدای از اعمال سیاست‌های اقتصادی رایج از قبیل سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی دنیا و سیاست‌های مالی دولت‌ها و افزایش بهره‌وری داخلی اقتصادهاست.

در مجموع این دسته از سیاستگذاری‌ها در مرحله همه گیری با هدف کاهش هرچه بیشتر اثرات مخرب این بیماری بر تولید و اشتغال جهانی بود و تلاش شده بود تا حد امکان اقتصادها در حالت عملیاتی خود باقی بمانند. شاید بد نباشد به آماری که سازمان بین‌المللی کار اعلام کرده، توجه شود که کاهش جهانی ساعات کار در سه ماهه اول سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۹ معادل از دست دادن ۱۳۰ میلیون شغل تمام وقت است و این میزان کاهش در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۰ احتمالاً معادل بیش از ۳۰۰ میلیون شغل تمام وقت است. طبیعی است که نگهداشت اقتصاد در این شرایط بدون هیچ گونه عوارضی امکان‌پذیر نیست بنابراین مجموعه‌ای از سیاست‌های در قالب سیاست‌های حمایتی خانوار و بنگاه‌ها صورت پذیرفته است.

با اعلام ساخت و آزمایش موفق واکسن این بیماری توسط شرکت‌های دارویی و آغاز واکسینه سازی همزمان و وسیع کشورها، بازگشایی فعالیت‌های اقتصادی در دستور کار قرار دارد. از این رو می‌توان با کمی اغماض ادعا کرد که دوره

اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۰، متأثر از شوک بیماری کووید ۱۹ بوده است و بخش عمده‌ای از بررسی‌های اقتصادی پژوهشگران، معطوف به شناسایی اثرات این شوک مهم اقتصادی و طراحی سیاست‌هایی برای کشورها برای مقابله با این پدیده است. یکی از نهادهایی که با جدیت در این حوزه فعالیت کرده صندوق بین‌المللی پول است.

با توجه به ماهیت فعالیت این صندوق و نگاه سیستماتیک علمی این نهاد، پیگیری بررسی‌های دانش محور این مجموعه در دوره‌های همه‌گیری و سیاست‌های اتخاذ شده برای مواجهه با این شرایط حاوی آموزه‌های مفیدی است که می‌تواند قابل تامل باشد. آخرین گزارش منتشر شده این نهاد در اکتبر سال ۲۰۲۰ بوده است که حاوی اطلاعات و نکات جالبی از نوع نگاه به مسئله و راه‌حل‌های ارائه شده است. در این یادداشت سعی می‌کنیم به گوشه‌ای از این نوع نگاه بپردازیم.

بنا به ماهیت این شوک و بی‌تجربگی قبلی اقتصادها با این مسئله در جغرافیای اقتصادی جهانی و صورت مسئله جدید آن برای دانش اقتصاد، سه دوره زمانی، الف) سیاست‌های تحت شرایط همه گیری کرونا، ب) سیاست‌ها در دوران گذار و ج) سیاست‌های اقتصادی در دوران پساکرونا تقسیم بندی شده است. باید توجه داشت عمده سیاست‌های اقتصادی تحت شرایط همه گیری به دلیل اعلام تولید واکسن کرونا توسط شرکت‌های داروسازی مختلف در کشورهای مختلف رو به پایان است و دولت‌ها در حال عبور از این دوران هستند. توجه همزمان به بنگاه‌ها و خانوارها، اعمال سیاست‌های حمایتی جهت حفظ اشتغال از

همه‌گیری رو به پایان است.

گرچه در بررسی‌های صندوق بین‌المللی پول این دوره به پایان نرسیده و در بررسی‌ها دو گزینه سختگیرانه با اثرات اقتصادی مربوطه لحاظ شده است و نتیجه آن بررسی شرایط و اندیشیدن در مورد اقدامات لازم در صورت وقوع آن است.

اما عمده بررسی‌ها فرض را بر این گذاشته‌اند که دوره اول رو به پایان است یا در سال میلادی ۲۰۲۱ به انتها می‌رسد، سیاست‌های دوران گذار آغاز می‌شود که به صورت عمده به سمت حذف تدریجی پشتیبانی‌های هدفمند، از جمله یارانه‌ها سوق یافته و تلاش برای سوق دادن منابع به سمت شرایط عادی اقتصاد، سوق دادن شرایط به سمت تولید و استفاده از ظرفیت‌های کامل اقتصادی در زنجیره تأمین و توزیع است.

باید توجه داشت بعد از این دوران هنوز هم هستند کسانی که به حمایت احتیاج خواهند داشت بنابراین کانال‌های حمایتی به یکباره قابلیت حذف نخواهند داشت.

عمده هدفگذاری‌ها در این دوره به سمت ایجاد اشتغال و بازگشت نیروی کار به بازار است. باید برنامه‌های بازآموزی کارگران بیکار شده و سیاست‌های فعال سازی بازار کار جهت به کارگیری کارگران در فعالیت‌های جدید صورت پذیرد. باید توجه کرد، دولت‌ها و بنگاه‌ها برای خیل عظیم نیروی کار بیکار شده در دوران گذار باید برنامه مشخص داشته باشند، چراکه مسئله تنها با جذب نیروی کار در محل فعالیت قبلی حل نمی‌شود.

در دوران همه گیری، بنگاه‌ها اقدام به اعمال تغییراتی به جهت بالابردن بهره‌وری کرده‌اند، بنابراین، ممکن است نیاز به بخشی از نیروی کار با انجام مکانیزاسیون و اتوماسیون داخلی مرتفع شده باشد. برخی بنگاه‌ها ممکن است به فعالیت خود پایان داده و یا درصدد بازطراحی خطوط تولید خود باشند، در اینجا نیز نیروی کار نمی‌تواند در انتظار کار آینده در محل کار قبلی خود بماند، برخی از نیروی کار در محل کار جدید مشغول به کار شده‌اند و ممکن است حاضر نباشند محل کار جدید خود را عوض کنند و... در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت، شوک همه گیری کووید ۱۹، موجب تغییرات قابل ملاحظه‌ای در بازار کار شده است.

برآورد می‌شود دوران گذار از یک تا دو سال ادامه یابد و به اعتقاد صندوق بین‌المللی پول، این دوران برای کشورهای مختلف دنیا متفاوت است. در ملاحظات این دوران، امکان همه گیری انواع جهش یافته بیماری نیز وجود دارد هرچند نظام بهداشت و سلامت دنیا، سیستم‌های اقتصادی را از وجود واکسن قابل اتکاء و حل

مسئله مطلع کرده و به نظر می‌رسد این کابوس رو به پایان است.

نکته مهم در این دوران حفظ دستاوردهای مدیریت و اقتصادی از جمله بالا نگه داشتن بهره‌وری در صنایع است و توصیه می‌شود برخی از منابع مالی آزاد شده باید به سرمایه گذاری عمومی از جمله انرژی‌های تجدید پذیر، بهبود کارایی انتقال نیرو و مقاوم سازی ساختمان‌ها اختصاص یابد.

در کنار آن کاهش موانع تعرفه‌ای که موجب بهبود در تجارت بین‌المللی می‌شود باید در دستور کار قرار گیرد.

تلاش‌های چند جانبه همچنین باید به منظور بهبود زیرساخت‌های مراقبت‌های بهداشتی جهانی و آمادگی همه گیر صورت پذیرد. به عنوان مثال، تبادل اولیه و خودکار اطلاعات در مورد عفونت‌های غیرمعمول، ذخایر جهانی تجهیزات محافظت شخصی و پروتکل‌های واضح در مورد فاصله اجتماعی و انتقال مرزی از تجهیزات پزشکی ضروری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در سال ۲۰۲۱، عمده سیاستگذاری‌های اقتصادی کشورها، معطوف به خروج بحران اقتصادی ناشی از این شوک خواهد بود.

نکته بسیار مهم در این عرصه سیاستگذاری آن است که براساس فرض‌های مبتنی وضعیت‌های مختلف همه گیری و با شرط ادامه همه گیری در ۲۰۲۱، وقوع نوع جدیدی از همه گیری در شرایط سنجیده می‌شوند و برای هریک از حالات سیاست‌های مرتبط طراحی می‌شود.

براساس فرض واقع‌گرایانه، تولید سرانه دنیا که در سال ۲۰۲۰، از ۴٫۲- درصد کاهش یافته بود به ۴٫۵- درصد افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است که این رقم در نقاط مختلف دنیا متفاوت است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در اروپا از ۶٫۶- درصد در سال ۲۰۲۰، به ۴٫۵- درصد افزایش می‌یابد، شاخص قیمت مصرف کننده، از عدد ۲۰، به ۲۴٫۴ افزایش می‌یابد تراز تجارت خارجی از ۱٫۶- به ۱٫۸- افزایش یافته و نرخ بیکاری بدون ذکر شاخص کاهش می‌یابد. این شاخص‌ها برای ایالات متحده آمریکا به صورت زیر خواهد بود:

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از ۵٫۹- درصد در سال ۲۰۲۰، به ۴٫۷- درصد افزایش می‌یابد، شاخص قیمت مصرف کننده، از عدد ۰٫۶- به ۲٫۲- افزایش می‌یابد و تراز تجارت خارجی از ۲٫۶- به ۲٫۸- افزایش یافته و نرخ بیکاری از ۱۰٫۴- به ۹٫۱- کاهش می‌یابد.

این شاخص‌های برای جمهوری خلق چین به صورت زیر خواهد بود:

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از ۱٫۲-

درصد در سال ۲۰۲۰، به ۹٫۲- درصد افزایش می‌یابد، شاخص قیمت مصرف کننده، از عدد ۳٫۰- به ۲٫۶- افزایش می‌یابد، تراز تجارت خارجی از ۵٫۰- به ۱۱٫۰- افزایش یافته و نرخ بیکاری از ۴٫۳- به ۳٫۸- کاهش می‌یابد.

مجموعه این اعداد و ارقام نشان دهنده بهبود شرایط و بازگشت به دوران قبل از کرونا است. تمرکز دولت‌ها باید بر سرمایه گذاری‌های کلان بر روی سلامت و بهداشت، آموزش و پرورش و پروژه‌های با بازده بالا به جای تأمین مالی یارانه‌های بی‌هدف یا هزینه‌های بیهوده جاری، باشد و باید توجه داشت که افزایش هزینه‌های نوآوری و مدرنیزاسیون عامل اصلی رشد بهره‌وری در بلندمدت است. بخش‌هایی از اقتصاد در دنیا مانند حمل و نقل هوایی، صنعت گردشگری، آموزش، انرژی، مالی و... که در این دوران بیشتر تحت تأثیر قرنطینه همگانی و فاصله اجتماعی قرار گرفتند، بهبود مناسب تری را به خود خواهند دید و فشار بسیار بر روی حوزه‌هایی از صنعت از جمله فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهداشت و سلامت و... برداشته خواهد شد. در مجموع در دوره گذار شاهد ایجاد توازن منطقی در فعالیت‌های اقتصادی خواهیم بود و طبیعی است سیاست‌های انبساطی پولی بانک‌های مرکزی با پذیرش حد قابل قبول دو درصد تورم به نفع رونق اقتصادی کشورها روش معقولی برای اقتصادهاست.

در نهایت در مرحله سوم، مرحله بازگشت اقتصادها به ریل طبیعی فعالیت‌هاست، پیش‌بینی‌ها حکایت از این دارد که تعدادی از کشورها قابلیت آن دارند که در انتهای سال ۲۰۲۱ وارد مرحله سوم شوند و تعدادی دیگر در سال ۲۰۲۲ وارد این مرحله خواهند شد. باید توجه کرد اقتصادها دارای چندین نسخه برای خروج از این شرایط هستند و دست سیاستگذاران برای مواجهه با آینده خالی نیست.

نکته مهم، در بررسی صندوق بین‌المللی پول، نگاه سیستماتیک و علمی، همراه با طراحی و به کارگیری سناریوهای مختلف مواجهه با پدیده است. باید در نظر داشت که در بررسی‌های این صندوق نگاه جامعی به خانوارها و بنگاه‌ها و همچنین در خصوص نگاه به بازار کار، بررسی موشکافانه‌ای صورت پذیرفته است. غرض از بیان دوباره این مطالب، اظهار این نکته است که نوع این نگاه و مدل برخورد با این مسئله در خصوص تحریم‌های اقتصادی کشورمان می‌توانست به کار گرفته شود تا تبعات فشار اقتصادی آن بر مردم عزیز کشورمان کاهش پیدا می‌کرد.

شاکله‌های اصلی بودجه ۱۴۰۰


 محبوبه قمرز چشمه
خبرنگار

شاید در کوتاه مدت جامعه آرام شود اما در بلندمدت دور ناکامی‌ها روز به روز بیشتر خواهد شد. مهمترین بخش‌های بودجه پیشنهادی ۱۴۰۰ عبارتند از:

۱- لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ با سقف ۲۴۳۵ هزار میلیارد تومانی در نظر گرفته شده است.

۲- رقم درآمد عمومی ۸۴۱ هزار میلیارد تومان است و نسبت به سال گذشته رقمی افزایشی است.

۳- بودجه عمرانی سال ۱۴۰۰ نیز ۱۰۴ هزار میلیارد تومان است.

۴- عرضه سهام شرکت‌ها به روش ثبت سفارش یا در قالب صندوق‌های سرمایه گذاری تا سقف ۳۰ درصد مشمول تخفیف است. میزان تخفیف توسط هیأت وزیران تعیین می شود.

۵- به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده شده است تمام یا بخشی از سهام و دارایی‌های دولتی و باقی مانده سهام متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی در بنگاه‌های مشمول واگذاری را واگذار کند.

۶- دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۰ پیش‌بینی کرده تسهیلات ۷۰ میلیون تومانی با بازپرداخت ۲۰ ساله به خانواده‌های دارای فرزند سوم پرداخت شود.

۷- تعرفه جرایم رانندگی دو درصد افزایش یافته که ۲۰۰ میلیارد تومان از محل جرایم رانندگی به سازمان بهزیستی اختصاص می‌یابد.

۸- در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ سقف وام ازدواج، برای هر زوج ۵۰ میلیون تومان تعیین شد.

۹- حدود ۹۵ هزار میلیارد تومان برای فروش سهام در سال آینده پیش‌بینی شده است.

۱۰- در بودجه صادرات بیش از ۲ میلیون بشکه نفت و میعانات پیش‌بینی شده است.

۱۱- حداقل دریافتی حقوقی کارمندان از ۲ میلیون و ۸۰۰ به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تعیین شد.

۱۲- افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان ۲۵ درصد پیش‌بینی شده است.

۱۳- سقف منابع و مصارف بودجه ۱۴۰۰ با افزایش ۴۰ درصدی نسبت به قانون بودجه ۹۹ به حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

۱۴- ۲۰۵ هزار میلیارد تومانی پیش‌بینی شده از محل پیش‌فروش نفت یا همان اوراق سلف نفتی تأمین خواهد شد.

جزئیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ با سقف ۲۴۳۵ هزار میلیارد تومانی چهارشنبه ۱۲ آذر ۹۹ به مجلس ارسال شد.

برخی مدیران ارشد، بخش خصوصی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که سید امیرحسین قاضی زاده‌هاشمی، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی نماینده آن گروه است، بودجه ۱۴۰۰ را کاملاً سیاسی عنوان می‌کند و معتقد است، این بودجه انتظارات را در جامعه بالا می‌برد و از طرفی منابع بودجه کاملاً ناپایدار و بی‌ثبات است و جز تحمیل خواست خود به نظام چیزی دیگر نیست.



وی با اظهار اینکه «نمایندگان به دنبال جبران این دو موضوع هستند»، تصریح کرد: بالا نگه داشتن درآمد نفت و بالا بردن فروش اوراق برای جبران هزینه‌ها غلط است و در صورت حذف این دو مورد دارایی‌های دولت باید فروخته شود و باید اموال و املاک دولت فروخته شود. (تسنیم)

رئیس جمهور از نمایندگان در خواست کرد در زمان مقرر این بودجه را بررسی و تصویب کنند. بعد از ایراداتی که مجلس شورای اسلامی به بودجه پیشنهادی دولت گرفت، رئیس جمهور گفت: «بودجه جای ادبیات سیاسی نیست و تاکنون چنین ادبیات غیر کارشناسی ندیده‌ام!»

در پاسخ خبری با تیتیر «مجلس لایحه بودجه‌ای به شلختگی لایحه ۱۴۰۰ ندیده است!» در خبرگزاری خانه ملت که سخنگوی نمایندگان مجلس است، رسانه ای شد. سیدناصر موسوی لارگانی عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی در توییتری از اهانت رئیس جمهور نسبت به مجلس انتقاد کرد و توثیق کرد: «آقای روحانی آیا لایحه بودجه با کسری ۳۲۰ هزار میلیاردی، پیش فرض فروش روزی ۲.۳ میلیون بشکه نفت و تورم زایی شدید کارشناسی شده است که به کنایه می‌گویید بودجه جای ادبیات سیاسی نیست و تاکنون چنین ادبیات غیر کارشناسی ندیده‌ام! اتفاقاً مجلس هم تا الان لایحه بودجه به این شلختگی ندیده است.»

شاکله‌های اصلی بودجه ۱۴۰۰

زمانی که کفه ترازو در تنظیم بودجه به سمت عمرانی‌ها سنگین شود، توسعه به همراه خواهد آورد و اگر این سنگینی به سمت بودجه جاری باشد،

بورس املاک و مسکن در بودجه ۱۴۰۰

به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود تا سقف یکصد و هفتاد و شش هزار میلیارد ریال از اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول و حقوق مالی مازاد دولت جمهوری اسلامی از طریق حراج عمومی در بورس املاک و مسکن و یا از طریق مزایده عمومی در سامانه تدارکات الکترونیک دولت به فروش رساند.

رقم درآمد عمومی ۸۴۱ هزار میلیارد تومان است و نسبت به سال گذشته رقمی افزایشی است. در بخش‌های مختلف لایحه بودجه پیشنهادی مجلس برای سال ۱۴۰۰ برابر با ۲۰ مرتبه نامه مسکن ذکر شده است که یکی از این موارد مربوط به بورس املاک و مسکن است.

بورس املاک کی به وجود آمد؟

بورس املاک و مسکن در تیر ۹۹ راه اندازی شد. این بورس بازاری به ارزش ۵ هزار میلیارد تومان به عنوان پنجمین بورس ایران در کنار بازار سرمایه، بورس کالا، بورس انرژی و فرابورس قرار گرفت. محمود محمودزاده، معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی نیز از حمایت ویژه این وزارتخانه از عرضه املاک مازاد دولتی در بورس کالا یا بورس تخصصی املاک و مسکن خبر داده است.

عملکرد بورس املاک تاکنون چه بوده است؟

عرضه املاک دولتی از طریق بورس کالا برای اولین بار در ۱۳ مردادماه امسال و مربوط به یک ملک تجاری متعلق به شرکت عمران شهر جدید پردیس بود که توسط وزارت راه و شهرسازی انجام شد. ۹ آذرماه یک ملک وزارت دفاع واقع در شهرستان دماوند، دشت مشاء به مساحت ۳۶۲۳ متر مربع و با قیمت پیشنهادی ۱۳ میلیارد تومان روی تابلوی بورس کالای ایران رفت که با قیمت پایه به فروش رسید.

در یکی از بندهای لایحه پیشنهادی بودجه به میزان عرضه اموال و دارایی‌های دولتی اشاره شده، در این قانون آمده است:

به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود تا سقف یکصد و هفتاد و شش هزار میلیارد ریال از اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول و حقوق مالی مازاد دولت جمهوری اسلامی ایران (به استثنای انفال و موارد مندرج در اصل (۸۳) قانون اساسی) را بدون رعایت تشریفات مربوط به تصویب هیأت وزیران با رعایت قوانین و مقررات از طریق حراج عمومی در بورس املاک و مسکن و یا از طریق مزایده عمومی در سامانه تدارکات الکترونیک دولت با رعایت قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی و نیز مقررات تعیین شده در قانون برگزاری مناقصات به نحوی که با مزایده منطبق باشد به فروش رسانده و وجوه حاصل را به ردیف درآمدی ۲۱۰۲۲۱ واریز کند. استانداران و دستگاههای اجرایی مکلف به ارائه پیشنهاد فروش دارایی‌های مازاد دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشند.

بورس املاک و مسکن خود هنوز مناقشه برانگیز است و بسیاری از کارشناسان مخالف وجود بورسی به نام بورس املاک و مسکن هستند، این گروه معتقدند همچنان که بورس انرژی موفق نبود بورس املاک نیز آینده‌ای نخواهد داشت. برخی کارشناسان معتقدند بورس املاک و انرژی باید در بورس کالای ایران ادغام شود. استفاده از نام بورس املاک و مسکن در لایحه بودجه پیشنهادی دولت نیاز به پیش‌نیازهایی دارد که به طور قطع ایجاد آن هزینه بر است. دریافت درآمد حاصل از این بورس در بودجه موضوعی است تا مصل بر انگیز، اینکه معیار انتخاب عدد ۱۷۶ هزار میلیارد ریال برای نهایت اموالی که در بورس املاک معامله خواهد شد بر چه اساسی تعیین شده نکته مهمی است که باید به آن پاسخ داده شود.

تاثیر نفت ۴۰ دلاری بودجه بر بورس تحلیلگران بورسی چه توصیه ای می‌کنند؟

به نظر می‌رسد در بودجه توجه بیشتری به نفت شده است و این موضوع نگرانی سرمایه‌گذاران بورسی را تشدید کرده است. روحانی فروش سهام و اوراق مشارکت را از جمله راه‌های تأمین بودجه دانست.

کارشناسان بازار سرمایه معتقدند درآمد ۹۵ هزار میلیارد تومانی برای فروش سهام در سال آینده در لایحه بودجه پیش‌بینی شده، محقق نخواهد شد. این گروه معتقدند همچنان که بعید است ۱۰۰ عرضه اولیه تا پایان سال اجرایی شود، این میزان درآمد نیز از بازار سرمایه نصیب نخواهد شد.

حسین اسدی نیا، سرکارشناس بازار سرمایه اظهار کرد: در لایحه پیشنهادی بودجه ۱۴۰۰ آمده است که ۲۰۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده از محل پیش‌فروش نفت یا همان اوراق سلف نفتی تأمین خواهد شد همچنین در بودجه صادرات بیش از ۲ میلیون بشکه نفت و میعانات پیش‌بینی شده است.



وی افزود: به نظر می‌رسد بودجه سال ۱۴۰۰ که در مجلس ارائه شد رنگ و بوی نفتی دارد. این بودجه چه از لحاظ فروش نفت و چه از نظر فروش اوراق نفتی در داخل نسبت به اتفاقی که در سال ۱۳۹۹ افتاده، پر رنگ تر است.

اسدی نیا بیان کرد: در تدوین بودجه سال ۱۴۰۰ وزنه توجه به نفت نسبت به بازار سرمایه بسیار سنگین است. بازار سرمایه نگران است که اتکالی بودجه ۱۴۰۰ به نفت چه به صورت فیزیکی چه به صورت اوراق باعث کم‌رنگ شدن نقش بازار سرمایه در تأمین بودجه دولت شود. به نظر این نگرانی به حق و قابل تامل است، اگر چه مجلس و دولت اختلافات زیادی دارند اما توافق این دو از اهمیت بسیاری برخوردار است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا پیش‌بینی ۹۵ هزار میلیارد تومان برای فروش سهام در سال آینده در بودجه محقق می‌شود بیان کرد: دولت روحانی نیمه سال ۱۴۰۰ به پایان کار خود می‌رسد، نکته مهم این است که دولت جدید چه رویکردی به بازار سرمایه خواهد داشت. به نظر می‌رسد صاحبان پول برای حضور در بازار سرمایه منتظر عملکرد و تصمیمات دولت جدید خواهند بود. وی در آخر به صاحبان سرمایه پیشنهاد کرد در شرایط فعلی در بورس به سراغ سهم‌های بنیادی و با دید بلند مدت بروند.



امیرعلی امیرباقری در ارتباط با تاثیر لایحه بودجه بر فرآیند معاملات بورس گفت: موضوع لایحه بودجه در سال ۱۴۰۰ از جمله بحث‌هایی است که این روزها تاثیر نسبی را بر بدنه بازار سرمایه داشته است، در بودجه سال آینده بخشی از منابع قرار است به وسیله بورس تأمین شود. این کارشناس بازار سرمایه به انتشار اسناد خزانه و تأمین اقتصادی مستقیم از بدنه بازار سرمایه اشاره کرد و گفت: برای محقق شدن این امر باید نرخ بهره در مقایسه با نرخ تورم و نرخ بازدهی مورد انتظار در بازار سرمایه نرخی جذاب باشد تا بتواند نقدینگی را به سمت خود جذب کند. وی با بیان اینکه بالا بودن این نرخ باعث ایجاد فشار بر بدنه بازار سرمایه می‌شود و کار دولت را برای تأمین اقتصادی به وسیله فروش سهام بر بدنه بازار سرمایه سخت می‌کند، افزود: دولت باید یک نرخ میانگینی را برای خود در نظر بگیرد که این نرخ میانگین نباید باعث خروج سرمایه از بازار سهام و سرازیر شدن آن به سمت اوراق شود.

امیرباقری گفت: از طرف دیگر این نرخ نباید آنقدر غیر جذاب باشد که اوراق روی میز باقی بماند و همه نقدینگی وارد شده در بازار به سمت سهام پیش برود، فرآیند ایجاد شده بین بازده اوراق اسناد خزانه، اوراق مشارکت و نرخ بازده بازار سهام می‌تواند جهت بازار سرمایه را برای سال آینده تعیین کند. این کارشناس بازار سرمایه گفت: اکنون انتظار تحلیلگران این است که دولت

افزایش هزینه به معنای افزایش تورم و این خوشبینی‌ها به تحقق بودجه نتیجه‌ای جز کسری بودجه نخواهد داشت.

زاوه با اشاره به بندهای مربوط به خودرو بیان کرد: در اعداد و ارقام مربوط به خودرو در لایحه بودجه ۱۴۰۰ تناقض وجود دارد. مشخص نیست این تضادها ناشی از اشتباه در تقریر ردیف‌های درآمدی است یا واقعا دولت در نظر دارد چنین تعرفه سنگینی که کاملاً بی سابقه است بر واردات خودرو وضع کند که چنین تعرفه‌ای عملاً به معنی ادامه ممنوعیت است! به نظر می‌رسد این اعداد برای حقوق گمرکی خودروهای در گمرک مانده در نظر گرفته شده و به معنای آزاد سازی واردات خودرو نیست بنابراین سال آینده واردات خودرو آزاد نخواهد شد.

وی افزود: دولت روحانی در آخرین سال صدارت خود بودجه‌ای تدوین کرده است که بخش عمده‌ای از آن را اجرا نخواهد کرد. تا کنون خودرو کالایی انحصاری بود اما در بودجه امسال گویا دولت تلاش دارد بار مسئولیت مدیریت تاثیر احتمالی این آزاد سازی بر نرخ ارز را به دولت بعد محول و افتخار شکستن انحصار بازار را نصیب خود کند.

زاوه در ادامه بیان کرد: از جمله منابع درآمدی دولت در سال ۱۴۰۰ که در لایحه بودجه آورده شده، درآمدهای حاصل از واردات خودرو است. ردیف‌های مهم درآمدی مرتبط با واردات خودرو از جدول شماره ۵ شامل موارد زیر است:

- ردیف ۱۱۰۴۰۲، درآمد ناشی از حقوق ورودی خودرو با بیش از دو هزار میلیارد تومان

- ردیف ۱۶۰۱۸۱ درآمد حاصل از ۱۰ درصد ارزش گمرکی به میزان ۱۵ میلیارد تومان

- ردیف ۱۶۰۱۴۸ درآمد ناشی از ۵ درصد افزایش عوارض ارزش کشتی ۱۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

این کارشناس بازار خودرو بیان کرد: از این سه ردیف درآمدی واردات خودرو می‌توان میزان واردات و میزان تعرفه موثر را تخمین زد. در حالی که میزان واردات بر مبنای ردیف ۱۶۰۱۴۸، ۲۰۰ میلیارد تومان تخمین زده شده است، در ردیف ۱۶۰۱۸۱ این میزان ۱۵۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است و حدوداً ۳۰ درصد اختلاف دارد! در عین حال، تقسیم درآمد حقوق ورودی به تخمین ارز واردات در این دو ردیف، تعرفه موثر را بین ۱۰۰۰ تا ۱۳۵۰ نشان می‌دهد که نسبت به آخرین دوره واردات بیش از ۱۰ برابر است.

علیرضا سلیمی، عضو هیأت رئیسه مجلس، درباره روند بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ در صحن علنی مجلس گفت: گزارش کامل مصوبات کمیسیون تلفیق درباره بودجه تقدیم هیأت رئیسه شده و سپس در سامانه قرار می‌گیرد تا نمایندگان پیشنهادات خود را در آنجا درج کنند. وی بیان کرد: مجلس هفته آینده جلسه علنی نخواهد داشت و نمایندگان جهت سرکشی به حوزه‌های انتخابیه خود می‌روند و ۱۰ روز فرصت دارند تا پیشنهادات خود را درباره لایحه بودجه برای رسیدگی در صحن علنی مجلس ارائه کنند. عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: بر این اساس رسیدگی به لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ در صحن علنی مجلس از روز یکشنبه ۱۲ بهمن ماه آغاز خواهد شد. (منبع: مهر)

تیمور رحمانی، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد تهران در یادداشتی از چند جنبه به بررسی موضوع بودجه پرداخته تا مسیر مناسب در نحوه نگاه به تدوین و تصویب لایحه بودجه ترسیم شود که این موضوعات به اختصار عبارتند از: توجه به وضعیت سیکلی اقتصادی، ترکیب مخارج دولت، کاهش آثار رفاهی ناشی از شوک تورمی سه سال اخیر در تدوین لایحه بودجه، نحوه تأمین بودجه و نگرانی از آثار تورمی. (ایبنا)



به نرخ میانگین و معقول از نرخ بازده بازار و نرخ اوراق بدون ریسک رضایت دهد تا از این طریق فشاری بر بدنه بازار سرمایه ایجاد نشود و بتواند تأمین اقتصادی مستقیم به وسیله انتشار اوراق داشته باشد.

لایحه بودجه ۱۴۰۰ و تأثیرات آن بر بورس

سقف منابع و مصارف بودجه ۱۴۰۰ با افزایش ۴۰ درصدی نسبت به قانون بودجه ۹۹ به حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید که این پیش‌بینی با توجه به کرونا و مشکلات به نظر نمی‌رسد محقق شود. همچنین موضوع بازار سرمایه به عنوان یکی از منابع تأمین درآمد دولت برای بودجه در نظر گرفته شده است. از نظر بسیاری از کارشناسان، درآمد در نظر گرفته شده خوشبینانه است و باید در آن تجدید نظر شود. رئیس جمهور فروش سهام و اوراق مشارکت را از جمله راه‌های تأمین بودجه دانست و در این لایحه حدود ۹۵ هزار میلیارد تومان برای فروش سهام در سال آینده پیش‌بینی شده است و ۲۰۵ هزار میلیارد تومانی پیش‌بینی شده از محل پیش‌فروش نفت یا همان اوراق سلف نفتی تأمین خواهد بود.



میثم ابوالقاسمی، مدیر معاملات سهم آشنا در ارتباط با جزئیات لایحه بودجه گفت: پیش‌بینی درآمد مالیات نقل و انتقال سهام در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ برابر با ۶۲ برابر سال قبل در نظر گرفته شده است. وی افزود: در بودجه سال جاری رقم مالیات نقل و انتقال سهام ۲ هزار و ۲۸۷ میلیارد تومان تعیین شده است، حال این عدد در سال آینده با ۱۱ هزار و ۸۷۷ میلیارد تومان افزایش به رقم ۱۴ هزار و ۱۶۴ میلیارد تومان رسیده است. مدیر معاملات سهم آشنا افزود: بر این اساس چنانچه لایحه پیشنهادی دولت در مجلس شورای اسلامی تصویب شود، درآمد دولت از نقل و انتقال سهام در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال جاری ۶۲ برابر خواهد شد.

به نظر می‌رسد با این افزایش رقم، دولت تصور می‌کند سال آینده حجم معاملات سهام در بورس افزایش خواهد یافت. وی تصریح کرد: با فرض اینکه معاملات روزانه بورس در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۰ هزار میلیارد تومان در روز و تعداد روزهای کاری نیز ۲۵۰ روز است، می‌توان امیدوار بود تا مالیات از بورس ۱۸۰۷۵ هزار میلیارد تومان را محقق سازد. این را نیز باید خاطر نشان کرد که سال جاری درآمد محقق شده از محل مالیات نقل و انتقال سهام از لایحه بودجه جلوتر بوده و تا پایان سال نیز این درآمد برقرار است.

پیش‌بینی قیمت خودرو با بودجه پیشنهادی ۱۴۰۰

در بودجه پیشنهادی دولت میزان درآمد ناشی از واردات خودرو در این لایحه موجب تعجب اقتصاددانان کلان و تحلیلگران بازار سرمایه شده است برخی از کارشناسان این بودجه را بمب گذاری برای دولت بعدی نامیده اند و معتقدند دولت با کسری بودجه مواجه خواهد شد.

فرید زاوه، کارشناس بازار سرمایه بیان کرد: بودجه پیشنهادی دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۰ انبساطی است و عملکرد دولت کنونی به شکلی است که گویا برای دولت بعدی بمب می‌گذارند.



وی با بیان اینکه در لایحه بودجه پیشنهادی دولت به مجلس هزینه‌های دولتی ۲۰ درصد افزایشی در نظر گرفته شده، بیان کرد: در این بودجه منابع درآمدی دولت از جمله منابع درآمد حاصل از فروش نفت و میزان مالیات خوشبینانه در نظر گرفته شده است. در سال جاری بیشتر اصناف از بحران کرونا دچار ضرر شده اند و شرکت‌ها درآمد بالایی نداشته اند، با شرایط کنونی چطور ممکن است تحقق درآمد مالیاتی در نظر گرفته شده محقق شود؟

دولت در شرایط فعلی باید میزان هزینه‌های خود را کاهش دهد چرا که

معضل پولشویی

چالش مشترك اقتصادهای دنیا



مهرداد حاجی زاده فلاح

مدرس دانشگاه و فعال حوزه پژوهشی اقتصاد

در تقاضای پول کثیف به طور طبیعی بر سیاست پولی تأثیر منفی خواهد گذاشت و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در تقاضای پول و نوسانات زیاد در جریان سرمایه بین‌المللی و نرخ ارز از نشانه‌های این امر است. پولشویی نه تنها در بازارهای مالی بزرگ دنیا و مراکز تجارت دریایی ایجاد مشکل می‌کند؛ بلکه در بخش‌های بازارهای نوظهور در اقتصاد نیز خود را نشان می‌دهد. سیگنال‌های دروغین فعالیت‌های پولشویی مانع از اتخاذ تدابیر لازم برای حل مشکلاتی از جمله کسری بودجه و تورم بالا، به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌شود و بر مدیریت موثر اقتصاد تأثیر منفی می‌گذارد و ثبات بازارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسئله قابل تسری به سایر اقتصادهاست بنابراین بحران‌های مالی در یک کشور می‌تواند بر سایر کشورها اثرگذار باشد. علاوه بر آسیب‌های اقتصادی، پولشویی دارای پیامدهای اجتماعی نیز است. ثروتمند شدن بی حساب گروه‌هایی از افراد در جامعه موجب الگو قرار گرفتن آنان توسط سایر گروه‌های درآمدی و به تبع آن افول اخلاق اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر پول کثیف، تأثیر منفی بر توزیع درآمد دارد. گرچه اندازه‌گیری کمی موارد یاد شده سخت است اما آسیب‌های اجتماعی آن ملموس بوده و شکاف بین افراد از نظر توزیع درآمد تمایل به ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد.

سازمان‌های تروریستی، ارتباط بین پولشویی و تروریسم می‌تواند پیچیده‌تر باشد، چراکه به دلیل ماهیت سازمانی و تیمی این مجموعه‌ها، مجریان اقدام به از بین بردن رد پولها کرده تا مقامات قضایی نتوانند مسیر جابجایی‌ها را کنترل کنند و از حملات برنامه ریزی شده علیه آنها جلوگیری می‌کنند.

یکی از نشانه‌های پولشویی، تأثیر بر تقاضای پول فیزیکی در سطح جامعه است. این اتفاق بیشتر در کشورهایی رخ می‌دهد که ریسک پولشویی در آنها به دلیل عدم نظارت‌های سیستماتیک کم است. در این اقتصادها رازداری سیستم بانکی به صورت دقیق اجرا می‌شود اما نسبت فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی زیاد است. بدین ترتیب، پول‌های کثیف نزد کسانی به امانت گذاشته می‌شود که در خصوص نوع فعالیت‌های آنان به هیچ نهادی پاسخ داده نمی‌شود. در این نوع اقتصادها، ورودی و خروجی پول نقد برای پولشویی‌ها آسان و با ورود سریع و کنترل نشده پول نقد به کشور، میزان مصرف به صورت عام و مصرف کالاهای لوکس به طور خاص افزایش می‌یابد. باوجود این موضوع، در کشور شاهد تغییرات مثبت محسوس در متغیرهای کلان اقتصاد از جمله صادرات، واردات، کسری پرداخت‌های خارجی، تورم، نرخ بهره و نرخ بیکاری نیستیم. طبیعی است این بی‌ثباتی‌ها

پولشویی فرآیندی که در آن، پول به‌دست آمده از یک فعالیت مجرمانه و غیرقانونی در مسیرهای قانونی به کار گرفته شود تا در انتهای فرآیند به نظر برسد همه پول منبعی قانونی داشته است. این فرآیند چند مرحله داشته که در آن پول جمع‌آوری شده در اثر فعالیت مجرمانه، از منبع اولیه جدا می‌شود، با وجوه به دست آمده از فعالیت‌های قانونی ترکیب می‌شود و وارد یک فعالیت کاملاً قانونی می‌شود و سپس در زمان مقتضی از فعالیت اخیر خارج و به منبع اولیه فعالیت مجرمانه باز می‌گردد.

نکته قابل تامل آنکه عملیات پولشویی به بخش‌های مالی مؤسسات تولیدی که برای رشد اقتصادی حیاتی هستند، آسیب‌های جدی وارد می‌کند چراکه افزایش جرم و فساد اقتصادی موجب کند شدن رشد اقتصادی کشورها شده و کاهش کارایی در بخش واقعی اقتصاد را به همراه دارد. از این رو کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی راه‌ها و مکانیسم عملکرد این فرآیندها به عمل می‌آورند. اغلب این تحقیقات بر دو بخش قاچاق مواد مخدر و سازمان‌های تروریستی متمرکز است. تأثیر شست و شوی موفقیت آمیز پول بر مواد مخدر آشکار است: تولید و عرضه مواد مخدر بیشتر، وقوع جرایم سنگین تر و خشونت افزون‌تر را توجیه می‌کند اما در حوزه

نرخ سرمایه گذاری نخواهد شد. بنابراین رشد پایدار درازمدت کاهش خواهد یافت. همانطور که با تجزیه و تحلیل‌های مختلف اقتصادی نشان داده شد، مؤسساتی چون بانک‌ها و مؤسسات مالی غیربانکی بازیگران بسیار مهمی برای توسعه اقتصادی کشورها هستند. مؤسسات مالی از سرمایه داخلی و سرمایه خارجی با هدف توسعه اقتصادی تشکیل شده است. پولشویی در این مرحله به توسعه این مؤسسات مالی آسیب می‌رساند. اقدامات ضد پولشویی اعمال شده در مؤسسات مالی مربوط نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین پولشویی و فعالیت‌های کلاهبرداری انجام شده توسط کارمندان وجود دارد. اگر پولشویی با نرخ بالایی اتفاق بیفتد، مجرمان از مؤسسات مالی به منظور تخلیه وجوهی که به دست می‌آورند استفاده می‌کنند و منجر به آسیب جدی بر این مؤسسات خواهد شد. آنچه گفته شد، گوشه‌ای از تأثیرات نامطلوب فعالیت‌های پولشویی است. در کشور ما، در مجموعه بانک‌ها، عملیات مبارزه با پولشویی با فراهم آوردن واحدهای مستقل مبارزه با پولشویی و تأمین زیرساخت‌های فنی سخت افزاری و نرم افزاری فراهم شده است. با این همه لازم است به این بحث در تمام فعالیت‌های اقتصادی توجه ویژه شود. مسئله‌ای که شاید بتوان ادعا کرد که به صورت روزانه در قالب و ساختار جدیدی رخ می‌نماید.

کند در حالی که به دلیل ماهیت مخفیانه و مجرمانه این فعالیت‌ها درآمدی نیز حاصل نمی‌شود که نتیجه آن کسری بودجه برای دولت خواهد بود. در صورت کاهش درآمد مالیاتی؛ دو گزینه پیش روی دولت وجود دارد؛ گزینه اول استقراض است. این موضوع سرمایه گذاری‌های تولیدی بخش خصوصی را با اثر جایگزینی دولت کاهش می‌دهد و سرمایه گذاران مولد را با وام گرفتن توسط بخش خصوصی جذب می‌کند. علاوه بر این، با افزایش ارزش اوراق قرضه در نتیجه استقراض، نرخ بهره در بازار افزایش می‌یابد و مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. روش دیگر برای بستن کسری‌ها، سیاست انتشار پول است. هر دو گزینه بر اقتصاد تأثیر منفی می‌گذارد. بخش‌های کارای اقتصاد به طور قابل توجهی از بی ثباتی مالی در کشور رنج می‌برند. زیرا سرمایه گذاران خارجی برای شرکت‌ها بسیار مهم هستند. جذب سرمایه گذاران خارجی به کشور در مالک با ریسک بالای پولشویی آسان نیست. از آنجا که بی ثباتی قیمت ناشی از پول کثیف در سیستم مالی بر اعتبار اقتصاد در محیط خارجی تأثیر می‌گذارد، کارآفرینان منطقه‌ای سرمایه گذاری در کشور را ناخوشایند می‌دانند چون هنگام سرمایه گذاری ریسک کشور را نیز در نظر می‌گیرند. اگر پول قانونی از ورود به کشور فرار کند، منجر به افزایش

کشورهایی که حجم پول فیزیکی در گردش آنها بالاست؛ مکان‌های پرمخاطره‌ای برای سرمایه گذاران محسوب می‌شوند. برای کسانی که می‌خواهند سرمایه‌های بین‌المللی را به کشورهای خود جلب کنند، مبارزه با پول سیاه پیام مهمی است که اعتماد سرمایه گذاران را فراهم می‌کند و اثربخشی مبارزه سرمایه گذاری را افزایش می‌دهد و بر نرخ رشد و اقتصاد تأثیر مثبت می‌گذارد. از آنجا که پول بر رقابت تأثیر منفی می‌گذارد، افرادی که در بخش‌های کارای اقتصادی فعالیت می‌کنند تا حدودی متضرر می‌شوند چراکه ذهنیت نیروی کار جامعه از فعالیت‌های سازنده و مولد به سمت زندگی لوکس و بدون دردهای کاری پیش می‌رود. به اینها باید اضافه کرد که فرار مالیاتی در اقتصادهای غیررسمی موجب افزایش بار مالیاتی افرادی که در بخش رسمی فعالیت می‌کنند، می‌شود.

تأثیر بر درآمد مالیاتی

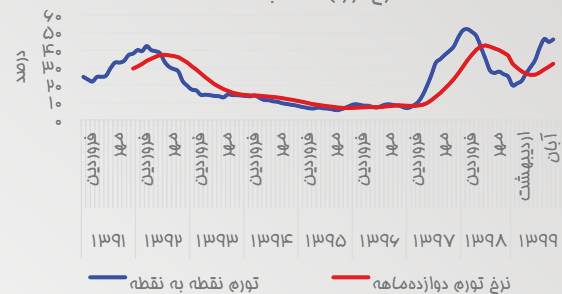
باید توجه داشت فعالیت‌های منجر به پولسازی کثیف، برای دولت، درآمد مالیاتی نخواهد داشت اما هزینه‌های مربوط به این بخش از جامعه سر جای خود است. چراکه دولت نمی‌تواند از زیر بار هزینه‌های عمرانی یک منطقه جرم خیز و یا توسعه بخش‌های مبارزه با این دسته از فعالیت‌ها و یا هزینه‌های حمایتی از خانوارهای این گروه افراد شانه خالی

نگاهی به اقتصاد ایران

نرخ تورم: کاهش تدریجی

نرخ تورم ماهانه در دی ماه به رقم ۱٫۸ درصد رسیده که این رقم، کمترین میزان رشد ماهانه قیمت‌ها در سال ۱۳۹۹ بوده است. نرخ تورم نقطه به نقطه اما همچنان در حال افزایش بوده و به رقم ۴۶٫۲ درصد رسیده است. به این ترتیب، نرخ تورم در فاصله‌ای کمتر از دو سال، ارقام بالاتر از ۴۰ درصد را تجربه کرده است. لازم به ذکر است که تغییر فضای سیاسی-اقتصادی کشور و تغییر جهت انتظارات در میانه‌های فصل پاییز، مانع بزرگی برای رشد سریع‌تر قیمت‌ها در ماه‌های اخیر بوده است و آهنگ رشد تورم در ماه‌های اخیر تا حد زیادی کاهش یافته است.

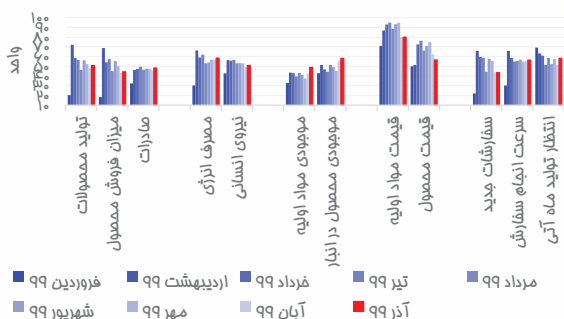
نرخ تورم نقطه به نقطه



وضعیت مولفه‌های کلیدی فعالیت بنگاه‌ها یعنی تولید، فروش و صادرات به شکلی بوده که هر سه در آذرماه افزایش یافته‌اند. البته تنها مولفه تولید بالاتر از ۵۰ بوده و فروش و صادرات بنگاه‌ها همچنان در سطح کمتر از ۵۰ و وضعیت رکودی قرار دارد. وضعیت استفاده از نهاده‌های تولید نیز نشانگر بهبود وضعیت بنگاه‌هاست به شکلی که مصرف انرژی و استخدام نیروی انسانی با افزایش مواجه شده است.

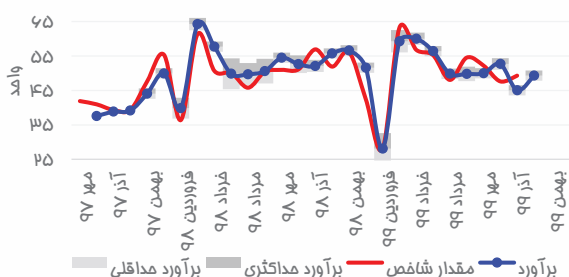
قیمت مواد اولیه بنگاه‌ها در آذرماه تغییر چندانی نداشته اما قیمت محصولات بنگاه‌ها با کاهش مواجه شده است. موجودی انبار بنگاه‌ها نیز متأثر از شرایط کاهش قیمت مواد اولیه و همچنین کاهش میزان فروش، با افزایش مواجه شده است. نکته مهم در این زمینه آن است که وضعیت مواد اولیه بنگاه‌ها به شرایط بسیار مطلوبی رسیده و زمینه افزایش میزان تولید و صادرات را مهیا کرده است، اما افزایش میزان محصول نهایی در انبار، در ماه‌های آینده و وقوع رکود طرف تقاضا، می‌تواند اثرات نامناسبی بر بنگاه‌ها داشته باشد.

زیراجزاء شاخص مدیران فرید



در نهایت در مورد مولفه‌های پیش‌نگر بنگاه‌ها، با وجود افزایش انتظار تولید در ماه آتی، نمی‌توان انتظار رشد زیادی در میزان شامخ برای ماه آینده داشت، چراکه میزان سفارش‌های جدید بنگاه‌ها همچنان در سطوح پایین قرار دارد. به این ترتیب، برای ماه آینده تنها یک رشد محدود در میزان شامخ مورد انتظار خواهد بود و احتمالاً شامخ در محدوده اعداد ۵۰ تا ۵۱ قرار خواهد گرفت.

برآورد شاخص مدیران فرید برای ماه آینده



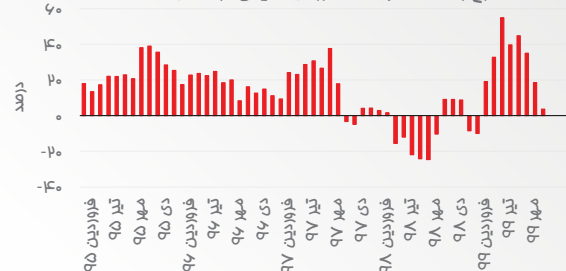
تجارت خارجی: بهبود نسبی

بررسی وضعیت تجارت خارجی کشور نشان می‌دهد که در ماه‌های اخیر میزان صادرات و واردات به صورت همزمان افزایش یافته است که البته میزان افزایش صادرات بیشتر بوده است.

میزان صادرات غیرنفتی ماهانه که در نیمه اول سال هرگز به محدوده ۳ میلیارد دلار نرسیده بود، طی سه ماهه پاییز در محدوده بالاتر از ۳ میلیارد دلار تثبیت شده و انتظار می‌رود در فصل زمستان به سطح ۴ میلیارد دلار نیز نزدیک شود. وضعیت صادرات نفتی کشور نیز پس از تغییرات اخیر در ایالات متحده، با بهبود نسبی مواجه شده است.

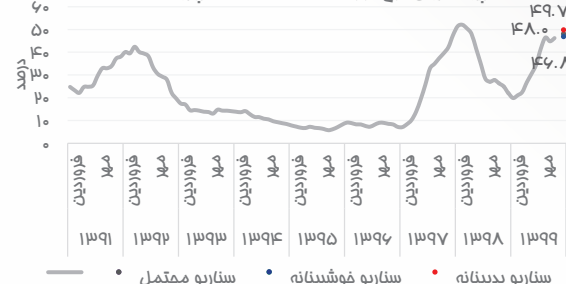
نکته مهم دیگری که باید در زمینه کُندشدن آهنگ رشد قیمت‌ها در نظر داشت، مسئله افت تقاضاست. بررسی وضعیت تراکنش‌های شاپرک نشان می‌دهد که نرخ رشد حقیقی تراکنش‌ها در دی‌ماه به یکی از کمترین سطوح ماه‌های اخیر رسیده است و این موضوع به معنای کاهش تقاضا (غالباً تقاضای احتیاطی و سفته‌بازی) در فضای اقتصاد است. با توجه به آن که دو ماه پایانی امسال به احتمال زیاد (و در صورت عدم افزایش دامنه بیماری کرونا) با رشد تقاضای مصرفی خانوار همراه خواهد بود، احتمالاً اثرات کاهش تقاضا بر کنترل قیمت‌ها، به صورت نسبی و محدود خواهد بود.

نرخ رشد نقطه‌به‌نقطه ارزش حقیقی تراکنش‌ها



با توجه به آنچه در باب تغییرات قیمت‌ها و چشم‌انداز ماه‌های پایانی سال ذکر شد، انتظار می‌رود که نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفندماه سال ۱۳۹۹ در محدوده ۴۸ درصد قرار گیرد. برآورد بدبینانه برای این نرخ نیز در محدوده ۴۹٫۷ درصد خواهد بود.

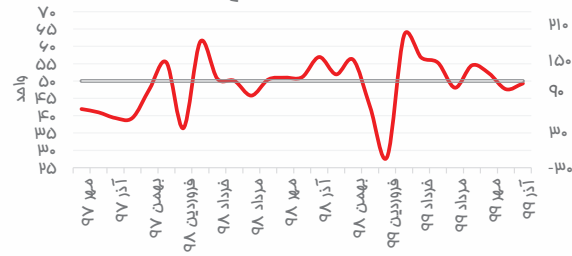
پیش‌بینی نرخ تورم نقطه به نقطه تا پایان سال



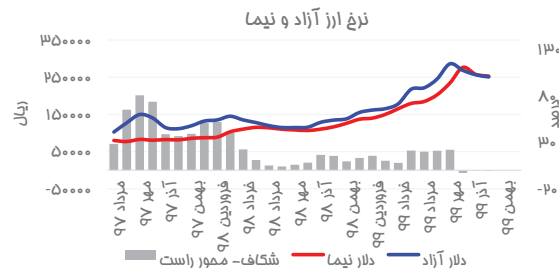
شاخص مدیران خرید: انتظار رونق

وضعیت شاخص مدیران خرید بخش صنعت در آذرماه (آخرین اطلاعات موجود) به شکلی بوده که شاخص برای دومین ماه متوالی در محدوده کمتر از ۵۰ واحد قرار گرفته که این اتفاق در سال جاری، بی‌سابقه بوده است و همانگونه که در بخش قبل نیز شرح داده شد، گویای افت محسوس تقاضا در بازارهای کالایی است. البته سطح شامخ آذرماه در محدوده ۴۹ بوده و نسبت به ماه قبل از آن با رشد محسوسی همراه بوده است.

شاخص مدیران فرید (شامخ)



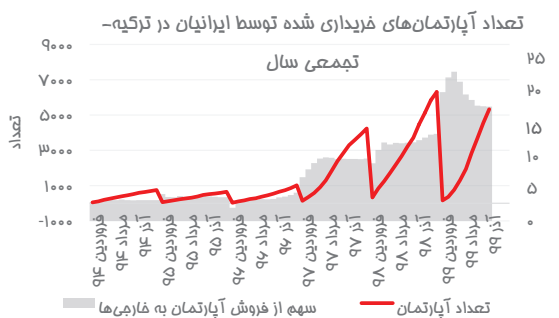
آزاد ارز وجود دارد و همین موضوع باعث شده تا نرخ آن با سامانه نیما برابر شود.



لازم به ذکر است که نرخ ارز بازار آزاد در اواخر دی‌ماه کاهش بسیار زیادی را تجربه کرده بود و به محدوده ۲۱ هزار تومان نیز رسیده بود. بررسی حباب قیمت سکه طلا، به عنوان شاخصی از مازاد تقاضای احتیاطی و سفته‌بازی، نیز نشانگر تعدیل نسبی شرایط در این بازار است؛ به شکلی که حباب قیمتی از بالاتر از ۱۰ درصد به کمتر از ۴ درصد رسیده است. البته باقی ماندن این میزان حباب در این بازار نشان دهنده آن است که همچنان مقداری تقاضای احتیاطی و سفته‌بازی در بازارهای ارز و طلا وجود دارد.



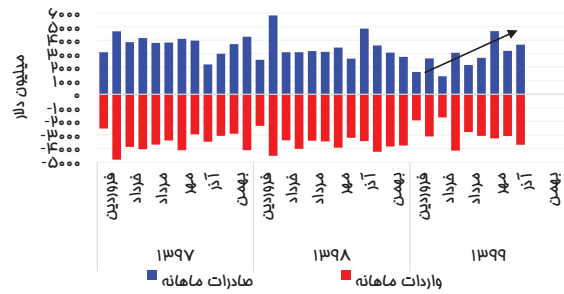
نکته مهم دیگری که باید در نظر داشت، مسئله تداوم خروج ارز از کشور در قالب خرید املاک در کشورهای همجوار نظیر ترکیه است؛ به شکلی که برآوردها نشان می‌دهد تنها در ۹ ماهه ابتدای سال حدود ۲ میلیارد دلار ارز به مقصد کشور ترکیه خارج شده است. بخش عمده این جریان خروج سرمایه را می‌توان تقاضای احتیاطی ارز در نظر گرفت.



بازار مسکن: انتظار رکود

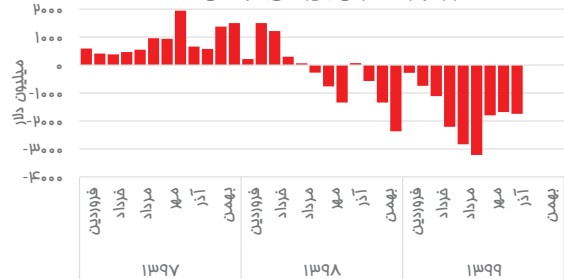
قیمت مسکن که در ماه‌های ابتدایی سال رشد بسیار زیادی را تجربه کرده بود، طی سه ماه اخیر با ثبات نسبی مواجه بوده و میانگین قیمت هر متر مربع آپارتمان شهر تهران در محدوده ۲۷ میلیون تومان ثابت بوده است. البته قیمت حقیقی هر متر مربع آپارتمان مسکونی در شهر تهران در دوره سه ماهه مذکور کاهش ۶٫۲ درصدی را تجربه کرده است.

آمار تجارت خارجی ماهانه



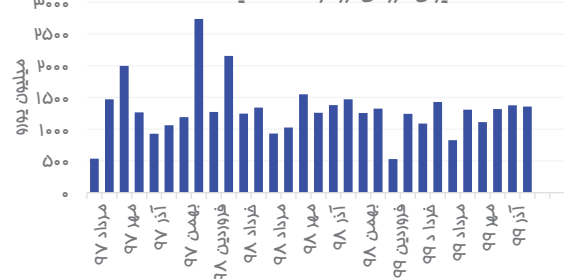
متاثر از بهبود نسبی شرایط تجارت خارجی و افزایش صادرات، تراز تجاری غیرنفتی نیز که از میانه‌های سال ۱۳۹۸ وارد محدوده منفی شده بود، به تدریج در حال بهبود است. کسری تراز تجاری غیرنفتی که در شهریورماه به رقم منفی ۳۰۱ میلیارد دلار رسیده بود، در سه ماه اخیر در محدوده ۱٫۸ میلیارد دلار قرار گرفته است و انتظار می‌رود تا پایان سال به محدوده یک میلیارد دلار کاهش یابد.

تراز تجاری گمرکی (غیرنفتی) تجمعی



بهبود نسبی صادرات و تراز تجاری در ماه‌های اخیر سبب شده تا عرضه ارز در سامانه نیما نیز تقویت شود. طی سه ماه اخیر، عرضه ماهانه ارز در سامانه نیما به حدود ۱٫۵ میلیارد دلار رسیده است و همین موضوع سبب شده تا فشار مازاد تقاضا در این بازار تا حدی کنترل شود و نرخ ارز در این سامانه با کاهش نسبی مواجه شود.

میزان فروش ارز در سامانه نیما



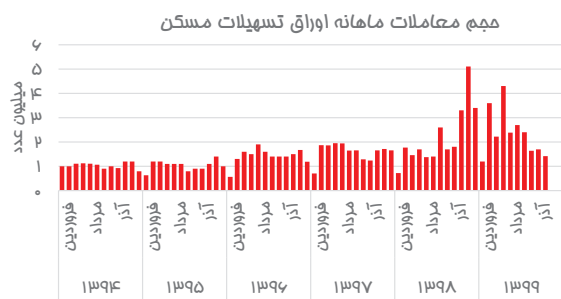
بازار ارز: تداوم روند نزولی

متاثر از تغییرات ایجادشده در فضای اقتصاد کلان و کنترل انتظارات تورمی، نرخ ارز نیز طی سه ماه اخیر روند نزولی داشته که البته کاهش نرخ بازار آزاد بیشتر از سامانه نیما بوده است. میانگین ماهانه نرخ ارز در سامانه نیما و بازار آزاد طی سه ماه اخیر به ترتیب ۱۲ و ۱۵ درصد کاهش یافته است و در حال حاضر شکاف میان دو نرخ تقریباً به محدوده صفر رسیده است.

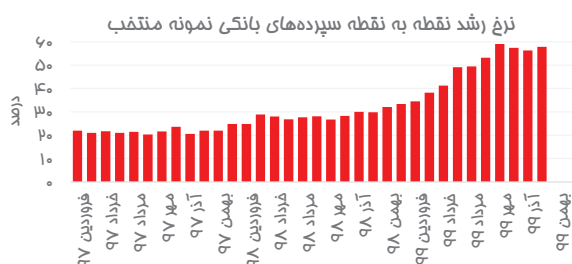
در مورد علت این امر، به نظر می‌رسد تغییر جهت انتظارات تورمی و کاهش تقاضای احتیاطی و سفته‌بازی در این بازار، عامل اصلی بوده است. در واقع به نظر می‌رسد که در حال حاضر، تنها تقاضای مصرفی در بازار



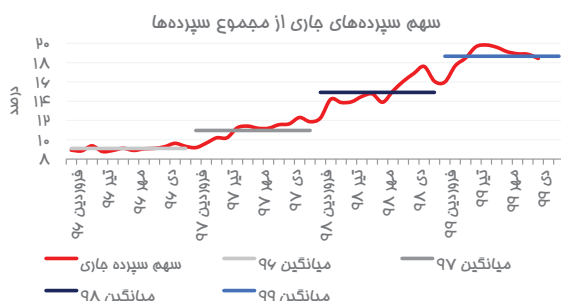
با میانگین‌های بلندمدت است اما باید توجه داشت که به دلیل رشد قیمت مسکن، تسهیلات متناظر با این اوراق سهم بسیار کمتری از قیمت مسکن را شامل می‌شود.



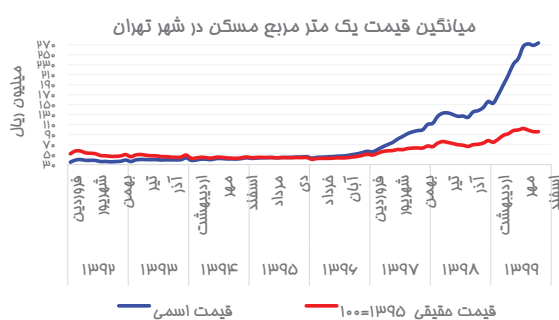
سپرده‌های بانکی: روند کاهشی سرعت گردش پول
بررسی وضعیت سپرده‌های در نمونه منتخب بانکی نشان می‌دهد که روند صعودی نرخ رشد نقطه به نقطه سپرده‌ها که در ماه‌های آبان و آذر متوقف شده بود، در دی‌ماه مجدداً افزایش یافته است. هرچند برای هرگونه اظهارنظر در این مورد هنوز بسیار زود است اما باید توجه داشت که در صورت تداوم این روند، انتظار ایجاد دور جدیدی از رشد نقدینگی و تورم وجود خواهد داشت. وضعیت سپرده‌های بانکی در ماه‌های آینده باید به دقت مورد پایش قرار گیرد.



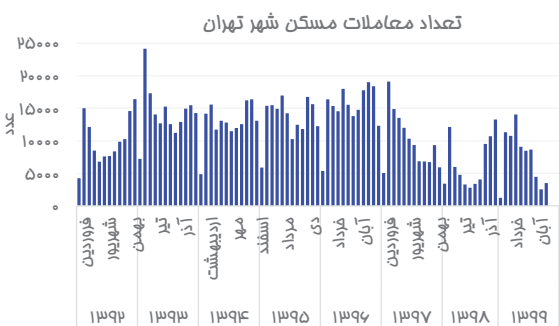
بررسی وضعیت ترکیب سپرده‌ها نشان می‌دهد که سهم سپرده‌های جاری برای چندمین ماه متوالی کاهش یافته است و در حال حاضر به کمتر از میانگین سال جاری رسیده است. کاهش فرصت‌های سفته‌بازی در اقتصاد و افزایش جذابیت نسبی سود ابزارهای بادرآمد ثابت نظیر سپرده‌های مدت‌دار، مهمترین علت این تغییر بوده و کاهش سرعت گردش پول و آثار تورمی آن، مهمترین پیامد کاهش سهم سپرده‌های جاری است. لازم به ذکر است که میانگین سهم سپرده‌های جاری در سال ۱۳۹۹ هنوز هم یکی از بالاترین رکوردهای تاریخی اقتصاد ایران محسوب می‌شود.



وضعیت سپرده‌های مدت‌دار نیز به شکلی بوده که برای سومین ماه متوالی، سهم سپرده‌های کوتاه‌مدت کاهش یافته و در مقابل سهم



وضعیت معاملات مسکن نیز به شکلی بوده که رکود معاملاتی کاملاً محسوس است. در دی‌ماه ۱۳۹۹ تعداد معاملات شهر تهران معادل ۳۵۱۵ مورد بوده که نسبت به میانگین سال جاری، حدود ۵۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد. انتظار کاهش بیشتر قیمت‌ها، کاهش تقاضای مصرفی به دلیل رشد چشمگیر بهای مسکن در سه سال اخیر و کاهش جذابیت سفته‌بازی، مجموع عواملی هستند که رکود معاملات در بازار مسکن را ایجاد کرده‌اند و با توجه به پایداری نسبی آن‌ها، انتظار تداوم این رکود وجود دارد. لازم به ذکر است، به صورت سنتی نیز معاملات در آخرین ماه سال یعنی اسفند کاهش می‌یابد و به همین دلیل، حداقل در سال جاری رشد معاملات بسیار دور از انتظار خواهد بود.



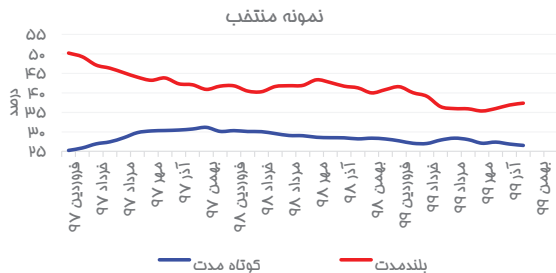
نکته مهم دیگری که در مورد مسکن باید در نظر گرفته شود، مسئله افزایش نسبی قیمت آن در ماه‌های اخیر است. ارزش دلاری قیمت هر متر مربع آپارتمان مسکونی در شهر تهران در دی‌ماه معادل ۱۱۰۰ دلار بوده است که این رقم، یکی از بالاترین سطوح طی سه سال اخیر است. از آنجا که بالاترین رقم یک دهه اخیر نیز در محدوده ۱۲۰۰ دلار بوده است، به نظر نمی‌رسد در شرایط فعلی قیمت مسکن پتانسیل زیادی برای افزایش داشته باشد. این موضوع می‌تواند رکود معاملاتی این بازار طی سال آینده را تشدید کند.



بررسی وضعیت معاملات اوراق تسهیلات مسکن نیز نشان می‌دهد که معاملات این اوراق (به عنوان شاخصی از تقاضای مصرفی) نیز با رکود نسبی مواجه شده و طی سه ماهه اخیر، به صورت متوسط حدود ۱٫۵ میلیون ورقه مورد معامله قرار گرفته است. هرچند این تعداد ورقه معامله شده، متناسب

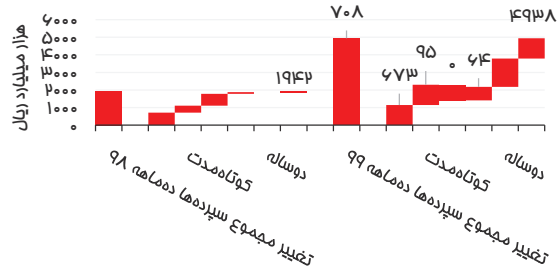
سپرده‌های بلندمدت افزایش یافته است. انتظار تداوم این روند در ماه‌های باقی‌مانده تا پایان سال وجود دارد و این موضوع نقش مهمی در تداوم ثبات نسبی ایجاد شده در فضای اقتصاد کلان دارد. انجام اقداماتی جهت کاهش نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار، موضوعی است که می‌تواند این ثبات را برهم زند و دور جدیدی از نوسانات در انواع بازارها را ایجاد کند.

سهام سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت از مجموع سپرده‌های



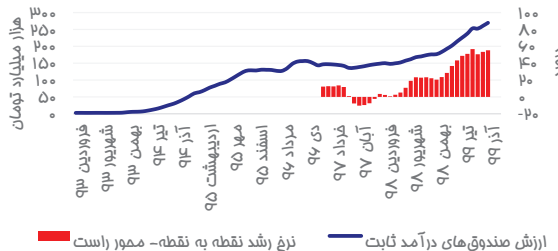
بررسی وضعیت جابجایی منابع بین سپرده‌های بانکی نشان می‌دهد که در ۱۰ ماهه ابتدای سال جاری، مهمترین تغییر ایجاد شده مربوط به انتقال منابع از سمت سپرده‌های یکساله به سمت سپرده‌های دوساله بوده است. خالص ورود پول به سپرده‌های دوساله در این دوره بیش از دو برابر خروج پول از سپرده‌های یک ساله بوده است و به نظر می‌رسد شکاف ۲ درصدی میان نرخ سود این دو نوع سپرده، تاثیر بسیار زیادی بر ترجیحات سپرده‌گذاران داشته است. نکته حائز اهمیت این تغییر برای نظام بانکی، مسئله افزایش دوره ماندگاری سپرده‌هاست که می‌تواند تصمیمات آتی مربوط به پرداخت تسهیلات را متاثر سازد.

تغییر سپرده‌های بانکی در نمونه منتقّب



بررسی وضعیت دارایی صندوق‌های با درآمد ثابت نیز نشان می‌دهد که مجموع دارایی این صندوق‌ها تا پایان آذرماه (آخرین اطلاعات در دسترس) به بیش از ۲۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. نکته مهم در زمینه این صندوق‌ها و دارایی جذب شده توسط آن‌ها، مسئله افزایش سریع نرخ رشد از ابتدای سال ۱۳۹۹ است به شکلی که در ماه‌های اخیر، نرخ رشد دارایی این صندوق‌ها به محدوده ۶۰ درصد رسیده است.

ارزش دارایی صندوق‌های سرمایه‌گذاری درآمد ثابت



در مورد دلیل رشد ارزش دارایی و افزایش سریع ورود منابع به این

صندوق‌ها، به نظر می‌رسد که بازدهی بالاتر آن‌ها در مقایسه با سپرده‌های بانکی در یک سال اخیر، که تا حد زیادی ناشی از رشد قیمت سهام موجود در پرتفوی آن‌ها بوده است، عاملی بوده که جذابیت نسبی آن‌ها را افزایش داده و ورود منابع به آن‌ها را تقویت کرده است. لازم به ذکر است که در سه ماهه اخیر و با کاهش نرخ بازده محقق شده، حدود ۳۰۴ هزار نفر (۵,۵ درصد از کل سرمایه‌گذاران) اقدام به ابطال واحدها و خروج از صندوق‌های مذکور کرده‌اند.

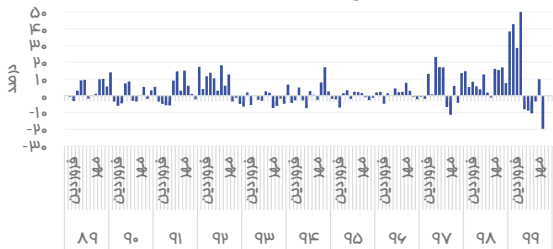
میانگین موزون نرخ بازده صندوق‌های درآمد ثابت



بازار سهام: ریزش متاثر از شرایط بی‌رونی

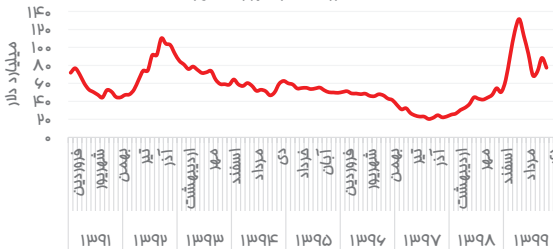
بازار سهام در دی‌ماه وضعیت نامناسبی داشته است، به طوری که با تجربه کاهش حدود ۲۰ درصدی ارزش بازار، رکورد بیشترین ریزش ماهانه خود را ثبت کرده و همین رکوردشکنی منجر به استعفا ریاست سازمان بورس شده است. ایجاد نگرش کاهش یکباره نرخ دلار در ابتدای بهمن‌ماه، تغییرات مدیریتی در بورس و مواردی از این دست، مهمترین عوامل ریزش قابل ملاحظه بازار سهام در دی‌ماه بوده‌اند.

نرخ رشد ماهانه (ارزش بازار)



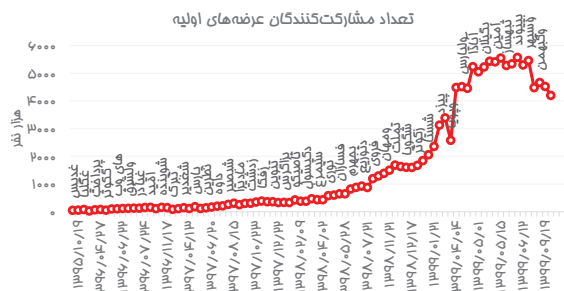
کاهش چشمگیر قیمت بازار سهام در دی‌ماه سبب شده تا ارزش بورس تهران به محدوده ۴۵۰۰ هزار میلیارد تومان برسد که این رقم، متناسب با ارزش بورس در اردیبهشت‌ماه بوده و این در حالی است که نرخ تورم و نرخ ارز در آن زمان به ترتیب معادل ۲۱ درصد و ۱۶ هزار تومان بوده‌اند که مقایسه مقادیر کنونی این دو متغیر با ارزش بازار سهام، نشانگر تعدیل بیش از اندازه قیمت سهام در ماه‌های اخیر است. محاسبه شاخص ارزش دلاری بورس تهران نشان می‌دهد که حتی با وجود کاهش نرخ ارز در دی‌ماه، شاخص دلاری ارزش بازار باز هم کاهش یافته است. تداوم این شرایط با وجود رشد پیوسته قیمت جهانی کالاهای پایه و چشم‌انداز تداوم رشد آن‌ها در سال پیش رو، بسیار بعید به نظر می‌رسد.

شأفص ارزش دلاری بورس تهران

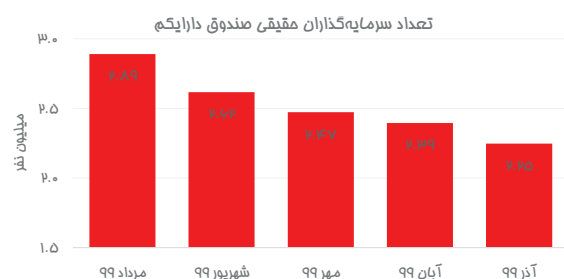




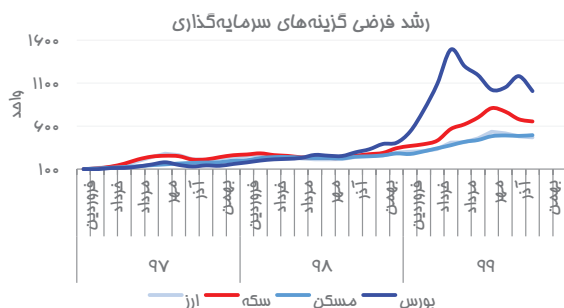
همیشگی بخشی از این افراد تازه‌وارد از بازار سهام، چرخه‌ای است که طی سال‌های اخیر به صورت پیوسته تکرار شده است. بررسی وضعیت شمار شرکت‌کنندگان در عرضه‌های اولیه نشان می‌دهد که طی ماه‌های اخیر حدود ۱٫۵ میلیون نفر از تعداد خریداران عرضه‌های اولیه (که همواره با عنوان سرمایه‌گذاری بدون ریسک شناخته می‌شوند) کم شده است.



بررسی وضعیت خریداران صندوق دارا یکم نیز نشانگر آن است که طی ماه‌های اخیر سرمایه‌گذاران این صندوق به صورت پیوسته در حال فروش واحدها و خروج از صندوق بوده‌اند به طوری که حدود ۷۰۰ هزار نفر اقدام به خروج از این صندوق کرده‌اند. البته آمار مربوط به دی‌ماه هنوز در دسترس نیست و انتظار خروج شمار زیادی از سرمایه‌گذاران این صندوق دی‌ماه نیز وجود دارد.

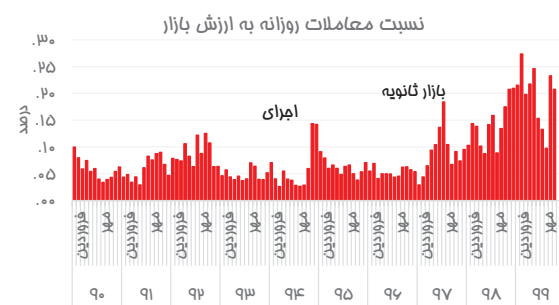


با وجود ریزش قابل ملاحظه قیمت‌ها در بازار سهام و خروج شمار زیادی از سرمایه‌گذاران طی ماه‌های اخیر، باید توجه داشت که مقایسه بازدهی گزینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که هنوز هم از ابتدای سال ۱۳۹۷ (زمان آغاز شوک ارزی) تاکنون بیشترین میزان بازدهی در بین بازارهای مالی مختلف مربوط به سهام بوده است. لازم به ذکر است که این تغییرات صرفاً تغییرات قیمتی است و سهام برخلاف دارایی‌هایی نظیر ارز و طلا از مزیت بازده نقدی سالانه نیز برخوردار است.

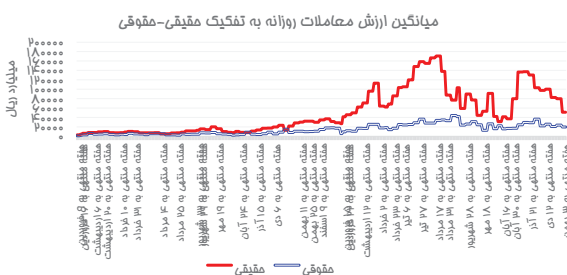


در مورد چشم‌انداز بازار سهام در ماه‌های آینده نیز باید توجه داشت که مسئله نرخ ارز و بهای جهانی کالاهای پایه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در حال حاضر چشم‌انداز قیمت کالاهای پایه مثبت است و برای نرخ ارز نیز انتظار کاهش محسوس وجود ندارد.

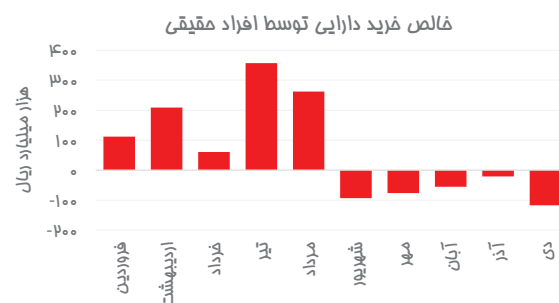
وضعیت معاملات در بازار سهام نیز در دی‌ماه به نحوی بوده که ارزش معاملات همچنان در سطوح بالایی قرار داشته است و نسبت ارزش معاملات به ارزش بازار سهام، یکی از بالاترین رکوردهای همیشگی را ثبت کرده است. میانگین روزانه ارزش معاملات نیز در این ماه در محدوده ۱۰ هزار میلیارد تومان بوده است.



شرایط نامناسب بازار سهام در دی‌ماه که با افزایش میزان معاملات همراه بوده، شبیه به نوسانات قبلی بازار سهام طی سال‌های اخیر، از ناحیه اشخاص حقیقی رقم خورده است، به شکلی که افزایش میزان معاملات و فروش سهام، تقریباً مربوط به معاملات حقیقی بوده است. به بیان دیگر، افزایش شمار معامله‌گران تازه وارد در بازار سهام در سال‌های اخیر، منجر به افزایش شیوع رفتار هیجانی و توده‌وار نزد سهامداران شده است و رشد معاملات (چه در زمان صعود بازار و چه در زمان نزول بازار) متأثر از هیجانات گروه معامله‌گران حقیقی بوده است.



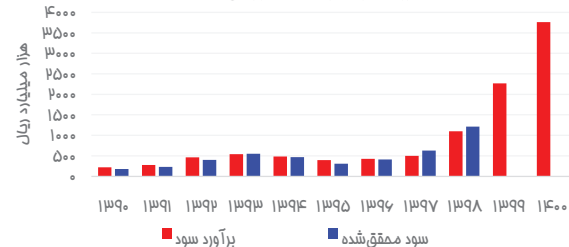
افزایش هیجان معامله‌گران حقیقی برای خروج از بازار سهام به دلیل ترس از ریزش بیشتر قیمت‌ها سبب شده تا این گروه طی دی‌ماه به صورت خالص (خرید منهای فروش) حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان از سهام خود را فروخته و از بازار خارج شوند. به منظور داشتن تصویر مقایسه‌ای توجه داشته باشید که این رقم تقریباً با مجموع میزان فروش سهام این گروه طی ماه‌های مهر، آبان و آذر برابر است.



فرآیند ورود خیل جدید سهامداران به بازار، ایجاد حباب قیمتی به دلیل هیجانات، ریزش سریع بازار به دلیل معکوس شدن روند هیجانات و خروج

هر چند تغییر شرایط بیماری می‌تواند همه پیش‌بینی‌ها را تغییر دهد اما با این وجود، برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که میزان تحقق سود شرکت‌ها در سال آینده به طور محسوسی افزایش خواهد یافت و احتمالا شرکت‌های بورسی رقمی نزدیک به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان سود را محقق خواهند کرد که این رقم، رشد چشمگیری را نسبت به امسال نشان می‌دهد.

روند سود شرکت‌های بورسی



در کنار مواردی که در رابطه با وضعیت و چشم‌انداز بازار سهام ذکر شد، یکی دیگر از نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله تعداد بالای شرکت‌هایی است که در صف عرضه قرار دارند.

بررسی وضعیت شرکت‌های درج شده و آماده عرضه در بورس تهران نشان می‌دهد که در حال حاضر ۲۴ شرکت با ابعاد مختلف و در صنایع متعدد در فهرست قرار دارند. گروه مالی با ۱۰ شرکت، در صدر فهرست قرار دارد و صنایع غذایی با یک شرکت، در انتهای این فهرست قرار دارد.

لازم به ذکر است، در کنار این موارد، حدود ۴۱ شرکت نیز در حال تکمیل مدارک برای ورود به بورس تهران هستند و احتمالا به تناسب این ارقام، شرکت‌هایی نیز در حال ورود به فرابورس هستند. عرضه اولیه شمار زیادی از این شرکت‌ها طی سال آینده (در صورت مناسب بودن فضای بازار برای عرضه) می‌تواند نویدبخش توسعه بیشتر بازار سرمایه کشور با محوریت توسعه بازار اولیه باشد.

همچنین نهادهای مالی واسط نظیر شرکت‌های تأمین سرمایه که نقش مشاور پذیرش و تعهد بازارگردانی سهام این شرکت‌ها را بر عهده دارند، احتمالا در سال آینده با افزایش درآمد و سودآوری مواجه خواهند بود.

شرکت‌هایی که در صف عرضه قرار دارند به تفکیک صنایع

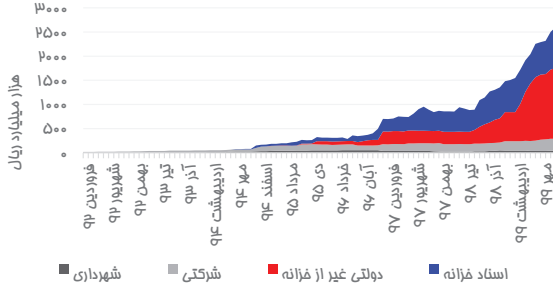


بازار اوراق: چشم‌انداز پهبود

ارزش بازار اوراق تأمین مالی طی دی‌ماه با رشد ۱۰ هزار میلیارد تومانی (۴ درصدی) به ۲۶۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. این رقم نشانگر آن است که ارزش بازار اوراق در بازه‌های یکساله، دوساله و پنج‌ساله به ترتیب ۹۹ درصد، ۲۸۰ درصد و ۳۲۰ درصد افزایش یافته است.

البته باید توجه داشت که این ارقام، صرفا ارقام جاری است و براساس ارقام حقیقی و بدون احتساب نرخ تورم، میزان رشد ارزش بازار اوراق تأمین مالی به مراتب کمتر بوده است.

ارزش بازار اوراق تأمین مالی



محاسبه و بررسی روند ارزش دلاری بازار اوراق تأمین مالی نیز نشان می‌دهد که ارزش دلاری این بازار طی سه سال اخیر تقریبا ثابت و در محدوده ۱۰ میلیارد دلار بوده است. این نسبت از یکسو نشانگر آن است که بازار اوراق در مقایسه با ابعاد اقتصاد ایران، بسیار کوچک است و از سوی دیگر نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر عملا رشدی در این بازار ایجاد نشده است و تأمین مالی از ابزارهای بدهی تقریبا ثابت مانده است.

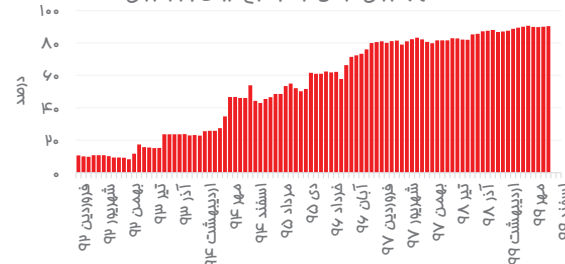
ارزش دلاری بازار اوراق تأمین مالی



در کنار این موارد باید توجه داشت که رشدهای ایجاد شده در بازار اوراق تأمین مالی طی سال‌های اخیر غالبا از ناحیه انتشار و فروش اوراق تأمین مالی دولت بوده و بخش خصوصی توانسته بهره‌چندانی از این بازار برد به شکلی که سهم دولت از بازار اوراق تأمین مالی به صورت پیوسته افزایش یافته است. در دی‌ماه نیز سهم دولتی از مجموع ارزش بازار به رقم بی‌نظیر ۹۰٫۴ درصد رسیده است که رشدی بیش از ۲ برابر را در یک بازه ۵ ساله نشان می‌دهد.

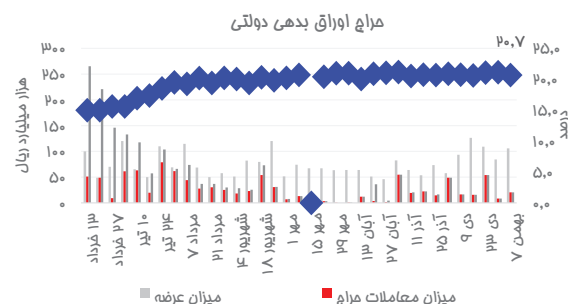
لازم به ذکر است که مشکلات ایجاد شده برای دولت و کاهش درآمدهای آن طی سال‌های اخیر، از جمله مهمترین دلایلی بوده که انتشار اوراق دولتی را در سال‌های اخیر افزایش داده است.

سهم اوراق دولتی از مجموع ارزش بازار اوراق

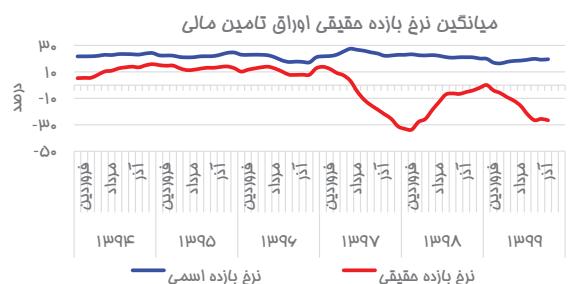


وضعیت فروش اوراق دولت در حراج‌های هفتگی نیز به شکلی بوده که از ابتدای دی‌ماه تاکنون میزان عرضه اوراق به شکل محسوسی افزایش یافته اما رشد متناظر در میزان خرید مشاهده نمی‌شود. از ابتدای دی‌ماه تاکنون (۷ بهمن) بیش از ۵۷ هزار میلیارد تومان اوراق دولت عرضه شده که تنها ۱۶ هزار میلیارد تومان خریداری شده و میزان موفقیت هر حراج (نسبت معامله به عرضه) به صورت میانگین ۳۲ درصد بوده است. فروش بیشتر اوراق دولت، مستلزم افزایش نرخ بازده پیشنهادی توسط دولت است. لازم به ذکر است طی ۳۵ مرحله حراج اوراق دولت که در سال جاری صورت

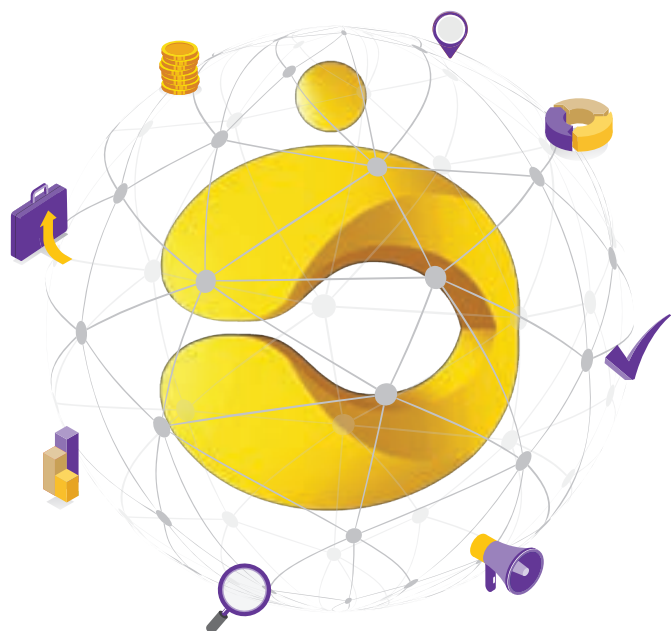
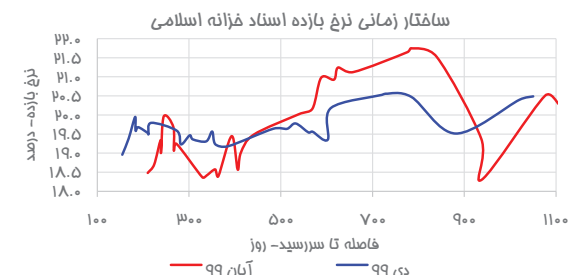
گرفته است، تاکنون (۷ بهمن) بیش از ۹۶ هزار میلیارد تومان اوراق به فروش رفته است.



بررسی وضعیت نرخ بازده حقیقی در بازار اوراق تأمین مالی نشان می‌دهد که در حال حاضر این نرخ همچنان در محدوده‌های بسیار پایینی قرار دارد و همین موضوع از مهمترین دلایل عدم استقبال از اوراق دولت است. نکته مهمی که باید در این باره مورد نظر قرار گیرد آن است که از یکسو چشم‌انداز کاهش تورم، بر نرخ بازده حقیقی انتظاری اثر خواهد گذاشت و احتمالاً موجب افزایش استقبال از اوراق طی ماه‌های آینده خواهد شد و از سوی دیگر با توجه به بهبود چشم‌انداز درآمدهای نفتی دولت، احتمالاً نیاز دولت به انتشار اوراق در سال آینده کاهش خواهد یافت و همین موضوع موجب کاهش فشار عرضه در بازار خواهد شد. هرچند که هنوز قانون بودجه سال آینده در مجلس تصویب نشده اما با توجه به موارد فوق، در مجموع انتظارات در بازار اوراق تأمین مالی به شکلی است که احتمال کاهش نرخ بیش از احتمال افزایش نرخ خواهد بود.



نکته مهم دیگری که در زمینه نرخ بازده اوراق تأمین مالی باید در نظر داشت، مسئله تغییر فضای انتظارات طی سه ماه اخیر و اثرات آن بر کاهش نرخ بازده مطالبه شده توسط سرمایه‌گذاران است. از میانه‌های آبان و با تغییر فضای اقتصاد کشور، علاوه بر آنکه میانگین نرخ بازده در بازار اوراق تأمین مالی کاهش یافته، شیب منحنی ترم استراکچر نیز به شکل مشهودی کاهش یافته است، به طوری که سرمایه‌گذاران برای اوراق با سررسید حدود دو سال، نرخ بازده کمتری (حدود یک واحد درصد) مطالبه می‌کنند. این موضوع به معنای آن است که صرف ریسک مطالبه شده توسط سرمایه‌گذاران کاهش یافته است.



جویشتر

تکمیل زنجیره مالی

www.jouyesh.com

Unit 2, No.16, Babak Alley, JahanAra st. ,Shahid e Gornam Highway, Tehran. Iran Tel: +98214167440

در بورس، آینده با شماست

۰۲۱۴۲۷۶۴۰۰۰



دارای کلیه مجوزهای فعالیت در

- بورس اوراق بهادار تهران
- فرابورس ایران
- بورس کالای ایران
- بورس انرژی



کارگزاری بانک آینده

- ثبت نام به صورت کاملاً غیر حضوری
 - ارائه تمام خدمات کارگزاری در
- شعب بانک آینده

صندوق های سرمایه گذاری کارگزاری بانک آینده



صندوق سرمایه گذاری گنجینه آینده روشن



www.ayandehfund.com

در سهام

صندوق سرمایه گذاری با گسترش فردای ایرانیان



www.gostareshfund.com

بازار آمد ثابت



صندوق سرمایه گذاری تجربه ایرانیان



www.tajrobeiranian.com

مختلط



Bank_Ayandeh_Brokrage_co



@AyandehBroker

www.babc.ir



مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری صنعت بیمه:

روش اجرای سهام عدالت ایراد دارد



رتبه بندی اعتباری
قطعه ای از پازل
تأمین مالی

۵۶



تقویت زیرساخت ها
اولویتهای ضروری

۴۳



خواسته هایی از
رئیس جدید سازمان

۴۲





خولسته‌هایی از رئیس جدید سازمان



احمد اشتیاقی
مدیر عامل کارگزاری بانک آینده

ضعف تقاضا در بازار سرمایه یکی از مشکلاتی است که در حال حاضر گریبان‌گیر بازار است و هر آنچه بتواند تقاضا را تقویت کند، باید در اولویت اول رئیس جدید سازمان بورس باشد. باید ضعف تقاضا حل شود بدین معنا که پارک پولی که باید در صندوق توسعه و تثبیت قرار گرفته است افزایش یابد؛ با این سطح از شناوری در بازار سرمایه باید این پول پارک شده به اندازه‌ای باشد که بازار را هدفمند هدایت کند. مذاکره درباره تخصیص یک درصد از منابع صندوق توسعه به صندوق تثبیت است که در حال حاضر بخشی از آن اختصاص یافته و البته هنوز بخش بزرگی باقی مانده است بنابراین، این مهم باید توسط رئیس جدید پیگیری شود و هر راهکار دیگری که باعث تقویت منابع این دو صندوق بازار می‌شود، صورت گیرد. از هر نوع تصمیمات خلق‌الساعه در مورد هر نوع امتیازی که بازار سرمایه در حال حاضر دارد و حتی مواردی که به ضرر بازار است باید پرهیز شود، یعنی مجلس که در مورد انرژی و افزایش قیمت آن سخن می‌گوید این دست از موضوعات را در برنامه‌های ۵ ساله و با اعلام قبلی انجام دهد. پرداخت تسهیلات مالی توسط بانک‌ها به شرکت‌های سرمایه‌گذاری حقوقی که فعلاً به نوعی ممنوع است از طرف سازمان حل شود، می‌تواند بخش

آرامش تزریق شود



محمدعلی احمد زاد اصل
کارشناس بازار سرمایه

چندین ماه است که می‌گوییم ابتدا در بازار سرمایه باید آرامش حاکم باشد و در مرحله بعد اعتماد به بازار برگردد، بازار دیگر بیشتر از این نمی‌خواهد و اگر چنین اتفاقی رخ دهد می‌تواند در داخل خود به رونق و تعادل پویایی برسد. برای ایجاد شفافیت در بازار سرمایه نحوه تزریق آرامش مهم است، مردم را نترسانند، پرونده‌سازی‌های زیادی نکنند و حقوقی‌ها و حقیقی‌ها و کارگزاران را نترسانند، ضوابطی وجود دارد و همانگونه که قانون‌گذار مقرر کرده است باید اجرا کنند، مهم است که سلیقه‌ای و تحت تأثیر جو یک طرفه برخورد نکنند و منافع، وضعیت کاری و عملیاتی آنها را در نظر بگیرند. سازمان باید این جاده یک‌طرفه را از بین ببرد و دیوار حائل که خود سازمان با تمام ارکان بازار سرمایه کشیده است را بردارد، فضای مجازی را در راستای تقویت بازار سرمایه و شفافیت آن اندکی آزاد کند تا مطالب مورد چالش قرار بگیرد و مورد استفاده سازمان هم باشد. تصمیمات خلق‌الساعه یکی از همین مشکلات است که باید از آن دوری شود. اظهارنظرهای هیجانی نکنند و به این صورت نباشد که هر روز یکی از مسئولان سخنرانی کند. اگر رئیس جدید سازمان بتواند این موضوعات را پیگیری کند دیگر نیازی نیست که کاری انجام دهد. وزیر اقتصاد در شورا، رئیس شورای عالی بورس است که وظایفی دارد و باید به وظایف خود عمل کند. یکی از وظایفش سیاست‌گذاری است که فقط همین کار را انجام دهد کافی است البته سیاست‌هایی که به نفع بازار سرمایه باشد، نه اینکه سیاست‌هایی اعمال کنند که فضا را مبهم، غبارآلود و در عین حال خدمت کردن به عده‌ای خاص باشد که اینها مطلوب کارشناسان نیست. بهتر است انتظار داشته باشیم وزیر اقتصاد همان سیاست‌های کلان را از طریق شورای عالی بورس ابلاغ کند که بازار حتماً می‌پذیرد و این موارد سبب بازگشت و تزریق آرامش به بورس می‌شوند، در صورتی که آرامش تزریق شود؛ اعتماد هم در کنارش خواهد آمد و پول و سرمایه‌ها به سمت بازار روانه می‌شود بدون اینکه محدودیت‌هایی اعمال شود. درخصوص محدودیت‌ها هم در حال حاضر باید تکلیف دامنه نوسان را مشخص کنند، حذف دامنه نوسان، کار علمی است که باید آن را عملیاتی ببینند و اجرایی کنند، بحث نظارت‌ها سلیقه‌ای است چه پیش‌تر که سازمان بورس این کار را انجام میداد و چه الان که مجلس و نهادهای نظارتی و امنیتی هم خواهان هستند که این کار را انجام دهند که درست نیست و باعث می‌شود ترس بر بازار حاکم شود و سبب خروج یا فرار سرمایه‌ها از بازار می‌شود.

تقویت زیر ساخت‌ها؛ اولویتی ضروری



عظیم ثابت

مدیرعامل کارگزاری بانک سپه

در حال حاضر مشکلات اصلی خارج از بازار است و در داخل بازار نیست که البته آقای دهقان در این راستا اقدامات مثبتی انجام دادند مانند رفع قیمت‌گذاری دستوری، آزادسازی قیمت خودرو، قیمت‌گذاری دستوری برای فولاد و....

بخش زیادی از این موارد به تعامل بازار با سایر نهادها مخصوصاً نهادهایی که خارج از سازمان هستند مانند مجلس و دولت بازمی‌گردد که بتوانند این‌ها را با یکدیگر همگرا کنند که بازار از این ناحیه آسیب نبیند زیرا الان بازار از لحاظ قیمتی خوب اصلاح کرده است و حتی گاهی اوقات شاهد ریزش‌های شدیدی بودیم.

در حال حاضر اندکی بی‌اعتمادی به بازار تزریق شده است و باعث شده مردم به ارزشمندی سهام توجه زیادی نکنند و بدون علت از بازار خارج شوند، متأسفانه دامنه نوسان هم مزید بر علت شده است که شخص با خود فکر می‌کند و می‌گوید اگر امروز سهمم را نفروشم فردا پنج درصد عقب هستم.

مسئله مهم بازار در حال حاضر این است که مشکلات ما ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و کل نظام باید از بازار سرمایه حمایت کند زیرا بازار سرمایه امروز دیگر مانند بازار سرمایه سال‌های گذشته نیست و مخاطبان زیادی پیدا کرده است؛ سهامداران، ادارات و سایر مردم به این بازار ورود کردند و رئیس و تمامی ارکان بازار موظفند که به آنها کمک کنند بنابراین علاوه بر اینکه رئیس جدید سازمان بورس باید توانایی اصلاح و تقویت زیرساخت‌ها را داشته باشد، لازم است نگاهی بسیار عمیق نسبت به خارج از بازار داشته باشد مانند کاهش نرخ سود بانکی، تعامل مجلس و دولت، حمایت‌هایی که نظام می‌تواند از بازار سرمایه داشته باشد و... که بتوانیم از مشکلات ایجاد شده به‌سلامتی عبور کنیم.

زیادی از مشکلات را مرتفع سازد.

از سوی دیگر با توجه به وزن زیادی که بازار سرمایه پیدا کرده است حضور مدیرعامل سازمان بورس و اوراق بهادار در جلسات هیأت دولت نیز از دیگر اولویتهاست؛ باید همانگونه که رئیس کل بانک مرکزی در جلسات هیأت دولت حاضر می‌شوند، رئیس کل سازمان بورس نیز حضور داشته باشند.

نحوه آزادسازی سهام عدالت دیگر موضوع مهم در این راستاست. این مهم باید در برنامه‌ای منسجم انجام شود تا فشار فروش بر بازار وارد نشود. با توجه به ابلاغیه ممنوعیت فروش سهام عدالت می‌توان گفت این دست از ممنوعیت‌ها باید ادامه‌دار باشد و آزادسازی سهام عدالت به صورت تدریجی و فروش آن بنا بر قیمت‌های تابلو به حقوقی‌ها انجام گیرد. زمینه باید فراهم شود تا سهام عدالت را حقوقی‌ها در قیمت تابلو خریداری کنند. این اصلاحاتی که برای سهام عدالت انجام می‌شود در کوتاه‌مدت تاثیرگذار است. دریافت تسهیلات توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ باید باز باشد. در شرایط فعلی بازار، تمام هلدینگ‌ها و حقوقی‌ها ارزنده هستند و قیمت‌ها به کف رسیده است.

اعطای تسهیلات مالی، صندوق توسعه و تثبیت در بلندمدت تاثیرگذار است. به نظر می‌رسد هر راهکاری در هر زمان برای جمع‌آوری بودجه در صندوق توسعه و تثبیت ضروری است.

موضوع با اهمیت دیگر عرضه‌ها است. این اقدام باید با توجه به شرایط و کشش بازار انجام شود، برنامه ریزی برای عرضه اولیه هم می‌تواند یکی دیگر از اولویتهای رئیس جدید سازمان باشد که در سازمان برای این امر اقدامات لازم در حال انجام است.

و در نهایت باید به موضوع کارگزاری‌ها نگاهی دوباره شود. کارگزاری‌ها مطابق الزامات سازمان ۱۰ درصد از حقوق صاحبان سهام خود را می‌توانند به مشتریان تسهیلات بدهند، با توجه به این موضوع که اشخاص حقیقی فعال با پرتفوی قوی و امکان خرید برای این دسته از فعالان فراهم شده است اگر این ۱۰ درصد از حقوق صاحبان به ۲۰ درصد افزایش پیدا کند می‌تواند کمک بسزایی به روند بازار باشد.

رفت و آمد دوباره در سازمان

این بار، معاون وزیر اقتصاد وارد می شود!


 راحیل فراهانی
خبرنگار

قالیباف اصل که ریاست سازمان بورس و اوراق بهادار را به عنوان دهمین رئیس آن بر عهده گرفت، از ۲۵ فروردین ۹۹ بر صندلی ریاست تکیه زد و در نخستین نشست خبری خود پاسخگویی سازمان از طریق رسانه‌ها را امری مهم قلمداد و بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات، بهبود نقدشوندگی و افزایش شفافیت را از اولویتهای اصلی کار خود عنوان کرد.

تأمین مالی از طریق بازار سرمایه از مهمترین اهدافی بود که قالیباف اصل به دنبال تحقق آن بود به طوری که در ۶ ماهه نخست سال ۹۹، ۳۰۰ هزار میلیارد تومان از طریق بازار سرمایه تأمین مالی صورت گرفت. سهام عدالت که یکی از چالشی‌ترین مسئله‌های اقتصادی کشور در سال‌های اخیر به حساب می‌آید در دوران قالیباف اصل آزاد سازی شد تا چالشی بر چالش‌های پرتعداد این مسئول باشد. وی که در جلسات شورای عالی بورس بارها به وظایف سرمایه‌گذاری استانی برای تقسیم سود سهام عدالت به روش غیر مستقیم اشاره کرده بود شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی موظف به شناسایی و ثبت سهامداران خود کرد، همچنین اصلاح مصوبات سال ۹۱ که مؤسسان یک شرکت می‌توانستند ۳۵ درصد از یک شرکت تأمین سرمایه را داشته باشند ضرورتی مهم دانست که آن را عملیاتی هم کرد تا جایی که مؤسسان توانستند حداکثر ۶۰ درصد یک شرکت تأمین سرمایه را داشته باشند و مجازند ۴۰ درصد مابقی را پذیره نویسی عمومی کنند. در پاییز سال جاری قالیباف اصل بیان کرد که از طریق ساز و کارهای جبرانی می‌توان برخی از تخلفات داخل بازار سرمایه را کنترل و به آن رسیدگی کرد، البته وی معتقد بود، این مهم از طریق عدالت ترمیمی محقق می‌شود. افزایش سرمایه از طریق سلب حق تقدم از دیگر اقدامات مهم دهمین رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار بود که در آبان ماه ۹۹ در جلسه شورای عالی بورس پیشنهاد شد و به تصویب رسید همچنین برای کمک به توسعه نهادهای مالی و تنوع خدمات ارائه شده در بازار با تاسیس شرکت‌های تأمین سرمایه که با مجوز بانک مرکزی فعالیت می‌کنند تصمیمات لازم در شورای عالی بورس گرفته شد.

وی در دوران کوتاه ریاست خود جلوگیری از موازی کاری در بازار سرمایه را جزو مهمترین اهداف خود قرار داده بود و از تلاش‌هایی که برای ایجاد نهادهای مختلف در این باره شده بود در نشست‌های خبری اطلاع رسانی کرد. ۵۷ میلیون سهامدار با احتساب سهامداران عدالت آخرین آماری از زبان مرد





شماره یک سازمان بورس بود که در مراسم معارفه خود به آن اشاره کرد. تصمیم‌گیری درباره کارمزدها و اعلام پیشنهاد به شورای عالی بورس در راستای حرکت به سوی کاهش کارمزدها دیگر اقدام عملی دهمین رئیس سازمان بورس بود. ایجاد صندوقی با نام صندوق توسعه تأمین مالی به منظور تأمین مالی شرکت‌های پذیرش شده در بورس مبین اعتقاد وی به تأمین مالی از طریق بازار سرمایه است.

پایان یک شروع ناتمام

۳۰ آذر ۹۹ قالیباف اصل استعفای خود را به شورای عالی بورس تقدیم کرد و با آنکه در ابتدا تکذیبیه‌های فراوان بازار را احاطه کرده بود اما در نهایت روابط عمومی سازمان دریافت استعفا را تأیید کرد تا پایانی بر یک شروع ناتمام باشد و روزشمار ۱۵ روزه برای پیدا کردن جایگزین طبق قانون آغاز شود. در نهایت و پس از اعلام نام‌های متعدد در بازار و بررسی گزینه‌های روی میز، معاون اقتصادی وزیر امور اقتصاد ریاست سازمان بورس را بر عهده گرفت تا جنجال‌ها کمی فروکش کند.

بازار، رئیس جدید را شناخت

محمدعلی دهقان دهنوی هفتمین بهمن ۹۹ با وجود انتقادات بسیار زیادی که به واسطه دولتی بودنش به او وارد بود و بهارستان نشینان او را نابلد بازار می‌دانستند وارد طبقه ششم سازمان بورس شد و رسماً ریاست سازمان را بر عهده گرفت. تعامل و مشورت‌پذیری در عین حفظ استقلال، شکل‌دهی گروه‌های مشورتی تخصصی (نهادهی/بخشی)، پیش اطلاع‌رسانی تغییرات و تبیین ابعاد تغییر از طرق مختلف، راه‌اندازی کانون سهامداران خرد و ایجاد تریبون رسمی برای ایشان و ایجاد کانال‌های ارتباطی تعاملی برنامه‌های دهقان با عنوان توسعه مشارکت ذینفعان و مشورت‌پذیری در هدایت بازار بود که در جلسه معارفه آن را ارائه داد. تغییر دامنه نوسان از مثبت و منفی ۵ به مثبت ۶ و منفی ۲ نخستین اقدام چالش برانگیز آخرین ریاست سازمان بورس است که موافقان و مخالفان بسیاری دارد. دهقان دهنوی با آنکه در این مدت دوبار وعده نشست خبری داده اما تا لحظه تنظیم گزارش، نشستی با حضور اصحاب رسانه نداشته و پاسخگوی سوالات آنان نبوده است.



عرضه به قیمت بازار



محمد مهدی مومن زاده

کارشناس بازار سرمایه

محمد جواد فریادرس

کارشناس بازار سرمایه

از طریق پذیرهنویسی به فروش می‌رساند و عواید حاصل از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به حساب «صرف سهام» در قسمت حقوق صاحبان سهام ترازنامه منتقل می‌کند.

این روش معمول در دنیا، در ایران رایج نشده و افزایش سرمایه به همان روش سنتی با ایجاد سهام حق تقدم و طی پروسه طولانی سه تا شش ماه انجام می‌شود که در نهایت به زیان سهامداران جزء است. در روش SPO قبل از اعلام عمومی عرضه سهام جدید، معمولاً ناشر از طریق شرکت‌های تأمین سرمایه، با مدیران صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری رایزنی کرده و نسبت به تهیه فهرست سفارش‌های خرید (Book On Demand) از آنها اقدام می‌کند. قیمت عرضه سهام با توجه به شرایط بازار و تقاضا برای سهم جدید تعیین می‌شود به طوری که همه سهام جدید عرضه شود و دامنه نوسان قیمت پس از عرضه در محدوده قیمت تابلو باشد. پس از فروش سهام جدید، معادل ارزش اسمی سهام جدید، تا پایان مراحل قانونی ثبت افزایش سرمایه در حسابی سپرده‌گذاری می‌شود. مازاد مبلغ حاصل از فروش سهام جدید در حساب حقوق صاحبان سهام درج شده و بلافاصله در اختیار شرکت قرار می‌گیرد.

پس در روش افزایش سرمایه از محل سلب حق تقدم (صرف سهام)، شرکت سهام را به مبلغی بیش از قیمت اسمی و از طریق پذیرهنویسی به فروش می‌رساند و تفاوت حاصل از قیمت فروش و قیمت اسمی را به حساب انباشته منتقل یا در ازای آن سهام جدید به سهامداران قبلی می‌دهد. در افزایش سرمایه به روش صرف سهام بجای انتشار سهام عادی ارزش اسمی، پذیرهنویسی سهام جدید ناشی از افزایش سرمایه به قیمت بازار انجام می‌گیرد.

عرضه به قیمت بازار، یک روش تأمین مالی

بسیاری از شرکت‌های سهامی عام شامل شرکت‌های فناوری محور، بیوتکنولوژی، غذایی و دارویی که در بازار سرمایه به آنها به اصطلاح شرکت‌های مرتبط به علم زندگی اطلاق می‌شود، روزانه با مشکلات عدیده

افزایش سرمایه شرکت‌ها یکی از مهمترین اقدامات شرکتی است که از زمان تصویب قوانین اصلی و طراحی فرآیندهای اجرایی آن سالیان متمادی در کشور ما می‌گذرد. هرچند در سال‌های گذشته اقداماتی به منظور بهبود فرآیند افزایش سرمایه انجام شده است ولی همچنان این فرآیند نیاز به قوانین جدید و بارنگری در روش‌های اجرایی دارد.

افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی یعنی «افزایش اسمی میزان سرمایه ثبت شده شرکت». در حال حاضر افزایش سرمایه در شرکت‌های بورسی از طریق انتشار سهام جدید صورت می‌گیرد و تصمیم‌گیری درباره آن از اختیارات مجمع عمومی فوق العاده است.

افزایش سرمایه رایج در ایران به چهار روش زیر انجام می‌شود:

۱. افزایش سرمایه از محل سود انباشته (سهام جایزه)
 ۲. افزایش سرمایه از محل آورده نقدی
 ۳. افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها
 ۴. افزایش سرمایه از محل سلب حق تقدم و صرف سهام
- در سال‌های اخیر عمده افزایش سرمایه شرکت‌های بورسی از روش دوم انجام شده است. یکی از راه‌های افزایش سرمایه در دنیا روش عرضه به قیمت بازار (ATM) است و به عنوان یک روش جذب منابع مالی شناخته شده در دنیا برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، جذب منابع مالی از بازار اولیه به صورت عرضه ثانویه صورت می‌گیرد و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با روش افزایش سرمایه از محل سلب حق تقدم و صرف سهام دارد.

افزایش سرمایه از محل سلب حق تقدم (صرف سهام)

شرکت‌ها پس از پذیرش در بورس و عرضه اولیه سهام (IPO) Initial Public Offering، در مقاطع مختلف جهت تأمین مالی پروژه‌های طرح و توسعه، اقدام به نشر سهام جدید می‌کنند. انتشار سهام جدید پس از عرضه اولیه به SPO (Seasoned Public Offering) موسوم است. در این روش، شرکت سهام جدید را به مبلغی بیش از قیمت اسمی و به قیمت نزدیک بازار



با اختیار خود، سهام جدید منتشر شده را در بازار سهام از طریق نماینده ای که برای فروش یا توزیع تعیین شده، به قیمت بازار به فروش برساند، به همین دلیل به این روش تأمین مالی، به اصطلاح عرضه به قیمت بازار گفته می‌شود. این امر با عرضه‌های سنتی متفاوت است که در آن تعداد ثابتی سهام با قیمت ثابتی فروخته می‌شود.

به تعبیری ساده‌تر برنامه عرضه به قیمت بازار یا ATM، یک ابزار کارآمد تأمین مالی بالقوه است که میزان مشخصی منابع مالی را از بازار تأمین مالی سهامی در خلال زمان در اختیار ناشر قرار می‌دهد. هرگاه ناشر نیاز به تأمین مالی داشته باشد با رجوع به بازار ثانویه سهام‌هایش دست به تأمین مالی می‌زند. در واقع ناشر به صورت تدریجی سهام‌های صادر شده جدید را در بازار سهام از طریق کارگزار یا مشاور عرضه در قیمت‌های رایج بازار عرضه کرده و تأمین مالی می‌کند. این روش با سبک قدیمی پذیرهنویسی تعداد مشخصی سهم و عرضه یکباره آن با قیمتی ثابت همچون در عرضه‌های اولیه متفاوت است.

تاریخچه

اولین عرضه به قیمت بازار در اوایل دهه ۸۰ میلادی برای شرکت‌های خدمات (شرکت‌های تأمین‌کننده آب، برق، گاز و غیره) که به دنبال تأمین سرمایه گهگاه به منظور پوشش نیازهای مالی خود بودند شکل گرفت. از آن زمان به بعد، به خصوص بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸، این ابزار تأمین مالی توسط شرکت‌های سرمایه پذیر و بورسی متفاوت از صنایع مختلفی استفاده شده است و شاهد رشد بهره‌مندی شرکت‌ها از این روش تأمین مالی هستیم. اگرچه این شیوه تأمین مالی در میان ناشران با ارزش بازار کوچک رایج تر است، اما نمونه‌های موفقی از شرکت‌های با سرمایه‌ی هنگفت همچون بانک آمریکا، مستغلات بوستون، فورد موتور نیز اخیراً دیده می‌شود که به خوبی از این ابزار استفاده کرده‌اند.

سایت وست ویک اشاره می‌کند که بسیاری از معاونان مالی سرمایه گذاری و مدیران عامل شرکت‌های بیوتک و علوم زندگی در آمریکا، ATM را بعنوان یک روش پذیرفته شده از جعبه ابزار تأمین مالی خود به رسمیت شناخته‌اند. اگرچه برخی از شیوه‌های این نوع از تأمین مالی ساده‌تر است که در آمریکا رایج است، اما چند سال اخیر، جذابیت این نوع از تأمین مالی در بین اهالی بازار زیاد شده است. این افزایش رغبت به علت اصلاحات صورت گرفته توسط سازمان بورس آمریکا در سال ۲۰۰۵ به بعد است که موانع پیش‌روی ناشران را تا حد بسیار کاسته و این نوع تأمین مالی را سهل‌تر کرده است. آنچه در ایران نیز باید بدان دقت کرد، نقش نهاد ناظر است که بتواند با دقت لازم با معرفی ابزارهای مالی جدید، فرایند جذب منابع برای ناشران را تسهیل کند.

روال انتشار و عرضه به قیمت بازار

در غرب، پیش از عملیاتی شدن تأمین مالی با روش ATM، ناشر و نماینده (عمدتاً شرکت کارگزاری یا تأمین سرمایه نقش نماینده را بر عهده می‌گیرد) به یک توافقنامه فروش یا توزیع دست می‌زنند که طی آن شرایط و ضوابطی که نماینده فروش یا توزیع‌کننده سهام و ناشر، جزییات عرضه ATM را موافقت می‌کنند، بررسی و نهایی می‌شود. از آن جا که نماینده فروش یا توزیع، تحت عنوان «متعهد خرید اوراق بهادار» در قانون اوراق بهادار آمریکا، در نظر گرفته شده است؛ نماینده معمولاً قبل از عرضه به عنوان متعهد خرید اوراق بهادار به راستی‌آزمایی قبل از عرضه را همچون روش سنتی (در فرایند ارزشگذاری و بررسی ناشر به منظور عرضه اولیه) انجام خواهد داد. این سطح از دقت نظر، تعهد و کار حرفه‌ای، شرایطی را ایجاد می‌کند که ناشر اطمینان خاطر یافته و قرارداد فروش و عرضه سهام وی به قیمت بازار، کماکان همان ضمانت‌نامه‌ها و سخت‌گیری‌هایی که سابق بر دوش نماینده در عرضه‌های اولیه بوده را داشته باشد، تا به درستی نماینده از عهده تأمین مالی برآید.



نقدینگی محدودیت‌های منابع سرمایه‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند. ادامه آشفته‌گی‌های بازارهای مالی منجر به افزایش بی‌ثباتی بازار شده است که طبعاً روش‌های تأمین مالی سابق در غرب را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. به نظر می‌رسد بازار سهام درهای تأمین مالی را به روی خیلی از شرکت‌ها را بسته و حتی در سال‌های بعد از ۲۰۰۸ تعداد محدودی عرضه اولیه در کل سال در آمریکا انجام شده است. همچنین بسیاری از عرضه‌های ثانویه به منظور تأمین مالی توسط ناشرین، دستخوش تخفیفات قیمتی عرضه سهام به خریداران می‌شوند و متعاقباً مبالغ کمتری را برای ناشر به ارمغان می‌آورد. هرگاه بحرانی در دنیا شکل می‌گیرد، همچون بحران سال‌های ۲۰۰۸ و بحران متاثر از ویروس کرونا، شرکت‌های سهامی عام بیشتر به دنبال منابع جدیدتر یا متفاوت‌تری برای تأمین سرمایه‌های اقتصادی خواهند گشت.

عرضه به قیمت بازار یا ATM یکی از کارآمدترین روش‌های تأمین مالی به منظور افزایش سرمایه در شرکت‌های بورسی یا همان سهامی عام است. هر شرکت سهامی عام می‌تواند با کمک نهاد واسطی همچون یک نهاد تأمین سرمایه به عنوان نماینده فروش، به طور روزانه سهام خود را در بازار سرمایه به فروش برساند. امروزه در دنیا ATM ها بیش از گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، شرکت‌های ایالات متحده تنها در سه ماهه اول سال ۲۰۱۱، در حدود ۲ میلیارد دلار از طریق ۶۰ عرضه ATM در بین ۲۰ صنعت افزایش سرمایه داشته‌اند.

این مبلغ در سه ماهه اول سال ۲۰۱۱ در مقایسه با سه ماهه اول سال ۲۰۱۰، نشان دهنده افزایش تقریباً ۲۹ درصدی استفاده از ATM هاست. با توجه به افزایش استفاده از ATM ها، برخی از تحولات و روندهای فعلی این روش تأمین مالی را به منظور روش پیش‌نهادهی تأمین مالی به نهاد ناظر و شرکت‌های بورسی مورد بررسی قرار داده ایم.

تعریف عرضه به قیمت بازار

عرضه ATM، عرضه ای است که توسط ناشر سهامی عام تحت عنوان اوراق بهادار به غیر از قیمت ثابت، مستقیماً در بازار ثبت می‌گردد. ناشر ممکن است

باید دقت شود که طیف گسترده‌ای از صنایع بورسی می‌توانند از مزایای عرضه ATM بهره‌برند، از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات یا REITها، شرکت‌های نفت و گاز، شرکت‌های خدمات مالی و علوم زیستی که در مقدمه توضیحاتی در این خصوص ارائه شد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۰، بخش علوم زیستی صرفاً بیش از ۱۸۰ میلیون دلار از طریق عرضه ATM افزایش سرمایه داشته است، به عبارتی این عدد، تقریباً ۲ درصد از ۸ میلیارد دلار افزایش سرمایه صورت گرفته است که توسط عرضه ATM در همان سال عملیاتی گشته است. همچنین REITها سهم بزرگی از پول ثبت شده توسط عرضه ATM را بخود اختصاص می‌دهند (این عدد تقریباً ۸۰ درصد از تمام عرضه ATM در سال ۲۰۱۱ می‌باشد).

سایت معتبر بلومبرگ، در گزارشی در ماه آوریل سال ۲۰۲۰ اشاره می‌کند که سرعت انتشار ATMها به شدت افزایش یافته است و زمینه را برای کسب نتایجی قوی در بازار مهیا کرده است. همچنین اشاره می‌شود که با توجه به شرایط فعلی دنیا و مسئله کرونا بسیاری از شرکت‌ها برای تأمین مالی خود اقدام به عرضه به قیمت بازار کرده‌اند تا هم نیازهای مالی سازمان‌های خود را برآورده کنند و هم ریسک نوسانات بازار را، با مدیریت زمان ارائه سهام جدید انتشار و تعدادی که مد نظر ناشر است، پوشش دهند.



نمودار بالا نشان می‌دهد که ناشران در فصل اول میلادی ۲۰۲۰، ۷۹ بار از ATM برای تأمین مالی استفاده کرده‌اند که منابع مالی ۱۰٫۱ میلیارد دلاری را برای شرکت‌های بورسی به ارمغان آورده است. این اعداد حاکی از رشد سرعت تأمین مالی به این روش نسبت به سال گذشته است (هم از لحاظ ارزش و هم تعداد دفعات تأمین مالی ATM در کل بازار). در یک دهه گذشته بهترین رکورد تأمین مالی از ATM مربوط به ۲۰۱۹ است که در کل سال ۲۶۶ بار تأمین مالی به این روش صورت گرفته که بالغ بر ۳۱ میلیارد دلار آورده داشته است. بزرگترین تأمین مالی‌های صورت گرفته در فصل اول سال جاری میلادی مربوط به شرکت‌های هلتیک با مبلغ یک میلیارد و ۲۵ میلیون دلاری، اتموس با مبلغ ۱ میلیارد دلاری و الگزاندریا با مبلغ ۸۰۰ میلیون دلاری می‌باشد. همچنین ۲۷ مورد تأمین مالی بدین روش با حداقل ۱۰۰ میلیون دلار به ثبت رسیده است که هفت مورد آن بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار منابع جمع‌آوری کرده‌اند. صنایعی که در امریکا بیشترین تأمین مالی از این روش را داشته‌اند به ترتیب صنایع مصرفی و غیربازیافتی، صنعت مالی و صنعت انرژی هستند.

در کل موارد ذیل را در رابطه با این روش تأمین مالی باید مدنظر داشت:

- اساساً تأمین مالی فرآیندی است که بسیار حساس به زمان است و متاثر از متغیرهای غیرقابل کنترل داخلی و خارجی است که می‌تواند بر فرآیند کلی تأمین مالی و منافع آن تاثیر مستقیم بگذارد. آنچه در ATM اهمیت فراوان دارد، استقلال ناشر و انعطاف زیاد وی در زمانبندی‌های لازم است.

- هزینه سرمایه برای عرضه‌های معمول و رایج همچون عرضه خصوصی و عرضه مستقیم با زمان‌بر شدن فرآیند تأمین مالی می‌تواند گران تمام شود. اما ATM رویکردی متفاوت به این مسئله دارد تا نه تنها از زمان‌بر شدن فرآیند

بکاهد، بلکه هزینه سرمایه را نیز برای ناشر کاهش دهد و منابع قابل توجهی در طول زمان بلندتری نسبت به روش‌های سنتی تأمین مالی جذب کند.

- به منظور کاهش و تسهیل هزینه سرمایه در فرآیند جذب منابع مالی از بازار سرمایه، ATM یک روش هوشمندانه و یک استراتژی تأمین مالی بلند مدت در دنیا تلقی می‌شود که با بهره‌مندی از توانمندی مؤسسات مالی متنوع و سطحی از انعطاف‌پذیری هزینه کل سرمایه‌ای را کاهش می‌دهد. انعطاف‌پذیری، کارایی، کنترل و مدیریت فرآیند و اختیاری که ناشر بدست می‌آورد از جمله دلایلی است که ATM را فرآیند تأمین مالی به موقع نام نهاده است.

- ATM این قابلیت را به شرکت‌ها از هر اندازه و شکلی می‌دهد که بصورت تدریجی و در طول زمان تأمین مالی نمایند. برخلاف دیگر روش‌های دفعی تأمین منابع سنگین که ممکن است منابع زیادی را برای ماه‌ها بلا استفاده در حساب‌های شرکت انباشته کنند، ATM روشی است که برای تأمین وجوه سرمایه در گردش، تأمین منابع پروژه‌ها، تأمین منابع بخش تحقیق و توسعه و بازپرداخت بدهی‌ها ایده‌آل باشد.

- ATM به دلخواه ناشر هر لحظه می‌تواند صورت گرفته یا متوقف شود و بصورت کارا و جوه لازم برای بدست آوردن فرصت‌های مد نظر را جذب نماید. همچنین ATM ضمن بهره‌مندی از هزینه و پیچیدگی کمتر، نیازمند دستورالعمل زمانی کمتری نیز می‌باشد. چراکه با تمهیدات نهاد قانون‌گذار و ناظر، نه تنها نیازی به تایید سهامداران یا رقیق کردن سهامشان از طریق تخفیفات و یا ارائه تضامین نیست بلکه نیازمند کارهای تبلیغاتی و روابط عمومی پیچیده و درگیر کردن کلیت اهالی بازار سرمایه برای جذب منابع نبوده و برخلاف دیگر روش‌های تأمین مالی، سیگنالی دال بر نیاز مبرم ناشر به تأمین مالی را به بازار مخابره نمی‌کند.

- ATM نقطه مقابل عرضه‌های ثانویه سنتی بازار است که در آن مقدار ثابتی از سهام ناشر در قیمت ثابتی به صورت دفعی ارائه می‌شود. ATM از این حیث متفاوت است که سهام جدیدی که به تازگی انتشار یافته را "بصورت تدریجی" در طول زمان بنا به مصالح و اختیار ناشر در قیمت‌های مختلف بازار، از طریق نماینده در بازار سرمایه ارائه می‌کند. به همین دلیل است که به ATM برنامه در بیل کردن تأمین مالی نیز می‌گویند. یعنی ناشر می‌تواند هرگاه که صلاح دید فرآیند را متوقف یا آغاز مجدد کند. همه چیز در این فرآیند بنا به صلاح‌دید ناشر می‌باشد. این مسئله هنگامی که سهام ناشر با اخبار مثبت قیمت‌های بالاتری به خود می‌بیند ارزشمندتر می‌شود و امکان بهره‌برداری از فرصت‌های بازار فراهم می‌شود.

- ATM آخرین محل تأمین سرمایه ناشر نیست، بلکه این روش تأمین مالی یک بخش اساسی از ابزار تأمین مالی‌ای است که ناشر در اختیار دارد. ATM بالغ بر ۲۵ سال است که توسط تیم‌های مدیریتی قوی در امریکا به عنوان ابزاری نوین استفاده می‌شود.

- برخلاف روش عرضه سهام ثانویه سنتی که سابق بر این در بازارهای مالی رایج بوده و قریب به ۷ تا ۱۰ درصد از قیمت سهم را در بازار کاهش می‌دهد، طبق تحقیقات دانشگاهی، افزایش سرمایه توسط ATM بین ۱ تا ۳ درصد از قیمت سهم را کم می‌کند.

- تصور غلطی که ATM برای شرکت‌های بزرگ با منابع نقد بیشتر روش مناسبی نیست نیز محل بحث است. طبق گزارش‌های موجود، این روش در میان شرکت‌هایی با گستره متفاوتی از اندازه سرمایه با موفقیت بکار گرفته شده است و از ۱۹۹۹ بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار امریکا، در طیف وسیعی از شرکت‌های بورسی افزایش سرمایه را مهیا کرده است.

- اگر ATM به آن اندازه که از آن تعریف می‌شود، روش مطلوبی برای جذب منابع مالی است، پس چرا همه شرکت‌ها از آن بهره‌مند نمی‌شوند؟ دلایل اصلی‌ای که می‌توان برشمرد ابتدا عدم آگاهی و سوء برداشت‌هایی نسبت به ATM است. این مهم نیازمند وجود یک تیم متخصص و آگاه است



معاملات سهم را می‌تواند به فروش برساند.

• **قیمت‌گذاری:** قیمت عرضه به قیمت بازار سهام مستقیماً به قیمت‌های بازار وابسته است و قیمت‌های بازار نیز به روند کلی بازار سرمایه و ریسک‌های سیستماتیک که به تمامیت بازار مربوط است نیز وابسته است. بنابراین طبیعی است که هزینه سرمایه با تلاطم بازار بالا و پایین شود. همچنین تأمین مالی با ATM می‌تواند در پوششی بروی سهم تلقی شود و به اصطلاح سهم را خشک نماید، زیرا سرمایه‌گذاران نهادی درمی‌یابند در زمان‌هایی که نقدینگی کمتری در سهم موجود است از خرید سهم دست بکشند، چراکه می‌دانند ناشر (یا نماینده) در روزهایی که حجم معاملات پیرو اخبار خوب پیرامون شرکت بالا می‌رود، اقدام به فروش سهام می‌کند.

• در رابطه با زمان‌بندی ATM باید به این نکته توجه کرد که ATM نیز نوعی عرضه ثبت شده تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار امریکا است که همانند دیگر عرضه‌ها در بازه‌های از هر فصل، شرکت‌ها اجازه عرضه سهام را بعلاوه ارائه گزارشات فصلی و سالانه ندارند.

نقد، بررسی و مقایسه روش‌های تأمین مالی و پیشنهادات

از آنجایی که ساختار سرمایه‌های شرکت‌ها با یکدیگر تفاوت دارد، در نتیجه هر شرکت پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. بنابراین نمی‌توان یک نسخه کلی تأمین مالی برای همه شرکت‌ها در نظر گرفت. اما به صورت کلی آن نوع از افزایش سرمایه که باعث شود منابع جدید به شرکت وارد شود می‌تواند وضعیت بهتری را برای شرکت ایجاد کند. تحقیقات دانشگاهی حاکی از آن است که افزایش سرمایه از آورده نقدی و از طریق صرف سهام می‌تواند به صورت کلی بهتر قلمداد شود. همچنین روش تجدید ارزیابی دارایی‌ها از آنجایی که عملاً پولی وارد شرکت نمی‌شود، صرفاً یک عملیات حسابداری برای بهبود صورتهای مالی شرکت محسوب می‌شود. روش تأمین مالی از طریق سود انباشته نیز مزیت اصلی‌ای که دارد این است که باعث می‌شود سود انباشته شرکت از آن خارج نشود و در شرکت باقی بماند و مورد استفاده طرح‌ها و مصارف تأمین مالی قرار گیرد.

با توجه به وضعیت فعلی اقتصادی کشور و نیاز مبرم سازمان‌های دولتی و سهامی عام مبنی بر کسب منابع ارزان قیمت و مهمتر اینکه با اقبال خوب مردم و اهالی بازار سرمایه بسیاری از شرکت‌های دولتی نیز به بازار سرمایه آمده و تأمین منابع کرده‌اند و بخش قابل توجهی از نقدینگی مردم به سمت بازار سرمایه سوق داده شده است، نقش دولت، نهاد ناظر و قانون‌گذار برای تسهیل ساز و کارهای جدید و استفاده از ابزارهایی که در دنیا به خوبی عملکرد دارند بیش‌تر از پیش حس می‌شود. ATM به عنوان یک روش کارآمد تأمین مالی برای شرکت‌های سهامی عام، سهام‌ثانویه‌ای را در بازار اولیه عرضه می‌کند که به وسیله آن شرکت‌ها می‌توانند تأمین مالی کرده و از گرهِهای اقتصادی پیش رو با موفقیت گذر کنند. ATM یک نوع از روش‌های تأمین مالی سرمایه‌ای از طریق سلب حق تقدم است که به دلخواه ناشر طی زمان انجام می‌گیرد و از ویژگی‌های آن عرضه در مبالغ پایین‌تر می‌باشد. به عبارتی دیگر، برای تأمین مالی از طریق ATM ناشر از مسیر تأمین مالی از روش سلب حق تقدم پیش خواهد رفت. با توجه به اینکه در قانون تجارت فرایند افزایش سرمایه، ثبت و زمان بندی آن مشخص شده، ATM با قوانین و ساز و کارهای فعلی ایران امکان‌پذیر نمی‌باشد مگر اینکه قانون‌گذار اصلاحاتی را مد نظر بگیرد، کما اینکه در بخش‌های گذشته به تمهیداتی که NYSE برای ناشران بمنظور تسهیل فرایند تأمین مالی از این روش پرداخته، اشاره شد. در همین خصوص در ماده ۱۶۷ قانون تجارت، آمده است که:

”مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می‌کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می‌دهد حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره‌نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آن که چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت‌مدیره و گزارش

که ناشر را به تمامی جزئیات بهره‌مندی از این روش آگاه نماید، همچنین این روش با منافع شرکت‌های تأمین سرمایه برای کسب سودهای بیشتر در تضاد است. در واقع تأمین سرمایه‌ها غیر از مواردی که ناشر از آنها درخواست نماید، از این روش استفاده نمی‌کنند.

• اگر ناشر دچار محدودیت‌های شدید تأمین مالی قرار گیرد و در بازه زمانی کوتاهی نیاز مبرم به منابع داشته باشد، روش ATM بهترین یا مناسب‌ترین روش تأمین مالی برای چنین ناشری نمی‌باشد. ناشران باید ATM را به چشم یک ابزار تأمین مالی در میان جعبه ابزار روش‌های تأمین مالی ببینند که انعطاف‌پذیری و تفکر راهبردی به ناشر داده تا در بلندمدت از مزایای آن بهره‌مند شود.

• اقبال ناشران به تأمین مالی از طریق ATM در حال گسترش است. شرکت برینسون پاتریک (یک شرکت متخصص در خصوص راهنمایی و پذیرفتن نمایندگی ناشران برای تأمین مالی از طریق ATM) اشاره می‌کند که در شرکت‌های مربوط به علوم زندگی بالغ بر ۲۱۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱، ۱۸۴ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰، ۹۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۹ و کمی بیش از یک میلیون دلار در سال ۲۰۰۸ تأمین مالی شده است. این روند حاکی از رشد منابع جذب شده از طریق ATM در میان شرکت‌های آمریکایی است.

مزایا و معایب عرضه به قیمت بازار

• **کمترین اثرگذاری بر بازار:** ناشران می‌توانند به سرعت جذب نقدینگی لازم را از طریق به فروش رساندن سهام تازه منتشر شده در خلال روند طبیعی خرید و فروش‌های سهام بازار (بدون نیاز به آگهی دادن در بازار) صورت بدهند. این سهام را می‌توان چنان با استراتژی و حساب‌شده (ضمن کمک گرفتن از متخصصان این حوزه) در بازار نقد کرد که کمترین اثر را بر قیمت‌های سهام بگذارد و قیمت سهام ناشر را دستخوش اصلاح یا ریزش ننماید. ضمن اینکه در غرب، فرصت‌های فروش استقراری و اختیار فروش بعنوان یک ابزار مشتقه رایج نیز وجود دارد و با توجه به اینکه زمان‌بندی فروش این سهام از پیش بر همگان معلوم نیست، سهامداران نیز از قبل موقعیت فروش استقراری نخواهند گرفت.

• **انعطاف‌پذیری و قدرت کنترل:** ناشران کنترل تمام‌الاختیار بر زمان‌بندی، میزان و قیمت فروش سهام جدید دارند. این مسئله دست ناشر را برای بهره‌مندی از فروش سهام در پرش‌های قیمتی به علت اخبار خوب ناشر را مهیا می‌کند.

• **هزینه کم:** هزینه انتشار و به کل هزینه سرمایه این روش عمدتاً نسبت به روش‌های سنتی کمتر می‌باشد.

• **کمترین درگیری برای مدیریت سازمان:** ATM نیاز به تبلیغات و بنر و جلسات زیاد با شرکت‌های دیگر به منظور ترغیب به خرید سهام ندارد. به علت ماهیت عرضه سهام در ATM و عدم قطعیت موجود در این روش که چه میزان سرمایه را شرکت‌ها می‌توانند از این روش تأمین نمایند (بعنوان مثال اگر حداقل قیمتی هدف عرضه در بازار، به اشتباه خیلی بالا در نظر گرفته شود)؛ آنگاه این روش تأمین مالی کارایی خود را در بزنگاه‌های مالی اقتصادی که نیاز شرکت‌ها برای تأمین مالی مبرم می‌شود از دست می‌دهد. همچنین بسته شدن نماد شرکت و همچنین عدم ارائه خبرهای جنجالی قریب‌الوقوع از بهبود وضعیت شرکت از کارایی تأمین مالی با عرضه به قیمت بازار می‌کاهد و یا بعضاً بلااستفاده می‌شود. بصورت کلی معایب این روش را اینطور می‌توان دسته بندی کرد:

• **اندازه عرضه:** با توجه به اینکه میزان عرضه سهام محدود به شناوری و نقدینگی موجود در سهم است، کارایی ATM در مواردی که نیاز به جذب مقادیر هنگفتی از سرمایه بصورت یک باره باشد، کم می‌گردد. در فروش سهام تازه انتشار یافته در روش ATM، ناشر بین ۱۵ تا ۳۰ درصد از حجم روزانه



مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری صنعت بیمه:

روش اجرای سهام عدالت ایراد دارد

عدم شفافیت، سهام عدالت را ضد ارزش کرده است

فرزاد مهدیزادگان
خبرنگار

هدف اصلی توزیع سهام عدالت، گسترش فرهنگ سهامداری، سهیم کردن مردم در شرکت‌های سرمایه گذاری استانی و کاهش شکاف طبقاتی عنوان شد. اما هر چند طرح توزیع سهام عدالت از سال ۱۳۸۵ تاکنون در کشور با شعار توزیع عادلانه سهام دولت میان اقشار مختلف در حال اجراست، اما به گفته کارشناسان چه افراد مشمول و چه بازماندگان از دریافت این سهام، نشان می‌دهد که سهام عدالت به عدالت میان برخی از مشمولان توزیع نشده است. سهام عدالت همچنان به حالت بلوکه شده است و آنها که آزادسازی مستقیم هم کرده بودند، پس از فروش همچنان در انتظار واریز سود خود هستند. دارندگان سهام عدالت سوالشان از دولت به‌ویژه وزارت اقتصاد این است که متولی سهام عدالت در کشور چه سازمان یا نهادی است تا رفع مشکلات موجود در این زمینه از آنها پرسیده شود. در این زمینه امیرحسین ارضاء، مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری صنعت بیمه در گفت و گویی با اشاره به مشکلات اجرایی سهام عدالت راهکارهایی را پیشنهاد دادند که به گفته وی این پیشنهادها چندین سال است که به مسئولان مربوطه ارسال اما جوابی دریافت نشد که قطعاً اگر توجهی به این پیشنهادها می‌شد مشکلات کنونی سهام عدالت هم به وجود نمی‌آمد.

■ یک تاربخچه کوتاه از سهام عدالت بفرمایید؟

از دهه ۸۰ بحث خصوصی سازی و سیاست‌های اصل ۴۴ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد. سهام عدالت هم در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ پیگیری شد. در حقیقت سهام عدالت نوعی یارانه است. بنا بر طرح سهام عدالت، بخشی از سهام شرکت‌های دولتی معین، به قشرهای کم‌درآمدتر فروخته می‌شود. اجرای این کار به اینگونه بود که در شهرستان‌های مختلف

بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود. تبصره - گزارش هیأت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت اینگونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده‌است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است."

این ماده قانونی در رویه‌های اجرایی، دستورالعمل‌هایی برای زمان‌بندی و مراحل زمانی تأمین مالی دارد که به عنوان سدی برای تسهیل و تسریع تأمین منابع مالی سریع و آسوده ناشران عمل می‌کند. فرآیندهای قانونی پیچیده، زمان‌بر، تشکیل مجمع توسط ناشر و درصد افزایش سرمایه‌ای که از طریق ATM جذب منابع خواهد نمود، وظایف متعدد پذیرهنویس و غیره همگی از مواردی هستند که برای عملیاتی شدن این روش تأمین مالی، نیازمند بهبود و یا تغییر کلی هستند.

به عنوان مثال، اتفاقی که اخیراً در مرداد ماه ۱۳۹۹ شکل گرفت و نرخ مالیاتی صفر برای افزایش سرمایه از طریق صرف سهام یا سلب حق تقدم مد نظر مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، تسهیل سازوکارهای موجود برای تأمین مالی تلقی می‌شود.

در واقع با تصویب لایحه افزایش سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا فرابورس از طریق صرف سهام یا سلب حق تقدم، شرکت‌ها حق تقدم استفاده نشده را با قیمت تابلوی بازار (کمی پایین‌تر از قیمت روز سهم) به فروش رسانده و از محل آورده نقدی افزایش سرمایه شکل می‌گیرد. در زمان استفاده سهامدار از حق تقدم، تنها ارزش اسمی سهم پرداخت شده و این امر آورده نقدی بسیار کمی برای شرکت به همراه دارد. البته در گذشته افزایش سرمایه از محل سلب حق تقدم امری رایج بود، اما با تصویب لایحه مذکور، معافیت مالیاتی برای این امر در نظر گرفته شده است. این طرحی تشویقی برای استفاده شرکت‌ها از این قانون و با شرط «ثبت افزایش سرمایه» در شرکت و در صورت اظهار به «اندازه ۲۰ درصد، با نرخ مالیاتی صفر» در نظر گرفته شده است.

دستورالعمل مراحل زمانی افزایش سرمایه شرکت‌های ثبت شده نزد بورس مصوب سال ۱۳۹۵ حاکی از بندهایی است که در حال حاضر کار را برای این نوع از تأمین مالی برای شرکت‌های داخلی سخت می‌کند که نیازمند اصلاح، تغییر نگرش ناظر و قانون‌گذار و ترغیب اهالی بازار به این ابزار جدید است.

جهت اجرایی شدن این روش تأمین مالی موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. ساز و کار دستورالعمل مراحل زمانی افزایش سرمایه تغییر، تسهیل و بهبود یابد و به تصویب شورای عالی بورس و نهاد قانونگذار برسد تا از فرصت وفور نقدینگی در بازار سرمایه کشور به بهترین نحو برای حرکت چرخ‌های اقتصادی کشور در بخش واقعی اقتصاد توسط مالی سازی صورت گیرد.
۲. ناشران نسبت به فواید و مشکلات این روش تأمین مالی آگاهی بیشتری پیدا کنند.

۳. رویکرد نهادهای ناظر، قانونگذار و مجری به نحوی باشد که بر انعطاف پذیری ناشر در انتشار سهام جدید و سریع بودن این روش تأمین مالی تأکید شود تا ناشران به این امر ترغیب شوند.

۴. قوانین مربوط به سقف و کف درصدی انتشار سهام جدید در بازار سرمایه ایران با روش ATM استخراج و ضمن تسهیل فرآیند، نیاز به برگزاری مجمع همچون NYSE جز در موارد خاص که سهام از سقف عرف فراتر رفته، نباشد.

۵. فرهنگ سازی و برگزاری دوره‌های آموزشی چه برای ناشران چه برای عاملین فروش (نمایندگان) همچون شرکت‌های تأمین سرمایه توسط متخصصان امر انجام پذیرد.

و نقش حاکمیتی خود را ایفا کند. پس دولت باید این عرضه را انجام دهد. در آغاز دولت سهام عدالت را بدون دریافت وجه در اختیار مردم قرار داد اما اگر دولت با روشی که می‌گویم کار را پیش می‌برد حتماً زودتر می‌توانست به نقدینگی حاصل از سهام عدالت برسد. در مرحله بعدی، اگر از کسانی که دارنده سهام عدالت هستند، پرسیده شود سهام عدالت چیست؟ خیلی‌ها نمی‌دانستند و هنوز هم عده‌ای نمی‌دانند. بنابراین ناآشنا بودن افراد باعث می‌شود که ندانند چه زمانی سهام عدالت خود را بفروشند یا نگه دارند.

و اما در سهام عدالت موضوعی که هنوز مغفول مانده عدم شفافیت است. در مقطعی گفته می‌شد ریزش بازار سهام به دلیل عرضه سهام عدالت است. این یعنی مفهوم ارزشمندی مثل سهام عدالت تبدیل به موضوع ضد ارزش می‌شود. یعنی عدم شفافیت و عدم اجرای درست باعث نگاه منفی به این سهام شده است. در ادامه باید به شرکت‌های سرمایه‌پذیر اشاره کنم که به جای اینکه به کل نگاه شود تجزیه صورت گرفته است. مثلاً بانکی که ۴۰ درصد آن سهام است مدیریتش به گونه دیگر است اما وقتی این سهام به ۲ درصد تبدیل می‌شود ارزش خود را از دست می‌دهد. یعنی ارزش، از بلوک‌های کنترلی گرفته شده است. اتفاق دیگری که رخ داد این است که اداره بنگاه باید توسط افراد حرفه‌ای اداره شود اما طبق ساختار سهام عدالت عملاً افراد درگیر اداره بنگاه نبوده‌اند. یعنی به اسم سهام عدالت شرکت‌هایی خصوصی سازی شده‌اند که عملاً ساختار اداره دولتی بر آن نهادها حاکم است. همچنین در ادامه باید اشاره کنم که بورس ایران جزو بورس‌های حجم‌شناور آزاد (حجم در اختیار سهامداران خرد برای معامله) است که این حجم در بورس‌های پیشرو متفاوت است و قطعاً این حجم در ایران باید بالا برود. نکته بعدی عمق بازار است و برای اجرای سهام عدالت باید به این موارد هم توجه شود. این مواردی که گفتیم مواردی بود که سهام عدالت طبق آن اجرا شد.

■ و پیشنهاد شما برای بهبود این امر مهم چیست؟

در ابتدا باید عرض کنم که ما چند اصل را می‌پذیریم.

- ۱- منافع سهام باید به مردم برسد.
 - ۲- حق حاکمیت سهامداران عدالت بر سهامشان باید محترم شمرده شود.
- حال با پذیرفتن این دو اصل، ما یکسری بنگاه اقتصادی داریم که در بورس هستند و جزو پرتفوی سهام عدالتند و با سازوکار رقابتی و شفاف به جای اینکه به سرمایه‌گذاری استانی داده شود بهتر است به شرکتی خوب در بورس واگذار شود و هر شرکتی با تخصص مربوطه مثلاً بلوک ۳۰ درصدی را بر می‌دارد و سهام عدالت به جای سهم‌های خرد به این شرکت‌ها داده می‌شود و مردم هم به سهامداران این شرکت‌ها اضافه می‌شوند. حسن این کار در این است که ایراداتی که قبلاً گفتیم رفع می‌شود و حجم‌شناور آزاد بالا می‌رود و شفاف است. در این موضوع شفافیت خیلی مهم است زیرا تا به امروز هنوز مشخص نیست چه میزان سهام عدالت فروخته شده است. بنابراین هم بنگاه‌های فعلی بزرگ می‌شوند و هم مردم سهامدار هستند و هم شفاف است و هم ادغام درست صورت می‌گیرد و موضوع دیگر اینکه دولت زودتر به پول خود می‌رسد و مسیر رشد از طریق بنگاه‌های بزرگ انجام می‌شود و مردم هم در اقتصاد مشارکت می‌کنند. بنابراین باید کاری صورت گیرد تا مردم به جای اینکه خود مستقیم وارد بازار شوند از روش‌ها درست وارد بورس شوند زیرا این یک کار حرفه‌ای است.

■ یک ایرادی که در خصوص سهام عدالت وجود دارد این است که صندوق‌های سرمایه‌گذاری الزام به داشتن ۵۰ درصد

سهام عدالت شده‌اند. ارزیابی شما چیست؟

بله در یک ابلاغیه‌ای آمده که صندوق‌های با درآمد ثابت باید حداقل ۵۰ درصد سهام عدالت را خریداری کنند. این ابلاغیه خوبی نیست. در واقع سازوکار صندوق‌ها نباید بهم بریزد، زیرا کسی که ریسک‌گریز است به این صندوق‌ها می‌آید با این کار آنها وارد ریسک این کار می‌شوند. در برخی از

تعاونی‌هایی تاسیس شدند و در هر استانی یک سرمایه‌گذاری استانی شکل گرفت و شرکت‌های مشمول سهام عدالت که اکثراً هم سودآور بودند براساس جمعیت به سرمایه‌گذاری استانی تقسیم شد. یعنی از طریق شرکت‌های تعاونی عدالت استانی، سهام به مشمولان آن واگذار شد. هدف عمده توزیع سهام عدالت، بهینه کردن توزیع درآمد در کشور و مشارکت دادن همه مردم در اداره امور اقتصادی کشور است. اکنون طبق آخرین آمار ۴۹ میلیون نفر دارندگان سهام عدالت در کشور هستند که قرار شد به ازای هر نفر یک میلیون تومان از محل سود شرکت‌ها مستهلک و تسویه شود و مازاد آن به افراد تعلق بگیرد.

■ سهام عدالت انتقادهای زیادی به همراه داشته از جمله

اینکه بیشتر این سهام، به دولت و یا به شرکت‌های نیمه دولتی رسیده و یا اینکه این کار برای بنگاه‌های اقتصادی ثمری جز بلامتکلیفی نداشته و سهامداران عدالت امکان مدیریت شرکت‌ها را هم ندارند، که در چند ماه گذشته بحث آزادسازی سهام عدالت مطرح شد، تعریف این بند چیست؟

بله. در ۱۳۹۹ رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور ابلاغیه‌ای ضمن موافقت با درخواست رئیس‌جمهور برای آزادسازی سهام عدالت و با اشاره به نقش سهام عدالت در گسترش عدالت اجتماعی و توانمندسازی خانواده‌های کم درآمد، موارد سه‌گانه‌ای را در این واگذاری‌ها مورد تأکید قرار دادند و فرمودند که دولت هر چه زودتر اقدامات مقتضی را به عمل آورد تا مردم سریعتر از منافع سهام خود بهره‌مند شوند. طبق قانون، دولت باید سهام عدالت را از ابتدای سال ۹۵ آزاد می‌کرد، اما بنا به مشکلاتی این کار را نکرد، اما اکنون این کار صورت می‌گیرد. در بحث آزادسازی سهام به بیان ساده یعنی امکان فروش سهام در بازار سرمایه. البته این اقدام در راستای خصوصی سازی صورت می‌گیرد. در سال‌های گذشته، سازمان خصوصی سازی کشور مسئولیت این سهم‌ها را به عهده داشت و خرید و فروش‌ها از طریق همین سازمان انجام می‌شد و مردم سود خود را به صورت سالانه دریافت می‌کردند. اما وقتی آزادسازی انجام شود، اختیار مدیریت سهام به مالکان آن واگذار می‌شود و در این راستا سهامدار، می‌تواند سهام خود را بفروشد یا سهامداری کند. یعنی در آزادسازی سهام عدالت، افراد می‌توانند، دو روش مستقیم و غیر مستقیم را برای آزادسازی سهام خود انتخاب کنند. در روش مستقیم یعنی سهامداران مستقیماً می‌توانستند به کارگزاری‌ها مراجعه کنند و درخواست فروش را بگذارند. در روش غیر مستقیم این افراد سهامدار شرکت‌های استانی هستند. همچنین طبق آمار از حدود ۴۹ میلیون نفر حدوداً ۳۹ درصد روش مستقیم و ۶۱ درصد روش غیرمستقیم را انتخاب کرده‌اند.

■ اگر بخواهیم از دید آسیب شناسی و نقادانه اجرای سهام

عدالت را از ابتدا بررسی کنیم این نقدها در چیست؟

در ابتدا باید بگویم که فلسفه سهام عدالت موضوع ارزشمندی است. یعنی هر چه بتوان آحاد جامعه را درگیر اقتصاد کرد و توزیع ثروت درست انجام شود، قطعاً کار پسندیده‌ای است. اما مشکل در روش اجراست که ایراد دارد و به اعتقاد بنده می‌توانست این موضوع مهم با روش بهتری انجام شود.

■ لطفاً در ابتدا روش اجرا شده را نقد کنید تا چارچوب آن

دید شود بعد روش پیشنهادی را توضیح دهید؟

در مرحله اول باید بگویم که دارندگان سهام عدالت حدوداً ۵۰ میلیون نفر هستند که در جمعیت ۸۰ میلیونی عدد کمی نیست اما به آن کم پرداخته شده است. دولت، دارندگان سهام عدالت، شرکت‌های سرمایه‌پذیر، بازار سرمایه و ارکان سهام عدالت ۵ رکنی هستند که درگیر موضوعات سهام عدالتند. در یک فهرست بندی در ابتدا باید عنوان کنم که همه در اقتصاد پذیرفته‌اند که دولت نباید در اداره امور اقتصادی دخالت کند و دولت می‌تواند سیاستگذاری



شرایط گفته می‌شود سهام عدالت باعث عرضه‌های سنگین و منفی شدن بازار می‌شود عدم شفافیت این مشکلات را هم در پیرامون خود دارد. جدای اینکه باید منافع سهامداران عدالت هم حفظ شود. در کل این کار باعث می‌شود کارکرد صندوق‌های با درآمد ثابت خدشه دار شود و این حمایت بی‌خود هم باعث افت قیمت سهم می‌شود.

■ چرا افزایش سرمایه سهام عدالت اعمال نمی‌شود؟

زیرا دولت که نمی‌تواند پول بیاورد. دولت سهام داده به مردم و هنوز هم پولش را دریافت نکرده است. اکنون از محل آورده دولت می‌خواهد افزایش سرمایه دهد که سهامدار باید پول را پرداخت کند اما سهامدار هنوز بدهکار است پس طبیعی است که افزایش سرمایه نمی‌تواند صورت گیرد. یعنی این کار غیر قانونی ندارد بلکه گیر مالی دارد. این کار باعث عقب افتادگی یکسری از شرکت‌های سرمایه پذیر شده است.

■ مراحل برای سجامی شدن سهامداران لحاظ شده که به نظر می‌رسد کار را سخت می‌کند؟

در حال حاضر ابلاغیه‌ای در خصوص نحوه دریافت سود اعلام شده و قرار است آنهایی که روش مستقیم را انتخاب کرده اند هستند سود سال ۹۸ را از طریق سجام دریافت کنند که حدودا ۱۹ میلیون نفر هستند و بقیه از طریق سرمایه گذاری استانی سود خود را دریافت خواهند کرد. آخرین برآورد ارزش سهام عدالت به ارزش معاملاتی امروز ۱۰ میلیون و ۲۴۰ هزار تومان است که ارزش افزوده خوبی نسبت به سهامداران شده است. اما مهمترین موضوع این کار احراز هویت بوده که البته برنامه‌هایی درست شده تا احراز هویت غیر حضوری هم بتواند صورت بگیرد که فقط چالش این است که حتما باید یک تلفن همراه به نام سهامدار باشد. در حقیقت مسئولان در ابتدا باید ببینند که ظرفیت این تعداد سهام که سجامی شوند اصلا وجود دارد؟ بنابراین اول باید برنامه‌ها درست چیده شود.

■ ارائه کارت اعتباری هم که به تصویب شورای عالی بورس رسیده. همچنان اجرایی نشده و در پیچ و خم بوروکراسی اداری مانده است. کارت اعتباری لحاظ شده برای ۳۰ میلیون سهامدار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

البته این طرح خوبی است. اگر فردی بخواهد کارت اعتباری بگیرد باید از بانک‌ها دریافت کند که بابت این کارت یک تضمینی باید پرداخت کند که الان ارزش سهام عدالت ۱۰ میلیون تومان است و سهامداری که سهام عدالت خود را نفروخته، بانک به عنوان وثیقه آن را حساب می‌کند. البته مردم قطعا از این طرح استقبال خواهند کرد اما به نظر می‌رسد شاید بانک‌ها خیلی آماده به این کار نیستند. زیرا به گفته دبیر کانون بانک‌های خصوصی، سهام عدالت نمی‌تواند وثیقه تسهیلات باشد چون اگر قیمت آن در بورس کاهش پیدا کند در اصل وثیقه بانک در برابر تسهیلات اعطاشده، کم شده و بانک کسری وثیقه می‌آورد. اگر سهام عدالت بخواهد وثیقه باشد رقم تسهیلات محدود می‌شود به مبلغ اسمی سهام عدالت که به نظر می‌رسد حرف درستی است.

■ یکی از انتقادات این است که در حال حاضر نحوه ارتباط شرکت‌های سرمایه گذاری با سهامداران سهام عدالت مناسب نیست. در صورتی که سهامداران به اطلاعات درست نیاز دارند؟

مثل هر شرکت دیگری این شرکت‌ها هم باید طبق قانون تجارت رفتار کنند. اما ارتباط‌های آنها با سهامداران خیلی مناسب نبوده است. اینکه مجمع بگذارند تا سهامداران بیایند. در واقع در بخش اطلاع رسانی مقداری ضعیف عمل کرده اند. اما از طرف دیگر، باید مشکلات این شرکت‌ها با حجم زیاد سهامداران هم مورد بررسی قرار گیرد.

به دلیل عدم قانون درست؟

هیچ‌سازمانی نمی‌تواند کلاهبرداری‌های رمزارها را پیگیری کند

بنیان پول در گذر زمان به چند نوبت دچار تحول و دگرگونی شده است و به نظر می‌رسد که اکنون زمان پول‌های دیجیتال رسیده است. اما از آنجا که هنوز مسئولان در کشور نظرات منسجم در این باره ندارند، نظام تصمیم‌گیری و مردم در این حوزه سرگرداند و برخی از افراد دیگر هم دنباله روی دیگر کشورها هستند.

رمزارز، ارز دیجیتال و پول مجازی کلمات پرتکراری هستند که در سال‌های اخیر زیاد از مردم ایران شنیده می‌شود و به سرعت در دنیا هم در حال پیش‌روی هستند، اما دولت‌ها در هر کشوری با دیدگاه‌های متفاوت خود، یا راه را برای این کار آسانتر و یا سخت‌تر می‌کنند.

اما آن چیزی که به وضوح در دنیا پیداست این است که بیماری کرونا در بسیاری از حوزه‌ها، سبک زندگی افراد را تغییر داده است. بنابراین با وجود شرایط کنونی و تغییر خلق و خوی افراد در سرمایه‌گذاری و کسب درآمد، شاهد رشد چشمگیر بازارهای رمزارزها هستیم. در حقیقت بازارهای سرمایه و مالی سنتی در سراسر جهان با رکود مواجه شده اند و پیشنهاد می‌شود تا فعالان اقتصادی هر چه زودتر این عرصه را انتخاب کنند زیرا عقب ماندن از قافله دیجیتال ضررهای جبران‌ناپذیری را برای آنها خواهد داشت. در این زمینه با ایوب ترابی، بنیان‌گذار شرکت نیدر وید و متخصص امنیت رمزارزها مصاحبه‌ای انجام شد که در ادامه می‌خوانیم:



اینکه راهکاری در این زمینه داشته باشد یا به دنبال حل این مشکلات باشد تاکنون از بانک مرکزی کاری دیده نشده است. زیرا سازمان‌های پولشویی زیادی در کل کشور وجود دارد و بانک مرکزی باید جلوی همه آنها بایستد، به گونه ای که بانک مرکزی نمی‌تواند حتی FATF را در کشور اجرا کند.

سازمان‌های دولتی، خصوصی و نظامی در این عرصه غیرقانونی فعالیت می‌کنند و کارهایشان شکل گرفته و برای خود صرافیهای داخلی تاسیس کرده‌اند. دولت و بانک مرکزی نه می‌تواند با آنها طرف شود و نه می‌تواند جلوی مردم را بگیرد. همچنین پرونده‌های قضایی در این حوزه هم بلا تکلیف مانده‌اند. به نظر من قوه قضاییه باید بیشتر در این حوزه وارد شود. زیرا در این حوزه کلاهبرداری‌های زیادی رخ داده که حتی افراد نمی‌توانند، نمی‌خواهند یا می‌ترسند که پیگیری کنند.

■ سود و زیان رمز ارزها برای بازار ایران چیست؟

مشکل ما در کشور این است که دنبال یک نسخه شفابخش برای همه مریضی‌ها هستیم. هر فردی یک راه حلی برای عدم خروج ارز از ایران ارائه می‌دهد. اما این موارد کارساز نیست و همه یک نوع تبلیغات است. حقیقت امر این است که رمزارزها مزیت خاصی برای ایران ندارد، برخلاف عده ای که می‌گویند با این کار تحریم‌ها دور زده می‌شود، اتفاقاً آنها حتی یک کانتینر جنس هم صادر نکرده‌اند.

زیرا موضوع تحریم‌های ایران لایه‌های مختلفی دارد و تنها یکی از لایه‌های آن نقل و انتقالات مالی است. گاهی برخی اشخاص در مورد ارزهای رمزنگاری شده صحبت‌هایی می‌کنند که مبنای علمی و منطقی و تجربی ندارد و صرفاً از سر ناآگاهی و جهت تبلیغات و جوسازی است. استفاده از بیت کوین برای دور زدن تحریم و انتقال درآمدهای صادراتی، بیشتر مانند یک مزاح بوده و نتیجه ای جز زیان در بر نخواهد داشت. در نظر داشته باشید که بیت کوین قابل ردیابی بوده و اصولاً بلاکچین در مقایسه با جابجایی وجه نقد، شفافیت بیشتری ایجاد کرده است و رصد مسیر پول امکانپذیر است. ضمن اینکه هزینه تبدیل وجه نقد به بیت کوین و تبدیل بیت کوین به وجه نقد هم درصد ضرر قابل توجهی برای بازرگانان در بر خواهد داشت. همچنین نرخ بیت کوین به شدت نوسان دارد و ممکن است صادرکننده سود که نکند هیچ، ضرر هم ببرد. بنابراین بهتر است مسئولان به جای استفاده‌های تبلیغاتی از کلمات این حوزه دنبال رگولاتوری مناسب در جهت کسب حقوق و امتیاز افراد فعال این امر باشند، زیرا عدم قانون گذاری درست و به روز نبودن ساختارهای تصمیم گیرنده و مدیران مرتبط، باعث ضرر و زیان مردم و فعالان این حوزه می‌گردد. حقیقتاً باید بگویم اگر دنبال این هستیم که مشکل در کشور حل شود، اول باید تحریم‌ها برداشته شود، بعد از آن از توانایی رمزارزها برای انجام کارهای دیگر استفاده شود، نه اینکه یک قانونی با آن دور زده شود. چه بسا همان قانون دورزدن مشکلات دیگری را به وجود بیاورد. زیرا کالای معتبر وارد کشور نمی‌شود و زنجیره تأمین تشکیل نمی‌شود و گارانتی کالا از بین می‌رود. الان هم این مشکل در کشور وجود دارد و همه می‌گویند ما با این کار برای کشور ارزآوری می‌کنیم اما حقیقتاً این کار ارزآوری برای کشور ندارد.

اما تعریف چرخه درست و استفاده درست از این سیستم را می‌توان سود این کار برای کشور دانست. یعنی آموزش درست مردم، کاهش هزینه‌های بانکی و بانکداری با کمک گرفتن از سرویس‌های این حوزه، استفاده درست از زیرساخت‌های این حوزه، استفاده از این پتانسیل برای پرداخت‌های سریع تر نقل و انتقالات مالی سود رمزارزها برای کشور محسوب می‌شود. آموزش، زیرساخت، پشتیبانی و قانون گذاری در این زمینه اصل کار است.

■ ارزش بازار رمزارزها در دنیا چقدر است؟ و آیا این بازار

می‌تواند کمکی برای بازار ایران باشد؟

الان با یک بازار ۹۴۰ میلیارد دلاری در این حوزه طرف هستیم که از

■ در ابتدا یک تعریفی از رمز ارزها داشته باشید؟

به طور ساده باید بگویم، رمزارزها (کریپتوکارنسی‌ها) ارزهای بدون مرزد و تنها با یک کلیک می‌توانید هر مقدار پول را برای هر کسی در هر جای جهان بفرستید. یعنی ماهیت فیزیکی ندارند و تنها در کامپیوترها تعریف می‌شوند و هیچ بانکی برای رمزارزها وجود ندارد که سکه یا اسکناس آن را تولید کند. در حقیقت رمز ارزها مجموعه ای از ارزهای دیجیتال است. اما برخی از افراد به اشتباه فکر می‌کنند که باید همان ماهیت ارز دیجیتال را داشته باشند. مزیت رمزارزها غیرمتمرکز بودن آن است. در واقع باید گفت که اقتصاد جهان به سمت غیرمتمرکز شدن در حرکت است و در این گذار، پول هم مشمول فرآیند غیرمتمرکز شدن خواهد شد.

■ معروف ترین رمزارزها کدامند؟

رمزارزها انواع متفاوت بسیار زیادی دارند که برخی از مهمترین و کاربردی ترین آنها بیت کوین، اتریوم، آلت کوین، توکن‌ها و غیره هستند. اولین رمزارز جهان هم بیت کوین بود که مفهوم و شاکله این حوزه را شکل داد و توانست اقتصاد و صنعت رمزارز را ایجاد کند.

■ چالش‌های رمزارزها در داخل و خارج چیست؟

چالش این حوزه در داخل، رگولاتوری یا قانون گذاری است. چند سال پیش من به همراه چند تن از دوستان، یک کنفرانس قانون بلاکچین را در ایران پیشگام شدیم در صورتی که هنوز در دنیا فردی برای قانون گذاری این امر پیشگام نشده بود. در این کنفرانس هم تمام مسئولان و سازمان‌های اصلی این کار را دعوت کرده بودیم، اما قانون گذاری در کشور ضعیف، سنتی و آهسته است تا همین الان که من با شما صحبت می‌کنم، هنوز تکلیف مدونی برای افراد در این کار دیده نشده است. درست است که این حوزه حجم کوچکی را امروزه در اختیار دارد، اما با توجه به اهمیت آن در نظام مالی و رشد سریع حجم این بازار، باید قانونگذاری درست آن جدی تلقی شود. زیرا کشورهای متعددی در جهان به دنبال قانونگذاری این پدیده هستند تا از مزایای آن استفاده و از نظام اقتصادی خود در برابر مضرات این فناوری جدید محافظت کنند. اما بانک مرکزی ما در این زمینه چند مصوبه داده است که این مصوبات اصلاً قابل درک نیست. در این مصوبات بانک مرکزی موظف کرده که افرادی می‌توانند در این حوزه خرید و فروش کنند که صرافی مجاز بانک مرکزی باشند، آن هم به شرط اینکه وقتی این صرافی‌ها از مردم خریداری می‌کنند آنرا تبدیل به دلار و یورو کرده و آن را به سامانه بانک مرکزی تزریق کنند. اما این مفهوم هنوز برای صرافی‌های داخلی جا نیفتاده است. بنابراین وقتی مفهوم، آموزش داده نمی‌شود، نمی‌توان آن را جرم انگاری کرد. در حال حاضر هم، در این زمینه جرم‌های زیادی در حال رخ دادن است و کلاهبرداری‌های زیادی مخصوصاً در صرافی‌های داخلی انجام می‌شود و هیچ سازمانی هم نمی‌تواند پیگیری کند.

از آنجا که مهمترین ویژگی ارزرها غیر متمرکز بودن آن، یعنی عدم کنترل آن‌ها توسط یک دولت خاص و ناشناس بودن مالک است، اکثر دولتها این نوع از ارزها را عامل ایجاد بی ثباتی نظام پولی، عدم رصد سازمان‌های مالیاتی و افزایش دهنده جرایمی مانند قاچاق مواد مخدر و پولشویی می‌دانند. اما کشورهای دیگر به مرور زمان زیرساخت‌هایی درست کردند و خود را با تکنولوژی جدید وفق داده‌اند. یعنی کشورهای مختلف به مرور زمان قانون گذاری‌های مختلفی در این زمینه داشته‌اند، تا جایی که امکان دارد از چالش این کار کاسته شود.

■ متولی این حوزه چه سازمانی است و چرا چالش‌های این

کار را پیگیری و قانونی نمی‌کند؟

قطعا متولی و مسئول اصلی رمزارزها در کشور بانک مرکزی است. ولی

اعتمادسازی بلاکچین در بازارهای سرمایه



فردریک گرگارد
مدیرعامل بنیاد کاردانو

آنچه رویدادهای چند ماه گذشته آشکار کرده، این واقعیت است که اعتماد به زیرساخت‌های مالی سنتی که به بازارهای سرمایه جهانی جان می‌دهند، به شدت کاهش یافته است و این اتفاق به ویژه در میان سرمایه‌گذاران خرد بیش از همه به چشم می‌خورد. جهش ناگهانی قیمت سهام شرکت GameStop به دست سهامداران خرد و حقیقی که به صورت آنلاین گرد هم آمده بودند، به خوبی نشان داد وقتی توان بازار به آستانه خود می‌رسد، چه اتفاقی ممکن است رخ دهد. سفارش حجم‌های کلان، فشار خرید غیرمنتظره و هجوم تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان بازار نشان داد که امکانات، ظرفیت و توانایی کارگزاران و پروسه پس از معاملات و تسویه چقدر سریع می‌تواند به نهایت خود برسد.

در حالی که جهان مالی هنوز در شوک اتفاقات اخیر به سر می‌برد، پیام کلیدی این تحولات برای همه ارکان و مشارکت‌کنندگان بازار این است که بخش‌های حیاتی زیرساخت‌های ما نیازمند پیش‌بینی آینده و ارائه روش‌هایی برای کاهش تاثیر شوک‌های احتمالی است. در این راستا، مدتی است انقلابی در زیرساخت‌های بازار مالی رخ داده که به طور کامل به اصول شفافیت و اعتماد وفادار است؛ این انقلاب، فناوری بلاکچین است. در اینجا خواهیم دید که چگونه بلاکچین می‌تواند زیرساخت اصلی مورد نیاز برای بازنگری و بازآفرینی صنعت کارگزاری و پروسه پس از معاملات را در بازارهای سرمایه فراهم کند.

اعتماد در بستر بلاکچین

وقتی کارگزاری را بین‌هوا اقدام به تعدیل الزامات وثیقه مشتریان در زمینه خرید سهام GameStop کرد، برخی آن را توهین به سرمایه‌گذاران خرد تلقی کردند. اما آیا این اتفاق واکنشی به یک تصویر ناقص از آنچه در پشت پرده رخ می‌داد، نبود؟

اکنون ما می‌دانیم آنچه موجب شد تا را بین‌هوا در برخی موقعیت‌های معاملاتی به چنین اقدامی دست بزند، شور و هیجان معاملاتی بود. این هیجان شدید معاملاتی در روند خرید، فروش و پروسه تسویه، فشار زیادی را بر بازیگران مختلف بازار وارد آورد. در همین حال، تراکم بالایی از درخواست تسویه و مشکل نقدینگی برای شرکت‌های سپرده‌گذاری و تسویه وجوه به وجود آمد. به طور طبیعی، این واکنش شدید عمومی نسبت به کمبود و مشکل نقدینگی بیش از همه در نخستین چرخ‌دنده این ماشین

این عدد اگر ۲۰ میلیارد دلار تصمیم به فروش بگیرند، حجم این بازار به ۵۰ میلیارد دلار می‌رسد. این یعنی حباب بزرگی در این بازار وجود دارد و با اندازه‌گیری درست، یک بازار ۱۳۰ میلیارد دلاری است، در واقع این مبلغ نمی‌تواند به یک کشور پرتانسیل و پر قدرتی مثل ایران کمک کند.

اما افراد زیادی این کار را انجام می‌دهند، زیرا از پتانسیل‌های کشور به خوبی استفاده نمی‌شود و این به نفع خارجی‌هاست، زیرا دستگاه این کار را یک کشور دیگر تولید می‌کند و فروش آن را با یک کشور دیگر باید انجام داد و هر زمان هر کاری هم که بخواهند، انجام می‌دهند. این برای کشوری مثل ایران خوشایند نیست. در این میان باید بگوییم که متأسفانه دولت دلال است. باید دید که دولت در کجاها سود نمی‌کند. مثلاً به صندوق پالایشی یکم اشاره می‌کنم که آقای رئیس‌جمهور به مردم گفتند، پول خود را به جای اینکه در بانک بگذارید سهم پالایشی یکم خریداری کنید. الان که صحبت می‌کنیم این سهم نزدیک به ۵۰ درصد زیان داده است، سهمی که پالایشگاه‌های کشور تضمین‌کننده آن هستند! وقتی دولت از مردم اینگونه کسب درآمد می‌کند، اعتماد از بازارها سلب می‌شود.

و اما دولت در بازار رمز ارزها قانونی مدون کرده و سود اصلی مال را از آن خود می‌کند. به گونه‌ای که برق و انرژی گران می‌فروشد و از دستگاه‌ها تعرفه‌های سنگین می‌گیرد در حالی که در آخر این کار، فعال این کار موظف است سود کار را به دولت بدهد و اگر پرداخت نکند باید مالیاتش را بپردازد. اما خود دولت و سازمان‌های دولتی به صورت خیلی گسترده در بازار رمز ارزها فعال هستند، بدون اینکه هیچ تکلیف قانونی داشته باشند. دوگانگی تصمیم‌گیری برای مردم و نهادهای نظامی و خصولتی مشکل اصلی است. مشکل این است که فردی دنبال کار درست کردن نیست. در حال حاضر یک شهروند ایرانی اگر بخواهد ۱۰ هزار دلار خریداری کند به کجا باید برود؟ به صرافی. صرافی فقط ۲ هزار دلار می‌دهد. تکلیف آن فرد چیست؟ وقتی دولت اینگونه تصمیم‌گیری می‌کند، نباید توقع چابکی و استفاده از تکنولوژی را داشت.

■ رمز ارز نفتی چیست؟ آیا با توجه به وابستگی ایران به نفت می‌توانیم در این حوزه هم فعالیت کنیم؟

ما رمز ارز وابسته به طلا و قنقوس وابسته به الماس را هم داریم و می‌توانیم رمز ارز نفت هم داشته باشیم، اما موضوع این است که رمز ارز درست کردن ما را مشکلات نجات نمی‌دهد بلکه خروج از تحریم‌هاست که مشکلات اقتصادی را حل می‌کند. وقتی نمی‌توان با دنیا تعامل کرد، درست کردن رمز ارز نفت چه ارزشی دارد؟ ما با هویت ایرانی نمی‌توانیم حتی ۲ دلار پرداخت اینترنتی داشته باشیم حالا رمز ارز نفت هم داشته باشیم، کدام مشکل اقتصاد ما حل می‌شود؟ اینها تبلیغاتی است که شیادان خصولتی انجام می‌دهند. پروژه قنقوس هزینه زیادی داشته است خروجی این پروژه چیست؟ با چند صرافی در دنیا توانسته ارتباط بگیرد؟ هیچی. پژوهشکده بانک مرکزی هزینه‌های میلیاردی در حوزه تحقیق، توسعه و پژوهش بلاکچین کرد، خروجی آن چه بوده است؟ بنابراین اول باید زیرساخت‌های لازم هر کاری اجرا شود.

■ بستر لازم رمز ارزها چیست و چگونه فراهم می‌شود؟

هر کوینی برای خود بستری دارد و در آن بستر نقل و انتقالات مالی خود را انجام می‌دهد. در حوزه بیت کوین بسترش بلاکچین است. اما باز هم تاکید می‌کنم که تا تحریم‌ها بر نداشته نشود مشکلات هم وجود دارد. درست است که همه ایرانی‌ها در این حوزه فعالیت می‌کنند اما غیرقانونی است. موضوع مهمی که حائز اهمیت است این است که رمز ارزها مرکزیت ندارند و چون غیرمرکزی است نهاد تصمیم‌گیری هم ندارند، این حوزه، حوزه آینده جهان است. پیش‌نیاز این است اگر تصمیم‌گیرنده و دلسوزی برای کشور داریم باید به فکر رفع چالش‌های تحریم باشیم، دولتمردان باید بدانند که همه مردم ارتباط با جهانیان را مطالبه می‌کنند.



یعنی کارگزاری‌ها احساس شد.

در مقابل، اگر پروسه پس از معاملات از طریق دفتر کل بلاکچین انجام شده بود، هر یک از مشارکت‌کنندگان بازار به راحتی می‌توانستند گلوگاه‌های پروسه تسویه را شناسایی کنند. همچنین این احتمال بالقوه وجود داشت که بخشی از باز کارگزاران کاسته شود و مشارکت‌کنندگان بازار به تصویری کامل‌تر از پروسه تسویه دست پیدا کنند. و در عین حال، نقاط ناکارآمدی بازار شناسایی می‌شد. از سوی دیگر با استفاده از بستر بلاکچین، کارگزاران مجبور نبودند برای اثبات نیت یا اعتبار تصمیم‌های خود به مشتریان‌شان به حسن نیت تکیه کنند. در واقع، کل فرآیند خرید و فروش و تسویه در بستر بلاکچین، شفاف و قابل اثبات و قابل رسیدگی بود.

شرکت PWC (پرایس واترهاوس کوپرز که خدمات حرفه‌ای به بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ ارائه می‌کند) تایید می‌کند که بلاکچین قادر است یک دفتر کل قابل اعتماد و مشترک برای اطلاعات دارایی‌ها ارائه کند. این بستر از پیچیدگی عملیاتی کم می‌کند و منبعی منحصربه‌فرد و تاییدشده برای واقعیت موجود ارائه می‌کند. از آنجا که تراکنش‌های انجام شده بر بستر بلاکچین برای اثبات درستی نیازمند تایید مجموعه‌ای از گره‌های غیرمتمرکز است، این روند بی‌نیاز از اعتماد تلقی می‌شود.

به بیان دیگر، مشارکت‌کنندگان دیگر به تایید درستی اطلاعات دیگر بازیگران بازار نیاز ندارند. در نتیجه، وجود یک دفتر کل غیرمتمرکز برای سابقه معاملات به ابزاری برای حفظ و نگهداری اطلاعات بین معامله‌گران خرد و کلان تبدیل می‌شود و بیشترین میزان اعتماد را ایجاد می‌کند. بلاکچین نه تنها شفافیت بیشتری به کارگزاران، شرکت‌های تسویه وجوه و مشارکت‌کنندگان بازار ارائه می‌کند بلکه به افزایش سرعت، کارآمدی و آشکار شدن روند تسویه نیز کمک کند. شرکت‌های تسویه وجوه که اغلب در زمینه معاملات روزانه به چشم نمی‌آیند، بازیگران بالفعل در پروسه پس از معاملات بازارهای سرمایه هستند. همچون هر نهاد دیگر، شرکت‌های تسویه وجوه نیز خدمات مهم و حیاتی ارائه می‌کنند، با این حال آنها هم محدودیت‌های خود را دارند. اما بستر بلاکچین می‌تواند پروسه پس از معاملات را به روش‌های متعدد متحول کند. دفاتر کل غیرمتمرکز می‌توانند با ارائه تایید یک مرحله‌ای جریان انتقال دارایی، نیاز به واسطه‌گری شرکت‌های تسویه وجوه را رفع کنند. از سوی دیگر، بلاکچین می‌تواند در فرآیند اتوماسیون فعالیت‌ها به شرکت‌های تسویه وجوه کمک کند و بازده ارتباط آنها با کارگزاری‌ها را افزایش دهد. از این طریق، جریان لحظه‌ای و هم‌زمان دارایی و اطلاعات امکان‌پذیر

می‌شود و احتمال مواجهه شرکت‌های تسویه وجوه با مشکلات نقدینگی در دوره‌های بی‌ثباتی و بحران کاهش می‌یابد. در نتیجه، اعتماد در کل بازار سرمایه حفظ می‌شود و گسترش پیدا می‌کند.

ناکارآمدی ناشی از پیچیدگی

ثبت سفارش خرید یا فروش نزد یک کارگزار، نقطه شروع و پایان سفر معامله‌گران در بازار سرمایه است. اما کل فرآیند، از خرید تا تسویه بسیار ظریف و پیچیده است و اتفاقات زیادی پشت پرده رخ می‌دهد که از دید سرمایه‌گذاران خرد پنهان است. برای کاربران معمولی، بلاکچین می‌تواند لایه‌ای از شفافیت به این فرآیند اضافه کند که در عین حال، یک زیرساخت حمایتی مناسب برای سرمایه‌گذاران نهادی به شمار می‌رود. به عنوان مثال، واسطه‌های متعددی در پروسه پس از معاملات و تسویه مشارکت می‌کنند که هر یک باید انبار ذخیره داده‌های خود را داشته باشد و مسیر حرکت دارایی‌ها را ثبت کند. در واقع، این داده‌ها بین هر مشارکت‌کننده تکرار می‌شود. همچنین هر بازیگر باید به درستی داده‌های ارسالی واسطه قبلی خود اعتماد کند. این موضوع به اصلاح و تطبیق خطاها و اعتماد به سوابق یک سیستم مرکزی منجر می‌شود که ممکن است موجب بروز تاخیر در روند تسویه و تحمیل هزینه‌های اضافی (زمانی، انسانی و سرمایه‌ای) شود.

ماهیت پیچیده پروسه پس از معاملات می‌تواند مشکلاتی را برای فعالیت عادی بازارهای سرمایه ایجاد کند. در چنین شرایطی، اعتماد مشارکت‌کنندگان به بازارهای سرمایه و زیرساخت‌های آنها به تدریج از بین می‌رود.

چاره کار؛ بلاکچین

تجربه گنجاندن فناوری بلاکچین در زیرساخت‌های سنتی بازارهای سرمایه که به دلیل فعالیت در بخش بانکداری به دست آورده بودم، موجب شد تا بیش از پیش به نقش این فناوری توجه کنم. در واقع نیاز به اعتماد و شفافیت در زیرساخت‌های بازارهای سرمایه مرا واداشت تا دنبال فناوری‌های جایگزین باشم. از زمان پیدایش فناوری بلاکچین مشاهده می‌کنیم که این فناوری با نیاز روزافزون به تقویت اعتماد در بازارهای سرمایه همگرایی کاملی دارد. به عنوان نمونه، ظهور DeFi (تأمین مالی غیرمتمرکز) ثابت کرده که با استفاده از فناوری بلاکچین ما می‌توانیم فعالیت در بازارها را با امنیت و کارایی بیشتری دنبال کنیم. با توجه به توسعه روزافزون این فناوری، جا دارد که از راهکارهای غیرمتمرکز برای حل مشکلات و پیشرفت زیرساخت‌های بازارهای سرمایه استفاده کنیم.

**تسهیل بوروکراسی‌های طولانی با حذف رکن ضامن
در انتشار اوراق بدهی**

رتبه‌بندی اعتباری قطعه‌ای از پازل تأمین مالی



گلشن بابادی
خبرنگار

اصلاح قوانین و تسهیل فرآیندهای زمان‌بر و طولانی یکی از راهکارهای رونق تأمین مالی در بازار سرمایه است. یکی از موانعی که همواره پیش پای تأمین مالی از طریق اوراق بدهی قرار داشته است را می‌توان فرآیندهای طولانی تعیین رکن ضمانت برای شرکت‌هایی دانست که قصد انتشار این اوراق دارند. در دستورالعملی که اخیر از سوی سازمان بورس منتشر شده است، تعیین رتبه اعتباری مناسب جهت انتشار اوراق بدهی بدون ضامن مدنظر قرار گرفته است که این موضوع می‌تواند علاوه بر پررنگ کردن نقش شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری و توجه به رتبه اعتباری شرکت‌ها که به خودی خود شفافیت هر چه بیشتر را برای اقتصادها به ارمغان می‌آورد، باعث تسهیل فرآیند تأمین مالی از طریق بنگاه‌های اقتصادی شود. در گفت‌وگو با حمید میرمعینی، عضو هیأت مدیره شرکت رتبه‌بندی اعتباری برهان به بررسی مزایای رتبه‌بندی شرکت‌ها و اختصاص رتبه اعتباری به افراد حقوقی و حقیقی پرداختیم که در ادامه آمده است.

برترین گزارش‌های رتبه‌بندی چه در خصوص رتبه‌بندی کشورها و چه در مورد اوراق قرضه، رتبه‌بندی اشخاص حقوقی منتشر کننده اوراق و... توسط شرکت‌های رتبه‌بندی منتشر می‌شود که در بازارهای مالی دنیا بسیار مورد اهمیت هستند.

■ جایگاه شرکت‌های رتبه‌بندی در کشور ما کجاست؟

شرکت‌های رتبه‌بندی یکی از تکه‌های پازلی بود که بازار مالی و اقتصاد کشور ما بسیار به آن نیاز داشت. در کشور ما به منظور راه‌اندازی نهادهای مالی که در ارزیابی رتبه اعتباری اشخاص حقوقی به صورت حرفه‌ای فعالیت می‌کنند جای خالی چنین شرکت‌های حس می‌شود. شرکت‌های رتبه‌بندی ما شیوه‌نامه‌های استاندارد خود را از شرکت‌های خارجی دریافت می‌کنند به طور مثال رتبه‌بندی برهان این شیوه‌نامه‌های استاندارد را از شریک خارجی خود دریافت کرده است و این شرکت نیز جزو یکی از برترین شرکت‌های رتبه‌بندی در منطقه و دنیا است. این شیوه‌نامه‌های استاندارد، خود دلیلی بر کیفیت کار شرکت‌های رتبه‌بندی است. تمامی شرکت‌های رتبه‌بندی که در ایران به ثبت رسیده‌اند همگی با یک شریک خارجی همکاری می‌کنند تا دانش فنی و دست‌نامه‌های مورد نیازشان را در اختیار داشته باشند چرا که شرکت‌های رتبه‌بندی داخلی تا قبل از چنین همکاری‌هایی این دانش فنی را در اختیار نداشتند. این موضوعات نشان‌دهنده حساسیتی است که روی نهادهای مالی وجود دارد و این نهادهای مالی به مرور زمان با رتبه‌بندی شرکت‌ها، اوراق، کسب و کارهای مختلف و کشورها گامی در جهت شفافیت بیشتر فعالیت‌ها، کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی در راستای قاعده‌مندتر شدن سرمایه‌گذاری و تأمین مالی‌ها برمی‌دارند.

اگر به رتبه‌بندی اعتباری بها داده شود و از طرف مسوولان اقتصادی و حاکمیتی مورد حمایت قرار گیرد می‌تواند به واسطه شفاف‌سازی که انجام می‌دهد و رتبه اعتباری که به اشخاص حقوقی اعطا می‌کند، باعث تحول اساسی در کاهش فساد، افزایش کارایی، بهره‌وری بنگاه‌ها و قاعده‌مندتر شدن بنگاه‌های اقتصادی شود. ارزیابی و اعطای کد اعتباری به شرکت‌ها و اوراق مالی که از طریق این شرکت‌ها منتشر می‌شود، شفافیت بیشتری را در بازارهای مالی رقم می‌زند.

■ به طور کلی رتبه‌بندی شرکت‌ها بر چه اساسی شکل می‌گیرد؟

ابتدا باید تعریفی از رتبه‌بندی داشته باشیم. در واقع اساس کار رتبه‌بندی بررسی موشکافانه برای مشخص شدن چگونگی ایفای تعهدات مالی اشخاص در آینده به خصوص اشخاص حقوقی است، به طور مثال رتبه‌بندی نشان می‌دهد اشخاص خصوصی تا چه میزان توانایی پرداخت به موقع تعهدات خود را دارند و یا احتمال نکول در آنها چقدر است.

■ شرکت‌های رتبه‌بندی بررسی‌های مدنظر را بر چه اساسی انجام می‌دهند؟

شرکت‌های رتبه‌بندی بررسی‌هایی از سابقه شرکت، نوع صنعت، اقتصاد جهانی و سایر فاکتورهای دخیل در تأمین نقدینگی برای ایفای تعهدات شرکت‌ها به عمل می‌آورند. این شرکت‌ها تحلیل ارزش‌گذاری انجام نمی‌دهند ولی تمام عواملی که شرکت را به لحاظ تأمین نقدینگی مورد نیاز جهت ایفای تعهداتش تحت تأثیر قرار می‌دهد را بررسی می‌کنند. در واقع شرکت رتبه‌بندی از سطوح کلان اقتصاد بین‌الملل و داخل گرفته تا عوامل مختلف تأثیرگذار بر صنعت مورد نظر، لایه‌های مختلف عملکرد شرکت، سیستم‌هایی که در شرکت‌ها مستقر شده است و تمامی مسائل این چنین را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت اطلاعات مختلفی از سابقه شرکت‌ها و فاکتورهای تأثیرگذار در سطح خرد و کلان شرکت جمع‌آوری می‌شود سپس با قرار گرفتن اطلاعاتی نظیر صورت‌های مالی در اختیار کمیته رتبه‌بندی، افراد متخصص در نهایت رتبه‌ای را به شخصیت حقوقی مورد بررسی اهدا می‌کنند.

■ شرکت‌های رتبه‌بندی در سطح جهان تا چه حد مورد اهمیت بازارهای مالی هستند؟

قدمت صنعت رتبه‌بندی در دنیا بیشتر از صد سال است. از اهمیت این شرکت‌ها همین بس که یکی از معتبرترین گزارشاتی که در دنیا منتشر می‌شود و بسیار مورد اهمیت تحلیلگران است گزارش شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری مانند شرکت‌های Moody's، Fitch Ratings و استاندارد پورز (S&P) است که سه شرکت بزرگ رتبه‌بندی دنیا محسوب می‌شوند؛

اعتباری باعث می‌شود بوروکراسی طولانی داشتن ضامن از میان برداشته شود. ارزیابی و توجه به رتبه اعتباری باعث این می‌شود شرکت‌های مورد ارزیابی برای ارتقای رتبه اعتباریشان و همچنین برای افزایش بهره‌وری، کارایی و استقرار سیستم‌های مناسب مدیریتی در بنگاه اقتصادی خود همواره تلاش کنند. این موضوع در نهایت می‌تواند آشفتگی ناشی از تصمیمات سلیقه‌ای را از بین برده و با بررسی موضوعات مختلف، سیستماتیک و استراتژیک مدیریتی در نهایت برای تأمین نقدینگی برای ایفای تعهدات کاربرد بسیار داشته باشد.

■ شرکت‌ها پس از اخذ رتبه از شرکت‌های رتبه‌بندی

اعتباری، تا چه زمان مورد نظارت این شرکت‌ها قرار دارند؟

رتبه‌ای که شرکت رتبه‌بندی به یک شرکت اعطا می‌کند برای دوره‌های یک ساله و سه ساله صادر می‌شود. در مدتی که رتبه اعتباری در استفاده از انتشار اوراق قرار می‌گیرد و رتبه‌بندی انجام می‌شود شرکت منتشر کننده اوراق باید تحت پایش شرکت رتبه‌بندی قرار داشته باشد. با پایش قرار گرفتن شرکت، تمامی اتفاقات مربوط به آن از جمله تمامی موضوعات مرتبط با صنعت آن شرکت، اقتصاد جهانی، عملکرد و غیره مورد پایش و رصد قرار می‌گیرد چرا که ممکن است اتفاقات گوناگونی در رابطه با شرکت طی سال‌ها رخ دهد و بر پایشی که توسط شرکت‌های رتبه‌بندی انجام می‌شود تأثیر گذار باشد.

■ آیا شرکت‌ها تا زمان سررسید اوراق هم مورد پایش قرار

می‌گیرند؟

بله، تا زمانی که انتشار اوراق سررسید نشود این شرکت‌ها تحت پایش قرار دارند.

■ اگر شرکت‌های رتبه‌بندی همزمان با پایش شرکت‌ها

متوجه بروز مشکلی از سوی آنها شوند، شرکت منتشر

کننده اوراق، رتبه‌اعتباری خود را از دست می‌دهد؟

در صورت بروز هرگونه اتفاقی این شرکت‌ها به حالت هشدار درآمده و مورد بررسی مجدد از سوی رتبه‌بندی قرار می‌گیرند. تغییرات شرکت‌ها می‌تواند منفی یا مثبت باشد و شرکت رتبه‌بندی به محض اینکه اتفاق قابل ملاحظه‌ای را مشاهده کند که تأثیر قابل توجهی بر رتبه اعتباری شخصیت حقوقی داشته باشد، این شرکت‌ها را مورد بررسی دوباره قرار می‌دهد. در صورت بروز هر تغییری شرکت برای دو ماه در حالت هشدار قرار می‌گیرد و بلافاصله کارگروه رتبه‌بندی، شرکت مربوطه را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهد و با مشخص شدن اینکه این اتفاقات چه تأثیری بر ایفای تعهدات شرکت در آینده خواهد داشت؛ پس از آن تعیین می‌کند که آیا رتبه شرکت ثابت مانده، کم یا زیاد خواهد شد. تمامی این موضوعات بلافاصله به اطلاع عموم مردم می‌رسد. شرکت رتبه‌بندی مکلف است که چنین مواردی را در سایت اطلاع‌رسانی خود اعلام کند. مؤسسه اعتباری برهان دارای سایت اطلاع‌رسانی بسیار قوی به لحاظ داشتن چارت ضابطه‌ها، محرمانگی و رازداری، ضوابط تضاد منافع، رعایت اخلاق حرفه‌ای و... است که تمامی این موارد منتشر شده و در دسترس عموم قرار دارد.

■ شرکت‌ها به غیر از اینکه قصد انتشار اوراق داشته باشند

در چه موارد دیگری نیاز به رتبه‌بندی پیدا می‌کنند؟

ممکن است شرکت‌هایی قصد انتشار اوراق نداشته باشند و برای سایر موارد مانند گرفتن تسهیلات بانکی، مشارکت با سرمایه‌گذار خارجی و غیره نیازمند گرفتن رتبه اعتباری باشند چون که رتبه‌بندی و گزارش شرکت‌های رتبه‌بندی یکی از معتبرترین گزارشاتی است که در دنیا وجود دارد چرا که شرکت‌های رتبه‌بندی بسیار موشکافانه بر اساس متدولوژی‌های خود یک شرکت را واکاوی می‌کنند. گزارش رتبه‌بندی برای سرمایه‌گذار و تأمین کننده مالی اهمیت بسیار



■ جای خالی استفاده از رتبه‌بندی اعتباری در کدام بخش از

بازارهای مالی بیشتر حس می‌شود؟

ما تا به حال به دلیل وجود نداشتن چنین نهادهایی و استفاده نامناسب و کاربردی از آنها شاهد بوده‌ایم که در بسیاری از تأمین مالی‌هایی که به خصوص در نظام بانکی شکل گرفته است، مطالبات سوخت شده بسیار زیادی ایجاد شده است؛ در واقع بانک‌ها نتوانسته‌اند تسهیلاتی را که داده‌اند، پس بگیرند. به همین دلیل به کرات شاهد آن بوده‌ایم که برخی به واسطه داشتن رانت‌های مختلف و روابط خاص، بیشتر از حد اعتباری که می‌توانستند اقدام به استفاده از تسهیلات می‌کردند و یک نوع بی‌قاعدگی در بخش تسهیلات‌دهی به واسطه چنین عواملی وجود داشته است بنابراین یکی از معضلات نظام بانکی که بررسی موشکافانه اشخاص حقوقی است که قصد اعطای تسهیلات به آنها را دارد، با استفاده از رتبه‌بندی اعتباری رفع می‌شود و بانک‌ها به گزارشات شرکت‌های رتبه‌بندی استناد می‌کنند. در کل تمامی این مسائل منجر به افزایش شفافیت می‌شود و در نهایت این مسئله کاهش ریسک سرمایه‌گذاری را در پی خواهد داشت.

■ به تازگی سازمان بورس و اوراق بهادار در دستورالعملی

انتشار اوراق اعتباری را بدون ضامن و منوط به اخذ رتبه از

شرکت‌های رتبه‌بندی ممکن ساخته است، شرکت‌ها با چه

رتبه‌ای می‌توانند اقدام به انتشار اوراق بدون ضامن کنند؟

در حقیقت از سال گذشته دستورالعملی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار صادر شده که به واسطه آن شرکت‌ها می‌توانند از رتبه اعتباری برای انتشار اوراق استفاده کنند به نحوی که اگر سه شرکت رتبه‌بندی موجود؛ رتبه بالاتر از B+++ را به شرکت‌های متقاضی اختصاص بدهند، این شرکت‌ها می‌توانند بدون ضامن اوراق منتشر کنند. در حال حاضر با مدیریت جدید سازمان بورس این دستورالعمل تحولات مثبت‌تری پیدا کرده و استفاده از رتبه‌بندی را برای انتشار اوراق اعتباری بدون ضامن آسان‌تر کرده است و در این میان بهای بیشتری به شرکت‌های رتبه‌بندی و گزارشات این شرکت‌ها داده می‌شود. طبق این دستورالعمل اگر رتبه شرکتی از B+++ بالاتر باشد می‌تواند بدون رکن ضمانت اقدام به انتشار اوراق کند. هر چقدر این رتبه بالاتر باشد شرکت می‌تواند میزان بیشتری اوراق را منتشر کند. استفاده از رتبه

زیادی دارد چرا که به طور کلی ریسک شرکت را برآورد می‌کند.

■ آیا خود شرکت‌های رتبه‌بندی نیز رتبه‌بندی می‌شوند؟

خیر، این شرکت‌ها توسط نهاد ناظر (سازمان بورس و اوراق بهادار) به طور مداوم تحت پایش قرار دارند یعنی به جهت استفاده از دستورالعمل‌هایی که حاکم بر فعالیت این شرکت‌هاست به صورت بازدهی‌های دوره‌ای که از شرکت‌ها به عمل می‌آورد بر فعالیت این شرکت‌ها نظارت دارد. سازمان بورس به عنوان نهاد ارائه‌دهنده مجوز به این شرکت‌ها به طور مداوم آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

■ آیا شرکت‌ها برای تعیین رتبه اعتباری خود مکلف به

مراجعه به شرکت رتبه‌بندی اعتباری مشخصی هستند؟

خیر، شرکت‌ها برای رتبه‌بندی می‌توانند به شرکت دلخواه خود مراجعه کنند ولی یکی از مشکلات در این رابطه کمبود شرکت‌های رتبه‌بندی است علاوه بر این شرکت‌های موجود هم ظرفیت جذب مشتری بیشتر از بسترهای سخت افزاری، نرم افزاری، افراد کارشناس و غیره خود را ندارند. شرکت‌های متقاضی با توجه به قیمت، عوامل رقابتی و قابلیت شرکت‌ها یکی از سه شرکت را برای رتبه‌بندی خود انتخاب می‌کنند و شرکت‌های رتبه‌بندی نیز در مقابل ارائه خدمات، از تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی کارمزد دریافت می‌کنند.

■ آیا شرکت‌های مختلف مورد ارزیابی و بررسی‌های یکسان

قرار می‌گیرند؟

درواقع باید دید که شرکت‌ها به چه منظور و با چه هدفی اقدام به گرفتن رتبه می‌کنند. شرکت‌های رتبه‌بندی چهار نوع قرارداد برای تعیین رتبه شرکت‌ها دارند. قرارداد بررسی اجمالی که در آن رتبه دقیقی به شرکت‌ها داده نمی‌شود و در واقع رتبه شرکت در یک طیف تعیین می‌شود. این نوع قراردادها برای شرکت‌هایی مطرح می‌شود که برای مشخص شدن رتبه خود و بهبود آن رتبه اقدام می‌کنند و هدف خاصی از رتبه‌بندی ندارند و رتبه‌بندی را صرفاً برای آگاهی از وضعیت خودشان انجام می‌دهند. قرارداد دیگر اعلام اختصاصی است یعنی شرکت را می‌توان به طور کامل و دقیق مورد بررسی قرار داد اما کارفرما به شرکت رتبه‌بندی اعلام می‌کند که قصد عمومی کردن رتبه خود را ندارد. نوع دیگری از این قراردادها نیز انتشار عمومی است که برای شرکت‌هایی کاربرد دارد که قصد انتشار اوراق بدون ضامن را دارند که همانطور که گفته شد پس از آن نیز این شرکت‌ها تا زمان سررسید اوراقشان تحت پایش قرار خواهند گرفت و در مواقعی که شرکت دچار بحران و مشکلاتی می‌شود شرکت رتبه‌بندی به واسطه پایش مداوم خیلی سریع مشکل را به اطلاع عموم می‌رساند. نوع دیگر این قراردادها، قرارداد اختصاصی با مشاوره است.

■ آیا رتبه‌بندی برای افراد حقیقی نیز انجام می‌شود؟

بله، علاوه بر شرکت‌ها افراد حقیقی نیز رتبه‌بندی می‌شوند. در اشخاص حقیقی رفتار اعتباری اشخاص در گذشته تاثیر به سزایی بر اعتبارسنجی آنها دارد. به ارزیابی اشخاص حقوقی، رتبه‌بندی اعتباری و به انجام چنین ارزیابی برای اشخاص حقیقی اعتبارسنجی گفته می‌شود. در اعتبارسنجی رفتار اعتباری شخص در گذشته اهمیت دارد.

■ مزایای رتبه‌بندی افراد حقیقی چیست؟

در دنیا دو مسئله رتبه‌سنجی و اعتباربندی برای تأمین مالی مهم است که میزان اعتبار شخصیت حقیقی یا حقوقی را نشان می‌دهد و بر اساس آن مسائلی چون نرخ تسهیلات، میزان اعتبارات این افراد و بسیاری موارد دیگر تعیین می‌شود.

گزارشی از روند خصوصی سازی و وضعیت سهام تپکو

داستان يك شكست

خصوصی سازی، هپکو را زمین زد



مروارید اسلامی
خبرنگار

شرکت تولید تجهیزات سنگین (هپکو) که در سال ۱۳۵۴ به عنوان اولین و بزرگترین تولیدکننده ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی و راه‌سازی در خاورمیانه آغاز به کار کرد و عنوان قدیمی‌ترین و مجهزترین واحد تولیدکننده ماشین‌آلات راه‌سازی و عمرانی در کشور را به خود اختصاص داد، حالا چند سالی است که گرفتار مسائل مالکیتی و مدیریتی شده و این مسئله تا جایی پیش رفته که اعتراضات شدید کارگری را بابت بلاتکلیفی و حقوق معوقه و آینده شغلی در پی داشته و تولید در این شرکت عملاً متوقف است.

این شرکت که در سال‌های اوج خود و پیش از مسئله واگذاری، با تولیدات با کیفیت خود، نه تنها در داخل کشور، بلکه در خاورمیانه جایگاه ویژه‌ای داشت و همکاری با چندین شرکت به نام مانند ولوو، لیبر، کوماتسو، دایناپک و نیوهلند را در کارنامه خود ثبت کرد، بیشترین سهم از ماشین‌آلات را در بازارهای داخلی داشت و خط تولید آن مجهز به تجهیزات پیشرفته‌ای بود که به موجب آن، امکان تولید با حجم بالا از ماشین‌آلات مختلف و سازه‌های فولادی را داشت. همچنین هپکو موفق به کسب سهم مناسبی در تولید تجهیزات مورد استفاده در صنعت نفت و گاز شد.

اما اکنون سال‌هاست که پاهای چابک این ابر شرکت بر زمین قفل شده و این اتفاق پس از ماجرای خصوصی‌سازی آن رخ داد که بعد از آن، اوضاع شرکت هر روز بدتر شد. مسئله اصلی پیرامون شرکت هپکو، انتقال مالکیت آن از سازمان خصوصی‌سازی به شخصیت دیگر است.



خصوصی‌سازی چه بر سر هپکو آورد؟

مالکیت شرکت هپکو در گذشته دور، دولتی بود و به واسطه آن می‌توانست کار و پروژه‌های زیادی بگیرد. فعالیت این شرکت با نماد تپکو در حوزه تولید ماشین‌آلات و تجهیزات با کاربرد دولتی است. قبلاً به واسطه مالکیت دولتی، فعالیت این شرکت رونق داشت اما بعد از خصوصی‌سازی شدن، دچار مشکلاتی شد.

اتفاقی که برای شرکت‌هایی از این دست محتمل است، از دست دادن رونق کسب و کارشان؛ این شرکت‌ها زمانی که خصوصی‌سازی می‌شوند، دیگر همانند سابق نمی‌توانند از دولت کار و پروژه بگیرند چرا که بیشتر بنگاه‌هایی که نیازمند خدمات و ماشین‌آلات هپکو بودند، دولتی بودند و با توجه به این موضوع، شرکت وضعیت خوبی داشت اما بعد از خصوصی‌سازی، اتفاقی که برای برخی شرکت‌های دیگر مانند نیشکر هفت‌تپه هم افتاد، برای تپکو هم رخ داد و کسب و کار آن دچار مشکل شد. به طور معمول، شخصی هم که در فرآیند خصوصی‌سازی اقدام به خرید این شرکت‌ها می‌کند، بیشتر اوقات براساس ارزش جایگزینی، این معامله را شیرین می‌پندارد و به تولید و جریان نقدی که پس از خصوصی‌سازی می‌تواند کسب کند، دقت چندانی نمی‌کند.

شکست اولین خصوصی‌سازی هپکو

اولین فرآیند خصوصی‌سازی شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو (واگذاری سهام متعلق به دولت) در سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاد اما این

واگذاری با چالش‌هایی همراه شد.

براساس آنچه در گزارش سازمان خصوصی‌سازی آمده، برای نخستین بار در اسفندماه سال ۱۳۸۵ معادل ۶۰٫۷۲ درصد سهام شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو به قیمت ۷۰۴٫۵ میلیارد ریال به شرکت واگن‌سازی کوثر واگذار شد. با توجه به بدهی‌های بانکی شرکت و ربح مرکب سود تسهیلات بانکی معوق، همچنین واردات بی‌رویه ماشین‌آلات راه‌سازی مشابه تولیدات هپکو، مشکلات اقتصادی حاکم بر کشور و...، شرکت با مشکلاتی چون پرداخت نکردن به‌موقع حقوق پرسنل و ناتوانی در بازپرداخت اقساط مواجه شد؛ بنابراین هیأت واگذاری در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۶ به‌منظور مساعدت با خریدار، امهال حداکثر سه ساله اقساط معوقه شرکت از زمان انجام معامله (۱۳۸۵/۱۱/۲۸)، به‌طوری‌که خریدار کلیه اقساط معوقه را حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ پرداخت کند و با احتساب سود فروش اقساطی مورد تصویب قرار داد.

پس از گذشت چند سال و پابرجا بودن مشکلات حاکم بر شرکت، هیأت واگذاری در بهمن ۱۳۹۵ مقرر کرد: «سازمان خصوصی‌سازی به نیابت از طرف اجرای احکام دادگاه، فروش سهام شرکت مذکور را درخواست نماید و در غیر این صورت، با متقاضیان بالقوه خرید سهام شرکت یادشده مذاکره و نسبت به عرضه مجدد سهام در وثیقه، به اعطای دوره تنفس در بازپرداخت اقساط بدون سود فروش اقساطی و تعیین مدت تنفس به تشخیص سازمان اقدام نماید.» به این ترتیب فرآیند واگذاری دوم شرکت هپکو (در سال ۱۳۹۵) آغاز شد.

خریدار دوم هم حریف مشکلات هیکو نشد

پس از مذاکرات فراوان، ۶۰,۷۲ درصد سهام شرکت هیکو در مزایده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ به قیمت ۲۱۶۰ میلیارد ریال طی اقساط شش‌ساله به شرکت هیدرو اطلس (سازنده جرثقیل‌های هیدرولیک و ارائه‌دهنده مناسب‌ترین پیشنهاد از بین کلیه متقاضیان) واگذار شد.

خریدار جدید پس از خرید سهام شرکت اقداماتی در راستای بهبود شرایط و کنترل وضعیت بحرانی هیکو انجام داد؛ از جمله انتخاب اعضای هیأت مدیره جدید؛ هزینه‌کرد بیش از ۶۰ میلیارد ریال از محل آورده نقدی بابت پرداخت بخشی از حقوق معوق، بیمه تکمیلی کارکنان، تنخواه سفارشات خارجی و خرید اعتباری آهن‌آلات و مواد اولیه؛ مذاکره با بانک تجارت و سایر بانک‌ها جهت تعیین تکلیف بدهی‌های بانکی هیکو؛ انعقاد تفاهم‌نامه‌ای با وزارت صمت جهت تولید سه هزار دستگاه انواع ماشین‌آلات راه‌سازی؛ اخذ تسهیلات سرمایه در گردش به مبلغ ۱۲۰ میلیارد ریال از بانک تجارت و در چارچوب توافقات صورت پذیرفته در کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید که صرف پرداخت حقوق معوق پرسنل شد؛ انعقاد تفاهم‌نامه دوجانبه فی‌مابین شرکت هیکو و بانک تجارت با موضوع یوزانس بابت خرید قطعات به مدت یک سال از آلمان به مبلغ هشت هزار میلیارد ریال.

اما در نهایت، با توجه به مشکلات نهادی شرکت هیکو، شرکت هیدرو اطلس نیز در رفع آنها ناموفق بود و این واگذاری هم مشکلات موجود را حل نکرد و دوباره کاهش حجم تولیدات، مشکلات کارگری و فشار بدهی‌های بانکی، هیکو را دچار مشکلات فراوان کرد. هیدرو اطلس در دی ماه ۱۳۹۶ درخواست فسخ قرارداد کرد.

سردرگمی دست اندر کاران برای مدیریت هیکو

با توجه به انصراف خریدار دوم از خرید شرکت، سازمان خصوصی‌سازی با همکاری استانداری مرکزی مجدداً به دنبال شناسایی خریدار برای سهام و اداره شرکت رفت که با توجه به وضعیت هیکو، فرآیندی دشوار بود و خریدار به آسانی پیدا نمی‌شد.

در نهایت، کارگروه ملی تسهیل و رفع موانع تولید در پایان اردیبهشت ۱۳۹۷ برگزار شد. بر این اساس، مقرر شد سازمان خصوصی‌سازی تا زمان تعیین تکلیف مالکیت، مسئول مدیریت شرکت هیکو باشد و مدیر اجرایی را منصوب کند.

همچنین تصویب شد که سازمان خصوصی‌سازی با همکاری بانک ملی ایران حقوق معوق سه ماه کارگران شرکت هیکو را پرداخت کند. به علاوه، مهلت ۱۰ روزه برای مذاکرات سازمان خصوصی‌سازی با نهادهای مرتبط به‌منظور واگذاری شرکت هیکو تعیین شد.

همچنین، مقرر شد وزارت کشور قرارداد قبلی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با شرکت هیکو را حل‌وفصل کرده و وزارتخانه‌های کشور و راه و شهرسازی در اجرای مصوبات قبلی کارگروه، نسبت به عقد قرارداد با هیکو به‌منظور تأمین ماشین‌آلات موردنیاز سازمان شهرداری‌ها، ستاد مدیریت بحران و سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای اقدام کنند.

بنا به گزارش سازمان خصوصی‌سازی، برخی از اقدامات صورت گرفته در این دوره عبارتند از: پرداخت بخشی از مبلغ ۹۰۰ میلیارد ریال (که پیشتر در جلسات کارگروه ملی تسهیل و رفع موانع تولید مقرر شده بود) به شرکت هیکو به عاملیت بانک ملی ایران؛ و اخذ مجوز افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها در جهت اصلاح ساختار شرکت هیکو از سازمان خصوصی‌سازی.

در نهایت، با توجه به عدم اقدام سازمان خصوصی‌سازی در رابطه با

واگذاری سهام شرکت هیکو به مالک جدید، سازمان خصوصی‌سازی مجاز شد تا نسبت به واگذاری بلوک ۶۰,۷ درصدی سهامدار کنونی بدون رعایت الزام تابلوی معاملاتی سهامداران خرد اقدام کند.

خریدار شرکت هیکو (شرکت هیدرو اطلس) برای دومین بار درخواست فسخ قرارداد واگذاری را ارائه کرد و به دنبال آن، جلسه ستاد ملی تسهیل و رفع موانع تولید برگزار شد و در این جلسه، ادامه مسئولیت سازمان خصوصی‌سازی در خصوص تعیین مدیریت شرکت هیکو، مورد تصویب قرار گرفت و مدیرعامل جدید برای شرکت تعیین شد.

مذاکرات برای روغن‌کاری موتور هیکو

در ادامه جلسات، مقرر شد سازمان خصوصی‌سازی در اجرای وکالت‌نامه رسمی که از شرکت هیدرواطلس دریافت کرده، نسبت به انتقال سهام واگذارشده شرکت هیکو به دولت (سازمان خصوصی‌سازی) اقدام کند و پس از انتقال سهام، هیکو مجدداً توسط سازمان خصوصی‌سازی در فهرست واگذاری درج شود.

همچنین مقرر شد بلافاصله پس از انتقال سهام شرکت هیکو در فرابورس، امور مربوط به برگزاری مجمع عمومی به منظور تغییر مدیران صورت گیرد و سازمان خصوصی‌سازی به وکالت از دولت، مسئولیت تشکیل مجمع و سایر امور مرتبط با اداره شرکت هیکو را بر عهده گرفته و انجام حسابرسی ویژه از عملکرد شرکت هیدرو اطلس را طی دوره تصدی شرکت هیکو به منظور بررسی خسارات احتمالی در دستور کار قرار دهد. اولین جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران شرکت هیکو پس از انتقال سهام از شرکت هیدرواطلس به سازمان خصوصی‌سازی با موضوع تعیین اعضای هیأت مدیره در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱۸ برگزار شد و سازمان خصوصی‌سازی، شرکت لیزینگ ماشین‌آلات سنگین ایرانیان، شرکت مهندسی و تولید ماشین‌آلات هیکو اراک، شرکت فرتاک ماشین و شرکت خدماتی تجهیزات سنگین همگام به عنوان اعضای حقوقی هیأت مدیره انتخاب شدند.

به منظور شروع فعالیت شرکت، مذاکرات متعددی با خریداران عمده محصولات هیکو، از جمله وزارت راه و شهرسازی و وزارت کشور صورت گرفت که در این رابطه، توافقی با وزارت راه و شهرسازی و وزارت کشور مبنی بر خرید ۲۲۵ دستگاه ماشین‌آلات تولیدی شرکت هیکو انجام شد. همچنین در ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، اعطای تسهیلات تا سقف ۱۵۰ میلیارد ریال به شرکت تولید تجهیزات سنگین - هیکو مورد تصویب واقع شد و کلیه مطالبات و حقوق معوق کارکنان هیکو، از محل ۱۵۰ میلیارد ریال تسهیلات دریافتی از بانک ملی ایران و تحت نظارت سازمان خصوصی‌سازی پرداخت شد.

به‌علاوه، با توجه به نیاز به سرمایه در گردش برای تداوم تولید در شرکت هیکو و طرح این موضوع در جلسه هیأت عامل سازمان خصوصی‌سازی، با اخذ مابه‌التفاوت تسهیلات مصوب ستاد تسهیل و رفع موانع تولید تخصیص یافته به هیکو توسط بانک ملی ایران به مبلغ ۳۵۰ میلیارد ریال، جهت تأمین سرمایه در گردش موافقت شد.

عرضه در فرابورس هم فایده نداشت

هیکو را به تأمین اجتماعی دادند

با موافقت هیأت واگذاری، مقرر شد ۶۰,۷۲ درصد از سهام شرکت هیکو با قیمت پایه هر سهم براساس قیمت تابلوی فرابورس در روز عرضه (معادل قیمت بسته شدن روز قبل از عرضه) به شرط آنکه از مبلغ ۱۱۵۹ ریال کمتر نباشد، به صورت نقد و اقساط شامل ۱۵ درصد نقد و مابقی به صورت اقساط شش ساله با فواصل زمانی شش ماهه از طریق



تجهیزات، ماشین‌آلات و خدمات از شرکت‌های فعال در این حوزه به صورت پیمانکاری دریافت شود و شرکتی به‌عنوان زیرمجموعه در این حوزه نداشته باشد که به موجب آن، منابع شرکت ایمیدرو برای خرید آن درگیر شود، ضمن آنکه در آینده نیز اگر شرکت نمی‌توانست هزینه‌های خود را پوشش دهد، باید ایمیدرو این کار را انجام می‌داد. بنابراین این انتقال در بدنه ایمیدرو جا نیفتاد.

حتی زمانی که معاملات سهام تپکو روند مثبت داشت، برخی هشدار می‌دادند که اگر برخی فعالان به خاطر خبر تحصیل سهام هپکو توسط ایمیدرو در حال خرید این سهم هستند، این انتقال هنوز قطعی نشده است؛ به رغم اینکه همان زمان از گوشه و کنار خبر می‌رسید که کارشناسان ایمیدرو در حال ارزیابی هپکو هستند. به نظر می‌رسد که زور ایمیدرو چربید و از تحصیل هپکو سر باز زد. نکته جالب دیگر، عقد چند قرارداد بین ایمیدرو و این شرکت برای تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز است که شاید هدف، از سر باز کردن هپکو باشد! چرا که ایمیدرو تمایلی برای تحصیل شرکت نداشت.

هپکو زیر پرچم شستا رفت / وزیر صنعت کمک طلبید

سرانجام در تیرماه سال جاری، شرکت هپکو بابت رد دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شد. بنابراین اینگونه تلقی می‌شد که هپکو در زیرمجموعه شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) قرار می‌گیرد. قرار هم بر این بود که براساس آخرین قیمت سهم در بازار که حدود ۵۵۰ تومان بود، این واگذاری انجام شود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسید که این انتقال چندان مطلوب شرکت هپکو و استانداری استان مرکزی نبود و آنها تمایل داشتند شرکت به جایی منتقل شود که کسب‌وکار تضمین‌شده‌ای برای آن وجود داشته باشد. به هر حال، به دنبال این خبر، سهام تپکو بسته شد و تاکنون چندین بار از شرکت درخواست شفاف‌سازی شده ولی هنوز هپکو پیرامون این موضوع شفاف‌سازی نکرده و پس از این انتقال سهام، نماد تپکو در بازار پایه فرابورس هشت مرتبه تعلیق شده و همچنان این تعلیق ادامه دارد.

وزیر صنعت در مهر ماه سال جاری در نشست پیگیری مشکلات شرکت‌های آذراب، هپکو و واگن پارس ضمن اشاره به اینکه این شرکت‌ها مجموعه کارخانجات استراتژیکی هستند که با مشکلات عدیده مدیریتی در چند سال اخیر روبه‌رو بوده‌اند، تاکید کرد که این شرکت‌ها باید به مجموعه‌های توانمندی واگذار شوند که توانایی مدیریت آنها را دارند؛ فعال‌سازی واحدهای راکد و رفع موانع تولید را به عنوان یکی از اولویت برنامه‌ها به مجلس ارائه داده و بر همین محور نیز حرکت می‌کنیم.

افزایش اشتغال و تثبیت مدیریتی با واسپاری این مجموعه‌ها به شرکت‌های توانمند و ورود سرمایه‌گذاری جدید محقق خواهد شد. مجموعه‌های بزرگ همانند قرارگاه خاتم‌الانبیا و ایمیدرو در صورت آمادگی، پای کار بیایند و با این شرکت‌ها وارد انعقاد قراردادهای همکاری شوند.

پول سهامداران بلوکه شد

اکنون پنج ماه از انتقال سهام تپکو به شستا می‌گذرد و این نماد همچنان متوقف و منتظر شفاف‌سازی است؛ مسئله‌ای که موجب اعتراض سهامدارانی شده که سرمایه خود را به این سهم سپردند و پنج ماه است که پولشان قفل شده و مشخص نیست چه زمانی این سهم تعیین تکلیف می‌شود. پرسش اساسی سهامداران این است که چرا سهام تپکو پس از واگذاری، همچنان تعلیق می‌شود؟ چرا سازمان تأمین اجتماعی به عنوان سهامدار عمده و شرکت هپکو شفاف‌سازی نمی‌کنند؟

فرابورس واگذار شود. این عرضه در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ انجام شد اما خریداری نداشت و ناموفق بود. سپس به موجب مصوبه هیأت واگذاری، عنوان شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو در فهرست موارد مشمول واگذاری از طریق بازار سرمایه قرار گرفت اما سرانجام براساس مصوبه ۲۳ تیرماه ۱۳۹۹ هیأت وزیران، مقرر شد سهام متعلق به دولت در شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو بابت رد بخشی از دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شود که در این راستا ۵۲٫۲۵ درصد از سهام این شرکت به ارزش ۶۱٫۶۹۲ میلیارد ریال به صورت قطعی به این سازمان منتقل شد.

چرا خصوصی‌سازی هپکو شکست خورد

کارخانه شرکت هپکو در مساحت بسیار بزرگی در یکی از بهترین مناطق اراک واقع است و به این سبب دارای ارزش جایگزینی بالایی است و شاید همین مسئله در زمان خصوصی‌سازی هپکو موجب جلب توجه خریدار شده بود.

مالکیت شرکت هپکو در گذشته دولتی بود و به دلیل اینکه در حوزه تولید ماشین‌آلات و تجهیزات با کاربرد دولتی فعالیت داشت، بسیار موفق بود اما بعد از خصوصی‌سازی شدن، دچار مشکلاتی شد و دیگر نتوانست همچون گذشته از دولت کار و پروژه بگیرد. بعد از خصوصی‌سازی هپکو، کسب و کار این شرکت از رونق افتاد و دچار مشکلات کارگری و ناتوانی در پرداخت حقوق کارگران هم شد. همین مسئله منجر به تحسن کارگران و شورش‌های خیابانی آنها شد. به دنبال آن، موضوع امنیتی شد و نیروی انتظامی وارد ماجرا شد. این مسئله منجر به ابطال خصوصی‌سازی هپکو و بازگردانی سهام آن به سازمان خصوصی‌سازی شد.

ایمیدرو، هپکو را پس زد

پس از امنیتی شدن مسئله شرکت هپکو و ورود استانداری اراک و برخی مقامات امنیتی به آن، این موضوع به هیأت دولت کشیده شد و این جمع‌بندی حاصل شد که هپکو به بخش عمومی سپرده شود. اولین نامی که در این خصوص مطرح شد، «ایمیدرو» بود و این انتقال مطلوب استانداری اراک بود. همچنین در هیأت دولت هم در این خصوص بحث شده بود و به نظر می‌رسید که قرار است شرکت هپکو به ایمیدرو منتقل شود. ایمیدرو در حوزه اکتشاف و سایر فعالیت‌ها می‌توانست یک مشتری خوب برای هپکو باشد و در صورتی که هپکو زیرمجموعه آن می‌شد، می‌توانست بدون مناقصه و با ترک تشریفات، مطابق با آیین‌نامه مناقصه‌های دولتی به آن کار دهد.

بنابراین، این اتفاق گزینه جذابی برای استانداری اراک بود، ضمن آنکه می‌توانست سهام تپکو را نیز متحول کند.

در حال حاضر و در شرایط فعلی، هپکو فعالیت خاصی ندارد و انتقال مالکیت آن به ایمیدرو می‌توانست شرایط شرکت را بهبود بخشد و از دید استانداری اراک، دست‌کم بتواند حقوق کارگران خود را پرداخت کند. به دنبال این اخبار، سهام تپکو در بازار سرمایه نیز با اقبال مواجه شد و این اتفاق از دید فعالان بازار می‌توانست یک جریان نقدی مستمر در این سهم ایجاد کند و تحول به وجود بیاورد. خصوصی‌سازی و استانداری اراک مایل به انجام این انتقال مالکیت بودند.

حتی در بازدید رئیس قوه قضائیه از شهر اراک، موضوع شرکت هپکو یکی از رؤس اصلی جلسه با مسئولان شهر اراک بود و ایشان نیز از این انتقال اعلام حمایت کردند اما تصمیم نهایی را خارج از حوزه قوه قضائیه و به تشخیص دولت دانستند؛ اما از سوی دیگر، مجموعه ایمیدرو نیز به مالکیت این شرکت رغبتی نشان نداد و ترجیح بر این بود که

همایش بین‌المللی «تأمین مالی» برگزار شد



پنل اول

دبیر اجرایی همایش بین‌المللی تأمین مالی، همچنین در معرفی پنل‌های تخصصی این همایش افزود: پنل نخست این همایش با عنوان «مدل‌های مطلوب تأمین مالی» طبق کنداکتور ساعت ۱۴:۵۰ اجرا شد. در این پنل سعید اسلامی بیدگلی، عضو شورای عالی بورس و دبیر کل کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران به عنوان رئیس پنل سخنرانی داشت و در ادامه به ترتیب، آندرس شوایتزر، مدیرعامل شرکت ارجان کاپیتال (انگلیس)، محمدمهدی مومنزاده، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری سامان مجد و میگوئل اینچاراندونم، معاون تأمین مالی بانک توسعه اتریش سخنرانی کردند.

پنل دوم

وی ادامه داد: پنل دوم این همایش با عنوان «مدیریت ریسک» طبق برنامه اعلام شده ساعت ۱۶ برگزار شد و در این پنل امیر سیدی، مدیرعامل کارگزاری امین سهم به عنوان رئیس سخنرانی کرد. در ادامه بهرننگ اسدی، مدیرعامل تأمین سرمایه مسکن، آلبرت دایلان براسویل، مدیر تحقیقات شرکت سرمایه‌گذاری کاپیتال آمریکا و مایکل نظری، مدیر ریسک کارگزاری سالمون آمریکا به ترتیب سخنرانی کردند.

پنل سوم

امین آدریان در تشریح بخش سوم این همایش گفت: پنل سوم این همایش با عنوان «نقش فینتک‌ها در گسترش و تأمین بازارها» ساعت ۱۷:۱۰ دقیقه آغاز شد. محمود خواجه نصیری، مدیرعامل تأمین سرمایه تمدن ریاست این پنل را بر عهده داشت و پس از سخنرانی وی به ترتیب پائول چاپمن، مدیرعامل شرکت هورن بای انگلیس، سید امید موسوی، مدیرعامل شرکت تحلیلگر امید و آریام ماجومدر، معاون توسعه شرکت فناوری بورس ملی هندوستان سخنرانی داشتند.

وی در پایان با تأکید بر برپایی همایش‌های بین‌المللی تأمین مالی به منظور آموزش فعالان و مدیران بازارهای سرمایه، برای جذب سرمایه بین‌المللی افزود: به منظور استفاده جامعه بازار سرمایه ایران، فیلم کامل این همایش با زیرنویس فارسی و انگلیسی برای همه نهادهای مالی ارسال خواهد شد.

همایش بین‌المللی «تأمین مالی» با حضور بیش از هفت هزار نفر از کشورهای همچون ایران، عربستان، آلمان، ایالات متحده، عربستان، امارات، اوکراین، مالدیو و... در صفحه این کنفرانس، برگزار شد. امین آدریان، دبیر کمیته اجرایی همایش بین‌المللی «تأمین مالی» ضمن اعلام خبر برگزاری این همایش گفت: با توجه به شیوع ویروس کرونا این همایش به صورت آنلاین برگزار شد، با وجود این بیش از هفت هزار نفر در مجموع از صفحه کنفرانس بازدید کردند و ۷۳۶۲ نفر در مجموع و ۹۱۳ نفر به صورت همزمان از ایران و کشورهای مختلف جهان در این کنفرانس حضور داشتند.

وی استقبال مردم و سرمایه‌گذاران را از این همایش بی‌سابقه دانست و افزود: همایش بین‌المللی «تأمین مالی» با رویکردی علمی برای رویارویی با مسائل اقتصادی با سخنرانی مدیرانی از کشورهای ایران، آمریکا، انگلستان، هندوستان و اتریش، در سه محور مدل‌های مطلوب تأمین مالی، مدیریت ریسک، نقش فینتک‌ها در گسترش و تأمین بازارها برگزار شد و در طول برگزاری ۴/۹ ترابایت ترافیک مصرف شده بازدیدکنندگان از این همایش بود که ۱۳۸ گیگابایت بیشترین ترافیک همزمان بازدیدکنندگان در زمان برگزاری همایش بود.

دبیر کمیته اجرایی همایش بین‌المللی «تأمین مالی» در مورد چگونگی برپایی این همایش و جزئیات آن گفت: این همایش ۲۷ بهمن‌ماه با حضور مدیران ارشد بازار سرمایه ایران و مدیران ارشد چندین نهاد مالی بین‌المللی در ۳ لینک همزمان (ترجمه همزمان فارسی و انگلیسی و لینک اصلی) به صورت زنده با کیفیت FullHD برای مخاطبان ارائه شد.

وی در ادامه به تشریح بخش‌های مختلف این همایش پرداخت و ادامه داد: این همایش طبق برنامه ارائه شده ساعت ۱۴ و با سخنرانی حسین عبده تبریزی عضو سابق شورای عالی بورس افتتاح شد. همچنین محمدمعلی دهقان دهنوی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، جوزف لوفکین، مدیرعامل و مؤسس شرکت سرمایه‌گذار جکسیم (انگلیس) و بهادر بیژنی، مشاور ریاست سازمان در امور بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ترتیب سخنرانی کردند.



رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار
در کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی
تاکید کرد:

بازار سرمایه ایران در حال تاریخ‌سازی است

در بازار ایران و در بازار بین‌المللی شناسایی شود، باید مطمئن باشیم که به درستی بورس کشور ساماندهی می‌شود تا در عرصه بین‌المللی زمانی که شرکای بین‌المللی از ایران درخواست کمک می‌کنند، بتوانیم به کمک آنها بشتابیم. وی با بیان اینکه برای حرکت به سوی بازارهای بین‌المللی باید گام‌های مهمی برداشته شود، افزود: ما به عنوان رگولاتور بازار سرمایه ایران مسئول هستیم و از جمله فعالیت‌هایی که باید انجام دهیم، اقدامات حمایتی است. دهقان دهنوی با اشاره به اهمیت بازار سرمایه بیان کرد: زمانی که دیپلماسی بر یکجانبه گرایی فائق آید توسعه و پیشرفت در بازار سرمایه رخ می‌دهد.

از سرمایه‌گذاران خارجی دعوت می‌کنم به ما بپیوندند

وی در ارتباط با بورس جهانی بیان کرد: توسعه و پیشرفت بازار سرمایه در کشورهای دیگر چالش‌هایی داشته و این چالش‌ها، شانس‌ها و مخاطراتی را به همراه داشته است. شانس در این بازار با کسانی است که صبور هستند و کسانی که با دید بلندمدت بتوانند شرکای قابل اعتماد داخلی پیدا کنند. به عنوان میزبان بازار سرمایه ایران از سرمایه‌گذاران خارجی و بین‌المللی دعوت می‌کنم تا به ما بپیوندند و در بازار سرمایه ایران سرمایه‌گذاری کنند. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در پایان گفت: هر کاری لازم باشد می‌کنیم که بازار سرمایه ایران بهتر باشد و بتواند به بازارهای بین‌المللی راه یابد.

و مذاکرات سخت، سازمان بورس و اوراق بهادار توانست عضو آی‌اس‌کو (IOSCO) شود. آی‌اس‌کو (IOSCO) بدنه بین‌المللی در مورد قانونگذاری در بورس است که مشوق بسیار خوبی برای پیوستن و در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی برای به وجود آوردن یک بازار شفاف در مقابل خطرات است. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار با اشاره به اهداف آی‌اس‌کو (IOSCO) گفت: ایران یک عضو بدنه تصمیم‌گیری آی‌اس‌کو (IOSCO) است. وقتی در مورد استانداردهای بین‌المللی سخن می‌گوییم، این پیام را به دیگر بازیگران بین‌المللی می‌دهیم که تمام تلاش‌ها برای ارتقای استانداردها انجام می‌شود.

وی در ادامه این کنفرانس یک روزه با اشاره به جهش بازار سرمایه ایران در طول یک سال گذشته، بیان کرد: بازار سرمایه ایران در حال تاریخ‌سازی است. سال پیش بازار سرمایه ایران در حدود ۱۰ میلیون نفر بازیگر داشت در حالی که امروز تعداد سهامداران در بازار سرمایه ایران به ۵۰ میلیون نفر رسیده است.

گردش مالی یک میلیارد دلاری

دهقان دهنوی گفت: گردش مالی روزانه بازار سرمایه ایران در سال ۱۳۹۸ در حدود ۳۰۰ میلیون دلار آمریکا بود، این گردش مالی بازار سرمایه ایران امسال به بیش از یک میلیارد دلار در روز رسیده است.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار بیان کرد: بازار سرمایه ایران قدرتی دارد که باید

محمدعلی دهقان دهنوی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی با بیان اینکه در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌ها در ایران رشد زیادی داشته است، اظهار کرد: بازار سرمایه ایران توسعه بسیار خوبی داشته و حجم سرمایه‌گذاری بین‌المللی دو برابر شده است. برخی شرکت‌ها سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به عنوان مشاوران در بازار سرمایه دارند و همچنین تعدادی از مؤسسات اعتباری در ایران به عنوان سرمایه‌گذاری مشترک فعالیت می‌کنند، ریجستر شده و تحت لیسانس این شرکت‌ها هستند.

وی افزود: از نظر من میزان تعامل‌ها در عرصه بین‌المللی و با بازیگران بین‌المللی بیشتر شده و در زمینه روابط دوجانبه با کشورهای آسیایی همچون هند و چین در مورد رگولاتوری همکاری‌هایی داشته‌ایم.

ایران در رگولاتوری بازار سرمایه اسلامی فعال است

دهقان دهنوی در ارتباط با بازار سرمایه اسلامی افزود: ایران در رگولاتوری بازار سرمایه اسلامی فعال است. به طور کلی به جای همکاری سطحی، ایران به دنبال توسعه همکاری سازنده و متمرکز با عرصه بین‌المللی است که از جمله آن می‌توان به همکاری ایران با OIC در مورد رگولاتوری اشاره کرد. وی ادامه داد: از نظر تاریخی شرایط کنونی در تقویم بازار سرمایه ایران قابل توجه است. بعد از ۱۳ سال کار فشرده



کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی برگزار شد

دستاوردهای خوب بورس در زمینه تأمین مالی

کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی با حضور مدیران ارشد بازار سرمایه ایران و مدیران ارشد چندین نهاد مالی بین‌المللی روز ۲۷ بهمن‌ماه برگزار شد. این کنفرانس در سه پل تخصصی در حوزه‌های «مدیریت ریسک»، «بررسی مدل‌های بهینه تأمین مالی شرکت‌ها در شرایط سخت اقتصادی» و «تقش فینتک‌ها در گسترش بازارها» برگزار شد.

حسین عبده تبریزی، عضو سابق شورای عالی بورس به عنوان یکی از سخنرانان کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی گفت: بازار سرمایه ایران در بیست سال گذشته با وجود تحریم‌ها و سایر محدودیت‌ها، پیشرفت ویژه‌ای داشته است. در دو سال اخیر مردم حضور گسترده‌ای در بازار سرمایه داشتند که موجب ضریب نفوذ بالای بازار شد، هرچند حضور انبوه مردم در بازار دشواری‌ها و کاستی‌های خود را نیز داشته است.

عبده تبریزی افزود: این سمینار سالانه برگزار می‌شود و تم اصلی سمینار، پوشش بازار سرمایه است. بورس در زمینه تأمین مالی دستاوردهای خوبی داشته است. به عنوان مثال بازار بدهی بسیار گسترش پیدا کرده است. البته بخش خصوصی در این بازار سهم قابل توجهی ندارد و عمده بازار در اختیار دولت است که این موضوع به عنوان امتیاز منفی بازار قابل ذکر است.

عضو سابق شورای عالی بورس درباره صندوق‌ها گفت: در حوزه صندوق‌ها با وجود کوچک بودن ارقام، صندوق‌هایی که صندوق پروژه بودند یا برای تولید و خرید شرکت‌ها پول جمع‌آوری می‌کردند، موجب افزایش اشتغال شدند و همین امر باعث شد که تعدادشان بیشتر شود و تنوع صندوق‌ها نیز افزایش یابد. وی اظهار کرد: مشکلات نظام بانکی در سال‌های اخیر شرکت‌ها را برای تأمین مالی به سمت بورس و بازار سرمایه سوق داده است. نظام بانکی به دلیل قرار گرفتن در تنگنای مالی و مشکلات نتوانست شرکت‌ها را تأمین

مالی کند. بر همین اساس شرکت‌های بزرگ به سمت بازار سرمایه حرکت کردند و در این بازار فعال شدند. از طرف دیگر نسبت به سال‌های گذشته نظام مالیاتی سخت‌گیرتری داشتیم. این نظام مالی سختگیرتر، اجرای قوانین پولشویی، مقررات مشابه و ضرورت اجرای این مقررات باعث شد تا شرکت‌های زیادی تقاضای پذیرش در بورس بدهند. شرکت‌هایی که از ورود به بورس هراس داشتند و به شفافیت در بورس تمایل نداشتند هنگامی که ریسک پولشویی و مالیات‌ها تهدیدشان کرد، به شفافیت و تبدیل شدن به شرکت‌های سهامی عام تمایل پیدا کردند.

عبده تبریزی افزود: دلیل عمده ورود این شرکت‌ها به بورس، تأمین مالی عملیات خود است و تصمیم آنها فرصت خوبی برای بازار سرمایه است که درصد بالایی از بازار بدهی را شامل می‌شود. وی ادامه داد: خوشبختانه متوسط سن اغلب فعالان بازار پایین است و این جمعیت جوان از متوسط سن سایر حرفه‌ها در ایران بسیار پایین‌تر است. این جوان بودن به عنوان یک مزیت محسوب می‌شود اما همه چیز نیست و بازار سرمایه به دانش نیاز دارد. در بازار سرمایه فارغ‌التحصیل رشته‌های غیرمرتبط یا فارغ‌التحصیلان ضعیف وجود دارند که باید آموزش ببینند و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های معتبر با رشته مرتبط نیز باید در دوره‌های حرفه‌ای مالی شرکت کنند. وی در پایان گفت: هدف سمینارهای مالی سوق دادن جوانان به سمت آموزش‌هاست که مخاطبان اصلی این سمینار هم جوانانی هستند که به عنوان کارمند، کارشناس، معامله‌گر و سرمایه‌گذار در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند. برای توسعه بازار در راستای تأمین مالی باید با این جوانان همکاری کرد و آموزش داد. امیدواریم بازار سرمایه در قبال تأمین مالی بنگاه‌ها مسئولیت‌پذیر باشد و آن را خوب پیش ببرد. مسئولیتی که به تولید بیشتر در ایران می‌انجامد و اشتغال به شدت به آن نیاز دارد.



مدیرعامل و مؤسس شرکت مشاور:

ایران می‌تواند به بخش مهمی از بازارهای بین‌المللی پیوندد

جوزف لوفکین، مدیرعامل و مؤسس شرکت مشاور گفت: من در سرمایه‌گذاری بین‌المللی ۴۰ سال فعالیت داشتم. لوفکین گفت: دو مطلبی که می‌خواهم درباره‌اش صحبت کنم، یکی دیتا و دیگری مسئله حاکمیت است. به نظر می‌رسد این دو موضوع بی ارتباط هستند اما بسیار اهمیت دارند. به خصوص در زمینه سرمایه‌گذاران نهادی که در سراسر دنیا به بازار ایران علاقه دارند. فرصت بسیار خوبی است که با شروع دوره جدیدی از همکاری فعالیت‌های بهتری داشته باشیم که باعث ایجاد موفقیت و ثروت برای هر دو طرف می‌شود. وی تأکید کرد: امیدواریم نتیجه این باشد که بازارهای بورس تهران، فرابورس و بورس کالا بتوانند بهترین خودشان را اجرا کنند و انجام دهند. همچنین فرصت‌های بیشتری را برای مردم و کسب و کارها ایجاد کنند. لوفکین بیان کرد: همین طور که ایران در حال بازگشت به سمت بازارهای جهانی است و چیزی است که سرمایه‌گذاران خارجی، ایران را به عنوان یک بازار نوظهور نامگذاری کرده‌اند که این مسئله به صورت سلسله مراتبی است می‌تواند یک فرصت باشد و توجهات مثبت بیشتری را جلب کند. وی تأکید کرد: من خوشبین هستم که با ایجاد برنامه‌های اساسی، ایران به بخش مهمی از بازارهای بین‌المللی می‌پیوندد.

کنفرانس آنلاین بین المللی تامین مالی

سخنران افتتاحیه

دکتر حسین عبده تبریزی
عضو سابق شورای عالی بورس



14:00
14:15

سخنران اول

دکتر محمد علی دهقان دهنوی
رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار



14:15
14:25

سخنران دوم

جوزف لوفکین

مدیر عامل و موسس
شرکت مشاور سرمایه گذار
و سیدگردانی جکسیم، انگلیس



14:25
14:35

سخنران سوم

دکتر بهادر بیژنی

مشاور رئیس سازمان در امور
بین الملل و سرمایه گذاری خارجی



14:35
14:45

رویکرد علمی برای	رویارویی با مسائل اقتصادی
دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹	



بزرگان
کنندگان

فرهاد مرسلی



امین آذریان



دبیر اجرایی
و دبیر علمی

محورهای اصلی کنفرانس:

17:10 18:10

پنل ۳:

نقش فینتک در گسترش و تعمیق بازارها

رئیس پنل:

محمود رضا خواجه نصیری
مدیر عامل تامین سرمایه تمدن



اعضای پنل:

پائول چاپمن
مدیر عامل شرکت
هورن بای چاپمن، انگلیس



سید امید موسوی
مدیر عامل شرکت تحلیلگر امید



آرپام ماجومدر
مدیر توسعه شرکت فناوری بورس ملی
هند، هندوستان



16:00 17:00

پنل ۲:

مدیریت ریسک

رئیس پنل:

امیر سیدی
مدیر عامل کارگزاری امین سهم



اعضای پنل:

دکتر بهرنگ اسدی
مدیر عامل
تامین سرمایه مسکن



البرت دایلان براسویل
مدیر تحقیقات سهام کاپیتال، آمریکا



مایکل نظری
مدیر ریسک کارگزاری سالامون، آمریکا



14:50 15:50

پنل ۱:

مدل های مطلوب تامین مالی

رئیس پنل:

دکتر سعید اسلامی بیدگلی
عضو شورای عالی بورس و دبیر کل
کانون نهادهای سرمایه گذاری ایران



اعضای پنل:

آندرس شوايتزر
مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری ارژان
کپیتال، انگلیس



مهدی مومن زاده
مدیر عامل سرمایه گذاری سامان مجد



میگوئل اینچاراندونم
معاون تامین مالی بانک توسعه اتریش



جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی www.iiia.ir مراجعه نمایید.





فولادی‌ها پس از تحریم

مهندس بناکار

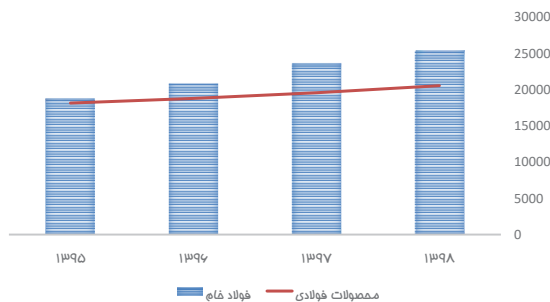
کارشناس بازار سرمایه

سید امیر حسین شکرآبی

کارشناس اقتصادی

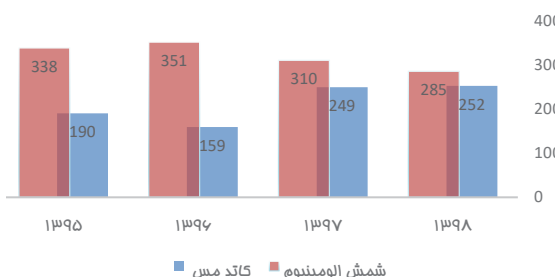
۱۳۹۸ خرید مس، فولاد، آهن و آلومینیوم توسط ایران را به بهانه استفاده از آن‌ها در برنامه‌های موشکی تحریم کرد. با این حال، آنچه در سال ۱۳۹۸ رخ داد، حاکی از نتیجه معکوس اثرگذاری تحریم‌ها بر صنعت فولاد بود. چه اینکه تولید فولاد خام به رشد خود ادامه داد و به ۲۵ میلیون تن در سال افزایش پیدا کرد.

تولید فولاد خام و محصولات فولادی
(هزار تن)



البته تولید برخی محصولات صنعتی مرتبط با صنعت فولاد (مانند شمش آلومینیوم) از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ روند تقریباً نزولی در پیش گرفته ولی در طرف دیگر، تولید کاتد مس در همین بازه زمانی با افزایش روبه رو شده است. در مجموع، تولید سالانه فولاد خام، محصولات فولادی، کاتد مس و شمش آلومینیوم در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ حدود ۲۴ درصد افزایش یافته است.

تولید کاتد مس و شمش آلومینیوم خالص
(هزار تن)

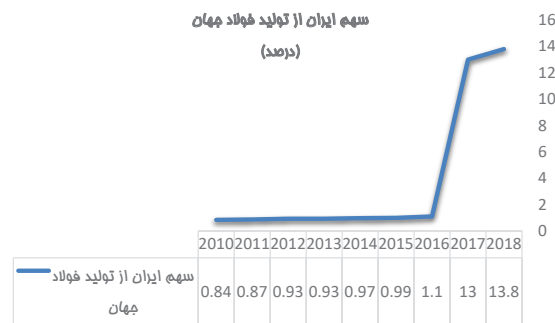


با اعمال تحریم‌های نفتی طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷، اهمیت صادرات غیرنفتی از جهت تأمین ارز کشور دو چندان شد. در این میان، طی چهار سال گذشته و خصوصاً سال جاری، صنایع فولاد و پتروشیمی در شرایطی که تحریم شده بودند، توانستند تولیدات خود را به طور قابل توجهی افزایش دهند. از این رو، صنایع مذکور توانستند علاوه بر افزایش تولید، تا حدودی جای خالی درآمدهای نفتی را پر کنند و نقش مهمی در سیاست جایگزینی نفت ایفا کنند. در ادامه به بررسی این صنایع و میزان تولید آن‌ها می‌پردازیم.

۱. صنعت فولاد

تجربه تولید فولاد در ایران به حدود نیم قرن می‌رسد و به دلیل ظرفیت بالای این صنعت برای تولید محصولات فلزی، نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. جایگاه ایران در صنعت فولاد حتی در عرصه جهانی نیز قابل توجه است و سهم مهمی از تولید جهانی فولاد را به خود اختصاص داده است.

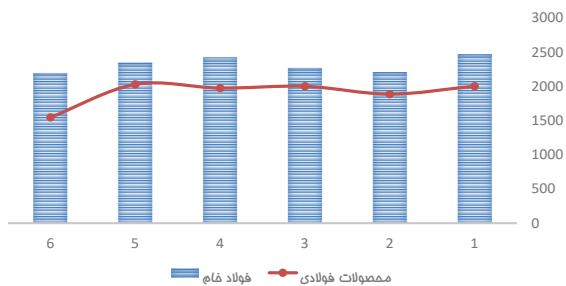
سهم ایران از تولید فولاد جهان
(درصد)



مطابق بررسی صورت گرفته، سهم تولید فولاد در ایران در دهه ۲۰۲۰ میلادی کمتر از یک درصد بود که با رشد مداومی که طی چند سال اخیر تجربه کرد، این رقم تا ۱۴ درصد نیز افزایش پیدا کرد. جالب اینجاست که در برخی بازه‌های زمانی نظیر ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ که روند جهانی تولید فولاد منفی بود، تولید فولاد در ایران توانست روند صعودی خود را حفظ کند.

۱.۱ - روند تولید کالاهای و صنایع معدنی بعد از تحریم

در پی موفقیت‌های پی‌درپی صنعت فولاد، دولت آمریکا ۱۸ اردیبهشت

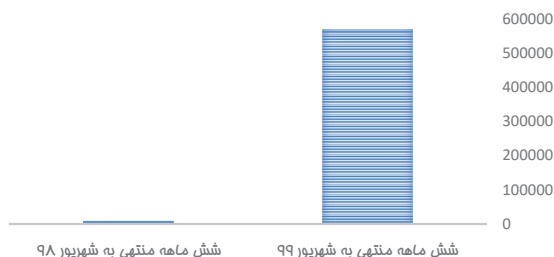
تولید فولاد خام و محصولات فولادی
(هزار تن)


۱،۳ - وضعیت شرکت‌های بورسی حوزه فولاد

نگاهی به آمارهای تولید و فروش تجمعی شرکت‌های مهم فولادی در بورس تهران حاکی از رشد قابل توجه تولید این شرکت‌ها می‌باشد. لازم به ذکر است تولید تجمعی به معنی اضافه شدن میزان تولید در زمان حال به میزان تولید در زمان گذشته است.

بر این اساس، مجموع تولید تجمعی دو شرکت بزرگ فولادی در شش ماهه نخست سال گذشته بیش از ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تن بود که در شش ماهه نخست سال جاری به بیش از ۵۶۸ میلیون تن رسیده و بیش از ۵۶ برابر شده است. به عبارتی، می‌توان گفت رشد قابل توجه تولید شرکت‌های فولادی در بورس، بخش مهمی از افزایش تولید فولاد کشور را رقم زده است.

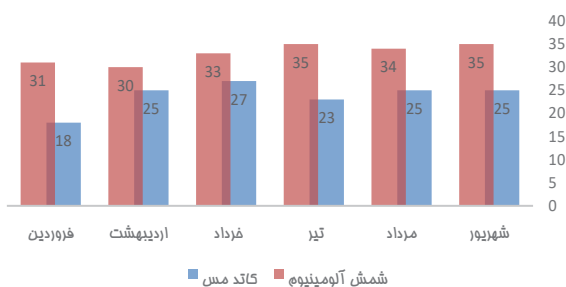
تولید شرکت‌های مهم فولادی (هزار تن)



۱،۴ - روند تولید کالاهای و صنایع معدنی (فولاد) بعد از شیوع کرونا

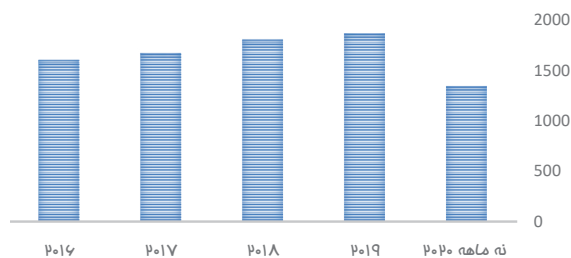
تولید کاتد مس بیش از ۱۴۴ هزار تن و شمش آلومینیوم خالص نیز بیش از ۱۹۶ هزار تن بوده که حاکی از رشد ۸،۱ و ۵۳،۲ درصدی تولید این فلزات در بازه مذکور است.

به عبارتی، تولید مس و آلومینیوم کشور در شش ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، به طور میانگین بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است.

 تولید کاتد مس و شمش آلومینیوم خالص
(هزار تن)


۱،۲ - روند تولید کالاهای و صنایع معدنی (فولاد) بعد از شیوع کرونا

سال ۲۰۲۰ در حالی آغاز شد که به زعم کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌شد به سبب امضای «فاز اول» توافق تجاری آمریکا و چین مبنی بر پایان دادن به جنگ تجاری میان دو کشور، فشار سنگین ناشی از جنگ تجاری و تعرفه‌ای فزاینده این دو کشور بر بازار کالاهای صنعتی و محصولات فلزی، همانند سایر بازارها برطرف شود و روزهای خوبی در انتظار اقتصاد جهانی باشد، اما تعطیلی بازارهای کسب و کار به دلیل شیوع ویروس کرونا موجب شد بهای انواع کامودیتی‌ها از جمله فولاد و فلزات پایه به سبب کاهش تقاضا با کاهش چشمگیر روبه رو شود.

 روند جهانی تولید فولاد
(هزار تن)


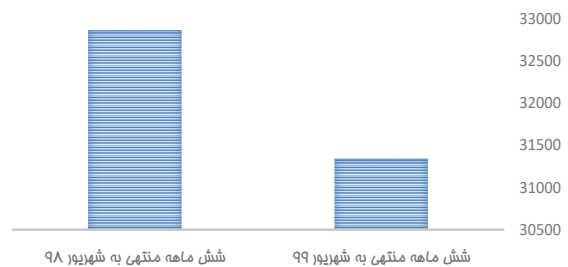
در ایران نیز، شیوع کرونا هم زمان با تشدید تحریم‌های آمریکا در بخش فولادی همراه شد. در تیر ماه سال جاری، وزارت خزانه‌داری آمریکا نام هشت شرکت صنایع فلزی و فولاد ایران را که عمدتاً در ارتباط با شرکت فولاد مبارکه هستند به فهرست تحریم‌های خود اضافه کرد. با این حال، تولید صنایع فولادی در ایران به رشد خود ادامه داد. براساس آمارهای رسمی وزارت صنعت، معدن و تجارت، در شش ماهه نخست ۱۳۹۹ بیش از ۱۳۹۲۹ هزار تن و محصولات فولادی نیز بیش از ۱۱۶۶۴ هزار تن بوده که نسبت به بازه مشابه سال قبل، به ترتیب رشد ۹ و ۱۰ درصدی را تجربه کرده است.

انجمن جهانی فولاد نیز در این رابطه اعلام کرد: علی‌رغم شیوع کرونا، تولید فولاد ایران همچنان روند رو به رشد خود را حفظ کرده و در ماه آگوست نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۴،۶ درصد رشد را ثبت کرده است.

۱.۵ - وضعیت شرکت‌های بورسی حوزه مس

با وجود رشد ۸ درصدی تولید مس در شش ماهه نخست امسال نسبت به شش ماهه نخست سال ۹۸، شرکت‌های بزرگ حوزه مس در بازار سرمایه افزایش تولید نداشتند. به عنوان نمونه دو شرکت مهم صنایع مس در بورس تهران در این بازه زمانی حدود ۴ درصد افت تولید را به ثبت رسانده‌اند. از این جهت، می‌توان گفت رشد تولید مس در سال جاری مرهون رشد شرکت‌های بورسی این صنعت نبوده است. البته باید گفت افت تولید این شرکت‌ها نیز به قدری نیست که جبران آن سخت باشد.

تولید شرکت‌های مسی (هزار تن)

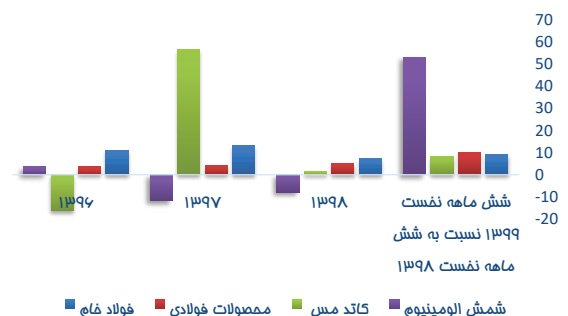


۱.۶ - روند کلی رشد تولید کالاهای و صنایع معدنی

هرچند طی سال‌های اخیر برخی زیر مجموعه‌های گروه صنایع معدنی با رشد منفی روبه‌رو شدند، اما مجموع تولیدات این گروه مثبت بوده است. در واقع، در برخی بازه‌های زمانی تولید محصولات فلزی با افت مواجه شده (مانند شمش آلومینیوم در چهار گذشته یا کاتد مس شرکت‌های بورسی در سال جاری) ولی در مجموع گروه فولاد، محصولات فولادی، شمش آلومینیوم و کاتد مس به طور مداوم با رشد تولید روبه‌رو بوده‌اند. نکته‌ای که در این میان وجود دارد این است که در سال جاری تمام زیر مجموعه‌های مورد بررسی در صنایع معدنی رشد مثبت داشته است. یعنی، اگر در سال ۹۶ رشد تمام بخش‌های فلزی مثبت بوده به جز کاتد مس، یا در سال ۱۳۹۷ و ۹۸ رشد همه بخش‌ها مثبت بوده به جز شمش آلومینیوم، در سال ۱۳۹۹ همه بخش‌ها بلا استثنا رشد مثبت داشته‌اند.

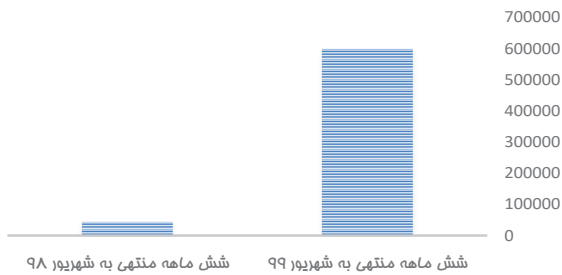
رشد صنایع مهم فلزی

(درصد)



همچنین نگاهی به تولید شرکت‌های بورسی در حوزه‌های فولاد و مس نشان می‌دهد تولید این شرکت‌ها نیز در نیمه نخست امسال نسبت به نیمه نخست سال قبل با افزایش محسوسی روبه‌رو شده است. این رشد تولید محصولات فلزی در بازار سرمایه حاکی از ظرفیت بالای شرکت‌های بورسی برای کمک به تولید کشور می‌باشد.

جمع تولید شرکت‌های پرمیته فولاد و مس در بازار سرمایه (هزار تن)



۲. صنعت پتروشیمی

هم‌اکنون ۵۶ مجتمع پتروشیمی فعال در کشور وجود دارند که سالانه ۳۳ میلیون تن معادل ۶۵۰ هزار بشکه نفت خام در روز خوراک دریافت می‌کنند. با توجه به ظرفیت ۶۴۲ میلیون تنی تولید محصولات پایه پتروشیمی، سهم ایران باتولید ۲۳ میلیون تن، حدود ۳.۶ درصد بازار جهانی می‌شود. برای بررسی وضع تولید محصولات پتروشیمی، به بررسی زیر مجموعه‌های این صنعت - پلیمری‌ها و شیمیایی‌ها می‌پردازیم.

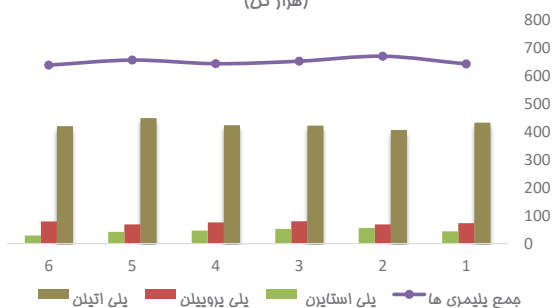
۲.۱ - روند تولید محصولات پتروشیمی در سال جاری

۲.۱.۱ - پلیمری‌ها

محصولات پلیمری در سال جاری توانستند نسبت به سطح تولید سال گذشته رشد کنند، به گونه‌ای که تولید محصولات پلیمری، طی شش ماهه نخست سال جاری نسبت به شش ماهه نخست سال ۹۸، حدود ۷ درصد افزایش داشت و سطح تولید ۶۰۰ هزار تنی در هر ماه حفظ شد.

تولید محصولات پلیمری در سال ۱۳۹۹

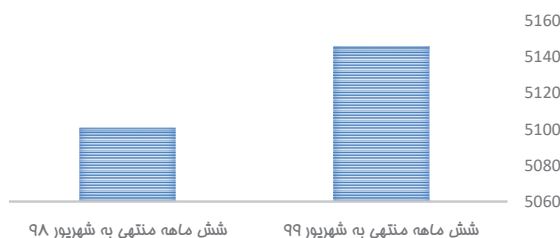
(هزار تن)



۲.۱.۲ - تولید شرکت‌های بورسی

شرکت‌های بورسی که در حوزه تولید پلیمر فعال هستند نیز در شش ماهه نخست سال جاری نسبت به بازه مشابه سال قبل، رشد تولید داشتند. دو پتروشیمی بزرگ که محصولات پلیمری مانند پلی اتیلن و پلی پروپیلن تولید می‌کنند در مجموع نزدیک به یک درصد در این بازه افزایش تولید داشتند.

جمع تولید شرکت‌های پرمیته تولید کننده پلیمر در بورس (هزار تن)

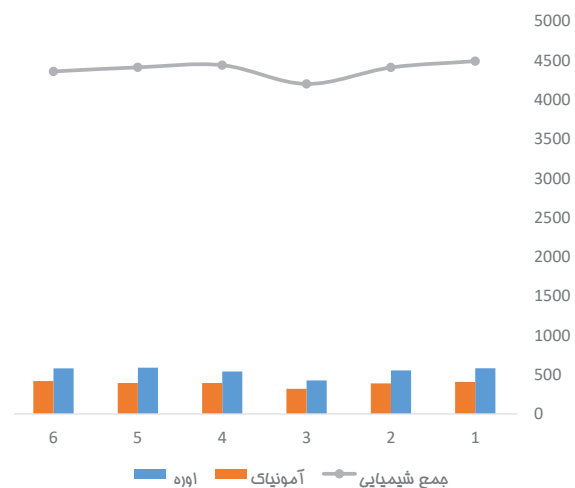


۲.۱.۳ - شیمیایی‌ها

از سوی دیگر، محصولات شیمیایی مانند آمونیاک و اوره نیز در مجموع ۸,۱ درصد در شش ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد کردند و در مجموع سطح تولید ۴۵۰۰ هزار تنی را در ماه به ثبت رساندند.

تولید محصولات شیمیایی در سال ۱۳۹۹

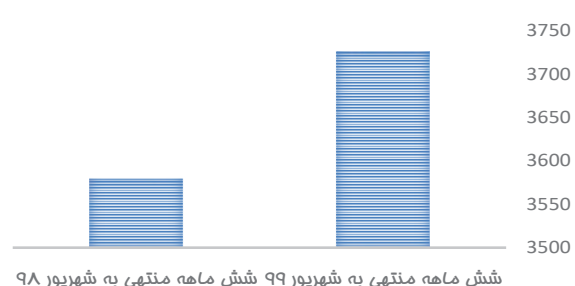
(هزار تن)



۲.۱.۴ - تولید شرکت‌های بورسی

در همین راستا، شرکت‌های بزرگ بورسی فعال در حوزه مواد شیمیایی نیز در شش ماهه نخست امسال توانستند تولید خود را ارتقا دهند؛ چنانچه سه شرکت بزرگ پتروشیمی تولیدکننده اوره و آمونیاک در این بازه زمانی بیش از ۴ درصد افزایش تولید داشتند.

جمع تولید شرکت‌های مهم تولیدکننده محصولات شیمیایی در بورس (هزار تن)

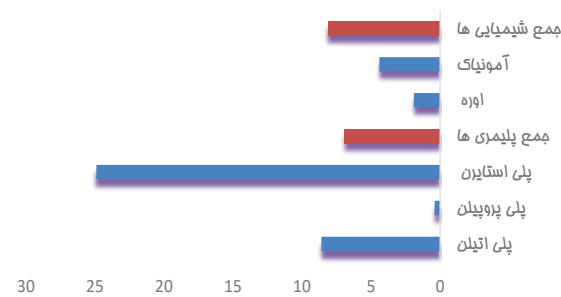


۲.۲ - تحریم

دولت ترامپ در خرداد ۱۳۹۸، ۳۹ شرکت پتروشیمی ایرانی را وارد لیست تحریم‌ها کرد و وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز در این باره اعلام کرد: شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس از بزرگترین هلدینگ‌های پتروشیمی ایران و شرکت‌های زیر مجموعه آن به دلیل حمایت مالی از قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا وابسته به سپاه پاسداران ایران وارد این لیست شده است. این شرکت ۴۰ درصد از ظرفیت تولید و ۵۰ درصد صادرات محصولات پتروشیمی کل ایران را در اختیار دارد. طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا هرگونه معامله، خرید، ارائه خدمات، دادن خدمات اعتباری، بیمه، و بیمه نقل و انتقال به این شرکت‌ها و نهادهای ممنوع شده و هر گونه نقض آن، با مجازات‌های آمریکا روبه رو خواهد بود.

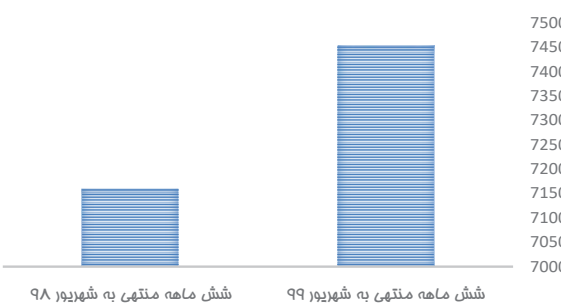
البته ۵ شرکت وابسته به هلدینگ خلیج فارس یعنی پتروشیمی‌های بندرامام، بولعی، پارس، نوری و تندگویان از آبان ۱۳۹۷ در فهرست تحریم‌ها قرار داشتند. با تمام این اوصاف همان‌طور که بالاتر هم اشاره شد تولید محصولات پلیمری و محصولات شیمیایی در سال جاری نسبت به سال گذشته رشد کرده و در نهایت، آمار کلی رشد منتخب کالاهای شیمیایی و پتروشیمی در شش ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷,۹ درصد افزایش یافته است.

رشد پلیمری‌ها و شیمیایی‌ها در شش ماهه نخست ۹۹ نسبت به مدت مشابه سال قبل



همچنین شرکت‌های بورسی در حوزه محصولات پلیمری و شیمیایی توانستند در این بازه زمانی رشد ۴ درصدی را تولید به ثبت برسانند. یعنی به اندازه نصف رشد تولید محصولات پتروشیمی کشور، رشد تولید شرکت‌های بورسی تولیدکننده مواد پلیمری و شیمیایی بود.

جمع تولید شرکت‌های بورسی مهم تولیدکننده پلیمر و شیمیایی (هزار تن)



۳. جمع بندی

صنایع پتروشیمی و فولاد در سال‌های اخیر توانستند با افزایش تولید، علاوه بر افزایش خود از بازار جهانی، درآمدزایی ارزی قابل توجهی ایجاد کنند.

این در شرایطی است که طی دو سال گذشته تحریم‌ها نیز شامل این صنایع شده بود و از همه مهم‌تر رشد اقتصادی کشور منفی بود؛ اگر عامل کرونا را هم به عنوان یک شوک منفی طرف عرضه محسوب کنیم، قاعدتاً با این همه فشار اقتصادی، تداوم تولید این صنایع با مشکل روبه‌رو می‌شد اما با وجود همه این مشکلات، صنعت فولاد (فولاد خام، محصولات فولادی، شمش آلومینیوم و کاتد مس) و صنعت پتروشیمی (پلی اتیلن، پلی پروپیلن، پلی استایرن، اوره و آمونیاک) توانستند تولید خود را به‌طور میانگین تا آستانه ۱۰ درصد افزایش دهند. در این میان ظرفیت بازار سرمایه نیز به‌این افزایش تولید کمک کرد، تا حدی که در برخی صنایع (مانند فولاد) رشد تولید شرکت‌های بورسی بیشتر از میانگین کل کشور بود.





زمان رهایی از دستورات
خلق الساعه معدنی فرا نرسیده است؟

سایه دستورات خلق الساعه معدنی بر سهام بورسی

صرفاً با تأیید و مجوز معاونت امور معادن و صنایع معدنی و با پرداخت عوارض امکان‌پذیر شده بود.

اوایل بهمن سعید عباسپور، مدیر کل دفتر مقررات صادرات و واردات وزارت صمت- در نامه‌ای خطاب به علی‌اکبر شادمانی، مدیرکل دفتر مقررات صادرات و گمرک جمهوری اسلامی ایران- بخشنامه قبلی این وزارتخانه در رابطه با صادرات اقلام مذکور صرفاً با



مجوز معاونت امور معادن و صنایع معدنی را منتفی اعلام کرد. در حقیقت با ملغی شدن نامه‌ای که در زمان مدرس خیابانی سرپرست وزارت صمت منتشر شده بود، تنظیمات بازار معدن و صنایع مدنی به زمان رحمان رضایی وزیر سابق صمت بازگشت.

برخی کارشناسان با حمایت از این دستورالعمل معتقدند لغو عوارض ۲۵ درصدی گندله و کنسانتره و سنگ آهن، صادرات این محصولات از محدودیت‌های قبلی خارج و آزاد شده و این مهم با توجه به رای مثبت دیوان عدالت اداری اجرایی شده و وزارت صنعت مکلف به اجرای آن است و اجرایی شدن این مهم به گمرک نیز ابلاغ شده است.

این گروه از کارشناسان معدن از این نامه حمایت کرده و معتقدند تمام محدودیت‌های صادراتی در تمام بخش‌های زنجیره فولاد باید برداشته شود و بر اساس بازار آزاد و به شکل رقابتی صادرات انجام شود. این گروه معتقدند با توجه به اینکه سنگ آهن مازاد نیاز کشور است با صادرات این محصول علاوه بر تأمین ارز، قیمت سنگ آهن به ارزش واقعی خود نزدیک می‌شود. در مقابل این گروه برخی کارشناسان قرار دارند که معتقدند این دستورالعمل به هیچ وجه به معنی آزادسازی صادرات سنگ آهن نبوده و صادرات سنگ آهن همچنان با محدودیت‌های زیادی مواجه است.

در شرایط تحریمی یکی از پایه‌های اقتصاد کشور معدن و صنایع معدنی است، در دولت، مجلس و حتی بورس معدن و صنایع معدنی با نام و برند فولاد شناخته می‌شوند، در حالی که بیشترین توجهات به سمت فولاد است، که این محصول در ایران محصولی میانی و نهایی است و در زنجیره تولید صنایع معدنی اولین حلقه زنجیره یعنی معدن از اهمیت بسیار بیشتری از فولاد برخوردار است.

دلیل این اهمیت این است که هر گونه تغییر در قیمت مواد معدنی همچون سنگ آهن به طور مستقیم در تمام زنجیره‌های پایین دستی تأثیر می‌گذارد. بخش معدن با نمادهای همچون کچاد، کگل در بازار سرمایه حضور فعالی دارد و علاوه بر اینکه قیمت جهانی سنگ آهن، قیمت دلار بر تعیین قیمت محصولات معدنی تأثیرگذار است، هر گونه اظهار نظر، ابلاغیه و یا دستورالعمل مقامات ارشد دولتی در وزارت صمت، وزارت اقتصاد، نیز بر سهام معدنی‌ها در بازار سرمایه تأثیر مستقیم دارد. وزارت صنعت، معدن و تجارت در تیرماه سال جاری، در راستای حمایت از زنجیره فولاد و صنایع پایین‌دستی، صادرات سنگ آهن، کنسانتره و گندله را صرفاً با اخذ مجوز از معاونت امور معادن و صنایع معدنی این وزارتخانه و پرداخت عوارض مجاز دانسته و اعلام کرد که به منظور حمایت از تولیدکنندگان فولاد و ضرورت توجه به ارزآوری زنجیره تولید این محصولات، هر گونه صادرات سنگ آهن، کنسانتره و گندله صرفاً در شرایطی مجاز خواهد بود که نیاز تولیدکنندگان فولاد کشور تأمین شده باشد.

اصل نامه مربوط به تیر ۹۹ و زمان سرپرستی مدرس خیابانی در وزارت صمت است که بر اساس آن صادرات سنگ آهن و کنسانتره آهن

انجام شد که نشان از بی دقتی برخی صاحبانظران از بررسی موضوع دارد.

ورود سنگ آهن به بورس کالای ایران

ناصر تقی زاده، مدیرعامل چادرملو با مثبت ارزیابی کردن آغاز عرضه سنگ آهن و سایر محصولات معدنی در بورس کالا گفت: ورود سنگ آهن به بورس کالا اقدام مثبتی برای این صنعت است که البته با رعایت ملاحظات این رویداد به نفع همه خواهد بود. در این زمینه یا باید به شرکت‌های معدنی اجازه داده شود تا محصولات شان را همسو با نرخ‌های جهانی بفروشند و یا امکانی فراهم شود تا تنها واحدهای تولیدکننده امکان خرید سنگ آهن از بورس را داشته باشند که با در نظر گرفتن این دو مورد، بدون شک اتفاقی مبارک از طریق بورس کالا رقم می‌خورد.



تقی زاده اظهار داشت: با عرضه سنگ آهن در بورس کالا موافق هستیم که در این زمینه باید دو موضوع مورد توجه قرار گیرد. در این حوزه یا باید به شرکت‌های معدنی اجازه داد که محصول خود را با نرخ‌های جهانی در بازار بفروشند تا قادر به خرید سنگ با نرخ‌های جهانی از بازار باشند یا اینکه شرایطی فراهم شود که تنها واحدهای تولیدکننده قادر به خرید سنگ آهن از بورس باشند.

مدیرعامل چادرملو ضمن تاکید بر این نکته که در شرایط فعلی با صادرات سنگ آهن خام، کنسانتره و گندله مخالف هستیم، گفت: البته باید در نظر بگیریم که ارزان فروشی در داخل عامل رغبت شرکت‌ها برای صادرات است و اگر به وسیله سازوکار بورس کالا این رویکرد تغییر کند، روند صادرات مواد خام نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

وی با تاکید بر این نکته که سنگ آهن در بازار داخلی به میزان قابل توجهی کمتر از قیمت بازارهای صادراتی فروخته می‌شود، افزود: طبق اعلام کارشناسان و مسئولان، با روی کار آمدن واحدهای فولادی، ذخایر سنگ آهن کشور تنها جوابگوی نیاز ۱۰ تا ۱۲ سال صنعت فولاد خواهد بود و صلاح نیست اکنون سنگ خام را صادر کرده و در آینده به واردکننده سنگ آهن تبدیل شویم. بنابراین سنگ آهنی‌ها و فولادی‌ها باید بر سر قیمت سنگ آهن توافق کنند و بهتر است این نرخ در محدوده نرخ‌های جهانی و حداکثر ۲۰ درصد زیر قیمت‌های جهانی باشد. مدیرعامل چادرملو توجه ویژه به امر اکتشافات را موضوعی ضروری خواند و گفت: کمبود سنگ آهن با راه اندازی واحدهای در دست اجرا مشهودتر خواهد بود و اکتشاف تنها راهکار رهایی از این چالش است. تردید ندارم که در کویر مرکزی ایران و سایر نقاط کشور ذخایر مطلوبی از سنگ آهن نهفته است و لازمه آن اکتشافات است.

سخن آخر

بیش از ۲ سال است که بخش معدن با مشکل صادرات مواجه است و دلیل آن نیز دستورالعملی بود که بر اساس آن صادرات سنگ آهن، کنسانتره، و گندله صرفاً با اخذ مجوز از معاونت امور معادن و صنایع معدنی این وزارتخانه و پرداخت عوارض مجاز دانسته شده بود، با این دستورالعمل معدنی‌ها بخش بزرگی از بازار صادراتی خود در عرصه بین‌الملل از دست دادند و رقبای محصولات ایرانی به راحتی توانستند جای ایران را در بازار جهانی پر کنند. حال بعد از پشت سر گذاشتن نشیب‌ها و تلاش‌های بسیار، این بخشنامه هرچند دیر اما بالاخره ملغی شد. حال تولیدکنندگان تنها بخش کوچکی از بازار قبلی خود را می‌توانند داشته باشند و دوباره باید از اول به دنبال بازاریابی و یافتن بازار هدف صادراتی باشند، تمام این مشکلات نتیجه تعریف نشدن چشم انداز بلند مدت در برنامه‌ها و تصمیمات خلق الساعه است.



سجاد غرق، نایب رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران در ارتباط با لغو موانع صادرات سنگ آهن، کنسانتره و گندله (صادرات سنگ آهن منوط به دریافت مجوز معاونت معدنی وزارت صمت) اظهار کرد: وزارت صنعت، معدن و تجارت صادرات سنگ آهن، کنسانتره و گندله را صرفاً با اخذ مجوز از معاونت امور معادن و صنایع معدنی این وزارتخانه و پرداخت عوارض مجاز دانسته بود. این دستورالعمل بدعتی بزرگ و به ضرر بخش معدن بود و صادرات آن از زنجیره تولید ممنوع و با مشکل مواجه شد و انحصاری به نفع حلقه شمش فولاد به وجود آمد.



نایب رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران با اشاره به بند اول ماده ۲۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور بیان کرد: منع صادرات مخالف قانون است و لغو این دستورالعمل باید زودتر از این‌ها ابلاغ می‌شد. هر گونه محدودیت برای حلقه‌های زنجیره در صادرات مورد مخالفت فعالان بخش معدنی است و باید در صورت امکان صادرات آن هم به صورت رقابتی انجام شود.

با ملغی شدن نامه‌ای که در زمان مدرس خیابانی سرپرست وزارت صمت منتشر شده بود، تنظیمات بازار معدن و صنایع معدنی به زمان رحمان رضایی وزیر سابق صمت بازگشت. این نامه نشان از حذف محدودیت صادرات سنگ آهن ندارد بلکه تنها نامه مدرس خیابانی مبنی بر عدم صادرات مواد معدنی را ملغی کرد و محدودیت‌های صادراتی قبلی همچنان باقی است. برخی به اشتباه خبر لغو دستورالعمل مدرس خیابانی را با لغو کامل محدودیت‌های صادراتی مواد معدنی اشتباه گرفته اند. این کج فهمی رسانه‌ها را نیز به خطا انداخت و مصاحبه‌هایی در این ارتباط

فولاد آفت زده در بورس کالا

تقاضا در حالی است که محصولات فولادی ابتدا در بورس عرضه می شود و بعد از کشف قیمت، مصرف کننده هایی که در بهمن یاب ثبت شده اند می توانند این محصولات را از بورس خریداری کنند. در این بخش مشکل خاصی وجود ندارد اما بعد از این مرحله شاهد هستیم که محصولاتی که از بورس کالا خریداری می شود در بازار آزاد با دو برابر قیمت اصلی فروخته می شود، دلیل این امر چیزی جز رانت نیست.

کشانی گفت: گاهی محصولی همچون میلگرد با افزایش قیمت ۲۵۰ تومانی نسبت به بورس کالا، در بازار آزاد فروخته می شود. نوردکاران اسلب را از بورس کالا تحویل می گیرند و باید در کارخانه ها تبدیل به فولاد شود و به بازار عرضه کنند اما بخشی از نوردکاران به جای تولید، فولاد را با قیمت بالا در بازار آزاد می فروشند. به طور کلی سود حاصل از این دست به دست شدن نه به جیب تولید کننده که زحمت اصلی تولید فولاد را کشیده است، می رود و نه در جیب مصرف کننده نهایی ذخیره می شود. این سود جیب واسطه، دلال و رانت خوار را پر می کند برای آنکه تصمیمات کلان کنترل قیمت فولاد اجرایی شود باید در سطح مدیریتی راه حلی برای این رانت ها در نظر گرفته شود تا فولاد و صنایع فولادی با قیمتی منصفانه به دست مصرف کننده نهایی برسد.

رویا ذبیحی سامانی، کارشناس بازار سرمایه اظهار کرد: محدود کردن سقف رقابت محصولات فولادی در بورس کالا، موجب معاملات منفی و اصلاح در گروه فلزی و معدنی شد. در پیش نویس جدید، برداشتن این سقف رقابت در بورس کالا، اجازه رقابت به خریداران را داده و باعث کاهش فاصله قیمتی و رانت بین بورس کالا و بازار آزاد می شود. در صورت تصویب این بخشنامه، اقبال دوباره به گروه فلزی و معدنی باز خواهد گشت.



سیدمرتضی نظاری، مدیر سرمایه گذاری حافظ سرمایه تاروس گفت: در دوره های مختلف جهش ارزی، دولت ها جهت کنترل قیمت معمولاً رویکرد مشخصی را اتخاذ کرده اند. رویکرد دستوری کردن نرخ ها همیشه اولین و ساده ترین راه حل مسئولان جهت کنترل قیمت ها بوده است. از این رو همیشه در بخش هایی از صنعت، ما با پدیده رانت و بازار سیاه روبه رو می شویم. از ابتدایی ترین اصول اقتصاد کلان این است که قرار دادن سقف قیمتی به صورت دستوری موجب ایجاد مازاد تقاضا می شود.

هفته آخر مهر ۹۹ از جمله مهمترین موضوعاتی که سروصدای بسیاری به پا کرد، این بود که داریوش اسماعیلی معاون معدنی سابق وزارت صمت از تلاش برای مذاکره با بورس کالا در مدیریت بازار فولاد سخن گفت و اعلام کرد: هیچ گونه قیمت گذاری دستوری از طرف بورس کالا ابلاغ نشده است. شایعه نرخ گذاری دستوری فولاد به سرعت تکذیب شد و وزیر صمت در مجلس به این موضوع اذعان کرد که هیچ گونه تصمیمی برای نرخ گذاری فرمایشی وجود ندارد.

اوایل آبان ماه خبر حذف سقف قیمت فولاد در بورس کالای ایران رسانه ای شد و ۳ بهمن این خبر توسط اعضای انجمن فولاد کشور تکذیب شد. اوایل هفته بهمن نیز در خبری عنوان شد، سقف قیمت فولاد در بورس کالا حذف شده و قرار بر این است که عملاً اجازه رقابت به خریداران تا قیمت های بین المللی داده شود. در واقع با حذف سقف قیمت فولاد محرک بازار سهام و اقبال مجدد سرمایه گذاران بورس به حوزه کامودیتی در معاملات آینده خواهد شد. بر اساس مدل معاملاتی پیشین فولاد در بورس کالا، سقف رقابت قبلاً ۲۰ درصد تعیین شده بود که باعث ایجاد رانت برای یک عده خاص می شد.



محمد کشانی، عضو هیأت مدیره انجمن فولاد ایران از اهمیت موضوع حذف دلان فولادی در داد و ستدهای بورسی سخن گفت و ادامه داد: باید تمام زنجیره فولاد از تولید تا مصرف کننده نهایی توسط وزارت صمت مورد توجه قرار گیرد تا با پایین ترین قیمت فولاد به دست مصرف کننده برسد. ما در انجمن فولاد همواره به دنبال رفع محدودیت از حلقه های تمام زنجیره فولاد و مخالف صد درصدی ایجاد رانت هستیم. انجمن به دنبال این است که محصولات خود را در بورس کالا عرضه کند اما به دنبال تأمین مواد اولیه تمام زنجیره ها با قیمت مناسب هستیم. اگر نوردکاران، محصولات میلگردی خود را که نشأت گرفته از تأمین شمش از بورس کالای ایران است با قیمت مکانیزم بورس عرضه نکنند به طور قطع تفاوت قیمت فاحشی را در بازار شاهد خواهیم بود.

عضو هیأت مدیره ومعدان افزود: برآورد کارشناسی شده از میزان فولاد مورد نیاز بازار مصرف داخلی، ۱۳ تا ۱۴ میلیون تن است. پیش بینی ها نشان می دهد امسال ۲۷ میلیون تن تولید فولاد خواهیم داشت. صنایع پایین دستی فولاد مدعی هستند باید میزان عرضه فولاد در بورس بیشتر شود این



چرخه معیوب سیاستگذاری مسکن

۷۴



۸۲ نویسنده: بی‌مشتی
در بازار مسکن



۸۰ «ریت» دروازه نوین
تأمین مالی مسکن



۷۷ راهکار حل معضل
توسعه درونی شهری



کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی آسیب‌شناسی کردند؛

چرخه معیوب سیاست‌گذاری مسکن

شبنم عزیزی
خبرنگار



صورت گرفته سالانه به حدود یک میلیون واحد مسکونی جدید در کشور نیاز است، گفت: یک تقاضای بالقوه همواره و از گذشته در بازار مسکن وجود دارد اما عرض‌های برای پاسخ این تقاضا و متناسب با آن وجود ندارد.

وی با بیان اینکه نتایج تحقیقات صورت گرفته در خصوص معضلات موجود در بازار مسکن نشان می‌دهد که مشکل از ترتیبات نهادی داخلی و سازماندهی تولید است خاطرنشان کرد: می‌توان گفت به طور کلی مشکل منبع و پول برای مسکن نداریم بلکه مشکل ترتیبات نهادی داریم که بتواند چرخه تولید، عرضه و فعال شدن تقاضا بعد از عرضه مسکن را ایجاد کند.

براساس این صورت بندی باید دید که چه سیاست‌هایی می‌تواند در حوزه مسکن اثرگذاری بهتر داشته باشد؟

یزدان پناه یکی از اصلی ترین مشکلات در تأمین مسکن را بالا بودن قیمت زمین و رشد فزاینده آن به خصوص در شهرهای بزرگ و کلانشهرها اعلام کرد و افزود: بالا بودن قیمت زمین انعکاس یک سری شرایط زیرین است که این شرایط باید تغییر کند وگرنه حتی با صفر کردن قیمت زمین هم مشکل چندانی حل نخواهد شد. اگر محلی در تهران قیمت زمین فوق‌العاده بالاست چون بافت خاص و موقعیت خاصی دارد مسئله این است که چرا کیفیت موجود در مکانی که باعث ارتقای ارزش زمین شده است در سایر مکان‌ها وجود ندارد؟ اگر این مسئله حل شود سایر مسائل را هم می‌توان به نحو درست تری صورت بندی کرد.

این پژوهشگر اقتصادی تاکید کرد: در صورتی

مستقیم دولت در بازار مسکن امری کارشناسی نیست و لازم است دولت‌ها تنها در حوزه سیاست‌گذاری ورود کرده و شرایط را برای بهبود در بازار مسکن تسهیل کنند.

منشاء مشکل!

محسن یزدان‌پناه، پژوهشگر اقتصادی در تشریح وضعیت سیاست‌گذاری در حوزه مسکن معتقد است: اگر



بخواهیم از منظر اقتصاد کلان به این موضوع بنگریم بخش مسکن مشروط به تحقق یک دسته از شرایط، در صورت توسعه می‌تواند نه تنها به عنوان علاج بخشی از مشکلات ما در حوزه اشتغال و بیماری و نیاز به سرپناه و مسکن عمل کند بلکه با وسیع کردن حوزه دارایی‌ها می‌تواند بهبود حوزه اقتصاد کلان را مشروط به شرایطی محقق کند. وی می‌افزاید: از سوی دیگر کمتر از یک دهه است که کلیت اقتصاد ایران از فشار تحریمی بی‌سابقه رنج می‌برد که می‌توان انتظار داشت اقتصاد ایران در میان مدت هم از این فشار رنج ببرد اما سوال این است که در این شرایط چه چیدمانی از ساخت زنجیره عرضه یا فعالیت‌های اقتصادی به شکل ویژه در شرایط تحریم می‌تواند اقتصاد ایران را سرپا نگه دارد و کمتر از یک دهه نیز یک رشد اقتصادی قابل توجه به همراه اشتغالزایی ایجاد کند؟

یزدان‌پناه با بیان اینکه هم اکنون حدود ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران در بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند و همچنین مطابق با برآوردهای

سیاست‌گذاری در بخش مسکن با مداخله مستقیم دولت‌ها در این حوزه تقریباً از حدود ۶ دهه قبل آغاز شد. از آن زمان تاکنون به تناسب جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها سیاست‌های مختلفی در بازار مسکن به اجرا درآمد که شاخص‌ترین این سیاست‌ها را می‌توان در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ در قالب ساخت و سازهای گسترده مسکن مهر در سراسر کشور مشاهده کرد. با این حال، چه قبل از اجرای این سیاست‌ها و چه بعد از آن بازار مسکن همواره از نبود سیاست‌های درست و کارآمد برای تأمین مسکن مورد نیاز غالب متقاضیان جامعه رنج برده است و می‌توان گفت در مجموع هیچ کدام از سیاست‌های اعمال شده در این حوزه به نحو موثری به ساماندهی بازار مسکن و برجای گذاری یک اثر مطلوب ماندگار در حوزه تعدیل سطح عرضه و تقاضای واحدهای مسکونی منجر نشده است. اما در شرایط فعلی که تنها کمتر از چندماه‌ای به پایان دولت دوازدهم مانده و متولی دولتی مسکن ساخت پروژه‌های مسکونی در قالب طرح اقدام ملی مسکن را در دست دارد سه تن از کارشناسان اقتصادی، به آسیب‌شناسی حدود ۶ دهه سیاست‌گذاری در ایران پرداخته و به این سوال پاسخ می‌دهند که چرا سیاست‌های اعمال شده از حدود ۶۰ سال گذشته تاکنون در حوزه مسکن موفقیت آمیز نبوده است؟ همچنین در شرایط فعلی بهترین سیاست‌هایی که می‌توان در حوزه مسکن به کار بست چیست؟

آن‌ها همچنین با انتقاد به نحوه دخالت دولت در عرصه مسکن معتقدند به هیچ وجه دخالت

بخش عمومی و خصوصی، معتقد است: مسکن در نگاه گذشته در قالب یک اکوسیستم تعریف می‌شد اما هم‌اکنون تبدیل شده است به یک عنصر خاص که در زیست شهری فارغ از سایر جنبه‌های زیست اجتماعی مانند معیشت، فضاهای اجتماعی و... و استاندارد گرایی که حتی در آموزش‌های معماری و شهرسازی نیز به سراغ آن رفته‌ایم، قابل توجه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از حدود ۷۰ سال اخیر دولت‌ها در بخش مسکن مداخله می‌کنند و مستقیماً وارد بازار مسکن می‌شوند اما آنچه در عمده سیاست‌های اعمال شده و مداخلات به کار گرفته شده در سال‌های اخیر تاکنون مشاهده می‌شود آن است که اصولاً در این مداخله‌ها اندازه و ابعاد نیازهای انسانی چندان مورد توجه قرار نگرفته است بلکه صرفاً ایجاد مسکن انبوه با توجه به یک بعد اقتصادی کوتاه مدت مورد تمرکز قرار گرفته است. به گفته وی ما از دهه ۱۳۲۰ در ایران تدریجاً شاهد مداخله دولت‌ها در بازار مسکن و حوزه مسکن هستیم.

شکوهی افزود: الگوی انبوه سازی، چند طبقه سازی و کوچک سازی به سیاست غالب دولت‌ها از سال‌های گذشته تاکنون در حوزه مسکن تبدیل شده است و می‌بینیم علی‌رغم اینکه حذف قیمت زمین از مسکن کار بزرگی بود اما این اقدام موجب نشد که مسکن وسیع و کیفیت دهنده به زیست افراد تأمین شود. نکته اساسی آن است که باید دید در یک دهه آینده سیاست‌های مسکن به چه سمتی پیش خواهد رفت. اما آنچه مسلم است اینکه الگوهای ذهنی تکرار شونده و ناکارآمد در عرضه مسکن از دهه‌های مختلف تاکنون به کار گرفته شده است.

این صاحب‌نظر اقتصادی معتقد است: از سال‌های گذشته تاکنون دولت‌ها مسکن را به عنوان یک بازار خیلی خوب برای ایجاد شغل می‌بینند و فکر می‌کنند می‌توانند با مداخله و ورود به بازار مسکن به سرعت نرخ بیکاری را کاهش دهند، بازار مسکن بازاری است که می‌تواند نقدینگی را به سمت خودش ببرد و پول را چال کند و حتی دولت‌ها در این زمینه وام می‌دهند. در حالی که دولت‌هایی که شعار خصوصی سازی می‌دهند در جاهایی که قبلاً مردم اقدام به ساخت مسکن می‌کردند وارد شده و مداخله کرده و مسکن سازی کرده‌اند. دادن وام مسکن خودش باعث افزایش نقدینگی شده و تبعاتی داشته از جمله تورم‌هایی که در بازار مسکن در دوره‌های مختلف مشاهده شده است.

وی تأکید کرد: بحث ما این نیست که دولت در حوزه مسکن مداخله نکند بلکه بحث این

دارد. کنشگرانی که این جریان را ایجاد کرده‌اند تعداد معدودی از توسعه‌گران شهری هستند در حالی که ما در فرهنگ خودمان در ایران شاهد تعداد زیادی بسازو بفروش هستیم که شاید سواد خواندن و نوشتن هم ندارند و وارد این حوزه شده و هم معماری و شهرسازی و هم کیفیت زیست را با چالش مواجه کرده‌اند. بنابراین بر خلاف توصیه بسیاری از کارشناسان که معتقدند در اینجا دولت مسئولیت مداخله مستقیم برای ساخت و تأمین مسکن دارد من به شدت با این موضوع مخالف هستم. باید به این موضوع فکر کنیم که زیر ساخت نهادهای ما چگونه می‌تواند اصلاح شود که واحدهای سازنده ساختمان تبدیل شود به واحدهای شهرساز؟

وی ادامه داد: وقتی ما شهرسازی را می‌بریم در جایی که مشکل زمین نداریم مسئله خیلی آسان‌تر است. در ارتباط با بافت‌های فرسوده مسئله از یک مسئله محض عمرانی به یک مسئله عمیق فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌شود. اینکه چطور و چگونه افرادی که در یک بافتی در یک مساحت وسیع با یکدیگر زندگی می‌کنند در یک امری به نام نوسازی با یکدیگر مشارکت کنند و چگونه از این مشارکت و باز انتظام سکونتی خود بهره ببرند، موضوع مهمی است. اینجا باز یک مسئله نهادی مطرح می‌شود و مسئله مسکن را از یک مسئله عمرانی به مسئله‌ای با بعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عمیق تبدیل می‌کند. بنابراین، اگر هر نوع سیاست‌گذاری اقتصادی بخواهیم در رابطه مسکن در پیش بگیریم سوال این است که با توجه به زیرساخت‌های نهادی که در ارتباط با این امر و استناد به تجربیات موفقی که در دنیا وجود دارد و همچنین مسائلی که به صورت بومی در این ارتباط با آن‌ها مواجهیم، چگونه می‌توانیم این زیرساخت نهادی را ایجاد کنیم بدون اینکه دولت و سیاستگذار مستقیماً وارد بحث مسکن شود و اجازه دهد بخش خصوصی به این حوزه بپردازد. البته این همه موضوع نیست و بخش دیگری از داستان حتماً اضافه کردن بافت‌های جدید به بافت‌های شهری است. اینکه در قالب یک سیاست موفق چگونه می‌توان بافت‌های جدید شهری را ایجاد کرد که هم تأمین‌کننده مزایای اقتصادی و هم مباحث اقتصادی و اجتماعی باشد.

سیاست کارآمد با نگاه به تجربه دنیا

محمد صالح شکوهی، عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت نیز با اشاره به نقش دولت و شهرداری‌ها در تأمین مسکن و تعیین سهم



که ثروت درست توزیع شده باشد از محل تولید و اقتصاد، افزایش قیمت زمین و مسکن به نوبه خود اتفاق بدی نیست به خصوص اینکه این اتفاق منجر به ایجاد ارزش افزوده در شهرها و روستاها شود و جذابیت سکونتی در سایر مناطق را نیز افزایش می‌دهد. یزدان پناه تأکید کرد: باید به سمتی حرکت کنیم که در نتیجه اعمال سیاست‌های درست آمایش سرزمین شکاف عمیق موجود بین کیفیت زمین در مکان‌های مختلف برطرف شود.

وی تأکید کرد: اگر مسئله ما شهر و محله است نمی‌توان این را به خانه یا یک ساختمان تقلیل داد باید در مقیاس محله این موضوع را دید. زمانی که بخواهیم در این مقیاس به موضوع مسکن توجه کنیم باید لوازم آن را نیز فراهم کنیم. اگر اقتصاد صنعتی هستیم، اگر بخواهیم پایداری جمعیتی با کیفیت زیست شهری را تجربه کنیم نیازمند شهر هستیم نه لزوماً شهر بزرگ یا شهری که از ارتفاع بالا برخوردار است بلکه شهری که از مفهوم زندگی در کنار هم برای سامان دهی به اقتصاد استفاده می‌کند، خدماتش را شکل می‌دهد و زیست شهری آن را معنا می‌دهد.

سرانه‌های شهری از پارک، موزه، سینما و... همه اینها در این اکوسیستم جدید مفهومی جدید پیدا می‌کند. اگر ما مفهوم مسکن را به شهر ارتقا دهیم واحد کنشگر برای تولید این شهر را هم باید به چیزی مثل developer ارتقا دهیم. برای همین است که تجربه اروپا نیز نشان می‌دهد خانه بیشترین قربایت را با معماری دارد، بیشترین کنترل و مطابقت سطح کیفیت با استانداردها را دارد، بیشترین نزدیکی با طبیعت

است که نحوه مداخله دولت‌ها در حوزه مسکن باید به چه نحوی باشد؟ باید به سمت کوچک سازی و انبوه سازی بروید یا باید به سمت مسکن اجتماعی باکیفیت، محلات مسکونی و نه فقط واحد مسکونی برخوردار از فضای کسب و کار در کنار فضای سکونتی، مفهوم مسکن مولد و... بروید. وی خاطرنشان کرد: باید به این فکر شود که چرا دولت‌ها به این الگوها فکر نمی‌کنند در حالی که لزوماً این الگوها پرهزینه‌تر هم نیستند. می‌توان با همین هزینه‌های مسکن مهر به الگوهای پایدارتری فکر کرد. اما متأسفانه شهرداری‌ها هم از الگوهای بلندمرتبه سازی حمایت می‌کنند چون وقتی به سمت انبوه‌سازی و چند طبقه‌سازی حرکت می‌کنیم در واقع کمک می‌کنیم که شهرداری عوارض بیشتری دریافت کند. دولت احساس می‌کند با این ساخت و سازها برنده است چون بیکاری را کاهش می‌دهد، شهرداری هم احساس می‌کند برنده است چون درآمدهای خود را تأمین می‌کند و خود به سمت این شکل از ساخت و ساز می‌رود و تأمین درآمد ناپایدار می‌کند. سازنده‌ها هم راضی هستند که در حال کسب درآمد هستند حتی مالکان هم از این رویداد خوشحالند که به واسطه این ساخت و سازها سود اقتصادی کسب می‌کنند. اما در واقع همگان در حال ضرر کردن و ضرردهی هستیم.

در نهایت چیزی که اتفاق می‌افتد شهرهایی است که به دیگ‌های جوشان برای قورباغه‌ها معروفند. یعنی زندگی شهری و کیفیت زیست شهری به واسطه این ساخت و سازها در حال نابودی است اما چون تدریجی است ممکن است چندان متوجه آن نباشیم. این در حالی است که محیط زیست را هم با این الگوی شهرسازی از بین می‌بریم.

وی با اشاره به الگوی جدیدی که به عنوان الگوی جایگزین در دنیا به آن دست یافته‌اند، توضیح داد: این الگو الگویی است تحت عنوان الگوی اکو ویلیج «ECO VILLAGE» که در این الگو شهرها در ارتباط با طبیعت شکل می‌گیرند، خانه‌ها یک طبقه هستند و محل کار و ارتباطات اجتماعی و مراودات همه در خانه معنا پیدا می‌کند و از نظر تأمین انرژی و آب برای همه آن‌ها راه‌حل‌های ساده‌تری در نظر گرفته شده است. در دنیا شبکه‌هایی از این اکو ویلیج‌ها وجود دارد و بیش از ۱۰۰۰ اکو ویلیج در دنیا تعریف شده و دنیا و شهرسازی در حال رفتن به این سمت است.

شکوهی خاطرنشان کرد: از سوی دیگر مسئله ما مسئله آمایش است. اینکه گفته می‌شود در تهران جمعیت زیاد داریم و در نتیجه به کمبود

زمین برخورد کرده‌ایم دلیل آن این است که اساساً به نقش سایر شهرها و روستاها در این زمینه به درستی فکر نشده است. زمانی که به این موضوعات فکر نمی‌شود مسئله تمرکز در تهران ایجاد می‌شود. درآمدهای نفتی در تهران توزیع می‌شود و بهترین جاست برای اینکه افراد خود را به سرمایه‌های کشور نزدیک کنند و طبیعتاً مهاجرت به تهران در شکل وسیع ایجاد می‌شود و در حالی که اساساً در کشور کمبود زمین نداریم اما در تهران با کمبود زمین مواجهیم. وی معتقد است: راه حل این است که به سمت مهاجر معکوس برویم از طریق تقویت مشاغل، بدنه اقتصادی و ایجاد محیط کسب و کار و مسکن مولد در سایر مناطق. در واقع بحث اصلی این است که اگر الگوی توزیع ما درست بود اساساً با معضل کمبود زمین مواجه نبودیم. علت اینکه کمبود زمین داریم آن است که توزیع زمین و مسکن به نحو درست صورت نگرفته است. ساخت و سازها مطابق با الگوی غالب تقاضا نبوده است و احتکار صورت گرفته چون تورم وجود دارد. از سوی دیگر مالیات کارآمدی برای مقابله با احتکار زمین و مسکن وجود ندارد. اگر مالیات خانه‌های خالی با فرمولی کارآمد دریافت و به درستی اجرا شود اولاً عرضه مسکن به شدت افزایش می‌یابد؛ ثانیاً قیمت زمین کم می‌شود چون فرد نمی‌تواند خانه را احتکار کند. از سوی دیگر با تعریف امکانات درست در سایر شهرها افراد به مهاجرت معکوس روی خواهند آورد. دولت‌ها اگر به جای مسکن به مفهوم شهر با همه الزامات خود و ضرورت‌ها نگاه می‌کردند شرایط خیلی بهتر بود در حالی که دولت‌ها از گذشته تاکنون نقش اصلی خود که تأمین و تجهیز و بهبود زیرساخت‌هاست را رها کرده و به مداخله مستقیم در بازار مسکن روی آورده‌اند. در دنیا با ابزارهایی مانند مالیات معضل زمین را برطرف کرده‌اند. تجارب موفق دنیا در این زمینه در مراحل اولیه برای ما کفایت می‌کند و می‌توان از آن استفاده کرد.

مشکل از کجاست؛ راهکار چیست؟

مجید شاکری، پژوهشگر مالی عمومی با اشاره به اینکه هم اکنون حجم عرضه واحدهای مسکونی بسیار کمتر از نیاز سالانه به



عرضه جدید است، گفت: نیاز سالانه حدود یک میلیون واحد مسکونی است در حالی که میانگین ساخت در سال‌های اخیر عددی حول و حوش ۳۵۰ هزار واحد بوده است. وی افزود: باید دید که آیا به طور دقیق

کمبود مسکن به معنای کمبود متراژ مسکونی برای زندگی کردن است یا مشکل جای دیگری است؟ برای پاسخ به این سوال باید یکبار دیگر فرآیند رشد قیمت را مشاهده کرد.

با یک نگاه عمیق می‌توان مشاهده کرد که مشکل ما حتماً کمبود مسکن به مفهوم کمبود متراژ مسکونی نیست اما مشکل مهم‌تر کمبود بافت مسکونی قابل سکونت است و کمبود مستحقات شهری است که در کنار هم بافت مناسب شهری برای سکونت را ایجاد کند.

شاکری ادامه داد: زمانی که ایده‌های مختلف برای طرح‌های مسکن را نگاه می‌کنیم تصور این است که علت نساختن این است که باید وام بدهند تا بسازند یا هزینه‌های ساخت بالاست در حالی که هیچ کدام از این‌ها نیست. در تحقیقی که سال ۹۰ انجام شده است ۸۵ درصد تأمین مالی ساخت در ایران از محل جیب خود سازنده‌ها انجام می‌شود فارغ از اینکه امکانات تسهیلاتی پرداخت شود یا خیر. چرا که دریافت تسهیلات خرد به دلیل مشکلات زیادی که دارد اساساً مورد استقبال سازنده‌ها نیست. بنابراین تصور اینکه مشکل مسکن این است که پولی داده شود تا مسکن ساخته شود اشتباه است.

در واقع مسئله اینجاست که کمبود پول نهاده‌ای نیست که مهم‌ترین عامل کمبود عرضه باشد. درست است که بالا رفتن هزینه‌های ساخت مهم است اما همه این‌ها نسبت به هزینه دسترسی به زمین برای ساخت خیلی اعداد پایین‌تری هستند هم به لحاظ اثری که بر نحوه رفتار یک تولیدکننده برای فروش و رفتن به سمت پروژه می‌گذارد و هم برای تعیین قیمت با توجه به مدیریت هزینه‌هایی ساخت پروژه‌ای که در دست ساخت دارد.

پس پاسخ من این است که مشکل اصلی عرضه زمین است. وی با بیان اینکه دو روش در نگاه به شهرها وجود دارد، خاطرنشان کرد: یک نگاه ملاک شهر گسترده است. با دانستن همه مشکلاتی که برای گسترش افقی شهرها وجود دارد در این نگاه، سیاستگذار اعلام می‌کند که من منطق شهر گسترده را انتخاب می‌کنم. این یک مسیر است. مسیر دیگر شهر اختصاصی است. مبنی بر اینکه اجازه‌ای برای گسترش عمودی شهرها داده نمی‌شود و حریم شهر مشخص و بدون تغییر است. در واقع اجازه‌ای برای رشد شهر داده نمی‌شود و اعلام می‌شود سرریز جمعیتی می‌تواند به سراغ شهرهای جدید برود.

شکل اصلی نگاه و نگرش همه افرادی که تربیون دارند در ایران از جنس شهر اختصاصی است. در واقع شکل اصلی مشکل از جنس عرضه زمین است. وقتی می‌گوییم عرضه



نسخه خردمندانانه توسعه شهری
در گفت و گو با محمد آیینی بررسی شد؛

راهکار حل معضل توسعه درونی شهری

محمد آیینی، دکتری شهرسازی و عضو هیأت مدیره شرکت باز آفرینی شهری ایران توسعه درونی شهرها را خردمندانه ترین شکل توسعه شهری عنوان می کند. وی با اشاره به اینکه هم اکنون مسائل و مشکلات زیادی از جمله نسخه های ناقص و شکست خورده توسعه شهری مانع از تأمین نیاز مسکن جامعه به قدر کفایت شده و همچنین شکست بسیاری از سیاست های عملیاتی شده را به همراه داشته، معتقد است: سیاست توسعه درون زای شهری، از سیاست های سه گانه توسعه شهری است که در کنار سایر سیاست های توسعه شهری یعنی توسعه متصل یا پیوسته و یا سیاست توسعه شهری منفصل یا ناپیوسته مطرح می شود. این سیاست واجد مزیت نسبی نسبت به دو سیاست دیگر بوده و شهرهای موجود کشور از طریق توسعه درونی، می توانند پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم، از جمله اسکان سرریز جمعیت شهری و ارتقای سرانه های خدمات شهری باشند و مادامی که در شهر ظرفیت لازم وجود دارد، استفاده از سایر سیاست های توسعه شهری، تحمیل هزینه های اضافه بر مردم و دولت است. وی در گفت و گو با ماهنامه بازار و سرمایه می افزاید: توسعه درونی پتانسیل ایجاد تأثیرات چشمگیری در تراکم و شکل شهری دارد و در صورت مثبت عمل کردن توسعه درونی در محلات، انتظار می رود از توسعه پراکنده، بی رویه و قارچ گونه شهر جلوگیری شود، زیرا به هر مقدار که شهرها بزرگ می شوند به همان مقدار مدیریت شهری پیچیده تر می شود.

اما اهمیت این بحث در مقطع زمانی کنونی از اینجا روشن می شود که براساس طرح جامع مسکن سالانه نیاز به تولید بیش از ۹۰۰ هزار واحد مسکونی جدید وجود دارد و کاهش تولید مسکن در سال های اخیر بسیاری را بر این واداشته که طرح های ضربتی برای جبران این عقب ماندگی ها ارائه کنند. این طرح ها عمدتاً بر توسعه افقی شهرها یعنی توسعه متصل و منفصل استوار است. امروزه با حساس شدن مدیریت کلانشهری بر مسائل زیست محیطی و آمایش شهری؛ رشد و توسعه خردمندانه و توسعه درونی شهری که از مظاهر توسعه خردمندانه است، مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه افزایش جمعیت علت اولیه گسترش شهرها محسوب می شود، اما پراکندگی نامعقول آن اثرات نامطلوبی بر محیط طبیعی و فرهنگ جوامع بر جای می گذارد. از طرف دیگر فرسودگی بافت های شهری که نتیجه فرسایش کالبدی، اقتصادی و اجتماعی است به

■ با توجه به اهمیت مفهوم توسعه خردمندانه شهری در مقطع زمانی حاضر، بفرمایید که توسعه شهرها از چه زمانی آغاز شد و علت آن چه بود؟

با اینکه الگوی توسعه شهرها در ادوار مختلف بسیار متفاوت بوده است، اما به اختصار می توان بیان داشت این توسعه با شکل گیری شهرهای کوچک خودکفا شروع شده و با رشد وسایل نقلیه موتوری و سرعت، کارایی ارتباطات منجر به جدایی گزینی های اجتماعی شده است و بر این اساس نظریات و دیدگاه هایی مختلف درخصوص توسعه شهری مطرح شده است. افزایش جمعیت، علت اولیه گسترش شهرها بوده و این گسترش و اسکان سرریز جمعیت در مجموع در قالب سه سیاست توسعه شهری شامل توسعه متصل یا پیوسته و توسعه شهری منفصل یا ناپیوسته و توسعه درونی شهرها صورت پذیرفته است.

زمین مقصود این نیست که زمین تقسیم شود و سهمیه زمین به افراد داده شود. چون چنین کاری منجر به ایجاد بافت مسکونی نمی شود. رومر در حوزه مطالعات شهری می گوید اگر افراد به صورت متمرکز و از پیش برنامه ریزی شده به توسعه مسکن فکر نکنند و تصور کنند که بخش خصوصی به خودی خود و به صورت ریزدانه می تواند چیزی برای شما بسازد به صرف اینکه شما دارید محدوده جدیدی را باز می کنید، عملاً حداقل سرانه عمومی مورد نیاز را هرگز به دست نخواهید آورد. حداقل ۳۰ درصد از زمین شهر باید در اختیار ویژگی های عمومی باشد (معارض، پارکینگ و...)،

بنابراین منظور از عرضه زمین، عرضه زمین ریزدانه نیست بلکه عرضه زمین وسیع برای تأمین بافت مسکونی است. به نحوی که بتوانیم صحبت از حدی از خروج از شهر اختصاصی داشته باشیم.

شاکری با تأکید بر اینکه زمانی که از عرضه زمین صحبت می کنیم درباره سه سطح مختلف حرف می زنیم، تصریح کرد: یک سطح می تواند زمین های داخل شهر باشد که یا تا امروز بر روی آن مستحدثه ای ایجاد نشده یا آنچه به عنوان بافت فرسوده موجود است بر روی آن قرار گرفته است. وقتی سراغ بافت فرسوده می روید چاره ای نیست که کل بافت بازسازی شود. وی همچنین در خصوص ضرورت اجرای تمرکز دایی از پایتخت توضیح داد: بخشی از تمرکز در پایتخت به ناچار و ناگزیر است و به سرعت نمی تواند تغییر کند. راه حل اصلی این موضوع اساساً رفتن به سمت تحریک سمت عرضه است. این موضوع خیلی اولویت دارد به اجرای طرح های مالیاتی مانند مالیات بر خانه های خالی یا هر روش دیگری از این قبیل. چون در نبود این موضوع هر روش دیگری به تنهایی جوابگو نخواهد بود ضمن آنکه با مشکلات و پیچیدگی های خاص خود نیز مواجه است.

وی در پایان تصریح کرد: برای اقتصاد ایران که در ۱۰ سال گذشته به طور پیوسته با شوک عرضه مواجه بوده و شوک های تورمی بزرگ به همراه داشته است تنها دارایی سرمایه ای که بدون هیچ ریسک نکولی می توان به آن دسترسی داشت بازار مستغلات است. در کنار این حقیقت که باید فکری شود برای عرضه مسکن به عنوان کالای مصرفی، مسکن مهمترین پاسخ به عرضه دارایی سرمایه ای است. امروز تصادفاً هم کارکرد سرمایه ای و هم کارکرد مصرفی مسکن در کنار هم هر دو حکم می کند که عرضه باید به صورت گسترده گسترش پیدا کند و همزمان برای اقتصاد ایران این موضوع به اندازه ۱۰ سال فرصت ایجاد می کند.

مرور محدوده‌ای از شهر را از چرخه حیات و زندگی شهری و شهروندی خارج کرده و سبب هدر رفتن زمین در بخش‌های توانمند شهر، محدوده‌های مرکزی و بافت‌های قدیمی می‌شود و فضاهای خالی و بافت‌های فرسوده در دل شهرها در حالی رها شده‌اند که گسترش کالبدی شهر هر روز معضلی جدید بر مسائل و مشکلات موجود می‌افزاید. براین اساس چنانچه بتوان با سازوکاری این ظرفیت‌های بلا استفاده را در اختیار تأمین مسکن قرار داد هم می‌توان این مناطق را احیاء کرد و هم از گسترش بی رویه شهرها جلوگیری کرد. با برنامه‌ریزی درست و منطقی می‌توان از طریق عملیاتی کردن توسعه درونی به این امر مهم دست یافت.

■ مفهوم توسعه درونی (میان افزا) که در سیاست‌های توسعه شهری مورد توجه است ناظر بر چه مواردی است و چگونه می‌توان از این موضوع در جهت تأمین نیاز مسکن بهره‌مند شد؟

توسعه درونی شهری، توسعه مسکونی جدید بر روی اراضی خالی، رهاشده و کم بهره‌برداری شده، درون نواحی ساخته شده شهری موجود است که از قبل زیرساخت‌های لازم در آن وجود دارد. توسعه درونی مترادف با توسعه کوچک مقیاس، کم حجم و سرانه‌های بالاست. بخش اعظم رشد آینده جمعیت و نیاز مسکن در شهر را می‌توان از طریق پر کردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل تراکم، نوسازی و بازسازی مناطق متروکه و فرسوده و احیاء و تغییر کاربری بناهای قدیمی موجود، برآورده ساخت. توسعه‌های بعدی شهر باید در داخل مرزهای موجود شهر صورت گیرد و راه حل شهر فشرده وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه پایدار و آنتی‌تز حومه‌های گسترده و بی در و پیکر فعلی است. توسعه درونی، ساختن بناهای جدید بر روی زمین‌های خالی و یا قطعات استفاده نشده میان واحدهای همسایگی و همچنین نواحی تجاری است.

این مکان‌ها معمولاً در مجاورت جایی که زندگی می‌کنیم قرار داشته و پیش از این، از خدمات زیرساختی مختلف مانند جاده دسترسی، آب، برق و... برخوردارند. از طریق توسعه درونی، محله‌ها و محدوده‌های شهری می‌توانند توسعه مسکونی و فعالیتی خود را به سمت فضاهای باز یا زمین‌های توسعه نیافته درونی و یا فرسوده گسترش دهند. به عبارت دیگر، توسعه درونی، مربوط به استفاده از قطعات زمین خالی و رها شده و همچنین ساختمان‌های موجود در مراکز شهری نواحی مادر شهر با هدف رشد سکونت در تقابل با رشد و گسترش در فضای باز و زمین‌های زراعی اطراف شهر است.

علاوه بر اینها در گذشته، بخشی از زمین‌های قهوه‌ای برای خلق مکان‌های جذاب و سرزنده سازماندهی نمی‌شدند. اما در دهه‌های اخیر در خصوص چگونگی برنامه‌ریزی و طراحی این پروژه‌ها به منظور ارتقای کیفیت زندگی تلاش‌های بسیاری شده است.

■ مطالعات علمی و کارشناسی در این حوزه چه می‌گوید؟

تاکنون مطالعاتی چند در زمینه توسعه درونی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. در این پژوهش‌ها به حوزه‌های دیگر توسعه درونی (میان افزا) مانند بافت‌های فرسوده نیز توجه شده است. همچنین این مطالعات جملگی توسعه درونی را سیاست کارآمد رشد کالبدی شهر می‌داند؛ استدلال‌ها در این زمینه نه تنها به مزایای اقتصادی و اجتماعی بهینه سازی استفاده از زمین در داخل شهرها، بلکه اساساً به ملاحظات حفاظت از اراضی و فضاهای پیرامون و پیشگیری از رشد پراکنده شهر مربوط است.

■ مزایای توسعه درونی (میان افزا) شهری چیست؟

سیاست توسعه درون‌زای شهری، از سیاست‌های سه‌گانه توسعه شهری است که در کنار سایر سیاست‌های توسعه شهری؛ یعنی توسعه متصل یا پیوسته و یا سیاست توسعه شهری منفصل یا ناپیوسته مطرح می‌شود. این سیاست واجد مزیت نسبی نسبت به دو سیاست دیگر بوده و شهرهای موجود کشور از طریق توسعه درونی، می‌توانند پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم، از جمله اسکان سرریز جمعیت شهری و ارتقای سرانه‌های خدمات شهری باشند و مادامی که در شهر ظرفیت لازم وجود دارد، استفاده از سایر سیاست‌های توسعه شهری، تحمیل هزینه‌های اضافه بر مردم و دولت است.

توسعه درونی پتانسیل ایجاد تأثیرات چشمگیری در تراکم و شکل شهری دارد و در صورت مثبت عمل کردن توسعه درونی در محلات، انتظار می‌رود از توسعه پراکنده، بی‌رویه و قارچ گونه شهر جلوگیری شود، زیرا به هر مقدار که شهرها بزرگ می‌شوند به همان مقدار

توسعه درونی شهری، توسعه مسکونی جدید بر روی اراضی خالی، رهاشده و کم بهره‌برداری شده، درون نواحی ساخته شده شهری موجود است که از قبل زیرساخت‌های لازم در آن وجود دارد. توسعه درونی مترادف با توسعه کوچک مقیاس، کم حجم و سرانه‌های بالاست

مدیریت شهری پیچیده‌تر می‌شود. توسعه درونی به عنوان مشوق تجدید حیات محله‌ای، گسترش مبنای عوارض توسط شهرداری‌ها عاملی در جهت کاهش مخاطرات ایمنی و بهداشتی و خنثی کننده آثار منفی اراضی و املاک رها شده عمل می‌کند. با ایجاد توسعه درونی، می‌توان باعث رشد شاخص‌های زندگی، بالا رفتن کیفیت زندگی در محله‌های یک شهر شد. توسعه درونی توزیع عادلانه و برابر بناها و امکانات شهری در تمامی نقاط و سطوح آن، تأمین و امکان بازسازی و سازماندهی مجدد کالبد شهر است. همچنین توسعه درونی شهری، علاوه بر اینکه از طریق اختلاط کاربری‌ها می‌تواند فرصت‌هایی را برای بهبود کیفیت زندگی برای ساکنان شهر فراهم آورد، مزیت‌های دیگری را نسبت به سایر توسعه‌های شهری به شرح زیر فراهم می‌کند که از جمله آنها می‌توان به مواردی چند اشاره کرد. توسعه درونی امکان توسعه بسیار فشرده را فراهم کرده و زمین و دیگر منابع را کمتر تحلیل می‌دهد و تخصیص بهینه منابع ملی صورت می‌پذیرد. ذخیره انرژی و محیطی مهم‌ترین بازتولید در توسعه درونی شهرهاست؛ مصرف انرژی هم در واحد سطح و هم به دلیل کاهش سطح شهر کاهش می‌یابد و به تبع این آلودگی هوا نیز کاهش می‌یابد. توسعه درونی باعث افزایش تحرک در افرادی می‌شود که نمی‌توانند یا ترجیح می‌دهند رانندگی نکنند. همچنین این نوع توسعه بخش مهم فرمول کاهش تراکم ترافیک است؛ از سوی دیگر استفاده کامل از تسهیلات و خدمات باتوجه به هزینه‌های گسترش در نواحی پیرامون، باعث صرفه‌جویی در بودجه دولت و شهرداری می‌شود. همچنین توسعه درونی فرصت‌هایی را برای افزایش انواع خانه‌سازی با توجه به نیازها و قدرت خرید خانوارها ایجاد می‌کند.

■ با توجه به اینکه هم اکنون کلانشهرهایی مانند تهران فاقد ظرفیت کافی برای پاسخ به نیاز جمعیت انبوه به تأمین مسکن هستند ضرورت‌های توسعه درونی (میان افزا) شهری چیست؟

علاوه بر مزیت‌هایی که در سوال قبل به آن اشاره شد، از آنجا که توسعه درونی (میان افزا) با به کارگیری تمام توان‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود در سطح شهر برای رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی است و تمامی ساختارهای اجتماعی، کالبدی، سیاسی و اقتصادی را برای رسیدن به تعادل کیفی و کمی و پایدار ارتقاء می‌دهد، به عنوان یک ضرورت فراگیر شناخته می‌شود.

کمبود زمین، موانع طبیعی و مصنوعی، گسترش افقی شهرها، گسترش شهر بر روی پهنه‌های مخاطره‌آمیز و گسل‌ها، هزینه بالای ایجاد خدمات زیربنایی و تسهیلات شهری،



تبدیل به املاک و مستغلات کنند. آسیب شناسی عدم تحقق مصوبات تکلیفی برای بانک‌ها از منابع داخلی خود، نشان می‌دهد تا ابزارهای تشویقی برای بانک‌ها فراهم نشود، به طرق مختلف از زیر بار اجرای قوانین و مصوبات قانونی طفره می‌روند. همچنین باید دانست موتور محرکه جهش تولید مسکن، سازنده‌های جزء (سازنده‌های ده تا صد واحد) هستند بنابراین برای تحقق تولید مسکن در حجم بالا باید منابع ارزان قیمت برای آنها فراهم کرد.

با توجه به ضرورت‌های توسعه درونی شهری و برای بهره‌مندی از مزیت‌های آن و با رعایت ملاحظات مربوط و مقدمات بالا می‌توان با قانونگذاری لازم برای انجام پیشنهادهای کارشناسی بدون اضافه کردن یک مترمربع به سطح شهرها، هم مسکن مازاد مورد نیاز گروه‌های مختلف درآمدی را تأمین و هم سقف‌های ارزان و ناامن را کاهش داد. یک پیشنهاد آن است که تمامی واگذاری‌های اراضی که ۵ سال از زمان انعقاد قرارداد واگذاری آن گذشته و عملیات اجرایی ساخت ساختمان‌های مورد نظر مطابق طرح تفصیلی مصوب شهر مذکور انجام نشده است، به دستگاه واگذارنده عودت می‌شود و در اختیار برنامه تولید مسکن قرار گیرد.

از سوی دیگر و در پیشنهاد دوم، مالکان خصوصی اراضی با کاربری مسکونی، در شهرهای نیازمند مسکن حداکثر سه سال فرصت دارند نسبت به ساخت اراضی مسکونی مذکور بپردازند. در غیر این صورت با پرداخت قیمت عادلانه سند مالکیت آنها به نام دولت صادر و در صورت استنکاف از دریافت به صندوق ثبت تودیع می‌شود. همچنین دولت موظف است به نحوی برنامه‌ریزی و اقدام کند تا سالانه حداقل ۳۰ درصد مسکن مورد نیاز مناطق شهری از محل نوسازی واحدهای مسکونی فرسوده تولید و عرضه شود. پیشنهاد چهارم جمع‌آوری آورده‌های مردم در قالب تجهیز پس اندازهای آنان از طریق انتشار واحدهای سرمایه‌گذاری یک میلیون ریالی قابل تبدیل به متر یا واحد مسکونی است. از سوی دیگر، در صورت تحقق ۱۰۰ درصدی تکلیف ابلاغی هر بانک برای پرداخت تسهیلات نوسازی و ساخت مسکن در درون شهرها، حداقل یک و حداکثر ۲ درصد از ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی با پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی کاهش یابد و در نهایت چنانچه پروژه‌های درون شهری انبوه‌سازی کمتر از ۵۰ واحد ظرف یکسال و پروژه‌های بیش از ۵۰ واحد و بالاتر ظرف ۱۸ ماه ساخته و عرضه شود مشمول ۴ درصد تخفیف در سود و در صورت اتمام در مدت زمان مندرج در پروانه مشمول ۲ درصد تخفیف در سود دوران مشارکت مطابق نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار خواهند شد.

فرآیند تحقق توسعه درونی شهری بیان چند مقدمه به شرح زیر ضروری است؛ از جمله آنکه مشاهده عکس‌های هوایی فعلی شهرها و مشاهده آنلاین نقشه شهرها و یا پرواز بر فراز شهرها گویای وجود اراضی افتاده‌ای بسیاری حتی در شهرهای غیرمتراکم و حتی متراکم کشور مثل تهران و امثال آن است، از سوی دیگر بررسی سوابق واگذاری‌های زمین در بعد از انقلاب به دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و حتی به منظور تأمین مسکن داده شده است، نشان می‌دهد که بخش عمده آنها هنوز ساخته نشده و یا حداقل بهره‌وری لازم را دارند و امکان افزایش تراکم و تولید واحدهای مسکونی بیشتر را دارند. به عبارت دیگر، وظیفه شرعی، عقلی و قانونی این است که استفاده از ظرفیت‌های موجود در درون شهرها در اولویت اول قرار گیرد. از سوی دیگر، بیش از ۲۰ درصد از سطح شهرها دچار فرسودگی و نابسامانی هستند و قریب به ۶ میلیون واحد مسکونی فرسوده نیازمند نوسازی و مقاوم سازی است، متوسط کشوری نشان می‌دهد از نوسازی هر واحد مسکونی فرسوده ۳/۲ واحد مسکونی جدید تولید شده است. در دوره ۴ ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ که بخشی از خط اعتباری مسکن مهر برای اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت نوسازی خود مالکی و سازندگان بخش خصوصی اختصاص یافت از تخریب و نوسازی قریب به یکصد هزار واحد بیش از ۳۵۰ هزار واحد مسکونی جدید تولید شد.

این بدان مفهوم است با سرمایه‌گذاری بسیار کمتری به دلیل وجود زیربناها و روبناهای لازم در بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌ها، می‌توان بخش عمده‌ای از نیاز کشور را به مسکن اضافی از این محل تأمین کرد. بدون اینکه یک متر زمین اضافی مصرف شود و همچنین جان بسیاری از هموطنان ساکن در بافت‌های فرسوده از خطر حتمی زلزله نجات یابد.

از سوی دیگر برای منابع تأمین مورد نیاز نوسازی و تولید مسکن، تعریف منابع قابل اتکاء ضروری است. قابل اتکاترین منبع مالی، نقدینگی بالایی است که در قالب وجوه کوچک در اختیار مردم است که در حال حاضر امکان سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات ندارد. اگر این امکان ایجاد شود هم از یک طرف، سیر تورمی مناسب برای همین پس اندازهای کوچک فراهم می‌شود. این سیر تورمی در کنار سود مورد انتظار از سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات که در طول ۴۰ سال گذشته قریب به ۳۰ درصد سالانه بود انگیزه بسیار قوی برای سرمایه‌گذاری در این بخش فراهم می‌کند و این خود خدمت بزرگی به قشر متوسط کم درآمد جامعه خواهد بود که آنها را قادر به حضور در بازار املاک و مستغلات می‌کند و حداقل می‌توانند پس اندازهای خود را ولو اندک

همچنین برخی ملاحظات مربوط به پایداری محیط، بهسازی و اصالت‌بخشی به بافت‌های فرسوده شهری، کاهش اتلاف سرمایه و انرژی، ایجاد شبکه حمل و نقل مناسب، اختلاط کاربری‌ها و مسائلی از این دست؛ موجب شده است تا حرکت به سوی اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. الگوی توسعه درونی (میان‌افزا) به عنوان یکی از ابزارهای رشد هوشمند، در صورت تحقق می‌تواند خیلی از موضوعات و مسائل بالا را پوشش دهد و یا اساساً حل کند بنابراین ضرورت دارد توسعه درونی که از مصادیق بارز توسعه پایدار است بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. به خاطر این ضرورت‌ها و مزیت‌هاست که توسعه درونی از سال ۱۹۸۰ در ایالت متحده و اروپا مورد توجه واقع می‌شود. سیاست توسعه درونی شهر امروزه به عنوان قلب و مرکز سیاست‌های زمین شهری در اروپا محسوب می‌شوند. نمونه‌ای از این امر را می‌توان در اقدامی که دولت انگلستان به کار گرفته بود، مشاهده کرد. دولت انگلستان مقرر کرده بود، ۶۰ درصد از همه خانه‌های جدید در انگلیس باید در مناطقی که قبلاً مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گرفته‌اند و یا در مکان‌هایی که قبلاً در آنها ساختمان‌سازی شده است، ساخته شوند.

■ در این زمینه چه ملاحظاتی وجود دارد؟ یا به بیان بهتر ملاحظات توسعه درونی (میان‌افزا) شهری چیست؟

توسعه درون‌زای شهری، برخلاف سایر سیاست‌های شهری با توجه به اینکه در بستر شهر موجود و با حضور ساکنان و شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد؛ موضوعی پیچیده، چند وجهی، میان‌بخشی و حتی فرابخشی است که نه تنها مقوله‌ای کلیدی و شهرسازانه است بلکه واجد ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است، بنابراین نیازمند صبوری در ابتدای فرآیند است. توسعه درونی شهری، یک بار برای همیشه رخ نمی‌دهد بلکه امری است مداوم که در نهایت باید به سیستمی خودجوش تبدیل شود. این امر آنی و سریع نیست بلکه فرآیندی حساس و پیچیده است که نیاز به طراحی برنامه‌های هدفمند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دارد و برای دستیابی به ساماندهی و احیای موفقیت آمیز، به شناخت دقیق بافت فرسوده و ناکارآمد و کل سیستم شهر و نظام منطقه‌ای نیاز است. همچنین باید به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و مسائل و مشکلات بافت فرسوده و ناکارآمد شهرها توجه کرد.

■ برای تسهیل فرآیند تحقق توسعه درونی شهری چه پیشنهادهای کارشناسانه‌ای دارید؟

برای ارائه پیشنهادهای اجرایی برای تسهیل



«ریت» دروازه نوین تأمین مالی مسکن



محمد جلیلی
استاد دانشگاه، کارشناس و پژوهشگر
حوزه مالی

برای خانه دار شدن برنامه ریزی کرده بودند، نه تنها دیگر نمی‌توانند در یک افق زمانی چند ساله پیش رو به خانه دار شدن فکر کنند، بلکه با کاهش ارزش پول، سرمایه اندک خود را نیز از دست داده‌اند. به عبارتی مکانیسمی که قرار بوده به آنان در راستای خانه دار شدن کمک کند، بر عکس عمل کرده و فرصت خانه دار شدن را برای یک مدت طولانی از آنان سلب کرده است.

۲- تورم لجام گسیخته ویژگی ثابت اقتصاد ایران در چند دهه اخیر بوده است. در شرایط تورمی اقشار کم درآمد و متوسط بیشترین ضررها را متحمل می‌شوند. کنترل و خنثی کردن بخشی از اثرات منفی تورم بر عموم اقشار جامعه از جمله وظایف دولت‌هاست. بی‌توجهی به این مسئله، اثرات مخربی بر اقتصاد خانوارهای ایرانی داشته است در حالی که بخش مسکن بطور موثری می‌تواند تورم را برای عامه مردم پوشش دهد، با توجه به آنکه این دارایی‌ها، دارایی‌های واقعی بوده و قیمت آنها متناسب با افزایش تورم افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذاری در این دارایی‌ها می‌تواند منجر به کنترل و خنثی‌سازی اثرات منفی تورم

کشورها از جهت صنعتی مسیر طولانی‌تری را نسبت به کشور ما پیموده‌اند بنابراین استفاده از تجارب آنان و بومی کردن این تجارب متناسب با شرایط ایران می‌تواند یکی از راهکارهای بسیار مؤثر در رشد و توسعه بخش مسکن و به تبع آن سایر بخش‌های اقتصادی کشورمان ایفا کند. از طرفی مشکلات بخش مسکن و تاثیرات قابل توجه آن بر اقتصاد و معیشت خانواده در ایران، ضرورت اتخاذ راهکارهای مناسب برای بهبود شرایط کنونی را بیش از پیش مورد تاکید قرار می‌دهد.

۱- افزایش قیمت مسکن در سال‌های اخیر اقتصاد بسیاری از خانوارهای ایرانی را با چالش بسیار بزرگی مواجه کرده است. بسیاری از کسانی که برای تأمین مسکن خود در سال‌های اخیر برنامه‌ریزی کرده و بر حسب اتفاق، تاریخ پیش‌بینی شده برای خرید مسکن خود را در یکی دوسال اخیر و یا چند سال پیش رو، تنظیم کرده اند، عملاً در دستیابی به هدف خود ناکام مانده‌اند. به عنوان مثال اقشار کم درآمدی که با پس انداز مختصر خود در قالب وام‌های مسکن

بخش مسکن در اقتصاد نقش مهمی ایفا می‌کند. دولت‌ها همواره از این بخش انتظارات مختلفی دارند که توسعه ذاتی بخش به معنای تأمین مسکن مورد نیاز مردم و توسعه و بهسازی واحدهای مسکونی مهمترین آنهاست. علاوه بر این هدف، بخش مسکن کارکردهای متنوع دیگری نیز دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ایجاد زمینه اشتغال
۲. ایجاد زمینه‌ای برای جذب سرمایه‌های کوچک، مؤسسات و سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین مالی پروژه‌های ملی
۳. ایجاد زمینه‌ای برای رشد درآمد ملی و تولید ناخالص داخلی
۴. ایجاد زمینه مشارکت عمومی در رشد و توسعه اقتصادی

تأمین منابع مالی یکی از مهمترین پیش نیازهای توسعه بخش مسکن محسوب می‌شود. کشورهای صنعتی برای دستیابی به اهداف تأمین منابع مالی، ابزارها و مکانیسم‌های متنوعی را طراحی و اجرا کرده‌اند. با توجه به اینکه این



خصوصی در رشد و توسعه اقتصادی

۷. تنوع بخشیدن به ابزارهای سرمایه گذاری در بخش زمین و مستغلات

۸. فراهم شدن امکان خرید و فروش دارایی‌های واقعی در بازار سهام

۹. جلوگیری از انحصار و رانت در این بخش

۱۰. و اهداف متنوع دیگر

با توجه به اهداف گفته شده که در مفهوم ریت‌ها نهفته است در شرایط کنونی، طراحی ابزار مشابه در کشور ما نیز از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. رویکرد دولت در راستای حمایت از اقشار کم درآمد و متوسط جامعه و گسترش عدالت قطعاً نیازمند ابزارهای کارا و اثر بخش است. ریت‌ها حداقل در بخش مسکن می‌توانند به این هدف جامه عمل بپوشانند. نتایج استفاده از این ابزارها هم در کوتاه مدت و هم بلند مدت برای مردم به شکل ملموسی نمایان می‌شود. ضمن اینکه مطالعه سیر تکامل این مدل‌ها نشان می‌دهد که کلیه نیازهای متنوع در بخش مسکن و یا زمین و مستغلات از جمله بحث تأمین مالی، اجرای پروژه‌های بهسازی، ساخت و تکمیل، زمین و ساختمان و تبادل کلیه دارایی‌های واقعی و طراحی ابزارهای مالی مناسب را می‌تواند پوشش دهد. در بخش کلی اقتصاد نیز با توجه به آشفتگی سایر بازارهای مالی و فرار سرمایه‌ها به سمت بازارهای خارجی، مدل بومی شده ریت می‌تواند اعتماد مردم را جلب کرده و آنان را برای هدایت سرمایه‌هایشان به بخش‌های مولد به‌ویژه پروژه‌های ملی تولید مسکن برای اقشار کم درآمد، بازسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و پروژه‌های انبوه سازی مسکن تشویق و ترغیب کند. ماهیت ریت‌ها به گونه ای طراحی شده است که دارای مکانیزم‌های روشن، اعتماد بخش و با نظارت مناسب است و تا حد بسیار زیادی می‌تواند شرایط روانی جامعه و بی اعتمادی مردم به ابزارهای موجود در بازار مانند پیش فروش و... را بهبود بخشد. با توجه به ماهیت و ویژگی‌های ساختاری ریت‌ها، تسریع در واگذاری امور به مردم و جلب مشارکت آنان جزء ذاتی و لاینفک طراحی و اجرای این الگو است. و مکانیسم‌های قانونی به بهترین شیوه، نقش نظارتی و حمایتی دولت و جایگاه مشارکت مردمی در امور اقتصادی کشور را میسر می‌سازد. ساختار نظام‌مند و شفاف این گونه شرکت‌ها، در رونق دادن به بازار سرمایه (بورس) نیز نقش مؤثر ایفا خواهد کرد. هدفمند سازی یارانه‌ها و ایجاد عدالت بیشتر در توزیع آنها از جمله دیگر مزایای این مدل‌هاست. برای جلوگیری از رانت در بخش دولتی و عرضه امکانات دولتی نظیر زمین و یا حتی پروژه‌ها به همه اقشار جامعه

گذاری همه مردم در بخش مسکن اقدام کرده اند به گونه ای که مردم می‌توانند با هر مبلغ سرمایه در بخش مسکن سرمایه گذاری کنند. به عبارتی حتی کسانی که قادر نبودند برای خرید یک واحد مسکونی اقدام کنند، در قالب سرمایه گذاری در ریت‌ها، می‌توانستند به اندازه بسیار اندک (به عنوان مثال به اندازه یک متر) در بازار مسکن سرمایه گذاری کنند. در ایران نیز با درک اهمیت این مسئله در گذشته طرح‌های مختلفی پیشنهاد شده است. فروش متری مسکن، صندوق پس انداز مسکن یکم و سایر ایده‌ها و طرح‌های مشابه، از جمله راهکارهایی بوده اند که در این راستا مطرح شده است. در منطق «ریت‌ها» همین اهداف (تأمین مسکن و سرمایه گذاری در مسکن) نهفته است و سرمایه‌گذار علاوه بر اینکه در انتهای فرآیند، می‌تواند صاحب مسکن شود (چه به صورت خرید یا اجاره واحدهای مسکن در استطاعت)، در طول مدت سرمایه گذاری از تمام نوسانات قیمت مسکن نیز بهره مند می‌شود و یا اینکه این نوسانات اثر منفی بر اقتصاد خانوار نمی‌گذارد. یکی از ابزارهایی که در بخش مسکن و به معنای عام تر بخش زمین و مستغلات کشورهای توسعه یافته طراحی و اجرا شده است، تأسیس نهادهای سرمایه‌گذاری با عنوان «Real estate investment trusts» یا به اختصار ریت (REIT) است. این مؤسسات در واقع یک نوع ابزار سرمایه‌گذاری هستند که با اهداف خاص و با استفاده از مهندسی مالی، به گونه ای طراحی شده اند که اهداف کلی زیر را برآورده می‌کند:

۱. فراهم کردن فرصت سرمایه گذاری در دارایی‌های واقعی (درمقابل دارایی‌های مالی مانند سهام) برای سرمایه‌گذاران به گونه ای که از مزایای شرکت‌های سرمایه گذاری نیز بهره مند شوند.

۲. فراهم کردن بستر مناسبی که سرمایه‌گذاران جزء و کوچک بتوانند به سهولت در بخش زمین و مستغلات سرمایه گذاری کنند.

۳. فراهم شدن امکان مدیریت تخصصی در بخش زمین و مستغلات

۴. طراحی ابزارهایی که ریسک سرمایه گذاری در بخش زمین و مستغلات را مدیریت کند. به عنوان مثال یک سرمایه‌گذار به جای سرمایه گذاری در یک واحد مسکونی و یا یک پروژه وابسته به بخش مسکن، در پروژه‌های مختلف سرمایه گذاری می‌کند و در واقع پرتفوی تشکیل می‌دهد.

۵. فراهم کردن زمینه تأمین مالی پروژه‌های عمرانی و ساختمانی و بهسازی از طریق منابع عظیم در اختیار مردم

۶. فراهم کردن زمینه مشارکت بیشتر بخش

شود. متأسفانه در این زمینه اقدام قابل توجهی در ایران انجام نشده و علی‌رغم تجربه موفق بیش از ۷۰ سال بسیاری از کشورهای دنیا، هنوز اهمیت مسئله و نقش مسکن در آن، به درستی درک نشده و مورد مطالعه نیز قرار نگرفته است.

۳- توسعه بخش مسکن نیازمند سرمایه گذاری عظیمی است. حجم اصلی این سرمایه در اختیار بخش خصوصی است. در این میان، بخش قابل توجهی نیز در قالب مبالغ اندک در اختیار اقشار کم درآمد است که علی‌رغم اندک بودن سهم هر شخص یا خانوار، در صورت تجمع و هدایت به بخش مسکن، سرجمع آن در اقتصاد کشورمان اعداد بسیار بزرگی خواهد شد. در این خصوص نیز زیرساخت مناسبی فراهم نشده است.

۴- بازار مسکن ایران هنوز هم به صورت سنتی عمل می‌کند و از روش‌ها و فناوری‌های نوین بهره مند نیست. هنوز هم روش‌های سنتی مانند پیش فروش و یا خرید یک واحد مسکونی مستقل، تنها راه پیش روی شخص برای ورود به بازار مسکن است. این در حالی است که روش‌های نوین سرمایه گذاری در زمین و مستغلات برای یک سرمایه‌گذار می‌تواند این امکان را فراهم کند تا بتواند پرتفوی خود را متنوع کرده و ریسک مرتبط با سرمایه گذاری در یک کلاس دارایی منفرد را کاهش دهد.

۵- نقدینگی: وقتی یک سرمایه‌گذار به صورت انفرادی در یک دارایی سرمایه‌گذاری کند، خرید و فروش آن پیچیده، زمانبر و فرآیند طولانی است. در بازار مسکن ایران به‌ویژه وقتی وارد شرایط رکود می‌شود، بسیاری از اقشار و خانوارها با شرایطی مواجه می‌شوند که سرمایه اندک آنان درگیر یک واحد مسکونی شده و در مواقع نیاز قابلیت و انعطاف لازم برای تخصیص آن به سایر نیازهای زندگی فراهم نیست. این در حالی است که در مقابل ابزارهای سرمایه گذاری نوین می‌توانند نقد شوندگی بازار مسکن را افزایش می‌دهند.

مسکن مهمترین ابزار پوشش و حمایت از اقشار کم درآمد و متوسط در مقابل اثرات مخرب تورم بر اقتصاد خانواده محسوب می‌شود. خانوارهایی که در سبد سرمایه خود سهمی از مسکن (ولو اندک) داشته باشند، افزایش قیمت مسکن موجب افزایش سهم ثروت آنان می‌شود. به همین دلیل بسیاری از دولت‌ها در ۶۰ یا ۷۰ سال اخیر به این مسئله بصورت ویژه توجه کرده و از این پتانسیل بخش مسکن برای حمایت از خانوارها و احاد جامعه در مقابل شرایط تورمی اقتصادها استفاده کرده‌اند. بسیاری از کشورهای توسعه یافته با تدوین و تصویب قانون تأسیس «شرکت‌های سرمایه گذاری زمین و مستغلات- ریت‌ها» با هدف فراهم کردن فرصت سرمایه

نوسازهای بی‌مشتري در بازار مسکن

در شرایطی که بازار معاملات مسکن شهر تهران در هفته‌های گذشته به خصوص در یک ماه و نیم گذشته با افزایش حجم عرضه فایل فروش از سوی مالکان وسازنده‌ها مواجه شده است، عرضه فایل نوساز به بازار در مقایسه با سایر بازه‌های سنی واحدهای مسکونی، با رشد بیشتری همراه بوده است. سازنده‌های واحدهای مسکونی که از هم اکنون در تدارک منابع، زمین و مجوزهای ساختمانی برای ساخت و ساز در سال آینده هستند با مشاهده چشم انداز کاهشی قیمت مسکن و افزایش عمق رکود در این بازار، حجم گسترده واحدهای نوساز آماده عرضه خود را به بازار ملک معرفی کرده‌اند. این در حالی است که این واحدها به دلیل فاصله بسیار زیادی که به لحاظ قیمتی با واحدهای مسکونی چند ساله و میانسال دارند، از استقبال کمتری از سوی متقاضیان مواجه شده‌اند.

هر چند هنوز هم عمده معاملات بازار مسکن و بیشترین سهم از معاملات مسکن در بازار واحدهای مسکونی نوساز انجام می‌شود اما با توجه به موجودی فایل‌های فروش آپارتمان نوساز در مناطق مختلف شهر تهران، استقبال از این واحدها در مقایسه با واحدهای مسکونی چند سال ساخت، میانسال و حتی مسن به میزان قابل توجهی نسبت به گذشته کاهش یافته است. به این ترتیب هم اکنون بازار معاملات مسکن شهر تهران در شرایطی قرار گرفته است که حجم عمده فایل نوساز عرضه شده به بازار ملک در یک تا دو ماه گذشته بدون مشتری باقی مانده‌اند.

میانگین قیمتی این واحدها نیز بسیار با واحدهای مسکونی چند سال ساخت فاصله دارد. علت این موضوع آن است که اگرچه رشد قیمت مسکن تقریباً متوقف شده و چشم انداز بازار معاملات مسکن فعلاً رکودی است و رکود در این بازار به میزان قابل توجهی عمیق شده است، اما هزینه‌های ساخت مسکن به خصوص از ناحیه تأمین زمین و مصالح ساختمانی همچنان رو به افزایش است. بنابراین سازنده‌ها و مالکان واحدهای مسکونی آماده عرضه از یک طرف با شرایط رکود معاملاتی مواجه شده و ناچار به تخفیف در قیمت‌های اعلامی خود هستند و از سوی دیگر چشم انداز افزایش هزینه‌های ساخت در سال آینده را پیش رو دارند.

همین موضوع باعث شده است به رغم کاهش قابل توجه قیمت واحدهای مسکونی چند سال ساخت در بازار مسکن، سطح قیمت فروش واحدهای نوساز همچنان با فاصله بسیار زیادی از توان مالی خریداران قرار گرفته و عملاً این واحدها به واحدهای فاقد مشتری در بازار ملک تبدیل شوند. در جدول زیر فهرستی از ۵۰ فایل عرضه شده به بازار معاملات مسکن آمده است. این واحدها نوساز هستند و آخرین فایل‌های عرضه شده به بازار معاملات آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران به شمار می‌روند. سطح قیمت عمده این فایل‌ها به گونه ای است که با توجه به شرایط فعلی بازار مسکن به نظر نمی‌رسد که فعلاً مشتری دست به نقد یا حتی مشتری با امکان پرداخت غیرنقدی برای آن‌ها وجود داشته باشد.

(حتی کسانی که سرمایه چندانی ندارند) استفاده از این ساختارها یکی از بهترین راه حل‌ها به شمار می‌رود.

اگرچه بستر قانونی شکل‌گیری نهادهای مالی جدید در بخش مسکن یکی از مهمترین زیرساخت‌های مورد نیاز در این زمینه است اما اجرایی شدن و تحقق اهداف آن مستلزم طراحی مجموعه زیر ساخت‌های دیگری است که برخی از آنها را به شرح می‌توان نام برد:

۱. طراحی ساز و کارهای عملیاتی برای نهادهای ابزارهای مالی جدید
 ۲. فرهنگ سازی و نهادینه کردن استفاده از این ابزارها و کمک به راه اندازی و شکل‌گیری آن
- نکته دیگری که بسیار حائز اهمیت است اینکه بستر شکل‌گیری و عملیاتی شدن ریتها به شکل عمومی و قابل استفاده در همه حوزه‌های اقتصادی در چارچوب قوانین موجود فراهم است اما آنچه مورد توجه طرح پیشنهادی حاضر است، در واقع اعطای امتیازات خاص به اینگونه شرکت‌ها (مانند معافیت مالیاتی و یا اولویت در واگذاری زمین و سایر حمایت‌ها در قبال رعایت شرایط و ضوابط مورد نظر وزارت مسکن) است. ریتها در درجه اول یک نوع شرکت سرمایه‌گذاری هستند که تابع قوانین عمومی تجارت و اختصاصی بازارهای سرمایه‌اند. منتهی با رعایت قواعد خاصی از جمله محدودیت در تعداد سهام و سهامداران و نحوه تقسیم سود ویژگی‌های منحصر بفردی را پذیرفته‌اند که موجبات تحول در بخش مسکن و زمین و مستغلات را فراهم کرده‌اند. تأمین مسکن امن و سالم برای آحاد جامعه یک مسئله همیشگی و جهانی است و تمام دولت‌ها خود را در این زمینه مسئول می‌دانند. مسئله توان مالی (یا کم توانی مالی) مسیر پیشرفت و توسعه بخش مسکن را با مانع جدی مواجه کرده از این‌رو لازم است به صورت بنیادین و با منطق و مبنای مناسبی مورد مطالعه و توجه قرار گیرد. تجربه کشورهای موفق در این زمینه، بر یک نکته مهم و کلیدی تأکید می‌کند:

«دولت‌ها باید از دخالت مستقیم در بخش مسکن و تأمین مالی آن دست کشیده و در قالب نقش تسهیلگر، محیطی را فراهم کنند تا مشارکت بخش خصوصی افزایش یابد»

مطالعات مختلف نشان می‌دهند که اقدامات زیر باید محور تلاش‌ها و برنامه‌های دولت‌ها قرار گیرد:

- تقویت و بازنگری در قوانین
- توسعه کاربرد فناوری اطلاعات برای مکانیزه کردن اسناد زمین
- ایجاد مکانیسم بیمه وام‌های رهنی
- صدور مجوز صندوق‌های زمین و مستغلات (شرکت‌های سرمایه‌گذاری زمین و مستغلات)



جزئیات قیمت‌های اعلام شده برای فروش واحدهای مسکونی نوساز

محدوده آدرس	حدود مساحت - متر مربع	سن - سال	حدود قیمت هر مترمربع - تومان	حدود قیمت کل - تومان
پیروزی، بلوار ابوذر	۱۷۸	نوساز	۳۱ میلیون	۵ میلیارد و ۵۱۸ میلیون
بزرگراه محلاتی، خ غیاثی	۷۰	نوساز	۱۸ میلیون	۱ میلیارد و ۲۹۰ میلیون
پیروزی، پاسدار گمنام	۱۹۰	نوساز	۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار	۳ میلیارد و ۳۱۵ میلیون
بزرگراه بابایی، نرسیده به شهرک بهشتی	۱۰۵	نوساز	۴۵ میلیون	۴ میلیارد و ۷۲۵ میلیون
پاسداران، خ نگارستان	۱۳۶	نوساز	۵۳ میلیون و ۶۷۶ هزار	۷ میلیارد
تهرانپارس، خ ۲۱۶ غربی	۸۸	نوساز	۳۷ میلیون و ۵۰۰ هزار	۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون
معلم، خ قدوسی	۱۵۰	نوساز	۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار	۵ میلیارد و ۲۵۰ میلیون
نامجو، نرسیده به محلوچیان	۵۰	نوساز	۲۷ میلیون	۱ میلیارد و ۳۵۰ میلیون
حکیمیه، بلوار والفجر	۸۸	نوساز	۳۰ میلیون	۲ میلیارد و ۶۴۰ میلیون
بلوار فردوس، سازمان برنامه جنوبی	۹۰	نوساز	۴۱ میلیون	۳ میلیارد و ۶۹۰ میلیون
آیت اله کاشانی، بلوار اباذر	۱۳۸	نوساز	۵۳ میلیون	۷ میلیارد و ۳۱۴ میلیون
تهرانپارس، بلوار پروین	۹۵	نوساز	۳۰ میلیون	۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون
اتوبان بابایی، شهرک بهشتی	۱۰۰	نوساز	۳۵ میلیون	۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون
تهرانپارس، خ ۲۱۸ غربی	۷۵	نوساز	۳۸ میلیون	۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون
دولت، برادران رحمانی	۷۲	نوساز	۹۵ میلیون	۶ میلیارد و ۸۴۰ میلیون
خواجه نظام، نرسیده به شیخ صفی	۱۳۴	نوساز	۲۹ میلیون	۳ میلیارد و ۸۹۰ میلیون
آجودانیه، خ دوم	۹۴	نوساز	۱۵۹ میلیون	۱۴ میلیارد و ۹۵۰ میلیون
آیت اله کاشانی، خ نیف زاده قزوین	۸۰	نوساز	۷۰ میلیون	۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون
فرجام، حیدرآباد	۱۴۶	نوساز	۴۳ میلیون	۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون
نظام آباد، خ مدنی جنوبی	۱۰۶	نوساز	۲۳ میلیون	۲ میلیارد و ۴۳۸ میلیون
نیاوران، قبادی	۱۵۰	نوساز	۱۰۰ میلیون	۱۵ میلیارد
یوسف آباد، ساجدی	۶۴	نوساز	۵۵ میلیون	۳ میلیارد و ۵۲۰ میلیون
تهرانپارس، خ ۲۱۰	۱۰۸	نوساز	۳۰ میلیون	۳ میلیارد و ۲۴۰ میلیون
فرجام، احدزاده	۱۳۵	نوساز	۳۷ میلیون	۴ میلیارد و ۹۹۵ میلیون
دزاشیب، کوچه‌های شمی	۱۴۵	نوساز	۶۹ میلیون	۱۰ میلیارد
شهرزیبا، بلوار تعاون	۱۰۵	نوساز	۴۰ میلیون	۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون
دروازه شمیران، خ سادات	۱۷۸	نوساز	۳۳ میلیون	۵ میلیارد و ۸۷۴ میلیون
تهرانپارس، بلوار شاهد	۸۸	نوساز	۲۸ میلیون	۲ میلیارد و ۴۶۴ میلیون
زعفرانیه، خ آصف	۱۸۲	نوساز	۱۶۰ میلیون	۲۹ میلیارد و ۱۲۰ میلیون
اتوبان بابایی، شهرک بهشتی	۱۰۲	نوساز	۳۰ میلیون	۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون
ولنجک، خ هجدهم	۷۵	نوساز	۱۰۰ میلیون	۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون
قنات کوثر، ۳۵ متری استقلال	۹۴	نوساز	۳۰ میلیون	۲ میلیارد و ۸۲۰ میلیون
بزرگراه رسالت، شهید کرد	۱۰۵	نوساز	۴۵ میلیون	۴ میلیارد و ۷۲۵ میلیون
شهرک آپادانا، خ ریاحی	۷۴	نوساز	۴۲ میلیون	۳ میلیارد و ۱۰۸ میلیون
نارمک، سمنگان	۱۱۳	نوساز	۴۰ میلیون	۴ میلیارد و ۱۰۸ میلیون
نارمک، خ ثانی	۸۷	نوساز	۴۴ میلیون	۳ میلیارد و ۸۲۸ میلیون
دلاوران، تکاوران	۵۷	نوساز	۲۶ میلیون و ۳۱۰ هزار	۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون
امیرآباد، کارگر شمالی	۱۵۷	نوساز	۴۳ میلیون و ۳۰۰ هزار	۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون
بلوار کشاورز، کبکانیان	۲۰۰	نوساز	۴۸ میلیون	۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون
اشرفی اصفهانی، باغ قبض	۱۲۶	نوساز	۴۰ میلیون	۵ میلیارد و ۴۰۰ میلیون
تهرانپارس، توحید	۱۰۰	نوساز	۳۷ میلیون	۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون
قائم مقام فراهانی، نرسیده به مطهری	۱۴۹	نوساز	۵۷ میلیون	۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون
میرداماد، خ اطلسی	۱۱۵	نوساز	۸۰ میلیون	۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون
هروی، وقامنش	۱۷۲	نوساز	۶۰ میلیون	۱۰ میلیارد و ۳۲۰ میلیون
انتهای همت غرب، اتوبان خرازی	۹۱	نوساز	۳۴ میلیون	۳ میلیارد و ۹۴۰ میلیون
بلوار کشاورز، روبروی هتل اسپیناس	۱۲۰	نوساز	۴۷ میلیون	۵ میلیارد و ۶۴۰ میلیون
ستارخان، حبیب الهی	۱۱۷	نوساز	۴۱ میلیون	۴ میلیارد و ۷۹۷ میلیون
دولت، بلوار کاوه	۱۴۰	نوساز	۱۰۰ میلیون	۱۴ میلیارد
دامپزشکی، استاد معین	۶۵	نوساز	۳۰ میلیون و ۷۶۹ هزار	۲ میلیارد
جنت آباد شمالی، گلستان شرقی	۶۱	نوساز	۴۴ میلیون و ۲۶۲ هزار	۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون
صادقیه، خ گلاب	۱۴۵	نوساز	۴۰ میلیون	۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون



روند متفاوت در بازار اجاره

در شرایطی که بازار معاملات مسکن در فاز تخلیه حباب قیمتی قرار گرفته و حتی در آذرماه تورم ماهانه منفی در بازار معاملات خرید و فروش واحدهای مسکونی تجربه شد، رصد بازار اجاره مسکن از روند متفاوت این بازار در مقایسه با بازار معاملات خرید و فروش آپارتمان در شهر تهران خبر می‌دهد. بررسی‌های انجام شده درباره جزئیات بازار زمستانی اجاره مسکن نشان می‌دهد رشد اجاره بها در این بازار نیز اگر چه تا حد زیادی نسبت به تابستان کمتر شده است اما این بازار با شیب معمول در مسیر افزایشی قرار دارد. با این حال، کاهش حجم معاملات اجاره مسکن از یک سو و همچنین بروز رکود شدید در بازار معاملات مسکن و افت قیمت‌ها در این بازار از سوی دیگر بر رفتار موجران و بازار اجاره مسکن نیز بی‌اثر نبوده است. با این حال به نظر می‌رسد حتی اگر در ماه‌های پیش رو بازار معاملات خرید و فروش مسکن در شرایط رکود عمیق باقی مانده و تجربه ثبت تورم منفی در این بازار که در آذرماه مشاهده شد در ماه‌های آینده نیز در بازار خرید و فروش آپارتمان تکرار نشود اما در بازار اجاره روند متفاوتی پیش‌بینی می‌شود.

به نظر می‌رسد بازار اجاره مسکن کماکان در فاز افزایش اجاره بها قرار داشته باشد اما شیب افزایش اجاره بها از ۳۰ درصد تجاوز نخواهد کرد. این موضوع به دلیل آن است که با توجه به مصرفی بودن بازار اجاره و از آنجا که این بازار به تحولات افزایشی قیمت واکنش شدیدتری نسبت به تحولات قیمتی بازار خرید و فروش آپارتمان نشان می‌دهد همواره شیب رشد آن از ۴۰ درصد به صورت سالانه فراتر نمی‌رود. متوسط میزان رشد اجاره بهای مسکن در سال‌هایی که بازار مسکن در شرایط معمول و عادی قرار دارد معمولاً حداکثر حول و حوش ۲۰ درصد است اما در سال جاری اجاره بهای مسکن در مقایسه با سال گذشته حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد رشد داشت.

با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد هم‌اکنون شرایط در بازار اجاره واحدهای مسکونی با پرداخت رهن کامل چندان مناسب نیست. در واقع اجاره بهای آن دسته از واحدهایی که با شرایط ترکیبی پرداخت اجاره بها به صورت اجاره ماهانه و رهن به بازار عرضه شده اند مناسب تر از واحدهایی است که با شرایط رهن کامل به مستاجران معرفی شده اند. این موضوع نشان می‌دهد هم‌اکنون اگرچه تعداد فایل‌های رهن کامل در بازار زمستانی اجاره مسکن موجود است اما این فایل‌ها به دلیل آنکه بخش زیادی از آن‌ها با رهن غیرمتعارف به بازار عرضه شده اند چندان مورد استقبال نخواهند بود. این موضوع به خصوص در نیمه شمالی شهر تهران و در میان فایل‌های نوساز بیشتر به چشم می‌خورد. در جدول زیر مشخصات ۵۰ نمونه از تازه ترین فایل‌هایی که با شرایط رهن کامل در مناطق مختلف تهران در روزهای اخیر به بازار عرضه شده اند آمده است.

جزئیات رهن کامل واحدهای مسکونی مناطق مختلف شهر تهران

محدوده	حدود مساحت مترمربع	سن بنا	اجاره ماهانه تومان	مبلغ رهن-تومان
ستارخان، توحید	۵۷	۲۱	۰	۲۵۰ میلیون
شهران، خ دوم	۸۲	۸	۰	۳۳۰ میلیون
خواجه عبدالله، هشتم	۱۶۵	۲۵	۰	۶۰۰ میلیون
تجربش، خ جعفری	۳۳۰	۲	۰	۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون
جشنواره، نرسیده به اسفندانی	۱۰۳	۱۹	۰	۲۵۰ میلیون
فاطمی، میدان جهاد	۶۰	نوساز	۰	۳۷۰ میلیون
دولت، بلوار کاوه	۹۲	۵	۰	۶۰۰ میلیون
تهرانپارس، سه راه استخر	۱۰۵	۳	۰	۳۳۰ میلیون
خواجه نظام، اجاره دار	۱۱۵	۱	۰	۳۰۰ میلیون
جردن، عاطفی شرقی	۱۳۵	۱۲	۰	۷۰۰ میلیون
تهران نو، خ فرخی	۶۴	۱۵	۰	۱۶۰ میلیون
خواجه نظام، اجاره دار	۴۵	۱۳	۰	۱۵۰ میلیون
نیروی هوایی، فلکه لوزی	۱۷۰	نوساز	۰	۱ میلیارد
بلوار ابوذر جنوبی	۷۰	۶	۰	۲۶۰ میلیون
پیروزی، خ پورمند	۸۵	۳۰	۰	۲۰۰ میلیون
تهران نو، خ سعدی	۹۳	۱۵	۰	۲۵۰ میلیون
بزرگراه محلاتی، عارف شمالی	۵۳	۹	۰	۱۱۰ میلیون
پیروزی، صاحب الزمان	۵۵	۸	۰	۱۳۰ میلیون
پیروزی، امام حسن مجتبی	۵۴	۳۰	۰	۱۳۰ میلیون
پلیس، کلیم کاشانی	۹۰	۱۸	۰	۲۴۰ میلیون
خواجه نظام، اجاره دار	۶۷	۱	۰	۳۰۰ میلیون
سبلان شمالی، خ حسنی	۷۳	۵	۰	۱۷۰ میلیون
نامجو، شیخ صفی	۶۶	۱۵	۰	۱۵۰ میلیون
سبلان شمالی، خ حیدری	۴۰	۱۵	۰	۱۰۰ میلیون
وحیدیه، نرسیده به کشمیری	۳۰	۱۸	۰	۱۰۵ میلیون
مجیدیه جنوبی، ۱۶ متری اول	۸۰	۱۰	۰	۳۵۰ میلیون
تجربش، فناخسرو	۱۰۰	۴	۰	۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون
میرداماد، آقازاده فرد	۱۵۰	۲۰	۰	۷۹۰ میلیون
ستارخان، بهبودی	۹۰	۳۰	۰	۳۶۰ میلیون
شیخ بهایی شمالی	۲۶۳	۴	۰	۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون
تهرانپارس، ۱۹۸ شرقی	۱۵۵	۶	۰	۷۱۰ میلیون
ستاری، خ مهستان	۸۰	۱۱	۰	۳۰۰ میلیون
کن، الغدیر یکم	۶۲	۱۹	۰	۲۵۰ میلیون
تهرانپارس، خ استخر	۶۵	۸	۰	۱۲۰ میلیون
انقلاب، بزرگمهر	۲۵۰	۳۰	۰	۱ میلیارد
فاطمی، میدان گلها	۶۰	۲۵	۰	۳۵۰ میلیون
پونک، سردار جنگل	۱۵۰	۹	۰	۸۰۰ میلیون
تهرانپارس، استخر	۱۲۰	نوساز	۰	۵۰۰ میلیون
سهروردی شمالی، ابن یمین	۸۵	۳۰	۰	۳۶۰ میلیون
سعادت آباد، میدان کتاب	۱۱۵	۱۶	۰	۳۳۵ میلیون
جنت آباد شمالی، کوروش شرقی	۷۵	۲۱	۰	۲۷۰ میلیون
پیروزی، شکوفه	۶۳	۱۰	۰	۱۵۰ میلیون
ولیعصر، نرسیده به سه راه فاطمی	۲۲۰	۳۰	۰	۱ میلیارد
بزرگراه ارتش، شهرک کوثر	۱۲۰	۱۲	۰	۶۰۰ میلیون
جردن، نرسیده به ناهید	۲۱۸	۳۰	۰	۱ میلیارد
سوهانک، انتهای بلوار سوهانک	۱۹۸	۱۰	۰	۱ میلیارد
فرمانیه، خ شریفی منش	۲۱۶	نوساز	۰	۲ میلیارد
نامجو، نرسیده به کوچه شهدا	۱۰۱	۱	۰	۴۰۰ میلیون
شهرک راه آهن، بلوار اقاکیا	۱۳۸	۴	۰	۵۵۰ میلیون
شهران شمالی، خ کوهسار	۶۳	۱۶	۰	۲۲۰ میلیون

بیمه عمر و تأمین آتیه

بهترین پستوانه برای آینده شما و خانواده تان

- پوشش فوت به هر علت
- نقص عضو و از کارافتادگی در اثر حادثه

- پرداخت غرامت از کار افتادگی
- معافیت از پرداخت حق بیمه در صورت از کارافتادگی

- معاف از پرداخت مالیات
- پرداخت سود مشارکت در منافع
- دریافت وام از محل اندوخته

- هزینه پزشکی در اثر حادثه
- پوشش بیماری های خاص (کرونا)

اضافه شدن پوشش کرونا در بیمه عمر و تأمین آتیه

دارندگان بیمه عمر و تأمین آتیه بیمه پاسارگاد تحت پوشش هزینه های بستری شدن در بیمارستان و فوت به علت ابتلا به بیماری **کرونا** قرار گرفتند.





رویکرد نوآورانه برای گزارش‌های حسابرسی داخلی



محمد غوامی کناری

کاندیدای دکترای تخصصی حسابداری، دانشگاه تهران

آماده‌سازی: منشای اصلی دستیابی به نوآوری‌های موفق تشکیل تیم گزارش حسابرسی

به نظرم گزارش خوب همیشه به یک شکل است: بهترین نسخه قابل دست‌یابی به حقیقت.
کارل برنستین

فرایزر، سخنرانی خود را با یک سوال شروع کرد تا نگرش مخاطبان نسبت به گزارش‌های حسابرسی خود را بسنجد. نتایج نظرسنجی نشان داد که

۵۸ درصد از پاسخ‌دهندگان، گزارش‌های خود را «معمولی و احتمالاً شبیه اغلب گزارش‌های دیگر» تلقی کردند.

این پاسخ بیانگر روند اهمیت ندادن حسابرسی داخلی به «ساختار گزارش حسابرسی» به اندازه سایر اجزای پروژه حسابرسی است. اطلاعات گزارش، همواره ارزشمند بوده است اما علی‌رغم این‌ها باور عمومی که «شنیده شدن به اندازه گفته‌های شما، مهم است»، در اغلب موارد به چگونگی ارائه آن توجه کافی نمی‌شود. در زمینه‌های مختلف، به ندرت از کلمه «معمولی» برای تعریف و تمجید استفاده می‌شود.

اگرچه اغلب افراد ممکن است گزارش حسابرسی خود را معمولی تلقی کنند اما بسیاری از آنها، آشنایی چندانی با سایر روش‌های گزارش‌نویسی ندارند. تیم‌ها بدون وجود محلی برای تبادل نظر متخصصان حسابرسی در درک تفاوت قالب گزارش‌های خود با هم‌پیشگان، دچار مشکل می‌شوند. فرایزر نیز به این معضل اذعان کرد: «مطمئن نبودیم گزارش‌ها را چه وضعیتی دارن، برای همین گفتیم بیاییم و کار متفاوتی رو انجام بدیم». فرایند اصلاح آن حدود سه یا چهار ماه به طول انجامید. فرایزر در

«چالش ده ساله» برای مدیرانی که حتی گاهی اوقات از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند نیز اصطلاح آشنایی است. در این چالش، دو عکس نسبتاً مشابه (عکس سلفی یا پروفایل) کنار هم قرار می‌گیرند تا تغییرات فرد در مدت یک دهه نشان داده شود. این کار معمولاً با هدف برجسته کردن پیشرفت یا ویژگی مثبت مشاهده شده، انجام می‌شود. به عنوان مثال، شخص از این طریق می‌تواند تغییرات به وجود آمده در وزن، ورزش‌دگی بدن، طراوت جوانی یا استواری لبخند طی پستی و بلندی‌های زندگی را نشان دهد.

نیل فرایزر، معاون ارشد شرکت مخابراتی فرانیتیر تصمیم گرفت تا از «چالش ده ساله» به عنوان چارچوب سخنرانی خود با عنوان «رویکرد نوآورانه برای گزارش‌های حسابرسی» هنگام برگزاری کنفرانس مدیریت عمومی حسابرسی در مارس سال ۲۰۱۹ استفاده کند. تیم فرایزر با بررسی گزارش‌های حسابرسی داخلی تهیه شده توسط تیم حسابرسی شرکت در ده سال پیش و قالب این گزارش‌ها به این نتیجه رسید که می‌توان آنها را بهبود بخشید و به ارزش گزارش‌های آتی برای مدیریت، کمیته حسابرسی و کل سازمان افزود.

هدف چکیده دانش حاضر، مستندسازی گام‌های مورد استفاده تیم فرایزر برای طرح ایده‌های افزایش دهنده کاربرپسندی و اطلاع‌رسانی قالب سنتی گزارش حسابرسی است.

به علاوه، نکته‌های کلیدی که سایر واحدهای حسابرسی می‌توانند در راستای افزایش جذابیت، متقاعدکنندگی و تاثیرگذاری گزارش‌های خود به کار بگیرند را نیز برجسته می‌سازد.

در گذشته، گزارش مشاهدات شرکت فرانتیر به سه بخش با عناوین «مشاهده»، «تاثیر» و «پاسخ مدیریت» تقسیم می‌شد. ایده استفاده از چنین ساختاری، خوب بود. به گفته فرایزر، با وجود فرصت‌های بهبود در این بخش‌ها، آنها در گزارش حسابرسی نهایی عمدتاً دست‌نخورده باقی می‌ماندند. هنگام بررسی وضعیت فعلی گزارش حسابرسی، نباید تر و خشک را با هم سوزاند. «حفظ بی‌طرفی» به معنای «خرده‌گیری و انتقاد بیش از حد» نیست. با وجود چند ویژگی مثبت، سایر ویژگی‌ها، نیازمند بهبود قابل توجه بودند. ارزیابی شرکت فرانتیر از گزارش‌های حسابرسی قبلی، سرانجام به یافته‌های زیر منجر شد:

- روش‌های جایگزین رتبه‌بندی کلی و تعریف‌ها در خلاصه اجرایی یا بخش‌های دیگر گزارش، ارائه نشده بودند.
 - در هیچ یک از بخش‌های گزارش از نمودار، استفاده نشده و نحوه ارائه گزارش، متراکم بود.
 - هیچ تمایزی میان مشاهدات حسابرسی داخلی و مدیریت، ایجاد نشده بود.
 - شدت یا تاثیر هر یک از مشاهدات به صورت رسمی، ارزیابی نشده بود.
 - ارزیابی (بلوغ) زیرفرایندها در گزارش، درج نشده بود.
 - هیچ ارتباط صریحی میان مشاهدات و رتبه‌بندی کلی گزارش، برقرار نشده بود.
- این یافته‌ها، معیارهای ارزشمندی را برای سنجش موفقیت قالب جدید گزارش در اختیار تیم فرایزر قرار دادند.

قالب جدید گزارش: تعریف‌ها، مصورسازی‌ها و مدل‌های بلوغ

بهبود تعریف‌ها

به عقیده فرایزر، «فرآیند گزارش‌گری اصولاً شبیه ساخت یک خانه است و تعریف‌ها، شالوده آن هستند.» تعریف‌ها، علاوه بر ایفای نقش حیاتی در افزایش وضوح گزارش (و جلوگیری از تفسیر نادرست آن)، منجر به یکپارچگی گزارش‌ها می‌شوند. مدیران ارشد، کمیته حسابرسی و سایر اشخاص ذی ربط می‌توانند با حفظ معیارهای واضح و ثابت برای هر گزارش، به سرعت تعیین کنند که کدام یک از مشاهدات، نیازمند توجه فوری هستند.

با این حال، تعیین دقیق معیارهای ارزیابی مشاهدات، چالش برانگیز است. فرایزر گفت: «ما در تعیین این که چه چیزی رو باید ارزیابی کنیم دچار مشکل شدیم.» طی این فرآیند، تیم فرایزر درباره دو اصطلاح مختلف به توافق رسید: ۱. «فراگیر بودن» که به دفعات مشاهده یک مسئله اشاره دارد و ۲. «تاثیر در سطح سازمان» که بر حسب ارقام پولی، ارائه شده و بسته به نوع گزارش، متفاوت است. این ارزیابی‌ها در سراسر گزارش با استفاده از سه گزینه، رتبه‌بندی می‌شوند:

فراگیر بودن

- **کم.** جزیی بوده و یا محدود به فرآیند مشخص است.
- **متوسط.** قابل توجه بوده و ممکن است از فرآیند مشخص، فراتر رود.
- **گسترده.** با اهمیت بوده و در فرآیندهای مختلف رخ می‌دهد.

تاثیر در سطح سازمان

- **کم.** ریسک پایین با تاثیری کمتر از XX ریال بر جمع اقلام و/یا تاثیر کمتر از یک درصد حساب بر جمع کل اقلام.
- **متوسط.** ریسک متوسط با تاثیری بین XX ریال و YY ریال بر جمع اقلام و/یا تاثیر بین یک درصد و پنج درصد بر جمع کل اقلام.
- **زیاد.** ریسک بالا با تاثیری بیش از YY ریال بر جمع اقلام و/یا تاثیر بیش از پنج درصد بر جمع کل اقلام.



این مدت، اقدام به تشکیل تیم اصلی جهت پیش‌گامی این ابتکار و دستیابی به اجماع درباره اهداف گزارش جدید خود کرد. «تغییراتی که انجام دادیم، دستور من نبود. تنها کاری که انجام دادم این بود افراد مناسب رو تو تیم خودم جمع کردم و گفتم باید با همدیگه همکاری کنیم.» با وجود جزیی بودن این نکته، ایجاد تیم حسابرسی شایسته که با نیازهای سازمان، آشنایی کامل داشته و از مجموعه مهارت‌های گسترده و تنوع فکری برخوردار بودند، عامل حیاتی در طراحی قالب جدید گزارش حسابرسی بود.

ارزیابی بی‌طرفانه گذشته

پیش از بهبود گزارش‌های فعلی، مهم است تعیین کنیم که کدام یک از جنبه‌های آن، موثر هستند. این امر نیازمند تجزیه و تحلیل دقیق، ژرف‌اندیشانه و بی‌طرفانه مزایا و معایب گزارش‌های منتشر شده قبلی است. با توجه به مطالب پیش گفته، نگرستن به گذشته در چالش ده ساله، نیمی از کار است.

فرایزر، چالش ده ساله خود را به دو بخش مجزا تقسیم کرد: خلاصه اجرایی گزارش و گزارش مشاهدات. به عقیده وی، خلاصه‌های اجرایی ده سال پیش احتمالاً شبیه بقیه گزارش‌ها بودند: «خلاصه اجرایی‌مون، اطلاعات کمی درباره حسابرسی، دامنه کارمون، بعضی از واحدها/ کارکردهای تجاری مدنظر توی دامنه حسابرسی، رتبه‌بندی کلی و چند یافته کلیدی رو ارائه می‌کرد... خیلی متراکم بود، فقط کلمه داشت و بعضاً چند تا فهرست هم داخلش پیدا می‌شد.»

علاوه بر این، تیم فرایزر تصمیم گرفت تا مشاهدات «نقاط ضعف کنترلی» را از «فرصت‌های بهبود کارایی» تمیز دهد.

هر طبقه از مشاهدات در بالای صفحه، برجسته شده و بر حسب شدت خود، با رنگ مشخصی نمایش داده می‌شدند. این دسته‌بندی به صورت زیر تعریف شده بود:

■ **نقاط ضعف کنترلی:** کاستی‌هایی که احتمال تحقق اهداف مرتبط با عملیات، گزارشگری و رعایتی/انطباقی یک واحد را کاهش می‌دهد.

■ **فرصت‌های بهبود کارایی:** فرآیند مورد نظر منجر به تحقق بهره‌وری بهینه یا استفاده بهینه از منابع نمی‌شود.

در ادامه، تیم فرایزر اختصاص عنوان «شناسایی شده توسط مدیریت» به مشاهدات را نیز در اولویت قرار داد که می‌تواند از طریق بازشناسی افراد و تعیین مسئولیت پاسخ گویی برای طرف‌های مرتبط، بسیار ارزشمند باشد. همچنین این شفافیت مضاعف، ارتباط نقش‌های مدیریت و حسابرسی داخلی را نشان می‌دهد. مشاهدات برای قرارگیری در این طبقه، باید از معیارهای زیر برخوردار باشند:

■ حسابرسی داخلی پیش از آزمون دقیق مسئله، از آن مطلع شده است.

■ مدیریت، مسئله را شناسایی و ارزیابی کرده و به سطح مناسبی در سازمان گزارش کرده است.

■ مدیریت، برنامه‌های اقدام اصلاحی مشخصی را به همراه تاریخ تکمیل آنها ارائه کرده است.

به کارگیری مدل بلوغ

این رویکرد برای تعریف ارزیابی کلی نیز مورد استفاده قرار گرفت که در چهار رتبه، تقسیم‌بندی شدند: «رضایت‌بخش»، «نیازمند بهبود جزئی»، «نیازمند بهبود متعدّد» و «نیازمند بهبود عمده». جالب توجه است که تیم فرایزر تصمیم گرفت تا از گزینه‌ای با عنوان «نارضایت‌بخش/نامطلوب» استفاده نکند.

فرایزر تصمیم تیم خود را این گونه تشریح کرد: «در گذشته، رتبه‌ای با عنوان نارضایت‌بخش داشتیم و تشخیص موارد نیازمند بهبود از رضایت‌بخش، خیلی سخت بود زیرا هیچ معیار عینی برای اون نداشتیم.» نبود معیارهای عینی، اغلب منجر به بحث میان حسابرسی داخلی، مدیریت و کمیته حسابرسی درباره ارزیابی مشاهدات می‌شد و در برخی از موارد، زمینه را برای زیر سوال بردن اعتبار تحلیل حسابرسی داخلی فراهم می‌کرد. تیم فرایزر به منظور اندازه‌گیری بی‌طرفانه‌تر و پشتیبانی بهتر از ارزیابی‌های خود، مدل بلوغ را اتخاذ کرد. در حوزه حسابرسی داخلی، درج هر گونه ارزیابی مبتنی بر بلوغ در گزارش داخلی، امری نسبتاً نادر است.

طبق نظرسنجی انجام شده در طول سخنرانی، تنها ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که در گزارش‌های حسابرسی خود، سطح بلوغ را رتبه‌بندی می‌کنند. به هر حال، این اقدام در مورد شرکت فرانتیر، ضروری بود و در کنار ارزیابی‌های دیگر، ارتباط میان مشاهدات و رتبه اختصاص یافته به آنها را نشان می‌داد.

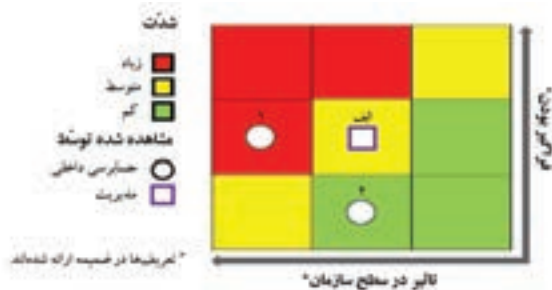
به نقل از فرایزر، «یکی از نکات مثبت این اقدام اینه که تصورات رو از معادله خارج میکنه. هنوز هم بین خودمون و با حسابرسی شونده‌گان، جر و بحث می‌کنیم که بعضی مواقع فکر می‌کنن جور دیگه‌ای باید حسابرسی شون می‌کردیم ولی حداقل الان معیارهای عینی داریم که می‌تونیم بهشون تکیه کنیم.» اگرچه تعریف‌ها به طور مستقیم در مشاهدات لحاظ نمی‌شوند اما برای ارائه اطلاعات بیشتر به مدیریت و کمیته حسابرسی، همیشه در ضمیمه‌های گزارش قرار می‌گیرند. این تعریف‌ها برخلاف برخی از گزارش‌های حسابرسی دیگر، از یک گزارش به گزارش دیگر، تغییر نمی‌کنند و با آشناتر شدن خوانندگان، نیاز کمتری به

توضیح درباره آنها وجود خواهد داشت. در کل، این رویکرد ارائه منظم‌تر مطالب را به همراه دارد.

ارزش نمودارها

چالش بعدی پس از تعیین تعریف‌های مشخص و ثابت، انتقال این اطلاعات مفصل و جامع به صورت مختصر و قابل فهم بود. تیم فرایزر تصمیم گرفت تا به جای استفاده از یک قالب پر از متن، از نمودارها برای نشان دادن رتبه مشاهده و سطح بلوغ استفاده کند.

رتبه مشاهده شناسایی شده توسط حسابرسی داخلی و مدیریت بر روی نموداری با عنوان «شبکه یا ماتریس» ترسیم می‌شود. این مصورسازی منحصر به فرد، میزان «فراگیر بودن» و «تاثیر در سطح سازمان» هر مشاهده را به گونه‌ای اثربخش نمایش می‌دهد. برای ساده سازی هر چه بیشتر تصویر، به هر یک از خانه‌های این ماتریس ۳×۳ بر حسب شدت آن، رنگ خاصی اختصاص می‌یابد و راهنمایی برای یافتن ساده معنای هر رنگ و شکل ارائه می‌شود. تیم فرایزر راهی را پیدا کرد تا با استفاده از یک تصویر، اطلاعات صفحه‌ای کامل از متن را به مدیریت و کمیته حسابرسی انتقال دهد؛ به طوری که به سرعت، ملکه ذهن آنها شود.



شکل شماره (۱). نمونه‌ای از رتبه‌بندی مشاهده‌ها

تیم فرایزر از رویکرد مشابهی برای ترسیم رتبه بلوغ فرآیند استفاده کرد اما به جای استفاده از الگوی ماتریسی، مصورسازی خطی‌تری را برگزید. این تیم پس از شناسایی زیرفرایندهای موجود در دامنه گزارش (نظیر اهداف برنامه ریسک امنیت سایبری، ساختار راهبری ریسک امنیت سایبری، و فناوری‌های پیشگیرانه و کشف کننده در مورد حسابرسی ریسک امنیت سایبری)، ارزیابی خود را با چارچوب بلوغ استاندارد (مانند ناموجود، آغازین، تکرارپذیر، تعریف شده، مدیریت شده یا بهینه شده) دسته‌بندی کرد. در این نمودار به طور مختصر اشاره می‌شد که نقطه ترسیم شده، کدام یک از مشاهدات را نشان می‌دهد. همچنین «دامنه هدف» با رنگ‌های مختلف نشان داده می‌شد که مبنای آن، نظر حسابرسی داخلی درباره وضعیت مطلوب سازمان بود. ارزش این دامنه هدف را نباید دست کم گرفت. یکی از مزایای دیگر ارائه ارزیابی بلوغ بدین شکل، این است که نگرش مثبتی را به گزارش می‌دهد.

به عقیده فرایزر، «ما حسابرسای داخلی اغلب اوقات فقط اخبار بد رو گزارش می‌کنیم. به مدیریت درباره همه کارهایی که اشتباه انجام دادن گوشزد می‌کنیم، ولی این روش به ما اجازه می‌ده که اگر کارشون رو درست انجام دادن بهشون بگیم که در دامنه مورد انتظار قرار داره. این فرصتی که از اون‌ها کمی تجلیل بشه، البته با این فرض که سطح بلوغ آنها واقعاً در اون دامنه قرار داشته باشه.» شکل شماره (۲)

نوآوری‌های دیگر: از خلاصه اجرایی تا تولید محتوا

خلاصه اجرایی

تیم فرایزر تلاش کرد تا علاوه بر مشاهدات، نقاط ضعف موجود در



■ متن باید مختصر باشد. در انتخاب کلمات خود، سنجیده عمل کنید. فرایز پیروی از «قانون یک صفحه» را برای مشاهدات و خلاصه‌های اجرایی، پیشنهاد می‌کند.

■ رتبه‌بندی‌ها را امتحان کنید. تیم حسابرسی داخلی با راهنمایی مدیر ارشد حسابرسی داخلی باید پیش از ارائه گزارش نهایی، اطمینان حاصل کند که همه مشاهدات و ارزیابی‌ها در برابر بررسی موشکافانه، مقاومت خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

چالش ده ساله شما، چه چیزی را نشان می‌دهد؟

طبق استاندارد شماره ۱۳۰۰

تمرکز حسابرسی

استاندارد ۱۳۰۰:

برنامه تضمین و بهبود کیفیت مدیر ارشد حسابرسی داخلی باید برنامه تضمین و بهبود کیفیت را به گونه‌ای تدوین و نگهداری کند که تمام جنبه‌های حسابرسی داخلی را پوشش دهد.

استانداردهای بین‌المللی اجرای حرفه‌ای حسابرسی داخلی، «مدیر ارشد حسابرسی داخلی باید برنامه تضمین و بهبود کیفیت را به گونه‌ای تدوین و نگهداری کند که تمام جنبه‌های حسابرسی داخلی را پوشش دهد.» این برنامه باید علاوه بر ارزیابی انطباق

فعالیت حسابرسی با استانداردها و آیین رفتار حرفه‌ای، ارزیابی جامع اثربخشی و کارایی را نیز در بر گیرد. با توجه به این موضوع، ضروری است که حسابرسی داخلی در طول این ارزیابی از گزارش حسابرسی خود غافل نشوند. آنچه ده یا حتی پنج سال پیش برای انتقال ارزیابی‌های صورت گرفته از مشاهدات، کافی بود، ممکن است لزوماً موثرترین رویکرد نباشد؛ به ویژه وقتی تیم‌هایی نظیر تیم فرایز به ارائه ایده‌های جدید و نوآورانه ادامه می‌دهند که می‌تواند کلیه واحدهای حسابرسی را بهره‌مند سازد. قالب گزارش حسابرسی شما می‌تواند به طور کامل با نیازهای اشاره شده در سخنرانی فرایز، هم‌سو نباشد اما اتخاذ بسیاری از دیدگاه‌های او در رابطه با وضوح، اختصار و شفافیت گزارش، عمومیت دارند. فرایند را با چالش ده ساله خود شروع کرده و سعی کنید به کارهای قبلی تیم حسابرسی خود با نگاهی تازه بنگرید.

کدام یک از اجزای گزارش با بیشترین واکنش مثبت مدیریت و کمیته حسابرسی مواجه شده‌اند؟ آیا نکاتی وجود دارند که بتوان به روشی دیگر نظیر تصاویر انتقال داد تا جذابیت و تاثیر بیشتری داشته باشند؟ در مورد این سوال‌ها، پاسخ شما تقریباً بدون شک «بله» خواهد بود.

منابع در دفتر ماهنامه موجود است

خلاصه‌های اجرایی خود را برطرف کند. فرایز اظهار داشت که «سعی کردیم از نمودار توی خلاصه‌های اجرایی خودمون هم استفاده کنیم. با این کار نه تنها جذابیت اون بیشتر می‌شد، بلکه اعتبار تیم حسابرسی رو هم افزایش می‌داد... اگه ظاهر خوبی داشته باشه، خواننده انتظار پیدا می‌کنه که تمام مطالب بعد از اون هم همین کیفیت رو داشته باشه.»

این رویکرد در گنجانیدن رتبه‌بندی ارزیابی با استفاده از تعریف‌های ارائه شده در پیوست، منعکس شده است. این تعریف‌ها با همان سیستم «کدگذاری رنگی» مورد استفاده در بخش‌های دیگر گزارش، برجسته شدند. تیم فرایز به منظور شفافیت بیشتر برای خوانندگان، راهنمای «معنای رنگ‌ها» را در انتهای خلاصه اجرایی خود ارائه کرده است.

نکاتی در مورد تولید محتوا

استفاده از کلمات در ارزیابی مجدد شرکت فرانتیر، کاملاً نادیده گرفته نشد. اگرچه روش مورد استفاده تیم حسابرسی برای نگارش خلاصه‌های اجرایی، تغییر اساسی نکرد (دامنه، چارچوب زمانی و پیشینه/زمینه همچنان ارائه می‌شدند) اما محتوای آن مورد توجه بیشتری قرار گرفت. درج اطلاعات مکمل، نمونه بارز در این مورد است. فرایز اظهار داشت: «بعضی اوقات تیم حسابرسی داخلی، اطلاعاتی رو کشف می‌کنه که خیلی دوست داریم در میون بذاریم، ولی مشاهده نیستن. بهترین جا برای ارائه این اطلاعات، خلاصه‌ی اجراییه؛ به همین دلیل بعضی اوقات کمی در این باره توضیح می‌دیم.»

فرایز در رابطه با مواردی که نباید در گزارش گنجانده شوند، بر خطر اتکا بر مخفف‌ها، سرواژه‌ها و اصطلاحات تحریک‌آمیز در خلاصه اجرایی و کل گزارش تاکید کرد. طبق گفته فرایز «باید هوشمند باشی. اگه فکر می‌کنی اصطلاحاتی که به کار بردی ممکنه کسی رو دلخور بکنه، تو گزارش نذارش. راه قشنگ‌تر و ساده‌تری رو پیدا کن به جای اینکه مشتری خودتو عصبانی کنی.» علی‌رغم توصیف رایج گزارش‌های حسابرسی به عنوان اسنادی که بر جنبه‌های منفی تاکید می‌کنند، بهتر است در طول تدوین گزارش، آن را نیروی مثبت برای ایجاد تغییر در نظر گرفت. حسابرسی داخلی باید اجازه دهد تا این دیدگاه به دقت در کلمات و جملات انتخاب شده انعکاس یابد. فرایز به چند نکته دیگر درباره تولید محتوا اشاره کرد:

■ در صورت امکان، مشاهدات را در قالب چند مضمون، سازمان دهی کنید. اگر چند مشاهده مختلف، نماینده مسئله سطح بالاتری هستند، حسابرسی داخلی می‌تواند با تاکید بر این مسئله، از طریق گروه‌بندی دقیق آنها، ارزش افزوده‌ای را برای حسابرسی شونده فراهم آورد.

■ علت‌های ریشه‌ای و زمینه وضعیت‌های پیچیده را ارائه کنید. توضیح ندهید که چه اتفاقی افتاد، بلکه دلیل وقوع آن را بیان کنید.

شکل شماره (۲). نمونه‌ای از رتبه‌بندی بلوغ فرآیندها

زیر فرآیندهای دامنه بررسی	مشاهده	سطح ۵: ناموجود	سطح ۱: آغازین	سطح ۲: تکرارپذیر	سطح ۳: تعریف شده	سطح ۴: مدیریت شده	سطح ۵: بهینه شده
اهداف، ارزیابی و مدیریت برنامه ریسک امنیت سایبری	۱، الف			●			
ساختار راهبری ریسک امنیت سایبری						●	
دستورالعمل‌ها، فرآیندها و رویه‌های حفاظت از اطلاعات					●		
اطلاع‌رسانی‌ها و آموزش‌های آگاهی‌بخش درباره امنیت سایبری					●		
فناوری‌های حفاظتی (پیشگیری‌کننده) و تشخیصی (کشف‌کننده)	۲، الف			●			
برنامهریزی و اجرای پاسخ و بازیابی					●		
نظارت مستمر امنیت سایبری						●	

معیارهای رتبه‌بندی بلوغ
ناموجود فرآیندهای مدیریتی اصلاً به کار گرفته نمی‌شوند.
آغازین فرآیندها، موقت، موردی، ساختاریافته، نامعین و متغیر هستند.
تکرارپذیر فرآیندها از الگوی منظم، پیروی می‌کنند.
تعریف شده فرآیندها، مستندسازی و اطلاع‌رسانی (ابلاغ) می‌شوند.
مدیریت شده فرآیندها تحت نظارت و ارزیابی قرار می‌گیرند.
بهینه شده از بهترین رویه‌های عملی، پیروی شده و فرآیندها خودکار می‌شوند.
● بلوغ مشاهده شده
● دامنه هدف



آنچه اعضای هیأت مدیره درباره حسابرسی داخلی باید بدانند

وحید منتی
استادیارگروه حسابداری دانشگاه
شهید بهشتی

آنا خازن
دانشجوی دوره کارشناسی ارشد حسابداری
مدیریت، دانشگاه شهید بهشتی

می کند که حسابرسی داخلی چگونه می تواند خود را با انتظارات جدید به وجود آمده توسط حرفه، سازگار کند.

موضوع و تغییر اصلی ایجادشده در این ویراست نسبت به ویراست قبلی، تمرکز بر گزاره «ارزش افزایی» می شود. این «درخواست» از واحد حسابرسی داخلی وجود دارد تا ارزش پایدار را ایجاد کند، تکامل بخشد و برای ذینفعان خود حفظ کند. اصطلاح ارزش، تعاریف بسیاری دارد. آیا در کمک به سازمان برای دنبال کردن اولویت های راهبردی خود، به طور مؤثر و کارآمد، مشارکت می کند؟ آیا بر پشتیبانی از سازمان نسبت به نوآوری های کلیدی مانند محصولات جدید، ادغام ها و تحصیل ها، ابتکارات انتقال کسب و کار، تأکید دارد؟ آیا به طور یکسان اطمینان بخشی نسبت به رعایت قوانین و مقررات برون سازمانی و روبه ها و خط مشی های درون سازمانی، ارائه می کند؟ پاسخ به این پرسش ها به ماهیت و پیچیدگی ریسک هایی که سازمان ها با آنها روبه رو می شوند و همچنین میزان مواجه سازمان ها با این ریسک ها که نیاز به حسابرسی داخلی برای کمک به مدیریت و هیأت مدیره را ایجاد می کند، بستگی دارد.

نکته حائز اهمیت آنکه این مقاله برای ارکان راهبری، یا کمیته های ناظر بر کار حسابرسی داخلی تدوین شده است. اگرچه به طور معمول، این کمیته، کمیته حسابرسی است اما در شرکت های کوچک یا شرکت های خصوصی، ممکن است این مسئولیت به طور کامل در اختیار هیأت مدیره باشد.

از زمانی که نسخه اولیه «۲۰ پرسشی که اعضای هیأت مدیره باید درباره حسابرسی داخلی بپرسند» در سال ۲۰۰۴ منتشر شد، پیچیدگی مخاطرات جهانی که سازمان ها با آنها روبه رو هستند نیز اساساً تغییر کرده است. دلایل این امر شامل مسائل سایبری در حال رشد مانند امنیت، فناوری های تلفن همراه، شبکه های اجتماعی، ظهور داده های بزرگ، افزایش قوانین و مقررات، اقتصاد نامطمئن و شرایط سیاسی، تأکید بر توسعه پایدار، محیط و بلایای طبیعی مکرر می شود اما تنها به این موارد نیز محدود نمی شود. همه این موارد، منجر به افزایش انتظارات از واحد و عملکرد حسابرسی داخلی شده است. مدیران و هیأت مدیره باید از واحد حسابرسی داخلی خود انتظار داشته باشند تا با این محیط جدید خود را سازگار کنند. ۲۰ پرسشی اصطلاحی که اعضای هیأت مدیره باید درباره حسابرسی داخلی بپرسند، بر این چشم انداز در حال تغییر تمرکز می کند و به پرسش های بنیادی درباره نقش در حال تکامل وظایف حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک و تطبیق و ارائه پرسش های چالش برانگیز درباره ارزش آتی اشاره می کند که حسابرسی داخلی می تواند ارائه کند. پرسش ها و پاسخ های آن، به منظور تطابق با استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی برای اجرای حرفه ای حسابرسی داخلی و رهنمودهای عملی حسابرسی داخلی، طراحی شده اند. این پرسش ها به عنوان مبنایی برای گفت و گوی آگاهانه میان اعضای هیأت مدیره، مدیریت و واحد حسابرسی داخلی درباره مفاهیم اساسی فراهم



در ادامه مجموعه‌ای از مسئولیت‌های هیأت‌مدیره در ارتباط با حسابرسی داخلی، بیان می‌شود:

- منشور واحد حسابرسی داخلی را تصویب کند و به‌منظور اطمینان از اثربخشی، آن را به‌صورت دوره‌ای مورد بازنگری قرار دهند تا الزام و استقلال مناسب را ارائه کند.
- در انتصاب، ارزیابی، جایگزینی و تعیین پاداش و جبران خدمات مدیر واحد حسابرسی داخلی مشارکت داشته باشد.
- اطمینان یابند که روابط مستقیم و آزادانه‌ای با مدیر واحد حسابرسی داخلی وجود دارد.
- برنامه حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک را تصویب کنند، فرآیندهای مورداستفاده در توسعه برنامه را بررسی کنند و شناختی از این موضوع به دست آورند که چرا برخی از حوزه‌های حسابرسی بالقوه در برنامه مزبور، مدنظر قرار نگرفته‌اند؟

■ اطمینان یابند که حسابرسی داخلی، منابع و بودجه کافی به‌منظور اجرای برنامه حسابرسی را دارد.

■ مدیر واحد حسابرسی داخلی را ملزم کنند تا به‌طور منظم، نسبت به اجرای برنامه حسابرسی و نتایج فعالیت‌های حسابرسی داخلی، گزارش دهد و

■ از مدیر واحد حسابرسی داخلی بخواهند تا در جلسات کمیته حسابرسی شامل جلسات خصوصی به‌طور منظم شرکت کند. به‌علاوه، این موضوع مورد تأیید و توافق قرار می‌گیرد که مدیریت و اعضای هیأت‌مدیره، در تعیین راهبرد مناسب برای سازمان مسئولیت دارند و هیأت‌مدیره باید در نظر بگیرد که آیا می‌خواهد حسابرسی داخلی در طول این مباحث، حضور داشته باشد یا خیر؟ واحد حسابرسی داخلی پیش‌تاز و راهبر، می‌تواند به هیأت‌مدیره این اطمینان خاطر را بدهد که ریسک‌های حقیقی، در نظر گرفته و در مورد ارتباط آنها با راهبردهای پیشنهادی و هرگونه نتایج موفقیت‌های آن، بحث می‌شود. لازم است هیأت‌مدیره اطمینان یابد که حضور حسابرس داخلی، صرفاً به ارائه خدمات مشاوره‌ای او محدود می‌شود و عملاً در اتخاذ تصمیمات مختلف مشارکت نمی‌کند چراکه این موضوع می‌تواند استقلال و واقع‌بینی حسابرس داخلی را خدشه‌دار کند.

پرسش ۳- مدیر حسابرسی، چه راهبرد و فرهنگی را باید برای اداره واحد خود، اتخاذ کند؟

هیأت‌مدیره باید با مدیر واحد حسابرسی داخلی در خصوص توافق نسبت به مناسب‌ترین و باارزش‌ترین راهبردها و فرهنگ‌ها برای سازمان مشورت کند.

مدیر واحد حسابرسی داخلی مانند یک رهبر، مسئولیت شکل‌دهی راهبرد و فرهنگ واحد حسابرسی داخلی خود را بر عهده دارد. راهبرد، در این ماله، اشاره به گزاره ارزش‌افزایی دارد که واحد حسابرسی داخلی، در ارتباط با راهبرد و اهداف سازمان، ایجاد می‌کند و اینکه این ارزش، چگونه به‌طور مستمر و در طول زمان، حفظ می‌شود و بهبود می‌یابد. این راهبرد باید شامل موارد زیر باشد:

نگاه به آینده به‌منظور تعیین مربوطترین موضوعات و ریسک‌های احتمالی که ممکن است در تداخل با اهداف و راهبردهای سازمان باشد.	پیش‌بینی
جستجوی فعالانه بهترین شیوه‌های عملی برای بهبود مستمر مدیریت ریسک، کنترل‌ها و قابلیت‌های عملکرد واحد حسابرسی داخلی	بینش
اطمینان بخشی مستقل درباره کارایی و اثربخشی برنامه مدیریت ریسک و کنترل‌های جاری	ادراک

فرهنگ در این متن، اشاره به آرمان‌های مشترک، فلسفه و رفتار واحد حسابرسی داخلی دارد. عناصر مهم و حیاتی فرهنگی که هیأت‌مدیره در

الزام

پرسش ۱- آیا سازمان باید واحد حسابرسی داخلی داشته باشد؟

هیأت‌مدیره، پیچیدگی‌هایی را شناسایی می‌کند که انتظارات راهبری را افزایش می‌دهند، ریسک‌ها را پدید می‌آورند و قوانین و مقررات جدیدی به وجود می‌آورند که می‌توانند بر پاسخگویی آنان بیفزایند. خدمات اطمینان بخشی و مشاوره‌ای مستقل، می‌تواند در کمک به هیأت‌مدیره در ایفای مسئولیت‌های راهبری خود، نقش اساسی داشته باشد.

اگر شما عضو هیأت‌مدیره شرکت‌های سهامی عام هستید، این پرسش قطعاً و در سازمان شما، پرسشی قابل‌بحث است. اینکه آیا سازمان شما باید بدون واحد حسابرسی داخلی باشد، تصمیم برای ایجاد این قابلیت، ملاحظات مهمی برای شما، از منظر عملیاتی و راهبری است. حسابرسی داخلی می‌تواند به شما در ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌هایتان، با فراهم کردن اطمینان بخشی مستقل و واقع‌بینانه نسبت به کیفیت کنترل‌های حاکم بر ریسک‌ها در سازمان کمک کند. واحد حسابرسی داخلی، می‌تواند در مدیریت ریسک‌ها، فرآیندها و کنترل‌های مؤثر بر مقاصد و اهداف راهبردی کلیدی، کاهش بررسی‌های دقیق از سوی مراجع قانون‌گذاری به سازمان کمک کند و در صورت نیاز، به مدیریت در اطمینان بخشی نسبت به کنترل‌های حاکم بر گزارشگری مالی و ثقل یاری رساند.

اندازه و بلوغ سازمان شما، از عوامل مهمی هستند که باید مدنظر قرار گیرند، زیرا حسابرسی داخلی برای تمام سازمان‌ها، موردنیاز نیست. هیأت‌مدیره سازمان‌های کوچک‌تر، ممکن است بر این باور باشند که به‌واسطه نظارت موجود بر سازمان، اطمینان خاطر فراهم می‌شود. به‌عنوان نمونه، نظارت بر خود، نظارت مستقیم توسط مدیریت/مالک، امنیت سیستم اطلاعات و بررسی‌های ایمنی و سلامت، همگی شکل‌های بالقوه نظارت هستند؛ بنابراین، سازمان‌های کوچک‌تر، ممکن است سطح قابل‌قبولی از اطمینان ذاتی در ترتیبات مدیریت ریسک فعلی خود داشته باشند که دیگر نیازی به استقرار واحد حسابرسی داخلی، نداشته باشند. با این وجود، هیأت‌مدیره باید به‌صورت جدی، ارزش استفاده از خدمات مشاوره‌ای و اطمینان بخشی مستقل و واقع‌بینانه حسابرسی داخلی که به ایفای مسئولیت‌های راهبری او کمک می‌کند، در نظر بگیرد.

هیأت‌مدیره سازمان‌های کوچک در حال رشد، باید به ریسک‌های توسعه توجه داشته باشند و تعیین کنند که آیا می‌توانند از پشتیبانی خدمات مشاوره‌ای و اطمینان بخشی مستقل و واقع‌بینانه ارائه‌شده توسط حسابرسی داخلی، بهره‌مند شوند یا خیر؟ به‌عنوان نمونه، واحد حسابرسی داخلی به سازمان‌هایی کمک می‌کند که وارد بازارهای جدید برای ایجاد و توسعه خطوط جدید کسب و کار یا محصولات می‌شوند و خود را برای دورنمای ریسک افزایش‌یافته آماده می‌کنند و همچنین، این کار کرد، بینش لازم برای مدیریت را فراهم می‌کند، همان‌گونه که فرآیندها و کنترل‌های مرتبط، توسعه می‌یابند.

کسب و کارهای پیچیده، ممکن است با ریسک‌هایی مواجه شوند که مستلزم سطوح قوی‌تری از نظارت، پایش و خبرگی باشد. این کسب و کارها معمولاً، ترتیبات مدیریت ریسک پیچیده‌ای دارند که نیاز به داشتن واحد حسابرسی داخلی را ضروری می‌سازد تا طراحی، کارایی و اثربخشی محیط کنترلی آنها را آزمون کند.

پرسش ۲- نقش و وظیفه هیأت‌مدیره در ارتباط با حسابرسی داخلی چیست؟

هیأت‌مدیره باید درکی از آنچه داشته باشد که از حسابرسی داخلی می‌خواهد تا بتواند در موقعیتی قرار گیرد که ارتباط با این واحد را به حداکثر برساند.

واحد حسابرسی داخلی به دنبال آن خواهد بود، شامل این موارد است:

درستکاری و اصول اخلاقی	برنامه ریزی، اجرا و گزارش حسابرسی‌ها به شیوه‌ای بدون جانبداری و متعادل، ارتقای مسائل اخلاقی تا سطوح مناسب از مدیریت و هیأت‌مدیره در زمان لازم، ارائه نتایج و توصیه‌ها که دارای شواهد پشتوانه هستند.
تاکید بر ریسک	همسویی برنامه حسابرسی با برنامه‌های راهبردی و ریسک‌های مرتبط با آن و رویکردی پویا به‌منظور تعیین ارزش و اجرای حسابرسی‌ها که بیانگر ترتیبات سطوح ریسک کسب و کار هستند.
مقرون به صرفه بودن	بیشینه کردن نتایج و پیامدها با کمترین منابع (بودجه ثابت) از طریق اولویت بندی، الگوی منبع‌یابی مؤثر، فرآیندهای اثربخش حسابرسی و استاندارد کردن فرآیندها در جایی که امکان دارد.
کیفیت و نوآوری	به‌کارگیری مهارت‌های مناسب به‌منظور اجرای حسابرسی‌های دارای ارزش‌افزوده، فرآیندهای ارزیابی کیفیت قوی، اجرای حسابرسی‌ها با استفاده از مربوط‌ترین فناوری‌ها و شیوه‌های عمل در دسترس
فرهنگ خدمات و همکاری	کار با مشتریان (مالکان فرآیندها/کسب و کارها) به‌منظور تدوین راه‌حل‌های عملی و قابل‌اجرا

دنبال شواهدی است که نشان دهد فرآیندهای حسابرسی داخلی به‌منظور شناسایی، تأیید اعتبار و گزارشگری ریسک‌های مهم به مدیریت ارشد و هیأت‌مدیره، طراحی می‌شوند. حسابرسی داخلی باید خط‌مشی‌هایی را تدوین کند که این رفتارها را ارتقا می‌دهد و نظارت و آموزش مستمر را اجرا می‌کند. هیأت‌مدیره می‌تواند از طریق گفت‌وگو با مدیر واحد حسابرسی داخلی، همچنین، بررسی نتایج ارزیابی‌های کیفی برون سازمانی، درستکاری، واقع بینی و عملکرد حسابرسی داخلی را ارزیابی کند.

ارتباطات

پرسش ۵- حسابرسی داخلی چه نوع ارتباطی را باید با ذینفعان خود برقرار کند؟

هیأت‌مدیره باید نسبت به این موضوع رضایت داشته باشد که حسابرسی داخلی به‌منظور تحقق برنامه حسابرسی، روابط کاری مؤثر با مدیریت، حسابرسان مستقل و اشخاص ثالث دارد. حسابرسی داخلی باید بین نیازها و انتظارات تعدادی از ذینفعان، تعادل برقرار کند. فهرست ذینفعان اصلی حسابرسی داخلی در جدول زیر ارائه شده است:

ذینفع	ماهیت ارتباط با حسابرسی داخلی
هیأت‌مدیره/کمیته حسابرسی	کمیته حسابرسی هیأت‌مدیره، در صورت وجود، بیشترین مسئولیت را در نظارت بر حسابرسی داخلی و ارائه رهنمودها و هدایت آن، بر عهده دارد. مسئولیت‌های آن معمولاً شامل بررسی و تأیید الزامات حسابرسی داخلی و برنامه حسابرسی، اطمینان از تأمین منابع واحد حسابرسی داخلی به‌منظور ایفای مسئولیت‌های خود و حفظ فرهنگ درست، پشتیبانی از حسابرسی داخلی در امور مربوط به تعقل و حفظ ارتباط مستقیم و آزادانه با مدیر واحد حسابرسی داخلی، است. برای کمیته‌های حسابرسی اهمیت زیادی دارد که با حسابرسان داخلی در طول سال، ملاقاتی را حتی به‌صورت خصوصی داشته باشند، زیرا این کار استقلال حسابرسی داخلی از مدیریت را تقویت می‌کند، همچنین به آنان این فرصت را می‌دهد تا در خصوص مسائل حساس، بدون حضور مدیریت اجرایی، بحث کنند. افزون بر آن، به همان اندازه، مهم است که مدیر واحد حسابرسی داخلی و رئیس کمیته حسابرسی، به‌طور غیررسمی همدیگر را ملاقات کنند تا روابط خود را تقویت کنند. واحد حسابرسی داخلی پیشرو، در صورت لزوم، علاوه بر کمیته حسابرسی با سایر کمیته‌های هیأت‌مدیره (مانند کمیته ریسک، کمیته مالی، کمیته راهبری و غیره) نیز ارتباط برقرار می‌کند.
مدیریت صف/ ارشد (مدیر ارشد اجرایی، بالاترین مقام مالی و اعضای گروه اجرایی راهبری)	حسابرس داخلی برای انجام کار خود نیاز به همکاری و تشریک‌مساعی با مدیریت ارشد دارد. هیأت‌مدیره باید رضایت کافی پیدا کند که روابط کاری مؤثر بین مدیریت و حسابرسی داخلی وجود دارد. این روابط، احتمال این موضوع را افزایش می‌دهد که کار حسابرسی داخلی به مشاهدات و توصیه‌هایی منجر می‌شود که توسط کسب و کار ارزش‌گذاری می‌شوند و به فرهنگ بهبود مستمر راهبرد و فرآیندهای عملیاتی سازمان، از جمله مدیریت ریسک، کمک می‌کند.
مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی	واحد مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی، مدیریت را در شناسایی و مدیریت ریسک، یاری می‌رساند. هیأت‌مدیره باید اطمینان یابد که حسابرسی داخلی از خروجی‌های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی مناسب برای تدوین برنامه حسابرسی خود استفاده می‌کند. حسابرسی داخلی باید روابط قوی با گروه مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی، ایجاد کند. هرچند، حسابرسی داخلی به‌عنوان بخشی از مسئولیت نظارتی خود، باید نسبت به اثربخشی فعالیت‌های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی، برای هیأت‌مدیره و مدیریت ارشد، اطمینان لازم را ارائه کند.
سایر وظایف و واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی	حسابرسی داخلی باید از سایر واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی (مانند تطبیق، سلامت و ایمنی) استفاده کند و سطح انتظاری را تعیین کند که در زمان ایجاد پوشش حسابرسی داخلی مورد نیاز در این زمینه‌ها، می‌توانند مستقر شوند.
حسابرسان مستقل	حسابرسان مستقل، اثربخشی حسابرسی داخلی را به‌عنوان بخشی از ارزیابی‌های خود از محیط کنترلی و نظارت (از اجزای چارچوب یکپارچه کنترل‌های داخلی)، در نظر می‌گیرند. آنان همچنین ممکن است بر کار حسابرسی داخلی به‌منظور آزمون اثربخشی کنترل‌های داخلی، اتکا کنند.

پرسش ۴- حسابرسی داخلی، چگونه استقلال و واقع بینی خود را حفظ می‌کند؟

استقلال و واقع بینی، دو عنصر مورد نیاز هستند تا هیأت‌مدیره، کمیته حسابرسی و اشخاص برون سازمانی بتوانند بر کار انجام‌شده توسط حسابرسی داخلی، اتکا کنند. برای اینکه واحد حسابرسی داخلی بتواند به‌گونه‌ای مؤثر و کارا، نقش خود را ایفا کند، هیأت‌مدیره و مدیریت باید اطمینان داشته باشند که سطحی پایدار و فراگیر از استقلال و واقع بینی درون گروه، با منابع مشترک با منابع حسابرسی و در سراسر فعالیت‌های حسابرسی داخلی، وجود دارد.

انتظار از مدیر واحد حسابرسی داخلی و گروه حسابرسی داخلی:

هیأت‌مدیره انتظار دارد و درواقع به دنبال شواهدی است که نشان می‌دهد مدیر واحد حسابرسی داخلی، افرادی را استخدام کرده و رهبری می‌کند که وظایف خود را در هر کار، با حفظ واقع بینی، استقلال، شخصیت اخلاقی قوی، خلوص و انصاف انجام می‌دهند.

در استانداردهای ویژگی‌های شخصی، استاندارد شماره ۱۱۰۰ منتشرشده از طرف انجمن حسابرسان داخلی، استقلال به‌عنوان «... به معنای راهی از قیود و شروطی است که توانایی واحد حسابرسی داخلی را برای انجام غیرجانبدارانه مسئولیت‌هایش تهدید می‌کند» و واقع بینی به‌عنوان «... نگرشی ذهنی و بدون جانبداری است که به حسابرسان داخلی اجازه می‌دهد به‌گونه‌ای یک کار حسابرسی داخلی را انجام دهند که به نتیجه کار خود باور داشته باشند و کیفیت خدمات آنان، مورد مصالحه قرار نگیرد». آیا حسابرسی داخلی، انگیزه‌ای برای تحت تأثیر قرار گرفتن از سوی مدیریت در گزارشگری یافته‌های خود دارد؟ آیا مدیریت می‌تواند انتظارات ناپذیری داشته باشد؟ تدوین روابط رسمی و عملی گزارشگری از حسابرسی داخلی به هیأت‌مدیره، نشان دادن حمایت دائم و راهنمایی حسابرسی داخلی، به‌طور چشمگیری این‌گونه خطرات را کاهش می‌دهد.

منابع مشترک حسابرسی داخلی: هیأت‌مدیره باید انتظار داشته باشد و درواقع، علاوه بر ویژگی‌های پیش‌گفته برای گروه حسابرسی داخلی و فرآیندها، به دنبال شواهدی از ارائه‌کنندگان خدمات باشد که از تضاد منافع بین منافع صاحبکاران و مالکان خود، دوری می‌کنند. آیا ارائه‌کنندگان خدمات، یافته‌های خود را به‌منظور کسب درآمدهای جبران‌کننده و پیگیری شده سروسامان می‌دهند؟ هر چه حسابرسی داخلی در انتخاب ارائه‌دهندگان خدمات خود، مستقل تر باشد و هر چه از نزدیک تر مدیریت شوند، انگیزه و فرصت کمتری برای ارائه‌دهندگان خدمات به وجود می‌آید تا منافع خود را نسبت به منافع سازمان در اولویت قرار دهند.

فعالیت‌های حسابرسی داخلی: هیأت‌مدیره انتظار دارد و در واقع به



ارتباط قوی میان دو شخص، گفت‌وگوی سالم و صادقانه را ممکن می‌سازد.

مقاله منتشرشده از سوی بنیاد پژوهشی انجمن حسابرسان داخلی در سال ۲۰۱۳، با عنوان «کمیته حسابرسی و مدیر واحد حسابرسی داخلی، پایداری مشارکت راهبردی»، در خصوص اهمیت داشتن روابط صادقانه و آزادانه مدیر واحد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بحث می‌کند و چهار فرصت برای ارتقای این تعاملات مثبت ارائه کرده است:

- شرکت در برنامه‌های آموزشی
- برگزاری جلسات خصوصی که موردنظر مدیران ارشد حسابرسی داخلی و روسای کمیته‌های حسابرسی است.
- شرکت در گفتگوهای آزاد مستمر (عصرها یا پایان هفته)
- بازدید از سایت‌های تجاری برای تقویت درک متقابل از مسائل عملیاتی و تجاری

طراحی و منابع سازمانی

پرسش ۸- آیا واحد حسابرسی داخلی شما آن‌قدر آماده است تا در صورت نیاز، به‌طور مستمر بهبود یابد؟

واحد حسابرسی داخلی آینده‌نگر، به‌طور مستمر این پرسش را مطرح می‌کند که چه قابلیت‌هایی برای تحقق انتظارات آتی، موردنیاز است. هیأت‌مدیره نه‌تنها باید نسبت به راهبرد واحد حسابرسی داخلی اطمینان خاطر پیدا کند، بلکه باید تعیین کند که آیا واحد حسابرسی داخلی، به‌اندازه کافی در ارائه این قانون، چابک است یا خیر؟ هیأت‌مدیره باید به دنبال ویژگی‌های زیر در واحد حسابرسی داخلی باشد:

■ **چابکی:** همان‌طور که سازمان تغییر می‌کند، حسابرسی داخلی نیز باید تغییر کند. طراحی واحد حسابرسی داخلی باید پاسخگوی ریسک‌های جدیدی باشد که سازمان با آنها مواجه می‌شود، همان‌طور که رشد می‌کند و تکامل می‌یابد. به‌کارگیری نیروهای حسابرسی داخلی، به لحاظ خبرگی و تجربه باید متناسب با برنامه حسابرسی، همچنین نمایه ریسک سازمان باشد.

این کار با استخدام افراد مناسب آغاز می‌شود و بعدازآن می‌تواند به‌واسطه برنامه‌های آموزشی برای گروه حسابرسی اصلی، همچنین، توانایی استفاده از متخصصان داخلی/خارجی برحسب موضوع، در صورت نیاز، بهبود یابد. همچنین ضروری است که کارکنان دائمی حسابرسی داخلی در تمام سطوح، در طیف وسیعی از وظایف مشارکت داشته باشند تا به آنها در دستیابی به دیدگاه وسیع در مورد سازمان، کمک شود.

■ **توسعه کارکنان و موضوع خبرگی:** واحد حسابرسی داخلی با عملکرد بالا، از طریق چرخش کار و استفاده از حسابرسان مهمان (مأمور)، موفقیت بسیاری داشته است. تعیین چرخش کار، خارج از حسابرسی داخلی، به حسابرسان داخلی اجازه می‌دهد تا دیدگاه‌های خود را گسترش دهند و حرفه‌ای‌تر شوند. چرخش کار همچنین، ارتباط کاری تعاملی میان حسابرسی داخلی و بخش‌های تحت حسابرسی آنها را متبلور می‌سازد. تغییر حسابرسان غیر داخلی (اعزام‌شده از بخش‌های دیگر) به حسابرسان داخلی، فرصت‌هایی را برای آنها فراهم می‌کند تا تجربه و دانش خود را گسترش دهند و فرصتی برای تقدیر از مشارکت و کار حسابرسی داخلی فراهم می‌کند. حسابرسان مهمان، اغلب برای موضوعات تخصصی بکار گماشته می‌شوند، هرچند، یافتن اشخاصی مستقل از بخش‌های تحت رسیدگی، ضروری است.

■ **بهبود مستمر:** آیا حسابرسی داخلی، خود را به‌منظور بهبود مربوط بودن، اثربخشی و کارایی کار خود، ازجمله تعامل با ذینفعان مختلف و حمایت از آنان، به چالش می‌کشد؟ همچنین، زمانی که حسابرسی

حسابرسی داخلی، اغلب به دلایل رقابتی، ملزم به مدیریت تعدادی از روابط هستند. مدیر واحد حسابرسی داخلی باید به نحو مطلوب، میان این انتظارات و نیازها، تعادل برقرار کند و به‌صورت دوره‌ای عملکرد حسابرسی داخلی را در ارتباط با آنها، ارزیابی کند.

پرسش ۶- حسابرسی داخلی به چه کسی باید گزارش دهد؟

استقلال حسابرسان داخلی اعم از استقلال واقعی یا استقلال ظاهری، زمانی به بهترین شکل خود خواهد بود که آنان، گزارش‌های خود را طبق وظایفشان به هیأت‌مدیره یا کمیته حسابرسی هیأت‌مدیره ارائه کنند. استقلال حسابرسی داخلی از مدیریت، برای انجام الزامات آن، به‌منظور ارائه اطمینان معقول نسبت به فعالیت‌های حاکمیت شرکتی، ریسک و کنترلی حائز اهمیت است.

انجمن حسابرسان داخلی، در رهنمودی در خصوص حفظ استقلال، این مطلب را ارائه می‌کند که این کار که مدیر حسابرسی داخلی، از لحاظ عملیاتی به هیأت‌مدیره و از لحاظ اداری (اجرایی) به مدیریت گزارش می‌دهد، شیوه عمل خوبی است.

ارتباط گزارشگری عملکرد با هیأت‌مدیره، به هیأت‌مدیره اجازه می‌دهد تا در تصمیمات اساسی مانند تصویب برنامه‌بودجه حسابرسی داخلی و تعیین میزان پاداش و انتصاب یا برکناری مدیر واحد حسابرسی داخلی، مشارکت کند.

حسابرسی داخلی، مسئولیت مشارکت دادن هیأت‌مدیره با تصمیمات کلیدی در خصوص افراد، فرایندها، فناوری و ساختارهای عملکردی و ارائه یافته‌های بااهمیت حسابرسی را به عهده دارد. سایر کمیته‌های هیأت‌مدیره ممکن است تمایل داشته باشند تا به‌صورت دوره‌ای از حسابرسی داخلی گزارش دریافت کنند که می‌تواند شامل کمیته ریسک در خصوص پوشش ریسک‌های عملیاتی قابل‌اجرا باشد.

رهنمودهای انجمن حسابرسان داخلی، هنگام تعیین ارتباط گزارشگری اجرایی حسابرسی داخلی، اصطلاح «هرچه بالاتر، بهتر» را ارائه می‌کند. رایج‌ترین رابطه گزارشگری اجرایی مدیر ارشد حسابرسی (مطابق شیوه عملی توصیه‌شده) با مدیرعامل، مدیر ارشد قانونی و سپس بالاترین مقام مالی است. شخصی که مدیر حسابرسی داخلی، از نظر اجرایی به او گزارش می‌کند، می‌تواند تأثیر مهمی بر جایگاه حسابرسی داخلی و تأثیر عملکرد درون سازمان داشته باشد. رابطه گزارشگری با مدیرعامل می‌تواند در مشاوره و کار با بخش‌های عملیاتی همسو با راهبرد سازمان، از این عملکرد بهره‌مند شود.

رویه‌های حاکمیتی خوب مدعی این هستند که مراقبت لازم به‌منظور اطمینان از این موضوع باید صورت گیرد که استقلال و واقع‌بینی حسابرسی داخلی می‌تواند با وجود رابطه گزارشگری اداری نیز حفظ شود.

رابطه گزارشگری اجرایی با مدیریت، حائز اهمیت است زیرا حسابرسی داخلی را قادر می‌سازد تا به‌صورت روزانه و بدون دخالت اعضای هیأت‌مدیره، با مدیریت ارشد اجرایی ارتباط برقرار کند و این ارتباطات موجب می‌شود که حسابرسان داخلی به‌عنوان مشاوران قابل‌اعتماد برای مدیران و همکار آنها تلقی شوند.

پرسش ۷- هیأت‌مدیره چگونه ارتباط خود با مدیر واحد حسابرسی داخلی را بهینه می‌کند؟

ارتباط بین رئیس هیأت‌مدیره و کمیته حسابرسی و مدیر واحد حسابرسی داخلی، برای حسابرسی داخلی حائز اهمیت است تا ارزش خود را در نگاه هیأت‌مدیره بیشینه سازد.

داخلی کار خود را انجام می دهد و به هیأت مدیره در خصوص ارزیابی های داخلی و خارجی، گزارش می دهد، این علامت خوبی از این موضوع است که آنها، در تلاش برای بهبود هستند. الگوبرداری درون صنعتی یا از سایر گروه های حسابرسی داخلی، می تواند منبع خوبی برای بهترین شیوه های عملی و فرصت های به اشتراک گذاری با رهبران و کمیته حسابرسی باشد.

سازمان ها ممکن است از کارکنان پاره وقت، پیمانکاران و تمهیدات برون سپاری به جای استخدام گروه تمام وقت، به منظور تعیین مقیاس واحد حسابرسی داخلی نسبت به اندازه سازمان، استفاده کنند.

پرسش ۹- مدیر واحد حسابرسی داخلی، چه صلاحیت هایی باید داشته باشد؟

مدیر واحد حسابرسی داخلی باید رهبری درستکار و شجاع باشد، حضور اجرایی مؤثر، شناخت قوی از کسب و کار و تمایل به یادگیری داشته باشد، در مدیریت کردن انتظارات، توانمند؛ تأثیرگذار و برقرارکننده ارتباطات مؤثر باشد.

صلاحیت ها و شایستگی های سنتی مدیر ارشد اجرایی، به طور معمول بر رهبری قوی، مهارت های ارتباطات میان فردی، سازمانی و تحلیلی، تأکید دارد. مدیران ارشد اجرایی (مدیران حسابرسی داخلی)، نقش الگو برای گروه حسابرسی داخلی خود را دارند و کار خود را با توجه به نحوه عمل بخش های خود و تعامل با هیأت مدیره و باقی سازمان، تنظیم می کنند.

انسان می داند که قدرت و اثربخشی گروه های آنها، برای موفقیت بخش آنها حیاتی است، بنابراین، گروهی مناسب را تشکیل می دهند و مهارت های ارتباط بین فردی برای ایجاد انگیزه را دارند و به افراد اختیار می دهند تا در دستیابی به اهداف حسابرسی داخلی، موفق شوند. مدیران ارشد اجرایی حسابرسی امروزی، علاوه بر صلاحیت ها و ویژگی های پیش گفته، توانایی توسعه یافته برای مدیریت دو نقش اطمینان بخشی و مشاوره ای سنتی را نیز دارند. مدیریت هر دو نقش، نیازمند مهارت فروشنده، سیاستمداری، تواضع، جرات و توانایی کسب اعتماد و احترام از سوی ذینفعانی است که با آنان کار می کنند. آنان همچنین، منعطف و واکنشی هستند و تشخیص می دهند که واحد حسابرسی داخلی باید به طور مستمر بررسی و ارزیابی شود تا مشخص شود که آیا این واحد با ریسک های جدید و تغییرات سازمانی، همسو است یا خیر؟

هیأت مدیره باید به دنبال شخصی باشد که نه تنها در واحد خود، بلکه در سراسر سازمان به عنوان یک مجموعه، رهبر باشد. در این موارد، هیأت مدیره باید پافشاری کند که مدیریت شامل مدیر واحد حسابرسی داخلی، در هر نوع از جلسات یا مباحث راهبردی/برنامه ریزی/راهبردی، به حسابرسی داخلی اجازه دهد تا به مسائل روز و نوظهور توجه داشته باشد و آنها را بر اساس اثراشان، اولویت بندی کند (از خود بپرسید که آیا مدیر حسابرسی داخلی من، حضور اجرایی مناسبی دارد؟).

پرسش ۱۰- امروزه، چه قابلیت های جدیدی منجر به پیشرفت واحد حسابرسی داخلی می شوند؟

ریسک های نوظهور و بهترین روند شیوه های عملی حسابرسی داخلی، باید تعیین کند که گروه حسابرسی داخلی شما، باید در چه قابلیت هایی، مانند مهارت تجزیه و تحلیل داده ها و دانش امنیت سایبری، سرمایه گذاری کند.

برای واحد حسابرسی داخلی، ضروری است که مهارت های خود (روند صنعت، ارائه دهنده خدمات/محصولات جدید، مشارکت های

جدید کسب و کار) را به طور مستمر و همگام با چالش های پیش روی سازمان های خود، توسعه دهند و به روز کنند.

کسب مهارت های مناسب، به نمایه ریسک سازمان و برنامه ها/راهبردهای توسعه یافته حسابرسی شما به منظور ارائه اطمینان به هیأت مدیره نسبت به کنترل های مستقر به منظور کاهش ریسک ها به سطحی قابل قبول، بستگی دارد.

همسو بودن این مهارت های کسب شده با موارد مورد نیاز برای اجرای موفق برنامه حسابرسی، حیاتی است.

واحد حسابرسی داخلی راهبر، کارکنانی را با پیشینه و تجربه های حرفه ای متفاوت، استخدام می کند تا عملیات و قسمت های پر ریسک شرکت (به عنوان نمونه، مهندسان، اکچوئرها، فناوری اطلاعات، مراقبت های بهداشتی) را با یکدیگر پیوند دهد.

قبل از تصویب برنامه حسابرسی، هیأت مدیره باید بپرسد که آیا مهارت های موجود در واحد حسابرسی داخلی، برای اجرای موفق برنامه حسابرسی، کافی هستند یا خیر؟

قابلیت های جدید مانند تجزیه و تحلیل داده ها در واحد حسابرسی داخلی برای آزمون های حسابرسی ویژه، نظارت و حسابرسی مستمر و تجزیه و تحلیل پیش بینی ها، بسیار شناخته شده هستند. همان طور که فناوری و نرم افزار، پیچیده تر و کاربرپسندتر می شوند، استفاده از تجزیه و تحلیل داده ها، رو به رشد است.

واحد حسابرسی داخلی، یا خود، کارشناس داخلی تجزیه و تحلیل داده ها دارد یا این قابلیت را به شخص ثالث، برون سپاری می کند.

سازمان ها همچنین، در جستجوی قابلیت های بیشتر در حسابرسی داخلی به منظور حمایت از فناوری اطلاعات و امنیت سایبری، هستند. برخی از ریسک های کلیدی مرتبط با این موضوع، حمله های سایبری هستند که در عملیات تجاری اختلال ایجاد می کند یا منجر به نقض حریم خصوصی یا اطلاعات محرمانه می شود.

هر اداره حسابرسی داخلی، باید به طور مستمر بپرسد که چه قابلیت هایی برای نشان دادن ریسک های نوظهور، مورد نیاز است.

پرسش ۱۱- اولویت های اصلی در برنامه حسابرسی داخلی کدامند؟

استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی الزام می کنند که برنامه حسابرسی باید مبتنی بر ریسک باشد، از این رو ریسک حسابرسی داخلی، پایه و اساس هر برنامه حسابرسی است.

برنامه حسابرسی باید با اهداف راهبردی سازمان شما، همسو باشد تا اطمینان حاصل شود که حسابرسی های مناسب با دامنه مناسب در حال اجرا هستند.

این همسویی به حسابرس داخلی کمک خواهد کرد تا این اطمینان را به هیأت مدیره بدهد که ریسک های مؤثر بر موفقیت این اهداف، به طور مناسبی کاهش می یابند. استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی الزام می کنند که برنامه حسابرسی باید مبتنی بر ریسک باشد، از این رو، ریسک حسابرسی داخلی، پایه و اساس هر برنامه حسابرسی است.

حسابرسی داخلی، حداقل باید شناختی از ریسک های کلیدی سازمان (فعلی و نوظهور) به دست آورد که برای سازمان، خاص هستند و ریسک هایی که به طور ذاتی در صنعت مربوطه وجود دارند. هیأت مدیره باید اطمینان یابد که حسابرسی داخلی از خروجی های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی در تدوین برنامه حسابرسی خود، استفاده می کند.

ورودی هایی که حسابرسی داخلی باید در تدوین برنامه حسابرسی داخلی، در نظر بگیرد تا پوششی نسبت به ریسک های کلیدی، در طول بازه زمانی معقول، فراهم کند.

داشتن راهبرد چندساله (حداکثر ۳ سال) است که شامل برنامه حسابرسی ۱۲ تا ۱۸ ماهه است. راهبرد و برنامه، هر دو به‌طور مستمر از طریق فرآیند ارزیابی ریسک مستمر، به‌روز می‌شود تا حسابرسی داخلی در برابر ریسک‌ها و مسائل نوظهور، پاسخ دهد. همان‌طور که داشتن بودجه برای حسابرسی داخلی، رایج است، باید تصمیم‌گیری شود که کدام ریسک‌ها/زمینه‌ها باید حسابرسی شوند.

به همین دلیل، برنامه نه‌تنها باید دامنه حسابرسی را تعیین کند بلکه باید به هیأت‌مدیره هشدار دهد که برنامه حسابرسی در نظر گرفته‌شده، چرا برخی از حوزه‌ها و ریسک‌ها را در نظر نگرفته است.

همچنین هرگونه خارج شدن از برنامه مصوب اولیه (در نظر گرفتن موارد خارج از برنامه) باید به همراه دلایل به اطلاع هیأت‌مدیره برسد. هیأت‌مدیره باید برنامه حسابرسی و هرگونه تغییرات بعدی آن را تأیید کند.



پرسش ۱۲- حسابرسی داخلی باید بر کار سایر ارائه‌کنندگان خدمات اطمینان بخشی، اتکا کند؟

همانگی با و اتکا بر کار سایر ارائه‌کنندگان خدمات اطمینان بخشی، از تکرار تلاش‌ها می‌کاهد، خستگی حسابرسی را حداقل می‌کند و ابزاری برای به اشتراک گذاری بهترین شیوه‌های عملی و بینش ارزیابی ریسک ارائه می‌کند. سازمان‌ها به‌طورمعمول، تعدادی ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی علاوه بر حسابرسی داخلی دارند که شامل گروه‌های رعایت قوانین و مقررات (تطبیق)، واحد مدیریت کیفیت، گروه‌های کنترل داخلی که کنترل‌ها (حاکم بر گزارشگری مالی) را ارزیابی می‌کنند و گروه‌های راهبری فناوری اطلاعات می‌شود. این گروه‌های کاری ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی، منبع خوبی از بینش نسبت به ارزیابی ریسک و کشف مستمر راه‌های مؤثر ارائه خدمات مشاوره‌ای و اطمینان بخشی هستند. نمونه‌هایی از این گروه‌های کاری ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی که حسابرسی داخلی می‌تواند با آنها همکاری کند و البته به این گروه‌ها محدود نمی‌شود شامل راهبری فناوری اطلاعات (از جمله امنیت سایبری)، ایمنی، سلامت، محیط؛ امنیت؛ بیمه؛ قانون و آیین رفتار اخلاقی و مدیریت ریسک پروژه است.

عنصری که باید به‌عنوان بخشی از فرآیند اطمینان بخشی باشد شامل موارد زیر است (رهنمود عملی انجمن حساب‌رسان داخلی - اتکا از سوی حسابرسی داخلی نسبت به سایر ارائه‌کنندگان خدمات اطمینان بخش، دسامبر ۲۰۱۱):

انتشارات صنعت	مرور اجمالی بر روندها و توسعه‌های قانونی
مصاحبه با هیأت‌مدیره و مدیریت ارشد	کسب دیدگاه آنان نسبت به نوآوری‌های راهبردی، ریسک‌های همراه آن و فرو کاستن ریسک‌ها
رویه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های کسب و کار	بررسی این مستندات به‌منظور اجرای کنترل‌ها و فرآیندهای توصیف‌شده توسط مدیریت ارشد
ریسک بنگاه اقتصادی	کسب اطلاعات نسبت به ریسک‌های راهبردی عمده که توسط گروه مدیریت ارشد، شناسایی و مدیریت می‌شوند.
سایر واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی	سایر واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی باید موردتوجه قرار گیرند، با تکیه بر تلاش‌های آنان در مقابل حسابرسی‌های داخلی در بخش‌هایی که تحت پوشش آنان است.
برنامه راهبردی	این مورد، نقطه شروعی را فراهم می‌کند، همان‌طور که برنامه راهبردی، هدف و جهت سازمان را روشن می‌سازد که بمنوبه خود، ریسک‌های مرتبط و پاسخ‌های به این ریسک‌ها را تعیین می‌کند که باید توسط حسابرسی داخلی ارزیابی شوند.

هدف	استقلال و واقع‌بینی	صلاحیت	عناصر شیوه عملی	انتقال نتایج و آموزش
ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی، به‌طور مشخص، هدفمند است و متعهد به ارائه اطمینان نسبت به ریسک‌های خاص است بنابراین، کار آنان مرتبط با اهداف و دامنه حسابرسی داخلی است.	قضاوت حرفه‌ای اطمینان‌دهنده، بدون غرض‌ورزی و بدون دخالت دیگران است.	ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی، تخصص فرایند سازمانی، سطح آموزشی، تجربه حرفه‌ای، گواهینامه‌های حرفه‌ای مربوط، آموزش مستمر و اعتبار مناسب برای قضاوت سالم دارد.	ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی، در عمل، رویه‌ها، برنامه‌ها و خط‌مشی‌های مناسبی را تدوین و دنبال می‌کند. کار اطمینان‌بخشی، به‌خوبی برنامه‌ریزی، نظارت، مستند و بررسی می‌شود. در نهایت، نتایج، مبتنی بر شواهد متقاعدکننده کافی برای پشتیبانی از سطح اطمینان‌بخشی هستند.	ارائه‌کننده خدمات اطمینان بخشی، نتایج را به مدیریت به‌منظور اتخاذ اقدام مناسب، اطلاع‌رسانی می‌کند. ضعف‌ها و نقص‌هایی که گزارش می‌شوند که مستقیماً مسئول اتخاذ عمل مناسب است و به‌عضوی از مدیریت که مسئولیت‌های نظارتی دارد.

به محض اینکه فهرست ارائه دهندگان خدمات اطمینان بخشی مشخص شد، دامنه کار هر ارائه کننده خدمات اطمینان بخشی، باید در برنامه حسابرسی داخلی، در نظر گرفته شود. این کار باید هر سال هم زمان با تدوین برنامه حسابرسی، به هیأت مدیره ارائه شود تا هیأت مدیره بتواند تعیین کند که چگونه عملکردهای متنوع حسابرسی و رعایت، در چارچوب اطمینان بخشی، ریسک و راهبری شرکتی کلی شرکت، ادغام شده اند.

پرسش ۱۳- حسابرسی داخلی چگونه ریسک های نوظهور یا در حال تغییر را پیش بینی و تعدیل می کند؟

حسابرسی داخلی باید به صورت مداوم، مدیریت ارشد و سایر ذینفعان درون سازمانی و برون سازمانی را درباره نوآوری ها، پروژه ها، روندهای برون سازمانی و بهترین شیوه های عملی در جریان قرار دهد. سازمان ها، طیف گسترده ای از محرک های داخلی و برون سازمانی ریسک را هدایت می کنند که می تواند شامل موارد زیر باشد:

- اخلاص در کسب و کار یا از بین رفتن داده ها به دلیل حمله های سایبری؛
- تعریف های مالی مهم به دلیل تغییرات در سازوکارهای حاکمیت شرکتی؛
- وقوع ریسک های درباره اعتبار و شهرت و اعمال جریمه ها در ارتباط با الزامات قانونی جدید؛
- از دست دادن درآمد به خاطر واحدهای تجاری، محصولات و خدمات رقابتی؛
- کاهش رتبه اعتباری به دلیل شرایط اقتصادی؛
- مسائل قانونی و مقرراتی به دلیل ادغام و تحصیل خصوصیت آمیز؛
- هزینه های اضافی به دلیل تغییرات به عمل آمده مانند اجرای سیستم جدید برنامه ریزی منابع بنگاه اقتصادی؛
- زبان مالی مرتبط با پروژه های سرمایه ای بزرگ؛
- هزینه های گزاف به دلیل رویدادهای محیطی و آب و هوایی؛
- از دست دادن تقاضا به دلیل تغییر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی؛
- از دست دادن سهم بازار به دلیل تغییرات فناوری و نوآوری های رقابتی؛
- هزینه افزایشی مرتبط با تغییرات سیاست ها و راهبری؛
- از بین رفتن حاشیه سود به دلیل وابستگی به تغییر قیمت کالاها، نفت و گاز و سایر ورودی ها؛

هیأت مدیره باید خشنود باشد که حسابرسی داخلی، در حال پیش بینی چنین ریسک ها و در نظر گرفتن تأثیر آنها بر اهداف، راهبردها، برنامه حسابرسی، ساختار و منابع است. حسابرسی داخلی باید به صورت مداوم، مدیریت ارشد و سایر ذینفعان درون سازمانی و برون سازمانی را درباره نوآوری ها، پروژه ها، روندهای برون سازمانی و بهترین شیوه های عملی در جریان قرار دهد. هیأت مدیره، همچنین می تواند در اطلاع رسانی به حسابرسی داخلی درباره هرگونه تغییر با اهمیت پیش بینی شده در افق برنامه ریزی، نقش مهمی ایفا کند. هیأت مدیره ممکن است به محض آگاهی از این تغییرات، بخواهد تا با مدیر واحد حسابرسی داخلی در خصوص تغییرات بالقوه در برنامه حسابرسی، بحث و گفتگو کند.

پرسش ۱۴- مدیریت چگونه باید در خصوص ارائه / حل و فصل یافته های حسابرسی، پاسخگو باشد؟

مدیریت همواره اولین خط دفاعی برای جلوگیری، کشف و واکنش به ریسک است و بنابراین، آنان باید انتظار توصیه های بهبود هر چه سریع تر کنترل ها را از سوی حسابرسی داخلی داشته باشند.

حسابرسی داخلی مسئول تدوین برنامه نظارت و گزارش نسبت به وضعیت برنامه های اقدام مدیریت بر اساس یافته های حسابرسی است. این کار می تواند از طریق بازرسی های دوره ای و اجرای حسابرسی های بعدی، صورت گیرد. نتیجه اینکه حسابرسی داخلی فرصت آزمون اقدامات چهار ساز را به جزئیات دارد و می تواند شواهدی را برای پشتیبانی از انجام برنامه های اقدام و تکمیل مناسب آنها از سوی مدیریت، جمع آوری کند. نتایج این اقدامات بعدی باید به

هیأت مدیره گزارش شود. هیأت مدیره باید تعیین کند که آیا مدیریت در تدوین و تکمیل برنامه های اقدام به منظور کاهش ریسک های موجود در یافته های حسابرسی داخلی، مشارکت می کند یا خیر. وضعیت برنامه های باز اقدام باید گزارش شوند.

همچنین، برنامه های گذشته با اهمیت اقدام، با حامیان، ضرب الاجل ها و دلایل تأخیر باید به هیأت مدیره در هر جلسه، گزارش شود. زمانی که مدیریت طبق برنامه زمان بندی پاسخ نمی دهد، هیأت مدیره ممکن است از حامی اجرایی بخواهد تا برنامه اقدامات اصلاحی و به روز شده را ارائه دهد. داشتن نقش فعال برای پاسخگو کردن مدیریت، تعهد هیأت مدیره را برای اقدامات اصلاحی، تقویت می کند و این پیام را به مدیریت می دهد که حل و فصل یافته های حسابرسی، حائز اهمیت است.

مواردی خاصی وجود دارد که مدیریت ممکن است تصمیم بگیرد که هیچ گونه اقدام اصلاحی در ارتباط با یافته های حسابرسی انجام ندهد. در این موارد، حسابرسی داخلی باید مستند کند که مدیریت ارشد، ریسک ها را می شناسد، درک می کند و سپس آن را به هیأت مدیره اطلاع رسانی کند.

پرسش ۱۵- حسابرسی داخلی چگونه باید نگرانی ها از سوء رفتار مدیریت (و حتی هیأت مدیره) را حل و فصل کند؟

به مدیر واحد حسابرسی داخلی، اغلب به عنوان رهبری مستقل اتکا می شود، کسی که در عمل به هیأت مدیره گزارش می دهد تا بازرسی های انجام شده درباره تقلب را رهبری یا پشتیبانی کند. این شامل نگرانی های مربوط به مدیریت و هیأت مدیره نیز می شود.

هیأت مدیره باید این موضوع را یادآور شود که اگرچه حسابرسی داخلی مسئول در نظر گرفتن خطر تقلب در زمان اجرای کار حسابرسی در بخش هایی است که احتمال تقلب وجود دارد و باید کنترل های مربوط را آزمون کند، اما در حقیقت، مدیریت مسئول جلوگیری یا کشف تقلب است؛ اما اگر مدیریت، خود نیز در تقلب مشارکت داشته باشد آنگاه چه کار باید کرد؟

هیأت مدیره باید اهمیت آگاه بودن از هرگونه فعالیتی را که بیانگر سوء رفتار مدیریت اجرایی است، تصریح کند. زمانی که رابطه صریح و روشنی میان مدیر واحد حسابرسی داخلی و هیأت مدیره وجود دارد که با تعاملات رسمی و غیررسمی از جمله جلسات خصوصی، به طور مداوم بهبود یافته است، این اطلاع رسانی راحت تر صورت می گیرد. به علاوه، هیأت مدیره باید پروتکل هایی را تدوین کند که در زمانی که یافته ها یا موضوعات حساس، مورد توجه حسابرسان داخلی قرار می گیرد، از مدیر واحد حسابرسی داخلی و حسابرسان داخلی حمایت کند. در زمان دریافت هشدار، باید از مدیر ارشد حسابرسی درباره جزئیات پیش زمینه برای تعیین گام های بعدی مورد نیاز زیر، پرسش های زیر، پرسش شود:

۱	منبع چه قدر قابل اعتماد است؟ آیا حسابرسی داخلی مستقیماً سو، رفتار را مشاهده یا کشف کرد؟
۲	برای اطمینان، چه روش هایی باید توسط حسابرسی داخلی اجرا شود؟
۳	آیا حسابرسی داخلی باید پیشنهاد دهد که بازرسی های لازم صورت گیرد؟
۴	آیا رفتار، مغایر با آیین رفتار و اخلاق سازمانی است؟
۵	عمق سو، رفتار چه قدر است و ماهیت بالقوه آن چیست؟
۶	نقش مدیریت ارشد (یا حتی هیأت مدیره) در فعالیت چیست؟ (مشخص می کند که آیا حسابرسی داخلی باید بدون در نظر گرفتن مدیریت، مستقیماً به هیأت مدیره یا مقامات ذی صلاح برون سازمانی، مکاتبه کند؟)

حسابرسی داخلی پس از تعیین گام های بعدی، می تواند برای هماهنگی فعالیت های بازرسی، شامل جریان اطلاعات و حفظ مزیت مورد استفاده قرار گیرد و بستگی به این دارد که چه اشخاص یا سطوحی از مدیریت ارشد در فعالیت های مشکوک، مشارکت داشته اند.

گزارشگری / اطلاع رسانی نتایج کار

پرسش ۱۶- حسابرسی داخلی باید چه مواردی را در گزارش های فصلی به هیأت مدیره، اطلاع رسانی کند؟

واحد حسابرسی داخلی راهبرانه، موضوعات و اطلاعات را به شیوه ای مختصر، واضح و اولویت بندی شده، ارائه می کند.

محتوای گزارش باید در قالب خلاصه اجرایی با مضامین و گرایش های مرتبط با راهبردهای کلیدی و قسمت های پر ریسک سازمان، ارائه شود. واحد حسابرسی داخلی معمولاً به هیأت مدیره، حداقل به صورت فصلی گزارش می دهد. اقلام گزارش شده می تواند شامل موارد زیر باشد:

■ مشاهدات و یافته ها: مشاهدات و یافته های با اهمیت (به همراه برنامه های اقدام مدیریت به منظور اصلاح یافته ها) از حسابرسی های داخلی تکمیل شده باید اولویت بندی و به هیأت مدیره گزارش شود. این کار باید ورای استثنائات صورت گیرد، همان گونه که هیأت مدیره باید خواستار اطمینانی شود که فعالیت های کلیدی مطابق هدف، در حال انجام هستند، کنترل ها به خوبی طراحی می شوند و ریسک ها، به طور معقولی مدیریت می شوند. فرآیند برنامه اقدام مدیریت به همراه مشاهدات و یافته های پیرامون ریسک های مهم و دارای اولویت باید در موعد مقرر، گزارش شوند.

■ معیارهای اندازه گیری عملکرد/ کارت ارزیابی متوازن: شناخت اهداف و اختیارات حسابرسی داخلی و نحوه عملکرد آنها، حائز اهمیت است. حسابرسی داخلی باید بر اساس معیارهایی گزارش کند که با اختیارات آنها در هر جلسه هیأت مدیره همسو است. واحد حسابرسی داخلی راهبر، رویکرد کارت ارزیابی متوازن را بکار می برد، عملکرد را نسبت به برنامه حسابرسی، مدیریت شیوه های عملی حسابرسی داخلی، توسعه افراد و انتظارات ذینفعان، گزارش می کند.

■ الزامات ارزیابی ریسک، برنامه حسابرسی داخلی و تأمین منابع: حسابرسی داخلی مسئول ارائه برنامه حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک به هیأت مدیره است که اولویت های سازوکار سازمان و پوشش اطمینان بخشی در سراسر سازمان، همچنین منابع مورد نیاز برای تکمیل برنامه را تنظیم می کند. برنامه حسابرسی باید شامل کارهای مشاوره ای پیش بینی شده باشد. هیأت مدیره ملزم به تأیید برنامه و منابع آن است. حسابرسی داخلی اغلب، بینشی را برای سایر فعالیت های مدیریت ریسک و اطمینان بخشی در سراسر سازمان ارائه می کند تا چشم انداز وسیع تری را از اطمینان نسبت به ریسک های کلیدی سراسر سازمان، فراهم کند.

■ نوآوری های مدیریت شیوه های عمل: مدیریت شیوه های عمل، اشاره به تمام فعالیت هایی دارد که حسابرسی داخلی متعهد به اجرای اختیار خود و بهبود مستمر به عنوان واحد اطمینان بخشی راهبر، باشد. این کار شامل زمان بندی و برنامه ریزی، اجرای نرم افزارهای حسابرسی و فناوری ها، آموزش و توسعه و استخدام تأمین منابع می شود.

■ درخواست های مدیریت: از حسابرسی داخلی اغلب خواسته می شود که از مدیریت چه در قالب مشاوره و چه از طریق ارائه خدمات اطمینان بخشی در الگوی سنتی حسابرسی داخلی حمایت کند تا از این طریق به مدیریت کمک کند تا در قبال تقلب ها، خرابی کیفیت، حوادث سلامت و ایمنی، ادغام ها و تحصیل ها، واگذاری ها و سایر موقعیت هایی پاسخگو باشد که در طول سال باعث فشار بر منابع مدیریت می شود. قبل از انجام هرگونه اقدام نسبت به چنین درخواست هایی از سوی مدیریت، حسابرسی داخلی باید ریسک مرتبط با این موضوع و اثر آن را بر برنامه حسابرسی خود در نظر بگیرد. این کار برای هیأت مدیره سودمند است تا از چنین اقداماتی آگاه باشد.

■ فعالیت افشاگرانه و سوء رفتار بالقوه مدیریت: حسابرسی داخلی، اغلب مسئول انجام برخی فعالیت های افشاگرانه از جمله دریافت و ارجاع شکایات به مقامات ذی صلاح است که شامل هیأت مدیره برای اتهامات جدی تر می شود.

■ تضمین کیفیت: استانداردهای حسابرسی داخلی انجمن حسابرسان

داخلی، ارزیابی های برون سازمانی از کار واحد حسابرسی داخلی را حداقل هر پنج سال یکبار و بررسی های درون سازمانی را حداقل هر ساله، الزامی می کند. این استانداردها همچنین، مدیر واحد حسابرسی داخلی را ملزم می کند تا نتایج فعالیت های بهبود و تضمین کیفیت مرتبط با واحد حسابرسی داخلی را به هیأت مدیره گزارش کند.

استقلال، ملاحظات در اطمینان از این است که اطلاعات مورد نیاز به هیأت مدیره گزارش می شوند. گفتگو با مدیر واحد حسابرسی داخلی در خصوص استقلال، اهمیت دارد؛ زیرا مدیر واحد حسابرسی داخلی باید این موضوع را بداند که هیأت مدیره باید در خصوص استقلال آگاه شود حتی اگر هیأت مدیره در موقعیتی قرار داشته باشد که مدیریت ارشد در حال تلاش برای نفوذ نامناسب در موضوع مورد گزارش است.

پرسش ۱۷- حسابرسی داخلی چگونه تعیین می کند که چه ریسک ها و کنترل هایی باید به هیأت مدیره گزارش شوند؟

این موضوع مستلزم اعمال قضاوت است که آیا مسائل مربوط به ریسک یا کنترل به اندازه ای مهم هستند که نیاز به برجسته کردن آنها در سطح هیأت مدیره وجود داشته باشد یا نه و به همین دلیل، تدوین معیاری برای انجام آن، حیاتی است. هیأت مدیره باید با مدیر واحد حسابرسی داخلی همکاری کند تا معیاری را برای ارائه رهنمود در خصوص آنچه فراهم کند که واحد حسابرسی داخلی باید به هیأت مدیره گزارش دهد. برای شروع، معیار باید با استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی، مطابقت داشته باشد که بیان می کند یافته های با اهمیت حسابرسی، مانند مسائل مربوط به ریسک ها و کنترل ها، باید گزارش شوند. هر چند، تعیین این موضوع نیز مستلزم قضاوت است که آیا مسائل مربوط به ریسک یا کنترل به اندازه ای مهم هستند که نیاز به برجسته کردن آنها در سطح هیأت مدیره وجود داشته باشد یا نه و به همین دلیل، تدوین معیاری برای انجام آن، ضروری است. سه دسته از یافته ها/تدوین ها در ادامه ارائه می شوند که به طور معمول به هیأت مدیره گزارش می شوند:

۱	مسائلی که منجر به ریسک های باقیمانده ای می شوند که از محدوده ریسک مشخص شده سازمان فراتر می روند.
۲	مسائلی که مرتبط با شکست مدیریت در گزارش نسبت به ناتوانی در دستیابی به اهداف عملکردی سازمانی می شوند.
۳	موضوعات مرتبط با درستکاری سازمانی (تقلب، رفتار حرفه ای، مسئولیت های اجتماعی و گواهی نامه های اجتماعی برای عملیات...)

معیار ارجاع مسائل حسابرسی باید منعکس کننده اولویت ها و ترجیحات هیأت مدیره باشد. هیأت مدیره باید رضایت داشته باشد که حسابرسی داخلی چارچوب را به طور مستمر و بدون فشار یا نفوذ از سوی مدیریت یا اشخاص ثالث برون سازمانی، بکار می برد.

پرسش ۱۸- استفاده مؤثر از جلسات خصوصی. «آیا موضوعات دیگری وجود دارند که شما تمایل داشته باشید تا توجه هیأت مدیره را به آنها جلب کنید؟»

مدیر واحد حسابرسی داخلی باید قضاوت حرفه ای را برای تعیین این بکار برد که «چه چیزی؟» و «چگونه؟» اطلاعات حساس را در جلسات خصوصی به طور خلاصه اطلاع رسانی کند. همچنین، این فرصت بزرگی برای اطمینان از این است که هیأت مدیره، موضوعات با بالاترین درجه اهمیت را به طور واضح شناخته است. دادن زمان به مدیر واحد حسابرسی داخلی و اعضای گروه حسابرسی داخلی در هر جلسه با هیأت مدیره حائز اهمیت است تا آنان در مورد مواردی بحث کنند که ممکن است در مطالب از قبل خوانده شده یا در خود جلسه ارائه نشده باشند. گاهی اوقات در طول چند روز جلسات هیأت مدیره، موضوعاتی پیش می آیند که بحث در خصوص آنها در جلسات اجتنابناپذیر است. همچنین، ممکن است موارد خاصی باشد که مدیر واحد حسابرسی داخلی، به اندازه کافی آنها را موضوعات بااهمیتی برای درج در جلسه

هیأت‌مدیره احساس نکند. اگر دستور جلسات رد شود، به تأخیر بیفتد یا قابل فشرده کردن باشد، این پرسش ساده، راهی قدرتمند و ساده برای اعضای هیأت‌مدیره است تا درس‌های آشکاری را دریابند که ممکن است بین خطوط گزارش حسابرسی داخلی وجود دارد.

ارزیابی عملکرد حسابرسی داخلی

پرسش ۱۹- هیأت‌مدیره چگونه باید عملکرد حسابرسی داخلی را ارزیابی کند؟

استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی، ارزیابی کیفی برون‌سازمانی واحدهای حسابرسی داخلی در هر پنج سال یکبار را الزامی می‌کند.

هیأت‌مدیره باید به‌طور مستمر واحد حسابرسی داخلی خود را به‌منظور بهبود این اداره و بهبود عملکرد آتی آن، ارزیابی کند (و این نقش باید در منشور کمیته حسابرسی آورده شود). علاوه بر توجه به نظرات هیأت‌مدیره، ارزیابی هیأت‌مدیره از عملکرد حسابرسی داخلی باید دیدگاه مدیریت، واحدهای کسب و کار حسابرسی شده و مدیر واحد حسابرسی داخلی را مدنظر قرار دهد.

شیوه‌های توصیه‌شده ارزیابی حسابرسی داخلی شامل موارد زیر می‌شود:

■ معیارهای سطح هیأت‌مدیره: تدوین معیارهای کمی عملکردهای کلیدی (مانند حسابرسی‌های سالانه، حسابرسی‌های سالانه به ازای هر سرشماری، درصد زمان صرف شده برای حسابرسی نسبت به بودجه...) به‌منظور اندازه‌گیری عملکرد حسابرسی داخلی.

■ ارزیابی مدیریت: کسب نظرات مدیریت در خصوص عملکرد حسابرسی داخلی (آیا حسابرسی داخلی، کسب و کار را می‌شناسد؟ آیا حسابرسی داخلی، مهارت‌ها و تجربه‌های لازم برای ارائه مشاوره‌های دارای ارزش افزوده به کسب و کار را داراست؟ آیا نتایج حسابرسی، به‌طور مناسب به مدیریت اطلاع‌رسانی شده است؟ آیا توصیه‌های حسابرسی، قابلیت عملی شدن را دارند؟)

■ خودارزیابی حسابرسی داخلی: اطمینان از اینکه مدیر واحد حسابرسی داخلی شمای، کیفیت را درون واحد خود، ارزیابی می‌کند (به‌عنوان نمونه، آیا کاربرگ‌های حسابرسی، بررسی می‌شوند؟ آیا بررسی‌های کیفی برون‌سازمانی از کار اجراشده حسابرسی، انجام می‌شود؟ آیا نظرسنجی رضایت صاحبکار، صورت می‌گیرد؟)

■ نتایج حاصل از ارزیابی‌های کیفی برون‌سازمانی: استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی، ارزیابی کیفی برون‌سازمانی واحدهای حسابرسی داخلی در هر پنج سال یکبار را الزامی می‌کند. هیأت‌مدیره می‌تواند بینش‌های با ارزشی از این بررسی‌ها درباره عملکرد واحد حسابرسی داخلی خود (از جمله، ارزیابی مستقل از اینکه عملکرد حسابرسی داخلی آنها، مطابق با استانداردهای جهانی شناخته‌شده است، مقایسه عملکرد با عملکرد سازمان‌های مشابه، ارزیابی گزارشگری ساختار/افراد/مهارت‌ها، بررسی اینکه آیا فرآیندهای حسابرسی داخلی و شیوه‌های عملی آن، با انتظارات هیأت‌مدیره هم‌راستاست یا خیر؟) به دست آورد.

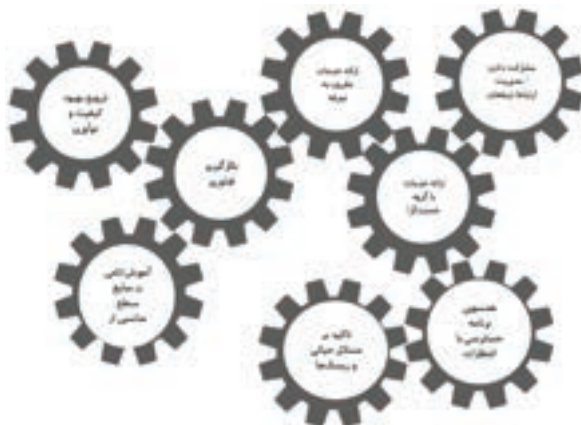
■ نتایج حاصل از نظرسنجی از صاحبکار: واحد حسابرسی داخلی باید نظرسنجی را در واحدهای کسب و کار حسابرسی شده، پس از هر کار انجام دهد. نتایج این نظرسنجی، نه تنها به هیأت‌مدیره در ارزیابی عملکرد حسابرسی داخلی کمک می‌کند بلکه مبنایی را برای بهبود اثربخشی آتی اداره حسابرسی داخلی فراهم می‌کند (به‌عنوان نمونه، آیا یافته‌ها و توصیه‌ها مناسب و/یا دارای ارزش افزوده هستند، آیا گزارش‌ها به‌خوبی نوشته‌شده/سازمان یافته است و به‌راحتی قابل درک هستند، آیا ارتباط هماهنگ بود).

پرسش ۲۰- آیا حسابرسی داخلی به‌طور مستمر از شیوه‌های

عملی پیشرو در صنعت پیروی می‌کند؟

اداره حسابرسی داخلی شما باید همپای سازمان شما، پویا و چابک باشد و باید همواره به دنبال فرصت‌های بهبود مستمر ارزشمند باشد.

اگر هیأت‌مدیره شما در خصوص تغییرات برون‌سازمانی یا درون‌سازمانی، نظرات و راهبری ارائه می‌کند، پس فعالیت‌های حسابرسی داخلی باید به همان اندازه، چابک باشد. هیأت‌مدیره باید نسبت به این موضوع رضایت داشته باشند که حسابرسان داخلی آموزش‌های به‌موقع و مربوط را دریافت می‌کنند که آنها را مجهز می‌کند تا خدمات خود را مطابق با الزامات کاربردی، ارائه دهند. مدیران ارشد اجرایی حسابرسی، باید قادر باشند تا به هیأت‌مدیره نشان دهند که مهارت‌های گروهی آنها به کارشان اختصاص می‌یابد. اعضای هیأت‌مدیره، علاوه بر کسب و حفظ مهارت‌های کافی، باید اطمینان یابند که حسابرسی داخلی شیوه‌های عملی را شناخته است و در حال ادغام شیوه‌های عملی در حال تکامل حسابرسی با اداره خود است. بخش‌های عملکردی که هیأت‌مدیره باید در خصوص حسابرسی داخلی، آنها را آزمون کند شامل موارد زیر است:



منبع شکل: مؤسسه حسابرسی پرایس ووترهاوس کوپرز وضعیت حرفه حسابرسی داخلی

هیأت‌مدیره باید درباره این موضوع که حسابرسی داخلی چگونه برنامه راهبردی آینده‌نگرانه‌ای را برای تکامل شیوه‌های عملی، دنبال می‌کنند؛ تحقیق کند.

نتیجه‌گیری

بسیاری از واحدهای حسابرسی داخلی، جایگاه خود را در سازمان با تکامل و تقویت توانایی‌های خود در ارزش افزایی راهبردی بیشتر (با تعریف ارزش تعیین‌شده از سوی ذینفعان اصلی، از جمله هیأت‌مدیره، کمیته حسابرسی، مدیران ارشد اجرایی و سایر واحدهای متمرکز بر ریسک در سازمان، ارتقا داده‌اند. حسابرسان داخلی برای ارتقای جایگاه خودشان در سازمان به روشی نیاز داشتند که به‌موجب آن بتوانند دامنه پوشش خدمات اطمینان بخشی خود را کاملاً هم‌راستا با اهداف راهبردی سازمان کنند و ریسک‌های کلیدی را که مانع از موفقیت سازمان می‌شوند، در نظر بگیرند. توانایی مستمر برای مشارکت دادن ذینفعان مختلف در انجام گفتگوی خلاق، تولید یافته‌های هوشمندانه و صدور گزارش‌هایی متناسب با مخاطبان موردنظر آنها، برای موفقیت هر گروه حسابرسی در آینده، ضروری است. به‌عنوان نتیجه، در ارتباط با حسابرسی داخلی هیأت‌مدیره باید موارد زیر را مدنظر قرار دهد:

■ باید مدیر واحد حسابرسی داخلی را تشویق کند واحد حسابرسی داخلی خود را به‌گونه‌ای راهبری و مدیریت کند تا به ارائه خدمات اطمینان بخشی واقع‌بینانه، همچنین ارائه پیشنهادهای ارزشمندی منتج شود که سازمان را در دستیابی کار و اثربخش به اهداف راهبردی و شناسایی‌های ریسک‌های اصلی آن کمک کند.

■ باید واحد حسابرسی داخلی خود را تشویق کند تا به‌گونه‌ای کار حسابرسی را برنامه‌ریزی و اجرا کند که راهبردی، چالاک، آگاه، مشارکت‌کننده و توانمند باشد. مهارت ارتباطی و مدیریت حسابرسان داخلی (مهارت‌های نرم) به‌اندازه مهارت‌های فنی (مهارت‌های سخت) حسابرسی ضروری است و حسابرسان داخلی باید این مهارت‌ها را در خود به‌صورت مستمر تقویت کنند.

برگزارکننده:



نیکان رسانه بازار سرمایه
Nikan Capital Market Media

BOURSE

تحلیل اقتصاد ایران
مسکن
طلا

کامودیتی ها
اوراق بدهی
بیت کوین و رمز ارزها
صنایع پیشرو در
بازار سرمایه

بورس ۱۴۰۰

BOURSE
1400
بورس ۱۴۰۰

زمان: ۱۴:۰۰ تا ۲۰:۰۰ - یکشنبه ۱۷ اسفند

مکان: شرکت بورس اوراق بهادار تهران

دبیرخانه همایش: تهران، میدان فاطمی، میدان گلها
خیابان جهان آرا، کوچه ۱۳/۲ (بابک)، پلاک ۱۶، طبقه دوم

تلفن: ۴۱۶۷۴۰۰۰ (۰۲۱) فکس: ۴۱۴۲۵۸۹۴ (۰۲۱)

www.finco.capital



هدیه ما برای سلامت کیفیت است

داروسازی زهرآوی به عنوان شرکت پیشگام در تولید کپسول های نرم با روکش ژلاتینی و داروهای مورد نیاز برای بیماران پیوند اعضا و نفرولوژی، دیالیزی و بیماران MS در ایران، از سال ۱۳۶۵ شروع به کار کرده و امروز در صدد تکمیل سبد داروهای جدید سرنگ آماده تزریق و تولید داروهای بیوتکنولوژی و محصولات دارویی فوق تخصصی و ارزشمند می باشد. هم اکنون بیش از ۱۵۰ محصول با اشکال دارویی مختلف توسط این شرکت به بازار عرضه می گردد. رعایت اصول GMP و اهمیت به کیفیت محصول موجب شده است این شرکت در عرصه داروهای پیوند اعضا همگام با شرکت های داروسازی بین المللی اعتماد پزشکان و بیماران را جلب نماید و موفق به جلب همکاری شرکت Roche سوئیس برای تولید داروهای تحت لیسانس گردد. شرکت داروسازی زهرآوی از سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) اقدام به تولید قرص و کپسول میکوفنولات موفتیل با نام تجاری سل سپت (Cellcept®) تحت لیسانس شرکت Roche سوئیس نموده که به عنوان یک داروی تضعیف کننده سیستم ایمنی در بیمارانی که تحت عمل جراحی پیوند کلیه و کبد قرار گرفته اند استفاده می شود. این دارو در خط اختصاصی با رعایت شرایط خاص محصولات هازارد (پر خطر) تولید می گردد.

در این راستا ممیزی های مختلفی هر ساله توسط تیم ممیزی این شرکت انجام می گیرد تا از روند تولید و کنترل داروهای سل سپت و روآکوتان اطمینان حاصل نموده و به عبارتی کیفیت آنها را تضمین کنند. انجام مطالعات بالینی همواره تایید کننده کیفیت برتر محصولات و نتایج این مطالعات، بیانگر همسانی محصولات تولیدی این شرکت با نمونه های معتبر خارجی می باشد.



از مهمترین دستاوردهای شرکت داروسازی زهرآوی در زمینه ارتقاء صنعت داروسازی کشور می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- با تولید کپسول های نرم ژلاتینی ایمینورال، انحصار ۲۰ ساله واردات این محصول شکسته شد و در حال حاضر ۸۰٪ بازار این محصول به زهرآوی اختصاص دارد.
- با تولید آمپول کوپامر نیازمند این دارو خوشبختانه از محرومیت های ناشی از واردات آن که در انحصار شرکت های آمریکایی اسرائیلی بودند رهایی یافتند.
- با تولید کپسول های نرم ژلاتینی روآکوتان کل نیاز بازار به واردات این داروی پر مصرف برطرف خواهد شد و از بخش قابل توجهی از خروج ارز از کشور در این رابطه جلوگیری به عمل خواهد آمد.

شرکت زهرآوی موفق به ثبت محصول تولیدی خود با نام کپسول نرم ژلاتینی ایمینورال بعنوان محصول دانش بنیان بر مبنای فناوری نانو گردید.



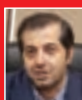


صنعت دارو درگیر نوسانات ارز است

۱۰۵



۱۱۵ مترصد کسب جایگاه
برتر هستیم



۱۰۹ تحریمها دستمان را
بسته است



۱۰۳ قاچاق، چالش بزرگ
صنعت دارو



مدیر عامل هلدینگ برکت خبر داد:

پخش البرز، کاندیدای افزایش سرمایه از محل ارزیابی

 ساره صابری
خبرنگار

هلدینگ دارویی برکت با هدف توسعه صنعت دارو در بخش‌های تک شروع به فعالیت کرده و از دو بخش پروژه‌های توسعه‌ای و شرکت‌های تولیدی فعال (گروه سرمایه‌گذاری البرز) تشکیل شده است. در حال حاضر، گروه برکت شامل سه هلدینگ گروه دارویی سبحان (با مالکیت مستقیم شرکت‌های البرز دارو، سبحان دارو، سبحان انکولوژی، ایران دارو و کی بی سی)، گروه سرمایه‌گذاری البرز (با مالکیت مستقیم پخش البرز، سرمایه‌گذاری اعتلا البرز، داروسازی تولید دارو و تولید مواد اولیه البرز بالک) و گروه دارویی برکت (با مالکیت مستقیم شرکت‌های بیوسان فارمد، شفافارمد، سلتنک فارمد، شهرک دارویی برکت، هربی فارمد، برکت الصحة و سلامت الکترونیک ایرانیان) است.

اکبر برندگی، مدیر عامل هلدینگ دارویی برکت در گفت‌وگو با ماهنامه بازار و سرمایه ضمن بیان این مقدمه در مورد فعالیت‌های این هلدینگ در بورس، شرکت‌ها و زیر مجموعه خود و فعالیت‌هایی که در مقابله با کرونا دارند، شرح داد.

■ برآورد شما از ناو شرکت چقدر است؟

در حال حاضر، شرکت دارویی برکت مالک ۵۰ درصد از سهام گروه سرمایه‌گذاری البرز است ولی با وجود شفاف بودن ارزش این شرکت در بازار سرمایه، ارزشگذاری سایر سرمایه‌گذاری‌های این شرکت که بخش قابل توجهی در پروژه‌های توسعه‌ای است، به روز نیست بنابراین برآورد دقیق ناو (NAV) نیازمند ارزشگذاری روز دارایی‌های پروژه‌ای این شرکت است.

■ برنامه‌ای برای خرید هلدینگ‌ها

یا شرکت‌های دارویی که عرضه می‌شوند، دارید؟

فلسفه تأسیس گروه دارویی برکت، سرمایه‌گذاری در بخش‌های تکنولوژی پیشرفته (High-Tech) صنعت دارو و کاستن وابستگی واردات کشور به داروهای خارجی بوده است، بنابراین توسعه گروه دارویی برکت با اجرای طرح‌های توسعه‌ای جدید در صنعت دارو بوده و تا به بهره‌داری کامل از این طرح‌ها، پروژه جدید اجرا نمی‌شود.

■ هلدینگ برکت، برنامه تجدید

ارزیابی یا استفاده از صرف سهام در شرکت‌های تابعه دارد؟

در مجموعه گروه دارویی برکت، شرکت پخش البرز کاندیدای اجرای افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌هاست و در سایر شرکت‌های گروه برکت تا کنون و در سال جاری چنین تصمیمی اتخاذ نشده است.

■ با توجه به شیوع ویروس کرونا، اقداماتی در شرکت‌های مجموعه

برای تولید داروهای مبارزه با کرونا انجام شده است؟

از زمان بروز بحران کرونا سعی بر آن شده تا بخشی از توان تولیدی شرکت‌های گروه برای کمک به حل این بحران در کشور قرار گیرد. از آن جمله می‌توان به تولید الکل بهداشتی، محلول‌های ضد عفونی‌کننده و برخی اقلام دارویی مانند رم‌دیسپویر که مورد استفاده سیستم درمانی کشور در درمان کروناست، اشاره کرد همچنین واردات انواع ماسک تنفسی، لباس محافظ جهت کادر درمان، کیت تشخیص کرونا، دستگاه‌های سی تی اسکن، ونتیلاتور و توزیع دستکش لاتکس از دیگر اقدامات مجموعه شرکت‌های گروه برکت در راستای مبارزه با بیماری کووید-۱۹ بوده است.

■ چند درصد مواد اولیه و موثر

شرکت‌های هلدینگ وارداتی است و قیمت ارز تأمین چقدر است؟

در حال حاضر ماده موثر دارویی صنعت دارو با ارز مرجع ۴۲۰۰ تومانی و اقلام جانبی این صنعت با ارز نیمایی وارد می‌شود و گروه دارویی برکت هم از این قاعده مستثنی نیست. می‌توان گفت که در حال حاضر سهم ماده موثر حدود ۳۰ درصد از بهای تمام شده را به خود اختصاص می‌دهد که در این میان حدود ۲۰ درصد از مواد اولیه و بسته‌بندی شرکت‌های دارویی به صورت وارداتی تأمین می‌شود. در خصوص واردات مواد اولیه باید گفت بر اساس قوانین وزارت بهداشت در صورتی که شرکت‌های داخلی توان فرموله، ساخت و تأمین نیاز بازار دارویی را داشته باشند، واردات آن ماده ممنوع اعلام می‌شود و شرکت‌های تولیدکننده باید از شرکت‌های ماده اولیه ساز داخلی تأمین

کنند. به این نکته دقت کنید که عمده مصرف شرکت‌های ماده اولیه ساز به صورت وارداتی است.

■ برنامه شرکت برای تولید مواد

موثره و چشم انداز یک یا ۵ ساله در این خصوص چیست؟

تولید مواد اولیه دارویی در شرکت البرز بالک انجام می‌شود و به تازگی با اضافه شدن پلنت B به مدار تولید، بیش از ۳۵ درصد ظرفیت تولیدی شرکت افزایش یافته است.

■ شرکت‌های مجموعه در مناقصه‌ها

و قراردادهای صادرات دارو شرکت کرده‌اند؟ برآورد شما از صادرات چقدر است؟

بله؛ در مناقصات وزارت بهداشت عراق و سوریه شرکت کرده‌اند ولی با توجه به وضعیت دارویی کشور و صادر نشدن مجوز از سوی وزارت بهداشت به منظور جلوگیری از کمبود دارو در کشور که در نتیجه تحریم‌های ظالمانه کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا گریبانگیر کشور شده، آمار مربوط به صادرات، شرکت‌های مجموعه را تحت الشعاع خود قرار داده است. ظرفیت‌های صادراتی ایجاد شده توسط مجموعه برکت اعم از ثبت داروها در کشورهای هدف و ایجاد بازارهای صادراتی در سال‌های اخیر، این امید را ایجاد می‌کند تا در صورت فراهم شدن امکان صادرات بتوان داروهای با کیفیت ایرانی خودمان را به کشورهای دیگر صادر کنیم.

■ به آخرین وضعیت پروژه‌های

شرکت، محصولات، تولیدات و زمان راه‌اندازی آنها هم بپردازیم.



مدیرعامل شرکت دارویی اکسیر:

قاچاق، چالش بزرگ صنعت دارو



فاطمه حیدرپور
خبرنگار

شرکت داروسازی اکسیر به عنوان یکی از بزرگترین و پیشرفته ترین تولیدکنندگان دارویی کشور در سال ۱۳۶۷ تاسیس و در سال ۱۳۷۳ به بهره برداری رسید. بهره برداری از فناوریهای جدید و دانش روز در شرکت اکسیر این امکان را برای شرکت فراهم کرده است که ضمن دستیابی به کیفیت برتر در تولید محصولات خود قیمت های رقابتی مناسب را در قراردادهای تجاری و خرید محصولات دارویی در داخل و خارج کشور در اختیار مشتریان خود قرار دهد. آنچه می خوانید گفت و گویی با محسن کردی، مدیرعامل شرکت دارویی اکسیر در مورد آنچه در این شرکت و در بازار دارو می گذرد، است.

کرده بودید، چقدر به این مهم نزدیک شده اید؟

تجربه رشد چشمگیر در سال های ۹۷، ۹۸ و همچنین شش ماهه اول ۹۹ و کسب عنوان سودآورترین شرکت بورسی در سال ۹۸ نشان دهنده تحقق این چشم انداز است ضمن اینکه در شش ماهه اول سال ۹۹ چه در مقوله فروش و چه در بحث صادرات جزو برترین شرکت های ایران بوده ایم، شایان ذکر است چشم انداز برترین شرکت داروسازی نه تنها در زمینه سود آوری و فروش بلکه در حوزه های کیفیت، صادرات، اجرای پروژه های بهبود و تولید محصولات جدید جزو شرکت های برتر ایران و در برخی شاخص ها نیز موفق به تحقق این چشم انداز شده ایم.

بزرگترین مشکلات صنعت دارو تولید و تأمین مواد اولیه است، در این زمینه چه اقداماتی انجام داده اید؟

با توجه به شرایط حساس و دشوار کشور در بحث تأمین مواد اولیه، با وجود فشار

سهم بازار اکسیر چقدر است و برای سال جاری تحقق چه سودی را پیش بینی می کنید؟

سهم اکسیر از کل بازار دارویی کشور بین ۴ تا ۴/۵ درصد است و در شش ماهه اول سال جاری شرکت توانسته ۱۸۲ میلیارد تومان سود بسازد.

مقایسه ای از روند سودآوری ۶ ماهه ابتدایی سال ۹۹ با سال گذشته داشته باشیم؟

شرکت در سال ۹۶ حدود ۲۸ میلیارد تومان، در سال ۹۷ قریب به ۱۵۰ میلیارد تومان و در سال ۹۸، نزدیک به ۲۸۰ میلیارد سود ساخته است. رشد ده برابری سود شرکت ظرف دو سال مشخص است و در شش ماهه اول سال ۱۸۲ میلیارد سود خالص نسبت به شش ماهه اول سال ۹۸ که ۱۳۰ میلیارد بوده، چهل درصد رشد داشته است.

هدف ابتدایی شرکت را دستیابی به جایگاه برترین شرکت دارویی کشور تا چشم انداز ۱۴۰۰ عنوان

درباره پروژه های شرکت گروه دارویی برکت؛ در "بیوسان فارمد" هشتاد درصد دستگاه ها خریداری شده و منتظر تکمیل عملیاتی پایانی ساختمانی برای نصب است. "هربی فارمد" در مرحله ساخت و نصب دستگاه ها است و امیدواریم به زودی به بهره برداری برسد. مجموعه بعدی "سلتک فارمد" است که این پروژه تکمیل شده و آماده بهره برداری است و در مرحله اخذ مجوز برای تولید محصولات قرار دارد و در آخر شهرک دارویی برکت که در مرحله بهره برداری نهایی است و بیش از ۵۰ درصد زمین های شهرک تاکنون فروش رفته است.

زمان بهره برداری شهرک دارویی برکت مشخص شده است؟

شهرک دارویی برکت در آستانه بهره برداری کامل است و در حال حاضر با عنایت به زیرساخت های استاندارد شهرک دارویی بیش از نیمی از اراضی آن به سرمایه گذاران واگذار شده و سه شرکت به بهره برداری کامل رسیده و ۱۷ شرکت در حال ساخت است. در شهرک صنعتی دارویی برکت امکانات فوق العاده با بهترین زیرساخت های مورد نیاز شرکت های دارویی با طراحی و نظارت یکی از شرکت های مطرح مشاور صنعت دارو در دنیا ایجاد و آماده بهره برداری است.

داروهای جدید در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ چیست و تأثیری در مجموع درآمدهای هلدینگ دارد؟

داروهای جدید در صورت موفقیت می تواند در یک پروسه پنج ساله به محصولات پر فروش تبدیل شده و تأثیر مهمی بر درآمدهای یک شرکت داروسازی بگذارد.

قرص هیوسین، محلول ضد عفونی کننده، قرص ومترال، قرص دایجستیو، سوسپانسیون استامینوفن، شربت سیپروهیتادین ویتامین، شربت هیدروکسی زین، ژل بریمونیدین، کرم کلوتریمازول واژینال، قرص اونیتربیل، پماد فوزیتان، قرص ریکسان، قطره دایمیتیکون، قرص گلیکلایزید، هربی کالم، هربی لیور، پمکسد، اورلیموس، آمپول اداراون، وارتوسل مهمترین محصولات عرضه شده هستند.

برنامه ورود شرکت ها و پروژه ها مثل بیوسان فارمد، شفا فارمد، سل تک و هربی فارمد به بورس چیست؟

شرکت هایی که اشاره کردید، به بهره برداری کامل نرسیده اند و پس از بهره برداری کامل و رسیدن به سودآوری، در خصوص آنها تصمیم گیری می شود.



**مدیرعامل شرکت دارویی
بیوسان فارمد:**

صنعت دارو درگیر نوسانات ارز است

اقدامات اجرایی برای احداث، تجهیز و راه اندازی مجموعه کارخانجات تولید محصولات بیولوژیک، پپتیدی و واکسن و همچنین با وجود شیوع ویروس کرونا فعالیت‌ها با جدیت در حال انجام و تکمیل است و در مراحل پایانی است و در فاز اول کارخانه تولید واکسن این شرکت که در زمینه تولید واکسن کرونا نیز مورد استفاده خواهد بود در سال جاری افتتاح خواهد شد. محمد تقویان، مدیرعامل شرکت بیوسان فارمد در گفت‌وگو با ماهنامه بازار و سرمایه به بیان جزئیات برنامه‌های شرکت پرداخت.

■ با توجه به اینکه قرار بود در سال ۱۳۹۹ شرکت به بهره برداری برسد، لطفاً توضیحی ابتدایی درباره روند شرکت، میزان فعالیت و... بفرمائید.

مجموعه بیوسان فارمد در دو بخش احداث مجموعه کارخانه‌های خود و همچنین تولید محصولات دارویی در راستای تحقق اهداف و تعهدات خود با حداکثر توان در حال فعالیت

صادرات در شش ماهه اول سال ۹۸ بیست و پنج میلیارد تومان و در مدت مشابه در سال ۹۹ چهل و سه میلیارد تومان صادرات صورت گرفته که رشدی ۱۰۰ درصدی را شامل شده است.

■ یکی از چالش‌های صنعت، قاچاق دارو است (قیمت پایین داروی کشور ما نسبت به کشور همسایه) با این چالش چگونه مواجه شده‌اید؟

با توجه به قیمت پایین دارو در کشور نسبت به کشورهای همسایه، قاچاق دارو وجود دارد که از میزان و چند و چون آن اطلاعات دقیقی در دست نیست و اولین تأثیر آن بر مقوله صادرات است. وقتی بتوانند دارو را به صورت غیر رسمی و با قیمت ارزانتر قاچاق کنند صادرات را تحت الشعاع قرار می‌دهد و در نتیجه با آسیب رساندن به سیستم عرضه دارو باعث خسارات جبران ناپذیر به کشور می‌شود.

■ برنامه‌های اکسیر برای توسعه چیست؟

شرکت در دو سال اخیر ۵ پروژه بزرگ برای ارتقا در حوزه GMP را با هزینه بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان با موفقیت به پایان رسانده است و در ادامه راه پروژه ای جدیدی در دست بررسی و نهایی شدن است که به طور مثال به راه اندازی خط جدید شربت در بخش مایعات در سال ۹۹ می‌توان اشاره کرد.

■ مجموعه شما یکی از شرکت‌هایی است که با افزایش نرخ دلار به سود دست می‌یابد، با این مقدمه وضعیت درآمدی و سود شرکت چگونه است؟

با این سوال به هیچ عنوان موافق نیستم، دلیل آن هم اینست که درست است ارز مورد نیاز صنعت دارو دولتی است، اما قیمت فروش دارو را نیز دولت مشخص می‌کند و عملاً افزایش قیمت دلار تاکنون در قیمت دارو تأثیری نداشته و اتفاقی که رخ داده در آمدمان با دلار ۴۲۰۰ تومانی است اما هزینه‌هایمان با دلار آزاد رقم می‌خورد و این اصلاً به نفع ما نیست و نشاندهنده تناسب نداشتن درآمد با ارز دولتی و هزینه‌ها با دلار آزاد است.

■ برنامه ای برای افزایش سرمایه در دست دارید؟

شرکت ۱۵۰ درصد افزایش سرمایه را در هیأت مدیره مصوب کرده است. تاییدیه حسابرس هم اخذ شده و در نهایت با تایید سازمان بورس و برگزاری مجمع فوق العاده این میزان افزایش سرمایه صورت خواهد پذیرفت.

تحریم‌های ظالمانه، شرکت داروسازی اکسیر با برنامه ریزی‌های دقیق در حوزه زنجیره تأمین موفق شده است در سال‌های گذشته با دیپوی مواد اولیه مورد نیاز، با قدرت به تولید خود ادامه دهد اما در شش ماهه اخیر به دلیل عدم تخصیص ارز مورد نیاز دارو، دیپوی مواد اولیه شرکت‌های داروسازی کاهش پیدا کرده است که با تخصیص ارز مورد نیاز، این مشکل نیز مرتفع شده و شرکت‌ها با قدرت به کار خود ادامه می‌دهند.

■ در خصوص تجهیزات، با چالش‌های خرید یا تعویض قطعات و... مواجه نیستید؟

با توجه به بحث تحریم‌ها عمده شرکت‌های خارجی با ارسال نامه‌هایی، ارتباط خود را با ما قطع کرده اند و سایر شرکت‌ها نیز که مایل به همکاری هستند، مشکلات انتقال پول سبب شده کارها به سختی انجام شود و در این میان افزایش قیمت ارز باعث شده تهیه قطعات یدکی و تعمیرات، به بهای خرید همان دستگاه در دو سال قبل تمام شود و این امر سبب شده در زمینه تهیه قطعات یدکی و سایر پارت‌ها با مشکلات جدی روبه رو شویم.

■ با توجه به شیوع کرونا، سیستم سفارش‌گیری اینترنتی که در برنامه بوده، محقق شده است؟

مکانیسم پخش دارو در شرکت داروسازی اکسیر از طریق شرکت‌های توزیع صورت گرفته و شرکت ارتباط مستقیم با مصرف کنندگان دارو ندارد.

■ شرکت در زمینه مسئولیت پذیری اجتماعی چه کارهایی انجام داده است؟

بلافاصله پس از ورود بیماری کرونا به کشور و نیاز مبرم جامعه به محصولات ضدعفونی کننده، شرکت داروسازی اکسیر با تمام توان وارد حوزه تهیه ضدعفونی کننده‌های دست و سطوح شد و در فروردین ماه سال جاری ضمن تأمین نیاز استان، محصولات تولیدی را روانه بازار کرده است. در زمینه تولید دارو اخیراً موفق به تولید داروی رم‌دیسویور شده ایم که پس از اخذ مجوزهای لازم از سوی نهادهای مربوطه وارد بازار می‌شود.

■ با توجه به تشدید تحریم‌ها همچنان امکان ادامه رویه صادرات را دارید؟

بله، به سختی؛ دشواری‌ها بسیار زیاد است؛ اول اینکه برای هر محصول صادراتی باید مجوز اخذ شود و فرآیند اخذ مجوز بسیار دشوار و زمان بر است. دوم بحث انتقال ارز از بازارهای خارجی به داخل است. به لطف تلاش‌های همکاران در حوزه

■ برنامه‌های دیارتان تحقیق و توسعه به چه صورتی است؟

واحد تحقیق و توسعه شرکت مطابق با برنامه ریزی و اهداف توسعه ای و تولیدی خود فعال بوده و هست. شرکت هم در زمینه افزایش تیم‌های تحقیقاتی خود و هم در زمینه تحقیق و توسعه و تولید محصولات جدید رشد و دستاوردهای قابل توجهی داشته است. در این مسیر هم با تلاش متخصصین و همکاران، علاوه بر واکسن سانوپنت (پنتاوالان)، چند محصول با اهمیت بالا نیز تولید شد که به‌عنوان محصولات دانش بنیان نیز شناخته و ثبت شدند که به زودی و پس از گذراندن مراحل اخذ مجوزات قانونی مربوط وارد بازار خواهند شد. در کنار این فعالیت‌ها، اضافه شدن فعالیت‌های تحقیق و توسعه به منظور تولید واکسن کرونا که در زیرساخت‌های مختلف در حال انجام است نیز از برنامه‌های کلیدی این واحد است که نتایج بسیار مطلوبی حاصل شده است.

■ در حال راه اندازی کارخانه برای تولیدات نوین بودید، این مهم به کجا رسید؟

اقدامات اجرایی برای احداث، تجهیز و راه‌اندازی مجموعه کارخانجات تولید محصولات بیولوژیک، پپتیدی و واکسن این شرکت در حال انجام است و با وجود شیوع ویروس کرونا فعالیت‌ها با جدیت تمام و با رعایت کامل دستورالعمل‌های بهداشتی به منظور صیانت از سلامت همکاران در حال انجام و تکمیل است و در مراحل پایانی است. در فاز اول کارخانه تولید واکسن این شرکت که در زمینه تولید واکسن کرونا نیز مورد استفاده خواهد بود در سال جاری افتتاح خواهد شد.

■ نوسانات نرخ ارز یکی از مشکلات همیشگی صنعت دارو است، راهکارتان برای رفع مشکلات این چنینی چیست؟

چند سال گذشته شرکت با تغییرات آیین‌نامه‌های متعدد بانک مرکزی و سازمان غذا و دارو در زمینه تخصیص ارز مرجع و ارز نیمایی روبرو بوده است. همچنین تغییرات مربوط به اولویت بندی‌های ارزی کالاها از دیگر مشکلاتی بوده که با آن مواجه بوده‌ایم. در حال حاضر ارز مرجع تنها به مواد اولیه دارویی تخصیص می‌یابد. از طرفی عدم تخصیص ارز مرجع به ماشین آلات و تجهیزات تولیدی و استانداردهای مورد نیاز در شرکت‌های



■ وعده کاهش ۵ تا ۷ درصدی واردات محقق شده است؟

تولید داخلی و به دنبال آن کاهش واردات محصولات دارویی یکی از اهداف و سیاست‌های اصلی شرکت بیوسان فارمد است. اهمیت تولید داخل محصولات دارویی در این دوران اعمال تحریم‌ها که بیماران هموطن ما را در رنج قرار داده ملموس است. این موضوع از ابتدا در تعریف پروژه‌های این شرکت و همینطور در انتخاب استراتژیک سبد محصولات مد نظر قرار گرفته شده است. شرکت نیز به این تعهد خود پایبند بوده و در حال حاضر نیز تیم متخصصین تحقیق و توسعه دانش فنی محصولات موفق به تولید و بومی سازی دانش فنی تعداد قابل توجهی از محصولات دارای اولویت و موجود در پاپ لاین خود شده است. این محصولات اغلب فاقد تولیدکننده داخلی هستند و یا بخش عمده این نیاز توسط واردات تأمین می‌شوند.

تعدادی از محصولاتی که در پاپ لاین شرکت قرار داشتند در یک سال گذشته تولید پایلوت آنها انجام شده و در سازمان غذا و دارو نیز ثبت شده اند و یا در حال انجام مراحل پایانی اخذ مجوزات جهت ورود به بازار هستند

است. وسعت قابل توجه پروژه‌ها چه در بخش توسعه دانش فنی و تولید محصولات دارویی و چه در بخش احداث کارخانه‌های تولید دارو حجم بزرگی از کار و تخصص را می‌طلبد که بیوسان فارمد به‌عنوان یک شرکت دانش بنیان با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و جوان کشور همپا با استانداردهای جهانی در هر دو بخش در حال فعالیت است. تعدادی از محصولاتی که در پاپ لاین شرکت قرار داشتند در یک سال گذشته تولید پایلوت آنها انجام شده و در سازمان غذا و دارو نیز ثبت شده اند و یا در حال انجام مراحل پایانی اخذ مجوزات جهت ورود به بازار هستند. به موازات فعالیت‌های بخش توسعه و تولید محصولات، پروژه‌های احداث کارخانه‌ها نیز علیرغم برخی مشکلات ناشی از برقراری تحریم‌ها و همچنین شیوع ویروس کرونا که محدودیت‌هایی را به دنبال داشته است با تدابیری که اتخاذ شده است متوقف نشده و در سال جاری و در فاز اول کارخانه تولید واکسن این مجموعه طبق تعهد شرکت، افتتاح خواهد شد و در فاز بعدی دو کارخانه تولید محصولات پپتیدی و بیوسیمیلار نیز به بهره‌برداری خواهد رسید. علاوه بر این شرکت با وجود وسعت و حجم بالای پروژه‌های از قبل تعریف شده، اقدامات قابل توجهی در بخش توسعه و تولید واکسن کرونا نیز انجام داده و به مدد الهی پیشرفت و دستاوردهای چشمگیری نیز حاصل خواهد شد.

داروسازی، باعث بالا رفتن بهای تمام شده محصولات دارویی می‌شود که این مهم در کمیسیون قیمت‌گذاری محصول در سازمان غذا و دارو مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

از طرفی تأمین مواد اولیه با نرخ ارز مرجع و مواد اولیه جانبی و سایر هزینه‌های تولیدی نظیر تأمین استانداردها، ملزومات بسته بندی و... از طریق ارز آزاد تأمین می‌شود و همچنین دیگر افزایش بهای تمام شده در ادامه این زنجیره، سبب می‌شود تا قیمت تمام شده افزایش یابد و در نهایت این موضوع منجر به فشار مضاعف هم به تولیدکننده و هم به مصرف‌کننده خواهد شد. با توجه به پیش‌بینی‌های انجام شده توسط شرکت در خصوص نوسانات ارزی سعی بر آن بوده است که بخش اصلی تجهیزات و ماشین‌آلات خود را به گونه ای برنامه ریزی کنیم که در سال‌های ابتدایی آغاز پروژه خرید و پرداخت شود. در سال‌های اخیر بخش پایانی قراردادهای پرداخت شده است، همچنین در بخش تولید نیز به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده تا شرکت بتواند علاوه بر محصول نهایی، در زمینه تولید ماده اولیه دارویی نیز فعالیت کند که خود کاهش ارزی و ویژه‌ای را به دنبال خواهد داشت.

■ با توجه به حوزه کاری شما که تولید واکسن است، اقدامی برای تحقیق و در ادامه تولید واکسن کرونا کرده‌اید؟

بله، از ابتدای شروع همه‌گیری بیماری کرونا و تأیید اولین نشانه‌های بیماری در کشور در اواخر بهمن ماه ۱۳۹۸، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) اقدامات همه‌جانبه برای مقابله با بیماری کرونا را به صورت جدی در دستور کار خود قرار داد و در این خصوص کمیته‌ای ویژه با ریاست مستقیم رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) و در این خصوص پروژه‌های مختلفی تعریف شد و اجرای این پروژه‌ها به طور مستمر پایش می‌شود. در این زمینه نیز مسئولیت اجرای پروژه‌های تولید واکسن کرونا در زیرساخت‌های مختلف به گروه دارویی برکت و شرکت بیوسان فارمد محول شده است. در این زمینه ۶ پلتفرم اصلی و مهم موجود در دنیا که شرکت‌های مطرح بر روی آنها در حال کار هستند شناسایی و به سرعت با استفاده از زیرساخت‌ها و متخصصین داخلی اقدامات اجرایی آغاز شده است که در برخی از پلتفرم‌ها نتایج بسیار امیدوارکننده بوده و

در حال آماده‌سازی مقدمات جهت انجام تست‌های بالینی واکسن هستیم.

■ تأثیر تحریم‌ها بر مجموعه شما چگونه است؟

تحریم‌های بین‌المللی مسئله قدیمی در کشور است و اثرات آن بر کلیه بخش شرکت‌های تولیدی آشکار و ملموس است. با این وجود تحریم‌های فعلی و شدت آن در تمامی زمینه‌ها مشکلات و محدودیت‌های مختلفی مانند نقل و انتقال ارز، بی میلی شرکت‌های خارجی برای همکاری، ضرورت اخذ Export License توسط شرکت‌های فروشنده برای ماشین‌آلات و تجهیزات با توجه به ماهیت مصرف دو گانه و... مشکلات و دشواری‌هایی را به شرکت و پروژه‌ها تحمیل کرده است که قابل انکار نیست. با وجود تمامی این چالش‌ها، شرکت از ابتدا تحولات محیطی را ارزیابی کرده و توانسته در هر مرحله با اتخاذ راه‌حل‌های مناسب و به موقع در راستای کاهش حادکثری اثرات آن اقدام کند.

■ برنامه‌ای برای ورود به بورس دارید؟

سیاست کلی گروه دارویی برکت که خود هم اکنون در بورس نیز حضور دارد، ورود شرکت‌های زیرمجموعه به بازار سرمایه است که شرکت بیوسان فارمد نیز از این قاعده مستثنی نیست. در حال حاضر شرکت در فاز پروژه است ولی با توجه به توانمندی و زیرساخت‌های خود و پس از بهره‌برداری و دارا بودن شرایط لازم برای ورود به بورس، این مهم اتفاق خواهد افتاد.

■ شرکت به صادرات هم رسیده است؟

بخش عمده محصولات شرکت از ابتدا به گونه‌ای انتخاب و تعیین شده‌اند که مطابق با بازار جهانی و نیاز داخلی باشد. بازار نیز در

عدم تخصیص ارز مرجع به ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی و استانداردهای مورد نیاز در شرکت‌های داروسازی، باعث بالا رفتن بهای تمام شده محصولات دارویی می‌شود که این مهم در کمیسیون قیمت‌گذاری محصول در سازمان غذا و دارو مورد توجه قرار نمی‌گیرد

حال تغییر است و این محصولات فقط بازار داخل را شامل نمی‌شود و بازار کشورهای دیگر هم به همین صورت است. بنابراین در بازبینی و بازنگری سبد محصولات علاوه بر بازار داخلی، بازار صادراتی نیز به عنوان یک بازار بالقوه در نظر بوده است. پس از بهره‌برداری خطوط تولید و ورود به بازار داخل و به موازات آن شرکت به بازار کشورهای منطقه نیز ورود پیدا خواهد کرد و برنامه آن هم اکنون وجود داشته و اقدامات اولیه هم در حال انجام است.

■ با توجه به اینکه بخش مهمی از ماشین‌آلات موجود در مجموعه شما از اروپا تأمین شده، برای خرید ماشین‌آلات و یا نگهداری آنها با مشکل مواجه شده‌اید؟

موضوع تحریم‌ها موضوع جدیدی نیست و شرکت از زمان تصمیم‌گیری و انعقاد قرارداد جهت تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات اصلی خطوط تولید و تاسیسات پروژه‌های خود چنین مسائلی را در نظر داشته و پیش‌بینی کرده است. دشواری‌هایی وجود داشته که قابل انکار نیست ولی همگی با توانمندی نیروهای متخصص داخلی مدیریت شده و اثرات این مشکلات به حداقل رسیده است و هم اکنون نیز کلیه ماشین‌آلات و دستگاه‌های مورد نیاز خریداری و در محل پروژه‌ها قرار دارند و در حال نصب و راه‌اندازی هستند. با توجه به حضور تیم‌های فنی و خبره و متخصصین داخلی، هیچ مشکلی از بابت تأمین و نگهداری این تجهیزات نداریم.

■ برای تهیه مواد اولیه با چه مشکلاتی مواجه هستید؟

موضوع تأمین مواد اولیه چالش تمامی شرکت‌های دارویی است که عمده آن ناشی از سیاست‌های ارزی در این زمینه است که امیدواریم با تثبیت این سیاست‌ها مشکلات و تبعات آن نیز مرتفع خواهد شد. البته استراتژی شرکت بیوسان فارمد تأمین صد در صد مواد اولیه خود از منابع خارجی نیست به خصوص با توجه به ماهیت محصولات شرکت، از ابتدا هم سیاست شرکت چنین نبوده است. در حال حاضر نیز برخی از مواد اولیه که از منابع خارجی تأمین می‌شده به تأمین‌کننده داخلی تغییر پیدا کرده و تیم تحقیق و توسعه شرکت نیز فعالیت‌های قابل توجهی برای تأمین این مواد اولیه داشته است.

مدیرعامل زاگرس فارمد پارس خبر داد:

۲۰ محصول جدید در سبد دارویی پارس



حسین حوریان
خبرنگار



در پایان سال ۱۳۹۹ با شیوع بیماری کووید ۱۹ این خط تازه بهره برداری شده تنها در ۷۲ ساعت برای تأمین محلول‌ها و ژل‌های ضدعفونی کننده آماده شد و نسبت به تولید بیش از ۵۰۰,۰۰۰ بطری از این محصولات اقدام کرده است اما در خصوص محصولات اختصاصی آماده شده برای این خط امیدواریم به زودی اولین محصول تولیدی در این خط به تولید انبوه رسیده و آماده توزیع در بازار شود.

■ برآوردی از سودآوری شرکت دارید؟

برای تحقق سود سال جاری امیدواریم که با تخصیص به موقع ارز و تهیه مواد اولیه افزایش سود مناسبی برای سال جاری نسبت به سال گذشته با درصد مشخص شده از طرف هلدینگ را محقق کنند.

■ یکی از بزرگترین مشکلات صنعت دارو تأمین مواد اولیه است، این امر را چگونه مدیریت می‌کنید؟

تحریم‌ها باعث شده که بزرگترین مشکل اصلی شرکت تخصیص نیافتن به موقع ارز مورد نیاز جهت تأمین مواد اولیه باشد و مشکل دیگر شرکت سرمایه در گردش مورد نیاز بابت خرید مواد اولیه با توجه به تغییر نرخ ارز حمایتی به نیمایی است اما با عزم و اراده همکاران شرکت که هرچه راه سخت تر می‌شود در راستای تأمین نیازهای دارویی کشور به ویژه در حوزه دامپزشکی با هدف پشتیبانی از صنعت تولید دام و طیور کشور پر انگیزه

شرکت داروسازی زاگرس فارمد پارس شرکتی با ۲۰ سال سابقه فعالیت در زمینه دارویی در دوران جنگ تحمیلی با نام داروسازی داملران، باهدف تولید داروهای دامی در تخصص‌های دامپزشکی، داروسازی، شیمی، میکروبیولوژی و مهندسی با گرایش‌های گوناگون، در شهرستان بروجرد تأسیس شد. این شرکت در سال ۱۳۹۳ با ورود به عرصه تولید داروهای استریل انسانی و دامپزشکی با نام فعلی زاگرس فارمد پارس فعالیت خود را ادامه داد. محمود ابولزاده، مدیرعامل این شرکت در گفت‌وگو با ماهنامه بازار و سرمایه ضمن پاسخگویی به پرسش‌های ما از تولید ۲۰ محصول جدید خبر داد.

تلاش شرکت بر آن است تا پایان سال ۶ محصول در این خط به تولید برسد که ۲ مورد آن در ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۹ محقق شده و در سال ۱۴۰۰ با افزایش محصولات تولیدی ۱۰ قلم خط به طور کامل به بهره برداری می‌رسد و قسمتی از ظرفیت این خط با تولید قراردادی با شرکت داروسازی ابوریحان پوشش داده شده است.

■ برنامه‌های توسعه‌ای جدید برای شرکت دارید؟

با توجه به شرایط فعلی خط محلول‌های تزریقی دامپزشکی، خط تولید شوینده‌های دامپزشکی و خط تولید محلول‌های گیاهی دامپزشکی شرکت در حال حاضر متمرکز بر برنامه توسعه کوتاه مدت به صورت تاسیس خط یا تغییر کاربری است اما بیش از ۲۰ محصول جدید جهت تولید در خطوط احداثی و سایر خطوط در دست توسعه است و عمده تمرکز کوتاه مدت شرکت بر توسعه محصولات جدید است.

■ راه‌اندازی یک خط اختصاصی تولید شوینده را هم در دستور کار داشتید، این امر چقدر بر میزان تولید و فروش شما تأثیر گذاشته است؟

■ آمارها تا سال گذشته همگی روند رو به رشد فعالیت مجموعه را نشان می‌دهد، میزان فروش و سودآوری در این برهه چگونه است؟

فروش شرکت در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ مبلغ ۶۴۳,۲۰۳ میلیون ریال معادل ۸۸ درصد رشد داشته است و سود شرکت در همان سال نسبت به سال ۱۳۹۷ مبلغ ۳۷۵,۰۳۵ میلیون ریال معادل ۳۳۲ درصد رشد داشته است. این روند رو به رشد با تغییر در وضعیت برنامه ریزی جهت تأمین مواد اولیه و تولید محصولات بوده است همچنین با کاهش تسهیلات فروش و تغییر در روند تولید تلاش کرده‌ایم، دوره گردش کالا را کاهش دهیم و با پرداخت بخش قابل توجهی از اقساط تسهیلات دریافتی و به روز رسانی آنها نسبت به کاهش هزینه‌های مالی اقدام کنیم.

■ قرار بود از مایعات استریل تزریقی دامی رونمایی کنید که به تعویق افتاد، توضیح می‌دهید؟

خط تولید محلول‌های تزریقی دامپزشکی شرکت در سال ۱۳۹۴ به بهره برداری رسیده است اما به جهت برخی برنامه‌ریزی‌ها و شرایط بازار تولید انبوه محصولات به بار ننشسته است.



مدیرعامل شرکت داروسازی «سل تک فارمد»:

تحریم‌ها دستمان را بسته است

«تأمین مواد اولیه شرکت را با مشکلاتی رو به رو کرده است. موضوع تأمین مواد اولیه شرکت یکی از مهمترین موضوعات بوده و با توجه به تحریم‌ها در بخش نهادهای تولید مانند فلاسک‌های نگهداری یا آنزیم‌ها یا فاکتورهای رشد که به طور عمده اروپایی هستند و کمتر موارد آسیایی داریم و به دلیل مشکلات موجود در مبادلات ارزی امکان انتقال ارز در برخی از موارد مشکل ساز است». اینها بخشی از صحبت‌های محمد حسین زیرک ساز، مدیرعامل شرکت داروسازی سل تک فارمد است. وی در این گفت و گو به بیان ابعاد گسترده‌ای از فعالیت شرکت پرداخت.

اتولوگ بود یعنی سلول را از بیمار گرفته و تکثیر و توسعه می‌دادیم و برای خود بیمار تزریق انجام می‌شد. اما به تازگی به فاز آلوژن وارد شده ایم یعنی بیمار را از طریق سلولی که از قبل توسعه داده شده ساپورت می‌کنیم که تا الان بالغ بر چند صد میلیارد سلول از یک بند ناف به دست آوردیم که با فرمولاسیون‌های مختلف روی آن کار انجام می‌دهیم. این قضیه زیر ساخت تولید انبوه فرآورده‌های سلولی است. این بانک برای اولین بار در ایران و غرب آسیا توسعه پیدا کرده است و در حال حاضر مطالعات روی محصولات مختلفی در این زمینه ادامه دارد.

■ بزرگترین مشکل شما در چه حوزه‌ای است؟ برای رفع آن چه راهکاری دارید؟

با توجه به اینکه شرکت سل تک فارمد به عنوان اولین شرکت دارای GMP در حوزه سلول درمانی فعالیت می‌کند و قوانین سازمان‌های مختلف از جمله سازمان غذا و دارو و وزارت بهداشت همزمان با توسعه شرکت توسعه می‌یابد و همچنین محیط‌های مختلف و مدل‌های سرمایه‌ای با ما توسعه پیدا می‌کند، بنابراین باید با زیرساخت‌های مختلف از جمله با بانک‌ها، با صندوق‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری، وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو تعامل داشته باشیم که همین مهم باعث چالش‌های زیادی شده است اما پس از تدوین آئین‌نامه‌ها شرکت‌هایی که در

■ کمی درباره اوضاع این روزهای شرکت و محصولات آن توضیح دهید و اینکه سهم بازار شما چقدر است؟

حال و روز بازار ما خوب است به خصوص اینکه در حوزه کرونا و سلول درمانی فعالیت داشته‌ایم. پیش‌بینی ما این است که به زودی واکسن‌های کرونا وارد فاز انسانی شود. البته یکی از مشکلاتی که هم اکنون با آن مواجه‌ایم این است که برای ادامه روند تحقیقات نیاز به میمون است که دسترسی به آن کمی سخت است. بازار سلول درمانی تخصص ماست و جز ما هیچ شرکتی تاکنون مجوز تولید محصول سلول درمانی را اخذ نکرده است. البته برخی فرآورده‌های سلولی به صورت زیرزمینی تولید می‌شوند که قانونی نیست و به علت دارا نبودن کیفیت بالا، قابلیت فروش تجاری ندارند.

■ برآورد شما از سود شرکت برای سال جاری و سال آتی چیست؟

هنوز در فاز سرمایه‌گذاری هستیم که بخشی از سرمایه‌گذاری در بخش سلول درمانی انجام می‌شود، در واقع در بخش سرمایه‌گذاری دو اتفاق عمده به وجود می‌آید؛ یکی تکمیل محل اسکان و دفتر مرکزی شرکت و دوم بحث دانش فنی است که در حال حاضر تمرکز ما روی این دو مورد است. به ویژه دانش فنی که در ابتدا تمرکز اصلی آن فقط روی سلول درمانی با سلول‌های

تر می‌شوند، شکر خدا تا امروز به سلامت از مشکلات عبور کرده‌ایم.

■ آیا نوسانات نرخ ارز تاثیر مهمی بر روند فعالیت شرکت‌های دارویی دارد؟

با توجه به اینکه تا ابتدای سال ۱۳۹۹ شرکت از ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومانی استفاده می‌کرد، هیچ مشکلی در این حوزه وجود نداشته است. از زمان تغییر تعرفه ارزی نیز ارز مورد نیاز شرکت از سامانه نیما تأمین می‌شود که دارای نوسانات کمتری است اما عمده مشکل در حوزه تأمین سرمایه در گردش است چرا که در بهترین حالت اگر بخواهیم میزان تولید سال ۱۳۹۹ را تأمین کنیم حداقل نقدینگی مورد نیاز جهت خرید مواد اولیه ۴ برابر می‌شود. البته در این حوزه هم برخی اقدام‌ها توسط واحد مالی شرکت انجام شده است و ضمن تلاش برای کاهش دوره گردش کالا منابع بانکی مناسبی جهت تأمین مالی شرکت در راستای بهبود نقدینگی دریافت شود.

■ در خصوص تأمین مواد اولیه چه مشکلاتی دارید؟

مهمترین مشکل تشخیص واحدهای تولیدی و بازرگانی خوش حساب از دیگران است. درست است که عمده پروسه‌های قانونی زمانبر در راستای حفظ منابع ارزی کشور و ناشی از برخی سوء استفاده‌ها از شرایط بوجود آمده است ولی می‌توان با رتبه‌بندی واحدها بر اساس عملکرد آنها در واردات مواد اولیه تعهد شده یا بازگشت ارزهای حاصل از صادرات برخی پروسه‌های زمانبر را تسهیل کرد. البته برخی پیشنهادهایی در خصوص مدت زمان قانونی برای خرید ارزهای تخصیص یافته نیز وجود دارد که انتظار می‌رود وقتی مواد اولیه شرکتی از ارز ۴۲۰۰ تومانی به نیمایی تغییر می‌یابد حداقل مدت قانونی خرید ارز کمی بیشتر شود.

■ مواد اولیه شرکت از کدام کشورها تأمین می‌شود؟

عمده مواد اولیه این شرکت از چین و هندوستان تأمین می‌شود.

■ برنامه شرکت برای کنترل هزینه‌های مالی چیست؟

با برنامه ریزی به موقع خرید مواد و تسریع در حمل و ترخیص و تولید و فروش بیش از پنجاه درصد داروها به صورت نقدی و اخذ تسهیلات از بانک‌هایی که سپرده کمتری بابت پرداخت وام از شرکت دریافت می‌کنند کنترل هزینه‌های مالی صورت می‌پذیرد.

تغییراتی کرده است؟

ما روی کارهایمان قیمت مشخصی داریم ولی تخفیف نداریم و بیمار در پرونده‌ای که سلول درمانی می‌شود بخشی را پیش پرداخت کرده و بخش باقی مانده را زمانی که سلول را تحویل می‌گیرد، پرداخت می‌کند.

حداقل و حداکثر هزینه‌ها را هم می‌فرمائید؟

حداقل و حداکثر هزینه‌ای که برای تولید فرآورده‌های سلولی صرف می‌شود به ترتیب از ۴ میلیون تومان برای محصول ریکال‌رسل در درمان بیماری پسی، تا ۲۵ میلیون تومان برای محصول رنیدورم سل جهت رفع چین و چروک‌ها و فرورفتگی‌های حاصل از جای زخم یا آکنه است. نکته جالب در مورد محصول رنیدورم سل این است که با استفاده از این محصول پوست به ۳۰ سال قبل بر می‌گردد و تا آخر عمر هم باقی می‌ماند و مانند سایر محصولات موجود در بازار نیاز به ترمیم‌های دورهای ندارد. البته این هزینه فقط برای یک بار در کل عمر افراد است. به این ترتیب به جای استفاده از فیلر و... برای زیبایی، یک بار سلول درمانی تا پایان عمر کافی خواهد بود. همچنین با استفاده از محصول مزستروسل در افرادی که دچار اختلالات غضروفی شده‌اند در ۱۸ الی ۲۴ ماه غضروف ضخامت خود را باز می‌یابد و دیگر اثری از اختلالات غضروفی باقی نمی‌ماند که در تمام مفاصل و به ویژه مفصل زانو قابل استفاده است.

برای کاهش دوره وصول مطالبات چه اقداماتی شده است؟ هم اکنون دوره وصول مطالبات شرکت چند روز است؟

وصول مطالبات ما اصلاً مطرح نیست ما یا پیش پرداخت می‌گیریم یا نقدی انجام می‌دهیم بنابراین ما با وصول مطالبات مشکلی نداریم.

برنامه شرکت برای کنترل هزینه‌های مالی چیست؟

با توجه به اینکه ما دانش بنیان هستیم یکسری امتیازات برای شرکت‌های دانش بنیان وجود دارد مانند استفاده از صندوق‌های توسعه ملی یا صندوق نوآوری و شکوفایی، این‌ها وام‌هایی هستند که وجود دارند و با بهره‌ای به نسبت منطقی‌تر از بانک‌های کشورها از آنها استفاده می‌کنیم و این بهترین روش برای کنترل هزینه‌هاست. هر چند که در طبقه‌بندی دانش بنیانی ما متأسفانه بی‌مهری‌هایی صورت گرفته است و با وجود اعتراض متعدد ما، برخوردهای سلیقه‌ای برخی دوستان موجبات اجحاف در حق ما را فراهم کرده است.

مرحله‌ای است و چه مشکلاتی در این خصوص دارید؟

با توجه به اینکه شرکت دانش بنیان بوده بر اساس قوانین و مقررات باید دارای معافیت مالیاتی باشد اما به دلیل عملکرد سلیقه‌ای تا کنون موفق به حصول نتیجه نشده ایم و این موضوع برای ما ایجاد چالش کرده است.

مواد اولیه شرکت از کدام کشورها تأمین می‌شود؟

تأمین مواد اولیه شرکت را با مشکلاتی رو به رو کرده است. موضوع تأمین مواد اولیه شرکت یکی از مهمترین موضوعات بوده و با توجه به تحریم‌ها در بخش نهاده‌های تولید مانند فلاسک‌های نگهداری یا آنزیم‌ها یا فاکتورهای رشد که به طور عمده اروپایی هستند و کمتر موارد آسیایی داریم و به دلیل مشکلات موجود در مبادلات ارزی امکان انتقال ارز در برخی از موارد مشکل ساز است. در بحث مواد اولیه اصلاً با آمریکا و کانادا طرف نیستیم.

شرکت مجوز صادرات برای محصولات را گرفته است؟

این موضوع در مورد ما با شرکت‌های متعارف دارویی متفاوت است، محصول متعلق به شرکت ما یک ویال حاوی سلول زنده است که عمر این محصول ۲۴ تا ۷۲ ساعت است؛ بنابراین در بحث صادرات محصول نمی‌توانیم به شکل رایج سایر شرکت‌های دارویی عمل کنیم، اما درآمد ارزی داریم و درآمدهایمان از دو تا منبع اتفاق می‌افتد. در انتقال دانش فنی خودمان جزو پیشروهای دنیا هستیم که به عبارتی رتبه دوم و به عبارتی دیگر رتبه هفتم هستیم. ایران از جمله کشورهایی است که برای بیماری‌های مقاوم به درمان این چینی دارای محصول است و پذیرش بیمار خارجی در این بیماری‌ها دارد، البته باز هم به خاطر کرونا پذیرش بیماران خارجی کمتر و محدودتر شده است. در رابطه با صادرات دانش فنی راهبرد ما عدم فروش است و مدلی که برای آن تعریف شده به نوعی شراکت است به همین علت برای ارائه خدمت نوین سلول درمانی ما با برخی از بیمارستان‌ها همکاری داریم، به این صورت که مراحل مختلف پذیرش تا تزریق به طور کامل به کادر مربوط در بیمارستان مورد نظر آموزش داده و پس از آن بیمارگیری انجام می‌شود. در بحث مشارکت در تکنولوژی نیز با چند کشور از جمله اندونزی کار می‌کردیم که باز هم کرونا کار را با کندی مواجه کرد.

درصد و مبلغ تخفیفات فروش از ابتدای سال به صورت ماهانه چقدر بوده و نسبت به دوره مشابه چه

این حوزه وارد فعالیت می‌شوند، مسیر توسعه‌شان سهل تر خواهد شد.

برنامه‌های توسعه‌ای را هم تشریح کنید.

در برنامه توسعه‌ای، مسئله توسعه خود محصولاتمان را در پیش داریم؛ در واقع توسعه دانش فنی موجود که از رویان دریافت شده بود و ارزش آن بالغ بر ۱۱۰ میلیارد ریال بوده با ارتقای دانش فنی مذکور ارزش آن بالغ بر ۳۵۰ میلیارد ریال ارزشیابی شده است که این توسعه کیفی در مجموعه خودمان اتفاق افتاده است. در بحث کمی نیز در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه فرآورده‌های پیشرفته پزشکی مانند مهندسی بافت، سلول درمانی، الزاماتی که برای این‌ها وجود دارد و در خصوص فاکتورهای رشد و آنزیم‌های مورد نیاز، ملزومات و لوازم پزشکی مورد نیاز، سرمایه‌گذاری‌های لازم صورت می‌گیرد.

نوسانات ارز چه تاثیری بر شرکت داشته است و برای کنترل آن چه راهکاری پیش‌بینی کرده‌اید؟

مثل تمام سرمایه‌گذاری‌ها ما هم تحت تاثیر قرار گرفته ایم، این ماجرا باعث شده در خریدهایمان یکسری ریسک‌ها مطرح شود که بخشی از ریسک‌های مذکور قابل کنترل بوده و بخشی از ریسک‌ها از طریق سایر سازمان‌ها باید کنترل شود. شرکت در حال حاضر برای کنترل بخشی از ریسک‌های خرید مواد اولیه از تأمین کنندگان ایرانی و تأمین مواد اولیه تولید از طریق تیم تحقیق و توسعه است.

برنامه‌ای برای ورود به بازار سرمایه دارید یا خیر؟

ما یکی از زیر مجموعه‌های هلدینگ دارویی برکت و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام هستیم و به طور کلی ورود به بازار سرمایه، نیازمند مجوز این دو مجموعه بزرگ بالادستی است. شرکت در حال حاضر در فاز سرمایه‌گذاری بوده و شاید الان زمان مناسبی برای ورود ما به بازار سرمایه نیست و عملاً زمانی که بتوانیم الزامات سازمان بورس را برآورده کنیم، این اتفاق خواهد افتاد.

برنامه‌ای برای افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها دارید؟

در حال حاضر تجدید ارزیابی‌ها از محل دارایی‌ها در حال انجام است که افزایش نرخ ارز و توسعه دانش فنی و... امیدواریم همگی لحاظ خواهند شد.

پرونده مالیاتی شرکت در چه



مدیرعامل زهراوی:

روزهای موفقیت ادامه دار است

شرکت بسیار حائز اهمیت است. همانگونه که مستحضرد شاید بالغ بر صدها طرح تسهیلاتی برای شرکت‌های دانش بنیان از طرف معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری پیش‌بینی و به صورت قانون تبیین شده است. از مهمترین این تسهیلات می‌توان به تخصیص و اعطای تسهیلات با نرخ ترجیحی برای سرمایه در گردش و پیش خرید و تجهیز ماشین آلات تولید این محصولات و همچنین تسهیلاتی که برای تسریع در امر ترخیص و تخلیه مواد و محصولات شرکت در گمرکات اشاره کرد و همچنین موارد بسیار دیگری که به مرور زمان قابل استفاده خواهند بود.

■ با توجه به شیوع ویروس کرونا، برنامه‌های شرکت در زمینه تولید دارو یا واکسن چه بوده است؟

همگام با سایر شرکت‌ها و سازمان‌ها، شرکت زهراوی نیز با رصد و مطالعه داروهای مؤثر و با احتمال زیاد تأثیر بر روی درمان یا پیشگیری از شیوع ویروس کرونا اقداماتی در این زمینه انجام داده است البته همانگونه که مستحضرد روند تحقیق و توسعه و ورود یک دارو به فهرست داروهای مورد استفاده بسیار زمانبر و پرهزینه است؛ بنابراین راه طولانی در این زمینه باید طی شود ولی از جمله اقدامات شرکت زهراوی می‌توان به کار مشترک با یک شرکت دانش بنیان که در زمینه تولید یک ماده دارویی گیاهی فعالیت داشته اشاره کرد که مواد مذکور با فرمولاسیون شرکت تبدیل به قرص زیر زبانی شده و طی طرح مطالعاتی با یکی از بخش‌های دانشگاه علوم پزشکی تبریز در قالب قرارداد در دستور کار قرار گرفت همچنین طرح مطالعاتی بر روی یک مکمل دارویی مؤثر در این زمینه نیز در دستور کار واحد تحقیق و توسعه شرکت است که در صورت کسب نتایج قابل قبول می‌تواند به صورت علمی و مؤثر در جریان کار سایر واحدهای تولیدی شرکت قرار گیرد.

■ با توجه به تغییرات نرخ دلار پیش‌بینی شما از این نوسانات چیست؟

متأسفانه بیشترین آسیب‌ها به بنگاه‌های تولیدی و از جمله شرکت داروسازی زهراوی نیز از محل تغییرات ناگهانی و قابل توجه ارز بوده است. به دلیل اینکه بخش عمده و قابل توجه تأمین مواد اولیه و ملزومات مورد نیاز تولید داروها از خارج از کشور صورت می‌پذیرد؛ قاعدتاً هر گونه نوسان تأثیر مهمی در بهای تمام شده و تأمین به‌موقع کالاها می‌گذارد به نظر می‌رسد با توجه به روند ۶ ماهه ابتدای سال از نحوه تخصیص و تأمین ارز از سوی بانک مرکزی محدودیت‌های تأمین ارز شدت بیشتری خواهند داشت بنابراین تأمین و تدارک مواد اولیه با سختی بیشتر و همچنین بهای تمام شده محصولات تولیدی نیز دوباره می‌تواند افزایش یابد.

موفقیت در ثبت محصول تولیدی کپسول نرم ژلاتینی ایمنورال به عنوان محصول دانش بنیان بر مبنای فناوری نانو موجب شد جایگاه اعتباری و تخصصی تولید داروهای های تک زهراوی ارتقا یابد. ارتقای کیفی آزمایشگاه و همچنین خروج از ماده ۱۴۱ به عنوان بخشی از موفقیت‌های شرکت داروسازی زهراوی زمینه انجام گفت و گو با حسین اسلامی، مدیرعامل زهراوی بود تا درباره شرکت اطلاعات بیشتری به دست بیاوریم.

■ سال گذشته طرح بهره برداری ۱۵۰۰۰ میلیون ریالی ارتقای کیفی را در دست داشتید؛ این مهم به کجا رسید؟

حدود ۴ ماه و مطابق برنامه زمان‌بندی شده آزمایشگاه جدید میکروبیولوژی شرکت که یکی از پروژه‌های مهم در ارتقای سطح کیفی عملیات شرکت محسوب می‌شد در پایان سال قبل به اتمام رسید و در اسفند ماه با تحویل به واحدهای آزمایشگاه و کنترل کیفی به بهره برداری رسید.

■ بدهی حدود ۱۸۰ میلیارد ریالی با بانک صادرات داشتید تسویه شده است؟

علاوه بر تسویه کامل با بانک صادرات تقریباً در حال حاضر تمامی تسهیلات دریافتی از بانک‌ها به روز و عمدتاً قراردادهای بلند مدت تبدیل شده اند. خوشبختانه بخاطر روند خوب شرکت موفق به دریافت حد اعتباری جدید از بانک خاورمیانه نیز شده‌ایم.

■ طبق آنچه در مجمع عنوان شده، گویا شرکت از حالت زیان‌ده (ماده ۱۴۱) خارج شده است.

بله، صورت‌های مالی حسابرسی شده سال قبل شرکت با حدود ۱۰۰ میلیارد ریال سود خالص موجب شد از شمول ماده ۱۴۱ خارج شویم و در حال حاضر با تداوم روند روبه رشد در تولید و فروش و به تبع آن سودآوری فاصله معنا داری از مشمولیت مجدد ماده ۱۴۱ پیدا کرده‌ایم. این موضوع اتفاق بسیار مهمی در عملکرد شرکت محسوب می‌شود و موجب شده که جایگاه اعتباری شرکت نیز در بین سهامداران، مؤسسات مالی و بانک‌ها بهبود قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

■ یکی از موفقیت‌های به دست آمده ورود به لیست شرکت‌های دانش بنیان است چه مزایایی با این اتفاق نصیب مجموعه خواهد شد؟

شرکت موفق به ثبت محصول تولیدی خود با نام کپسول نرم ژلاتینی ایمنورال به عنوان محصول دانش بنیان بر مبنای فناوری نانو شد که این موضوع نیز در ارتقای جایگاه اعتباری و تخصصی تولید داروهای های تک

شرکت عملکردی مثبت خواهد داشت



زهرا مالکیر
خبرنگار

همواره برای پیشگیری از این موضوع با سفارش گذاری مناسب و به موقع، مواد اولیه مورد نیاز خطوط تولید خود را تأمین کرده است. به نظر می‌رسد برای تأمین به موقع ارز مورد نیاز کالاهای اساسی از جمله دارو باید سیستم‌های فعلی تخصیص مورد بازنگری جدی قرار گیرند.

■ اهم برنامه‌های توسعه شرکت را بیان کنید؟

برنامه‌های توسعه ای در قالب موارد زیر قابل بیان است؛

الف) افزایش بهره‌وری و استفاده از ظرفیت‌های تولیدی موجود و راه اندازی خطوط تولید جدید.

۱. شرکت داروسازی سبحان انکولوژی با راه اندازی خط دوم ویال فیلینگ در واحد تولید استریل به دنبال افزایش ظرفیت تولید داروهای تزریقی است؛ ۲. اجرای پروژه‌های زیرساختی شرکت داروسازی سبحان انکولوژی با بهره برداری از پتانسیل زیر ساختی این بنگاه اقتصادی به دنبال اخذ پروانه محصولات دارویی‌هازارد و بهینه سازی سبد دارویی خود است.

ب) ارتقای سطح GMP شرکت با مدرن کردن خطوط تولید که موجب کاهش ریسک خروج از شرایط مناسب تولید شده است.

ج) بهبود کیفیت محصولات تولیدی؛ این بنگاه اقتصادی با فعال سازی بیش از پیش کمیته PQP یا Product Quality Review که با مشارکت حداکثری کارکنان سبحان انکولوژی و جذب مشورت کارشناسان باتجربه شرکت‌های خارجی در حال انجام است، به دنبال پایش

۲۲۰،۰۰۰ ویال رمدسیپویر را دارد همچنین سبحان انکولوژی سهم مناسبی از سبد دارویی انکولوژی کشور را به خود اختصاص داده است. شرکت در حال حاضر تعداد ۶۷ پروانه فعال و ۲ پروانه در جریان دارد و در سال جاری موفق به اخذ مجوز تولید ۱۶ دوز محصول جدید شده که برخی از آنها به تولید رسیده‌اند.

■ برآورد شما از سود شرکت برای سال جاری و سال‌های آینده چیست و چگونه محقق می‌شود؟

صورت‌های مالی شش ماهه اول سال جاری و اطلاعات تولید و فروش ماهانه منتشر شده در سامانه کدال نشان می‌دهد عملکرد این شرکت نسبت به سنوات گذشته رو به بالا و افزایشی بوده و با توجه به افزایش سطح عملکردی شرکت و تولید محصولات جدید و استراتژی توسعه محصولات شرکت پیش‌بینی می‌شود، این افزایش سودآوری به عنوان مزیت اگر بهبود نیابد حداقل در این سطح حفظ خواهد شد.

■ بزرگترین مشکل شما در چه حوزه‌ای است؟ برای رفع آن چه راهکاری دارید؟

بزرگترین مشکل صنعت کشور تخصیص ارز است که متأسفانه با توجه به برقراری تحریم‌ها و کمبود ارز در کشور و مشکلاتی که گاه برای حواله ارز در سیستم سوئیفت به وجود می‌آید، می‌تواند پرداخت به موقع به تأمین کنندگان را با تاخیر مواجه کند که این امر منجر به تأمین نشدن به موقع مواد اولیه شود. این شرکت

عملکرد شرکت نسبت به سنوات گذشته مثبت ارزیابی می‌شود و با توجه به افزایش سطح عملکرد شرکت و تولید محصولات جدید و استراتژی توسعه محصولات شرکت، این افزایش سودآوری به عنوان یک مزیت اگر بهبود نیابد حداقل در این سطح حفظ خواهد شد. طرح توسعه شرکت در راستای افزایش بهره‌وری، استفاده از ظرفیت‌های تولیدی موجود و راه اندازی خطوط تولید جدید اجرا خواهد شد. مجید عنابی، مدیرعامل شرکت سبحان انکولوژی مهمان این بخش از گفت و گوی ماهنامه بازار و سرمایه بود.

■ کمی درباره حال و روز این روزه‌های شرکت و محصولات شرکت توضیح دهید؛ سهم بازار شما چقدر است؟

مدیریت راهبردی شرکت با توجه به ارزیابی محیط سازمانی و ظرفیت خطوط تولیدی و انتخاب استراتژی متناسب با چشم انداز و اهداف پیش‌بینی شده، با تمرکز بر زنجیره ارزش شرکت به منظور حفظ مزیت‌های رقابتی و تحول در ایجاد سبد محصولات تولیدی با برخورداری از تجهیزات، امکانات و تکنولوژی پیشرفته تولید داروهای خاص، در شرایط کنونی و با وجود کرونا در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی و شعار شرکت- ما امید را زنده نگه می‌داریم موفق به اخذ مجوز تولید داروی استراتژیک رمدسیپویر به دو صورت پودر و محلول شده است و تا کنون با تأمین داروی مذکور توانسته کمک شایانی به درمان بیماری کرونا کند؛ ضمن اینکه این شرکت در حال حاضر توان ظرفیتی تولید ماهانه

و افزایش بیش از پیش کیفیت محصولات تولیدی خود است.

د) تلاش بیشتر برای خرید و انتقال دانش فنی تولید محصولات:

این بنگاه اقتصادی به منظور رشد فروش محصولات کم بازده و افزایش سهم بازار محصولات استراتژیک به دنبال افزایش همکاری‌های بین‌المللی با شرکت‌های معتبر دارویی است.

■ نوسانات ارز چه تاثیری بر شرکت داروسازی سبحان انکولوژی داشته است و برای کنترل آن چه راهکاری پیش‌بینی کرده‌اید؟

از آنجایی که شرکت برای واردات مواد اولیه از ارز دولتی استفاده می‌کند و نرخ ارز دولتی ثابت است و فقط ارز بخشی از مواد جانبی به صورت نیمایی تأمین می‌شود بنابراین نوسانات نرخ ارز تاثیر قابل توجهی بر عملکرد شرکت نداشته است.

■ برای افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها برنامه‌ای در نظر دارید؟

شرکت فعلاً برنامه‌ای برای افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی ندارد ضمن آنکه هر گونه تغییر احتمالی در برنامه‌های شرکت در این مورد، پس از تأیید سهامدار عمده و از طریق مجاری قانونی و رسمی به اطلاع سهامداران خواهد رسید.

■ درباره تأمین مواد اولیه چه مشکلاتی دارید؟

عمده مشکلات تأمین مواد اولیه مربوط به کمبود ارز و برقراری تحریم است. کمبود ارز بانکی (روپیه و یورو) و همکاری نکردن بانک‌های چینی، کمبود ارز نیمایی و هزینه‌های بالای تأمین ارز از جمله مشکلاتی هستند که انتقال وجه به بانک‌های مقصد را دچار چالش کرده و امکان تأمین به موقع مواد اولیه را در برخی موارد مشکل ساز می‌کند.

■ مواد اولیه شرکت از کدام کشورها تأمین می‌شود؟

از کشورهای آسیایی از جمله هند و چین و برخی از کشورهای اروپایی تأمین می‌شود.

■ مجوز صادرات برای محصولات شرکت گرفته شده است؟

صادرات شرکت تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ با

دریافت مجوز صادرات از سازمان غذا و دارو، صورت گرفته است اما در حال حاضر به دلیل بخشنامه جدید، محدودیت صادرات توسط سازمان غذا و دارو، هنوز موفق به دریافت مجوز جدید نشده است.

■ درصد و مبلغ تخفیفات فروش از ابتدای سال به صورت ماهانه چه میزان بوده و نسبت به دوره مشابه چه تغییری کرده است؟

مبلغ تخفیفات در ۶ ماهه اول سال ۹۹ معادل ۲،۵ درصد فروش خالص است و در دوره مشابه ۴ درصد مبلغ فروش خالص بوده است. علت کاهش تخفیفات در سال جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، افزایش تعداد شرکت‌های پخش به ۱۱ شرکت و برنامه‌ریزی مناسب در توزیع محصولات به شرکت‌های مذکور است. در حالی که در سنوات گذشته به دلیل محدود بودن تعداد پخش‌ها شرکت مجبور به اعطای تخفیفات بیشتر بوده است.

■ برای کاهش دوره وصول مطالبات چه اقداماتی انجام شده است و هم اکنون دوره وصول مطالبات شرکت چند روز است؟

در سال جدید محصولات استراتژیک جدیدی در سبد دارویی این شرکت قرار گرفته است که مدت وصول مطالبات ناشی از فروش آنها کوتاه است بنابراین دوره وصول مطالبات شرکت در سال جدید از ۴۰۰ روز به ۲۷۰ روز رسیده است.

■ میزان طلب شما از دولت در حال حاضر چه مقدار است و برای وصول آن چه اقداماتی شده است؟

با توجه به اینکه شرکت‌های دارویی محصولات خود را مستقیماً به شرکت‌های پخش می‌فروشند بنابراین طلب مستقیمی از دولت ندارند.

■ برنامه شرکت برای کنترل هزینه‌های مالی چیست؟

استراتژی شرکت که در سال ۹۸ طراحی شد، منجر به کاهش دوره وصول مطالبات شده است که بخش قابل توجهی از تسهیلات را به مبلغ ۴۴۲ میلیون ریال از محل منابع داخلی در سال جدید تسویه کرده است و پیش‌بینی می‌شود با این روند تسویه تسهیلات از محل منابع داخلی امکان‌پذیر باشد.

مدیرعامل شرکت

تولید ژلاتین کپسول ایران:

به دنبال ارائه محصولات با کیفیت هستیم

شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران در سال ۱۳۶۷ تاسیس و در سال

۱۳۷۳ به بهره‌برداری رسید. این شرکت یکی از شرکت‌هایی است که پس از پشت سر گذاشتن بحران نقدینگی، امروز با ثبات در رسیدن به اهداف گام برمی‌دارد، خلق راهکارهای کمی و کیفی برای ورود به بازار جهانی و رقابت با تولید کنندگان مطرح بین‌المللی از جمله برنامه‌های توسعه‌ای این شرکت است.

در چشم انداز کوتاه مدت تا سال ۱۴۰۰ ساخت ۴ دارو در برنامه شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران قرار دارد که با اتکا به توان نیروهای متخصص و جوان ایرانی اهداف دور و نزدیک این شرکت محقق خواهد شد.

اصلی‌ترین فعالیت شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران، تولید پوکه‌های ژلاتینی کپسول دارویی است که از تکنولوژی پیچیده برخوردار بوده و برای تولید آن از ماشین‌آلات مدرن و با تکنولوژی روز دنیا با رعایت اصول استفاده می‌شود. استفاده از تکنولوژی روز دنیا، ارتقای سطح کیفی، افزایش میزان و تنوع تولیدات، کاهش مصرف انرژی، رعایت استانداردهای جهانی دارو و محیط زیست، قیمت‌گذاری رقابتی، طلب سرمایه‌گذاری خارجی، مشارکت با صاحبان تکنولوژی، استفاده از فناوری اطلاعات بطور فراگیر و طراحی و اجرای فرآیندهای مورد نیاز از جمله اقداماتی است که در شرکت همواره در راستای ارائه محصولات با کیفیت بالا در بازارهای داخلی و خارجی مورد توجه این شرکت است. در مورد فراز و فرودهای شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران گفت وگویی با رامین رضایی مدیرعامل این شرکت در نظر گرفته شده که در ادامه می‌خوانیم:

و شناخت نیاز بازار، شرکت موفق به تولید کپسول مرواریدی، کپسول طعم دار، کپسول ژلاتین ماهی، کپسول پرشونده با مایع و هم اکنون این داروها را در سبد کالای خود قرار داده است.



همچنین کپسول‌های گیاهی HPMC و PULLULAN و کپسول‌های باز شونده در روده، از دیگر برنامه‌های توسعه سبد محصولات شرکت ژلاتین کپسول است.

■ در ارتباط با برنامه‌های توسعه‌ای شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران توضیح دهید؟

با توجه به تاکید مقام معظم رهبری به جهش تولید در سال جاری، شرکت تمرکز خود را به افزایش ظرفیت تولید، از طریق احداث خطوط تولید نوین و تحقیق بر فرمول‌های جدید قابل حصول قرار داده است و با در نظر گرفتن تمامی شرایط، موفق به خلق راهکارهایی کمی و کیفی برای ورود به بازار جهانی شده و آماده رقابت با تولید کنندگان مطرح بین المللی است.

■ مشکل همیشگی صنعت دارو تامین نقدینگی برای خرید مواد اولیه است، با این مشکلات چگونه کنار آمده اید؟

از طریق شناسایی تامین کنندگان جدید، «منابع خرید» افزایش پیدا کرده است و این مهم، منجر به بهبود مدیریت راهبردی و کنترل هزینه و مصرف شده است. لازم به ذکر است، شیوه مذاکره و قرارداد با تأمین کنندگان به نحوی است که با مد نظر قراردادن نسبت دوره پرداخت بستانکار و مدیریت نقدینگی در کنترل هزینه مصرف، به طور حتم از توان مالی خود استفاده کند. از دیگر اقدامات شرکت برای تامین نقدینگی می‌توان به ایجاد کمیته وصول مطالبات نیز اشاره کرد که با پویایی و پیگیری مستمر منجر به کاهش زمان وصول مطالبات شده است.

■ بازار صادراتی و هدف محصولات دارویی شرکت چه کشورهایی است و آیا صادرات، ارزآوری هم به دنبال داشته است؟

کشورهای سوریه، ارمنستان، قزاقستان، عراق، لبنان و افغانستان از مشتری‌های وفادار شرکت به حساب می‌آیند و برای شرکت سال‌ها ارزآوری داشته‌اند. پس از همه‌گیری کرونا و اعلام ممنوعیت صادرات از سوی سازمان غذا و دارو، شرکت کوشش همه جانبه‌ای را برای تامین نیاز ۲۵۲ شرکت دارویی و غیر دارویی آغاز کرده و موفق به تامین نیاز داخلی شده و امید است با افزایش تولید و رفع موانع موجود در کشور مجدد به این بازارها بازگردیم.



■ ورود شما به شرکت همراه با بحران نقدینگی بود، چگونه آن را مدیریت کردید وضعیت فعلی شرکت چگونه است؟

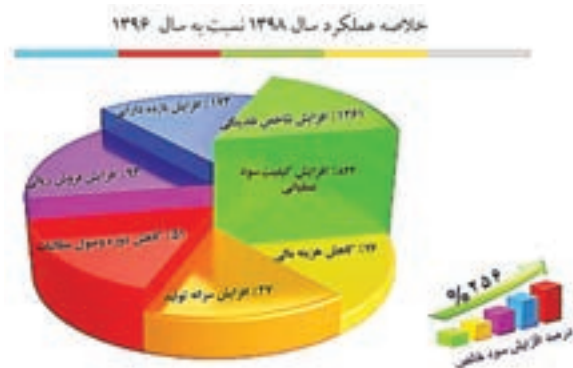
در بدو ورود و بر عهده گرفتن مدیریت شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران، این شرکت دچار بحران نقدینگی بود به شکلی که بدهی شرکت به بانک‌ها، از مرز ۳۸۳,۰۰۰ میلیون ریال فراتر رفته بود، حساب‌های شرکت مسدود و حتی بانک‌ها از صدور دسته چک برای شرکت امتناع می‌کردند. شرکت در این شرایط از تمامی فعالیت‌های عملیاتی خود باز مانده بود. پس از رهایی از بحران نقدینگی و با وجود خارج شدن شرکت از لیست تخصیص ارز دولتی و الزام به خرید مواد اولیه با استفاده از ارز نیمایی، موفق به عبور از مشکلات نقدینگی خود شد و هم اکنون به ثبات مالی رسیده است. در جدول ذیل برخی از نسبت‌های نقدینگی مالی شرکت درج شده است که گواه بر آن است.

شرح	سال ۹۶ (به درصد)	سال ۹۷ (به درصد)	سال ۹۸ (به درصد)
نسبت جاری	۱,۱	۱,۵	۱,۶۰
بدهی	۶۶	۵۵	۵۱
بدهی ارزش ویژه	۱,۹۴	۱,۲۲	۱,۰۵
پوشش نرخ بهره	۲,۶۳	۴,۹	۲۶,۳۲
وصول مطالبات	۱۴۸	۱۱۴	۷۲
بازده دایی	۹,۱۴	۱۷,۳۲	۲۵
بازده ارزش ویژه	۴۰	۳۸,۵	۵۱
نسبت مالکانه	۳۴	۴۵	۴۹



■ ساخت ۴ دارویی که قرار است توسط شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران تا سال ۱۴۰۰ انجام شود در چه مرحله‌ای است؟

پس از ایجاد واحد تحقیق و توسعه و پژوهش بر فرمول‌های جدید



■ در زمینه ساخت واکسن کرونا تحقیقاتی داشته و به این حوزه وارد شده اید؟

شرکت تمام توان و تلاش خود را صرف افزایش ظرفیت تولید و فراهم آوردن کپسول دارو برای تمامی خطوط تولید کارخانجات دارویی کشور انجام داده است. به عنوان مثال با توجه به درخواست شرکت باختر بیوشیمی و تایید سازمان غذا و دارو، در اولین روز فروردین و ایام تعطیل عید سال ۱۳۹۹ شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران، برنامه تولید خود را تغییر داده و اقدام به تولید پوکه‌های کپسول جهت تولید محصولات آن شرکت کرده است که با انجام موفقیت آمیز این مهم، سهم بسزایی در مقابله با این بیماری دارد.

■ نرخ ارز بر قیمت تمام شده محصولات دارویی چه اثری داشته و چه اقداماتی برای حل این معضل در نظر گرفتید؟

با خروج ماده اولیه تولید محصول از لیست موارد مشمول ارز دولتی، شرکت ملزم به تهیه مواد با ارز نیمایی شد. علاوه بر این مشکل شرکت با دشواری نسبت به تامین قطعات خطوط تولید خود با ارز آزاد اقدام می‌کند که این موضوع باعث افزایش قیمت نهایی محصول شد ولی با وجود این افزایش قیمت‌ها، کماکان قیمت محصول از مشابه خارجی آن به مراتب ارزان‌تر است.

■ مالیات بر ارزش افزوده یکی دیگر از چالش‌های صنعت دارو است، این مشکل چگونه در شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران مدیریت شده است؟

با پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در چرخه‌های سه ماهه و تعامل اثر بخش با «سازمان امور مالیاتی ارزش افزوده»، سهمی از پرداخت‌ها به صورت نقدی و مابقی در چهار قسط تسویه می‌شود.

■ آیا برنامه‌ای برای تامین مالی از طریق بازار سرمایه دارید؟

با توجه به نرخ بالای کارمزد، شرکت برای تامین نقدینگی خود از منابع داخلی بهره می‌برد و صرفاً در صورت بروز موارد ضروری همچون تامین مواد اولیه، اقدام به اخذ تسهیلات در صورت نیاز می‌کند.

■ با وجودی که برخی شرکت‌ها رویه فروش نقدی را پیش گرفته اند همچنان دوره طولانی وصول مطالبات از جمله مشکلات دارویی‌هاست، چه راهکاری برای این مشکل در نظر گرفتید؟

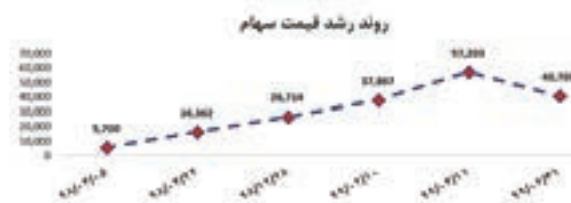
با وجود فعالیت انحصاری شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران، سیاست اخذ مطالبات به صورت تعاملی و تاکید بر اهمیت مشتری مداری و رضایتمندی مشتری است و قراردادهای بلند مدت با ذینفعان منعقد می‌شود. در همین راستا کمیته مطالبات ایجاد و با مذاکره‌های هدفمند زمان وصول مطالبات کاهش یافته است.

■ وضعیت ژلاتین کپسول ایران در بازار سرمایه چگونه است؟

سهام شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران برای نخستین بار در سال ۹۸ با ارزش هر سهم به مبلغ ۵,۷۰۰ هزار ریال و ارزش بازار ۱,۱۴۰ میلیون ریال در فرابورس عرضه شد و پس از برگزاری مجمع صاحبان سهام در پایان همان سال با رشد چشمگیری برابر با ۵۶۴ درصد نسبت به عرضه اولیه و به قیمت هر سهم ۳۷,۸۷۳ هزار ریال و ارزش بازار ۷,۵۷۳ میلیون ریالی روند صعودی و منطقی را طی کرد. این شرکت دارویی با استفاده حداکثری ظرفیت خود و ارائه به موقع اطلاعات کدال و اخبار موثق به بهبود وضعیت هر سهم تا مبلغ ۵۷,۲۰۳ هزار ریال و ارزش بازار ۱۱,۴۴۰ میلیون ریال در تاریخ ۹۹/۰۴/۱۱ رسیده است. پس از ریزش شاخص کل، ارزش هر سهم به مبلغ ۳۸,۱۶۰ هزار ریال و ارزش بازار ۷,۶۳۲ میلیون ریال رسیده است در حالی که با شیب صعودی رشد شرکت، نرخ سهام در بازار سرمایه افزایش یافته و موجب تمایل سهامداران به سرمایه گذاری شده است.

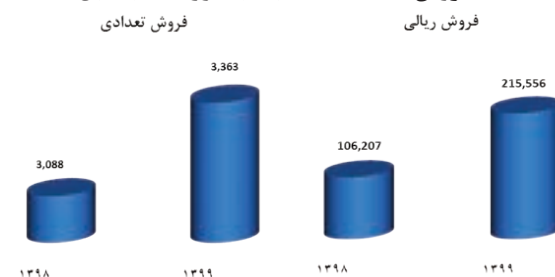
■ شیوع کرونا تغییراتی در میزان فروش ایجاد کرده است؟

با توجه به مشکلات پیش آمده (کوید-۱۹)، شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران خود را متعهد و موظف دانسته با تلاش شبانه‌روزی و افزایش ظرفیت کاری خود حتی در ایام تعطیل در جهت خدمت بیشتر به جامعه اقدام لازم را انجام دهد تا سهم خود در بهبود و توسعه صنعت دارویی کشور را ادا کرده باشد. نمودار زیر رشد سهام قابل بررسی است



نمودار ذیل مقایسه میزان فروش ۶ ماهه ۱۳۹۹ (دوره زمانی متاثر از کرونا) در مقایسه با ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۸ است.

مقایسه فروش ۶ ماهه ۹۹ نسبت به دوره مشابه قبل ۹۸



همچنین گزارشی از عملکرد شرکت در سال‌های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ به شرح جدول و نمودارهای زیر آمده است. اطلاعات زیر نشان می‌دهد کلیه شاخص‌های اصلی شرکت تولید ژلاتین کپسول ایران اعم از فروش، سود آوری، کاهش هزینه‌ها و... روند مثبتی را در سه سال اخیر گذرانده و این مهم بدون افزایش ظرفیت و فقط با افزایش بهره‌وری در تمامی سطوح عملیاتی و ستادی حاصل شده است.

تاریخ	فروش عددی (میلیون عدد)	فروش ریالی (میلیون ریال)	سود خالص (میلیون ریال)	رشد سود نسبت به دوره قبل (درصد)
۹۶	۴,۸۷۹	۴۷۰,۸۹۴	۶۸,۹۳۹	-
۹۷	۵,۶۱۷	۶۵۱,۷۴۲	۱۵۱,۰۲۴	۱۱۹ %
۹۸	۶,۳۰۹	۹۰۷,۹۰۹	۲۴۵,۷۴۴	۶۳ %
۹۹ ماهه ۶	۳,۳۶۳	۷۰۹,۷۲۰	۲۱۵,۵۵۶	۱۰۳ %

مدیر عامل کاسپین تأمین:

مترصد کسب جایگاه برتر هستیم

شرکت داروسازی کاسپین تأمین که مدیریت جدید را تجربه می‌کند کارنامه موفق در یکسال و اندی از حضور حامد صابونی به عنوان مدیر عامل این مجموعه داشته است. "رشد ۳۰ درصدی میزان تولید نسبت به سال گذشته"، "کاهش دوره وصول مطالبات"، "رشد ۸۱ درصدی سود خالص در سال ۹۸"، "بهبود فضاهای عمومی سازمان در راستای برآورده کردن الزامات GMP و HSE" بخشی از روند توسعه ای این مجموعه دارویی است. در گفت‌وگو با ماهنامه با حامد صابونی، مدیر عامل مجموعه موفق کاسپین ابعاد بیشتری از روند توسعه ای شرکت بررسی شد.



تحریم‌های ظالمانه

- تأمین مواد اولیه داخلی با توجه به نوسانات لحظه‌ای قیمت‌ها
- تأمین نقدینگی
- بهبود سبد فروش محصولات با توجه به افزایش زمان تأمین مواد
- بهبود وضعیت منابع مواد اولیه
- انجام پروژه‌های توسعه ای (با توجه به افزایش نرخ ارز)

■ برای تأمین مواد اولیه با چه مشکلاتی مواجه هستید؟

در بخش خریدهای خارجی به دلیل تحریم‌ها واقعا با مشکلات عدیده ای مواجه‌ایم ولی با اتخاذ تدابیر ویژه در این خصوص توانسته‌ایم ریسک‌های موجود را شناسایی و مدیریت کنیم و اثرات آن را به حداقل برسانیم. همچنین در حوزه خریدهای داخلی به دلیل نوسانات قیمت ارز و تاثیر مستقیم آن بر روی قیمت‌ها و افزایش اندک قیمت محصولات نهایی دارویی، با مشکل نقدینگی مواجه هستیم.

■ در دوران قبل وصول مطالبات افزایش چشمگیری داشت. در این زمینه برنامه ای داشته‌اید؟

بله، دوره وصول در سال ۱۳۹۷ حدود ۲۶۷ روز بود که دوره وصول در سال ۱۳۹۸ را توانستیم به ۱۸۷ روز کاهش دهیم. برای وصول مطالبات هم صرفاً پیگیری مستمر از شرکت‌های پخش بوده است.

■ به برنامه‌های توسعه ای شرکت هم اشاره‌ای داشته باشید.

- خرید دو دستگاه کنترل ذره آمپول به همراه دستگاه تست کنترل نشستی پوکه (در راستای ارتقاء کیفیت و افزایش ظرفیت تولید)
- راه اندازی خط سرنگ ازپیش پرشده در راستای

- ثبت ۲۶ منبع جدید
- ایجاد رویه تولید و فروش محصولات قراردادی
- دستیابی به درآمد ۲۰ میلیارد ریالی از طریق تولید محصولات قراردادی
- بهبود فضای سرور روم در راستای برآورده سازی استاندارد ۲۷۰۰۱
- اتمام پروژه‌های تکمیل انبار محصول و بسته بندی در راستای برآورده سازی الزامات GMP
- ایجاد فضای نگهداشت پسماند ویژه مطابق با الزامات زیست محیطی و اصول GMP

■ بنا بر این شرکت باید در وضعیت مناسبی باشد؟

در حال حاضر شرکت در بین شرکت‌های بوری تولید کننده محصول نهایی در رتبه ۸ ام قرار دارد. (از نظر فروش ریالی) با توجه به رتبه ۱۴ ام سال ۱۳۹۷ ما توانسته ایم جایگاه شرکت کاسپین تأمین را ۶ پله ارتقاء دهیم ضمن آنکه انجام بزرگترین صادرات حجمی در قدمت ۳۷ ساله شرکت را در سال ۹۸ و ۹۹ داشته ایم.

 میزان صادرات در شش ماهه اول سال جاری
با ۱۰ میلیون عدد آمپول

دوره	سال ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۸
فروش	۲۳۶۰ میلیارد ریال	۳۸۳۰ میلیارد ریال
سود خالص	۶۱۳ میلیارد ریال	۱۱۱۱ میلیارد ریال
سود نا خالص	۱۰۳۵ میلیارد ریال	۱۸۰۱ میلیارد ریال

در زمینه خرید مواد اولیه با توجه به نوسانات لحظه ای قیمت‌ها نیز با تأمین اعتباری که شده و همچنین افزایش سئورس (منبع تهیه مواد) و اضافه کردن منابع جدید، برای ۱۲ ماه آتی موجودی مواد اولیه محصولات استراتژیک را ذخیره کرده‌ایم و از این حیث مشکل جدی نخواهیم داشت.

■ چالش‌های صنعت دارو را بیان کنید

- تأمین مواد اولیه خارجی با توجه به شرایط

■ با توجه به حضور شما در مجموعه کاسپین، چه تغییری در مجموعه حاصل شده است.

موارد محقق شده به صورت محور وار به شرح زیر است:

- رشد ۶۲ درصدی فروش ریالی از طریق مدیریت سبد محصولات و افزایش فروش تعدادی
- رشد ۷۴ درصدی سود ناخالص در سال ۹۸
- ثبت ۲ افزایش سرمایه ۲۰۰ درصدی و ۵۵ درصدی
- افزایش حد اعتباری سالیانه بانکی از ۶۵۰ میلیارد ریال به ۲۰۰۰ میلیارد ریال
- کاهش نسبت بهای تمام شده به میزان ۳ درصد
- کاهش نسبت هزینه‌های مالی به میزان ۲ درصد
- افزایش ۳۹ درصدی در موجودی مواد و کالاهای شرکت
- بروزرسانی طرح طبقه بندی مشاغل
- تغییر وضعیت استخدامی کارکنان از پیمانکاری به قراردادی
- افزایش سودآوری سازمان
- افزایش ۴۰۰ درصدی سقف بودجه تسهیلات کارکنان

- تأمین اعتبار مالی برای پروژه‌های سازمان
- خرید و بهره برداری از نرم افزار یکپارچه اطلاعاتی ERP

- انجام ۵ مورد اصلاح فرمولاسیون جهت مدیریت بهای تمام شده (صرفه جویی در بهای تمام شده سال ۹۹ به مقدار ۵۰ میلیارد ریال)
- توسعه سبد محصولات از طریق
- اخذ پروانه ۳ محصول جدید
- اخذ پروانه ۴ محصول جدید در حوزه کرونا
- بهبود وضعیت انبارش مواد با بهره برداری از انبار مواد آتش زا و الکل در راستای کاهش ریسک آتش سوزی

- کاهش هزینه تعرفه گمرکی مواد از ۲۶ درصدی به ۵ درصدی در برخی مواد اولیه تزریقی که گرید غیرتزریقی آنها تولید داخل داشتند.

افزایش توان تولید اشکال دارویی
 • انتقال خطوط آمپول به فضای جدید تولید که مطابق الزامات GMP ساخته و مورد بهره برداری قرار می گیرد.

• آغاز پروژه اصلاحات GMP در بخش مایعات و نیمه جامدات

• ساخت و بهره برداری از توزین تزریقی

• بهره گیری از پتانسیل شرکت های همکار در تولید سایر اشکال دارویی از طریق تولید قراردادی تکمیل سبد محصولات

• اخذ استاندارد IMS در حوزه مدیریت کیفیت و همچنین ایزو 10004 و 10002 و اخذ ایزو 10015 و تلاش جهت بهینه سازی سیستم و برقراری رشد متوازن و پایدار با الگو برداری از مدل EFQM

• تولید قراردادی به منظور تکمیل ظرفیت خالی خطوط

• تکمیل اشکال دارویی تزریقی

• ارتقاء GMP انبار مواد و آزمایشگاه

• توسعه سبد محصولات مخصوصا در شکل دارویی پریفیلد

بخش از برنامه های مجموعه تحت امر شما تولید داروهای تحت لیسانس بوده است.

بله، با توجه به اینکه عمده محصولات شرکت تزریقی هستند، در این زمینه اصلاح ساختار خطوط تزریقی به جهت اخذ GMP، در مراحل پایانی است و پس از این ارتقا، یکی از اهداف شرکت مبنی بر توسعه سبد محصولات در قالب تولید محصولات تحت لیسانس محقق خواهد شد و با توجه به اینکه شرکت کاسپین تأمین، برند مطرح در حوزه محصولات تزریقی است، پیش بینی می شود استقبال شرکت های مطرح در این زمینه به جهت اخذ قراردادهای تولید محصولات تحت لیسانس در شرکت کاسپین تأمین بالا باشد. این موضوع موجب جهش قابل ملاحظه ای در فروش محصولات شرکت و ارتقا بیشتر اعتبار شرکت در حوزه تولید محصولات تزریقی خواهد بود.

■ با معضل نوسانات قیمت ارز چگونه کنار آمده اید؟

ارز از مهم ترین مولفه های تعیین کننده ظرفیت اقتصادی کشور و مهم ترین عامل در تجارت خارجی است که نوسانات آن تاثیرات زیادی بر تولید داخلی کشور می گذارد. افزایش هزینه های تولید، کاهش حاشیه سود و کاهش توان رقابتی، کمبود سرمایه در گردش بنگاه ها، اختلال در سیستم خریده ها و معاملات اقتصادی از مهم ترین تاثیرات نوسانات نرخ ارز در اقتصاد کشور است.

در چنین شرایطی، تولید کنندگان نیز ملزم به خرید نقدی مواد اولیه هستند که به دلیل حجم

بالای نیاز آنها با مشکل مواجه می شوند. موارد ذکر شده در صناعی نظیر داروسازی که دارای بوراکسی در اخذ قیمت محصول نهایی هستند، اثرات بیشتری دارد.

علاوه بر موارد فوق، نوسانات نرخ ارز بر شرکت هایی که در حال انجام پروژه های توسعه ای هستند، اثرات بیشتری داشته و سرعت رشد شرکت ها را با کاهش مواجه می کند.

تنزیل ارزش پول داخلی (افزایش نرخ ارز)، به صورت مقطعی می تواند باعث رشد صادرات شود. رشد صادرات (در محصولات غیر نفتی) می تواند اثر مثبت بر روند ارز آوری شرکت های که امکان صادرات دارند را داشته باشد.

در این میان شرکت هایی نظیر کاسپین تأمین که در هلدینگ قدرتمندی نظیر دارویی تأمین (تیپیکو) قرار گرفته است، امکان بهره برداری از فرصت هایی نظیر شناسایی بهتر بازارهای هدف با کمک تیم پشتیبانی هلدینگ، همپوشانی فعالیت ها و به سازی سبد قابل ارائه به کشورهای هدف صادراتی... را دارد.

با این حال، این نکته حائز اهمیت است که نوسان نرخ ارز در زمان عقد قرارداد صادراتی و تحویل ارز از سوی مشتری، می تواند منجر به تغییر سود پیش بینی شده از معاملات شود.

■ کاسپین تأمین صادرات هم دارد؟

به کشورهای صادراتی در سال جاری عراق، سوریه، افغانستان و ونزویلا بوده اند که نزدیک ۱۰ میلیون عدد محصولات و ارزش ریالی ۱۷۲ میلیارد ریال داشته است. در سال گذشته نیز به یمن حدود ۷۰ میلیارد ریال صادرات داشته ایم.

■ چشم انداز شرکت قرار گرفتن در زمره ۵ شرکت برتر در حوزه عرضه فراورده های دارویی تا سال ۱۴۰۴ است، جایگاه فعلی و برنامه برای رسیدن به آن چشم انداز چیست؟

همانطور که پیشتر اشاره شد در حال حاضر جایگاه شرکت در بین شرکت های بورسی تولید کننده محصول نهایی در رتبه ۸ ام است که همراهی قدم به قدم هلدینگ تیپیکو و حمایت های مجموعه هلدینگ سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (شستا) و پیگیری انجام طرح های توسعه ای و با خرید دستگاه های با تکنولوژی روز دنیا و همچنین اضافه کردن محصولات به شکل دارویی پریفیلد و توسعه سبد محصولات مخصوصا در شکل دارویی پریفیلد مطابق برنامه استراتژیک شرکت بر آن هستیم تا بتوانیم به جایگاه حداقل ۵ در بین عرضه کنندگان محصولات دارویی برسیم.

مدیر عامل داروسازی
 شهید قاضی تشریح کرد:

افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی

داروسازی شهید قاضی
 در کنار مدافعان سلامت

تأمین نیازهای دارویی جامعه (داخلی و خارجی) و خواسته های متوازن ذینفعان با طراحی و تولید انواع فرآورده های دارویی استریل تزریقی (انسانی و دامی) با به کارگیری مناسب ترین تکنولوژی و سرمایه های انسانی متعهد، متخصص، ماموریت شرکت داروسازی شهید قاضی است. ورود به بازارهای خارجی و تولید اشکال دارویی غیر تزریقی بخشی از چشم انداز این شرکت برای ۱۴۰۱ است. سعید باسمنجی، مدیر عامل داروسازی شهید قاضی به تشریح برنامه های خود در مجموعه پرداخت.

■ تا سال گذشته ۱۰۰ پروانه تولید در مجموعه شما گرفته شده بود، از سال گذشته تغییراتی در این مهم صورت گرفته است؟

بله، تعداد ۱۱ پروانه تولید داروهای دامی و ۵ پروانه تولید داروهای انسانی در سال ۹۸ و همچنین سه پروانه جدید از ابتدای سال ۹۹ به سبد محصولات شرکت اضافه شده است و داروهای دیگری نیز تا آخر سال به محصولات شرکت اضافه می شود. لازم به توضیح است که در سال های اخیر شرکت داروسازی شهید قاضی با حداکثر ظرفیت ممکن و به صورت سه شیفت فعالیت داشته اما اخذ پروانه های جدید تا زمانی که افزایش ظرفیت خطوط ایجاد نگردد تاثیر محسوسی نخواهد داشت.

■ شرکت، تولید محصول جدید داشته است؟

یکی از مهمترین محصولاتی که در سال ۹۹ برای اولین بار در کشور تولید شد و

مقطر که در مجموع ۸/۱۸ میلیون لیتر انواع محصولات تزریقی تولید شده است و این حجم تولید با وجود تعطیلی‌های ذکر شده، معادل با حجم تولید شش ماهه سال قبل است. این مقدار تولید منجر به ۶/۲۳۴ میلیارد تومان فروش شده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۹ درصد افزایش داشته است. همچنین سود خالص عملکرد شش ماهه شرکت بالغ بر ۳/۱۲۵ میلیارد تومان بوده که رشد ۴۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل دارد.

■ برنامه‌ای برای صادرات دارید؟ اگر بله به کدام مقاصد صادراتی با چه حجمی و روی چه محصولاتی؟

در دو سال اخیر روند اخذ مجوزهای صادرات از سازمان غذا و دارو به شدت محدود شده و بسیاری از تقاضاهای صادراتی را بدلیل صدور مجوز از دست داده‌ایم. با وجود نگرانی‌های به حق سازمان غذا و دارو در خصوص اولویت تأمین داروهای موردنیاز کشور، بخصوص در شرایط تشدید شیوع بیماری کرونا، بارها تقاضا کرده‌ایم که با حداقل میزان صادرات سرم و سایر محصولات تولیدی این شرکت موافقت کنند تا از بازارهای منطقه حذف نشویم، زیرا بازسازی و کسب اعتماد در بازارهای صادراتی بسیار پرهزینه و زمان‌بر بوده و در صورت حذف، بلافاصله رقبای منطقه‌ای جایگزین ما می‌شوند. عمده‌ترین بازارهای صادراتی ما کشورهای عراق، افغانستان، ترکمنستان و تاجیکستان بوده که امسال فقط مقدار محدودی به کشور عراق صادرات داشته و همچنین برخی محصولات ما بطور غیرمستقیم و از طریق سایر شرکت‌های دارویی به کشورهای سومالی و افغانستان صادر می‌شود. درنهایت با وجود همه محدودیت‌ها میزان صادرات شش ماهه امسال بیش از ۸۰ هزار دلار است که نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از ۲۰۰ درصد افزایش داشته است.

■ به طرح‌های توسعه‌ای شرکت در سال جهش تولید اشاره کنید.

همانگونه که می‌دانید پروژه‌های نوسازی، بازسازی و توسعه‌ای متعددی در برنامه شرکت داروسازی شهید قاضی در جریان بوده و آنچه که کار ما را در کنار مشکلات متعددی نظیر تحریم‌های بانکی، عدم تخصیص ارز ماشین‌آلات توسط بانک مرکزی، محدودیت‌های ناشی از شیوع بیماری کرونا، بوروکراسی حاکم بر شرکت‌های شبه دولتی و غیره سخت‌تر می‌کند، انجام و اجرای پروژه‌ها، همزمان با تداوم تولید است. به هر حال بخش جدید آمپول‌سازی این



■ شرکت به موضوع کرونا ورود کرده است؟

یکی از اصلی‌ترین محصولات موردنیاز برای درمان بیماران کرونایی، استفاده از انواع سرم‌های تزریقی و آنتی‌بیوتیک‌های وریدی است که عمده محصولات شرکت شهید قاضی در این راستا کاربرد دارد. بطوری که در اسفند ماه سال ۹۸ پس از افزایش موارد بستری بیماران کرونایی، سازمان غذا و دارو کتبا به شرکت شهید قاضی اعلام کرد که برنامه‌ریزی لازم برای افزایش تولید انواع سرم و تأمین دپوی مناسب از این محصولات صورت گیرد. بنابراین همکاران ما از ابتدای سال ۹۹ از روز سوم فروردین ماه بدون وقفه با سه شیفت در حال فعالیت و تأمین محصولات مورد نیاز بیمارستان‌ها هستند. همچنین این شرکت برای دو محلول ضدعفونی‌کننده و آنتی‌بیوس گیاهی سطوح و دست، پروانه تولید را دریافت کرده است که به دلیل تعدد شرکت‌های تولید کننده و اشباع نسبی بازار، فعلا در برنامه تولید قرار نگرفته‌اند.

■ میزان تولید و فروش شرکت چقدر است؟

در شش ماه اول سال جاری به رغم تعطیلی چند هفته‌ای بخش‌های تولید سرم و ویال و تعطیلی یک ماهه خطوط تولید آمپول بدلیل انجام پروژه‌های بازسازی و راه‌اندازی بخش جدید آمپول‌های شرکت، قریب به ۳۰ میلیون واحد انواع سرم و ویال‌های تزریقی و قریب به ۶۰ میلیون واحد، انواع آمپول‌های دارویی و آب

توسط شخص آقای دکتر نمکی، وزیر محترم بهداشت رونمایی شده است، ویال تزریقی لینزولید است که تولید شده و به بازار عرضه می‌شود. به رغم پیگیری‌های متعدد جهت تداوم تولید این محصول، تاکنون ارز لازم برای تأمین ماده اولیه آن اختصاص نیافته است، درحالی که در این مدت شاهد هستیم که چندین شرکت این محصول را کماکان با چند برابر قیمت نمونه داخلی وارد کرده‌اند. در حوزه محصولات دامی نیز محصولات جدیدی تولید شده همچنین برخی از پروانه‌های راکد شرکت نظیر محصولات حاجب تزریقی آیوهگزل و آیودیکسانول پس از اصلاح قیمت توسط سازمان غذا و دارو مجدداً پس از چند سال تولید شده است.

■ با توجه به فعالیت شرکت در حوزه دام و انسان چه طرح‌های توسعه‌ای در دست دارید؟

البته باید توجه داشت که بیش از ۹۰ درصد تولیدات و فروش شرکت، محصولات انسانی بوده و رسالت اصلی شرکت، تأمین نیاز داروی انسانی است. با توجه به پروژه‌های متعدد بازسازی و توسعه‌ای شرکت شهید قاضی، یکی از موارد، احداث زون اختصاصی تولید داروهای دامی است که مراحل تدوین آن صورت گرفته و مراحل اخذ مجوزهای اجرایی لازم در حال انجام است. باتوجه به تعدد پروانه‌های دامی جدید اخذ شده در سال‌های اخیر، امید است پس از دریافت مجوزهای سرمایه‌گذاری، توسعه خطوط تولید دامی انجام شود.

شرکت با سه خط تولید در شهریور ماه سال جاری در فضایی قریب به ۱۰۰۰ مترمربع با آخرین استانداردهای بین‌المللی داروسازی به بهره‌برداری رسیده و خط چهارم آمپول‌سازی نیز خریداری و ساخته شده است و به محض ایجاد امکان اعزام کارشناسان مجموعه جهت تحویل خط جدید و حمل و نصب و راه‌اندازی آن، ظرفیت تولید انواع آمپول‌های دارویی و آب مقطر شرکت ۲۵ درصد افزایش می‌یابد.

دو طرح بازسازی بخش‌های محلول‌سازی و خطوط تولید سرم‌های تزریقی نیز آماده اجرا بوده و کلیه اقلام و مصالح موردنیاز تهیه شده و در تحویل شرکت است.

با توجه به اینکه اجرای این دو پروژه مستلزم تعطیلی ۳-۴ ماهه خطوط تولید سرم بوده و لازم است مجوز تعطیلی خطوط توسط سازمان غذا و دارو صادر شود، تاکنون زمان‌بندی لازم به این شرکت اعلام نشده است، همچنین طرح‌های بازسازی بخش میکروبیولوژی و بطری‌سازی شرکت نیز در حال انجام هستند که تا سه ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد.

برنامه‌هایی نیز برای خرید و نوسازی ماشین‌آلات و سیستم‌های تاسیساتی در حال انجام است که بدلیل فقدان تخصیص ارز از طرف بانک مرکزی فعلاً اجرایی نشده‌اند.

■ شرکت در سال جاری به عنوان فعال در حفاظت از محیط‌زیست انتخاب شده است. درباره این موضوع توضیح دهید. (این مهم به موضوع پساب‌های صنعتی و ایجاد تصفیه‌خانه مربوط است؟)

شرکت داروسازی شهید قاضی از سال‌های قبل برخی مشکلات زیست محیطی داشته است که مهمترین آن‌ها ظرفیت پایین سیستم تصفیه‌خانه پساب‌ها بود که در زمان ساخت، سیستم به روز و مناسبی بود ولی با گذشت سال‌ها و افزایش حجم تولید دیگر پاسخگو نبود. همچنین دو مخزن بزرگ مازوت از سال‌های گذشته با محتوای بیش از ۳۵۰ هزار لیتر در شرکت موجود بوده که به دلیل فرسودگی و نشت در خاک مشکلات متعدد ایمنی و زیست محیطی ایجاد کرده بود که اقدامات انجام شده سیستم تصفیه‌خانه جدید با ظرفیت بالا و تفکیک سیستم پساب‌های صنعتی و بهداشتی و آزمایشگاه کنترل آنلاین احداث و راه‌اندازی شده و همچنین مخازن مازوت موجود جمع‌آوری شدند. این اقدامات مهم در کنار سایر اقدامات انجام گرفته در نهایت منجر به خروج شرکت از فهرست صنایع آلاینده شده و در سال جاری به عنوان صنعت سبز و واحد

منتخب فعال در حوزه زیست‌محیطی در استان اعلام شد.

■ گویا شرکت به حوزه تولید داروهای دانش‌بنیان وارد شده است، در این مورد توضیح بفرمایید.

بله، تولید چند محصول جدید دانش بنیان برای اولین بار در کشور در برنامه قرار گرفته است که بررسی و ارزیابی‌های اولیه انجام شده به عنوان داروهای دانش‌بنیان ثبت خواهد شد.

■ مناقصه‌ای هم در خصوص انتقال برق انجام شده، این مهم برای خط تولید جدید بوده است؟

مسیر فعلی برق موردنیاز شرکت، مشترک با مسیر برق شهرک صنعتی عالی‌نسب در مجاورت شرکت بوده و مصرف فعلی برق در شرکت، بیش از دیماندر مجاز بوده و مازاد برق مصرفی با قیمت بالاتر و اخذ جرایم تأمین می‌شود.

همچنین در زمان‌های قطعی برق شهرک صنعتی در فصول گرم سال به ناچار برق این شرکت نیز قطع شده و ضمن آسیب به ماشین‌آلات و تاسیسات قدیمی، موجب افت تولید و افزایش ضایعات می‌شود، بنابر کارهای فشرده و اخذ مجوز و موافقت‌های لازم از ارگان‌های مختلف، در نهایت موفق شدیم مجوز برای احداث مسیر اختصاصی و مستقل از شهرک صنعتی را گرفته و همچنین ظرفیت دیماندر برق شرکت را با احداث این مسیر اختصاصی ۱۰۰ درصد افزایش دهیم. تجهیزات و ترانسفورماتورهای اختصاصی شرکت در حال ساخت بوده و عقد قرارداد با پیمانکار خطوط انتقال برق فشار قوی نیز بسته شده است که با انجام این پروژه مهم، ضمن کاهش هزینه‌های برق مصرفی و جلوگیری از قطعی برق، دیماندر لازم برای پروژه‌های توسعه‌ای شرکت نیز تأمین خواهد شد.

■ یکی از چالش‌های صنعت دارویی، تعدد بخشنامه‌ها و بوروکراسی زیاد است، این مهم رفع و شرایط بهتر شده است؟

خیر، روز به روز این موارد بیش‌تر شده و بخشنامه‌های متعدد و متناقض واقعاً نفس تولیدکنندگان را بریده‌اند. سازمان‌های مختلف با یکدیگر همکاری و هماهنگی لازم را نداشته و مشکلات روز به روز بدتر می‌شود. تفسیر به رای و اعمال سلیقه‌ای شخصی نیز مشکل دیگری است که بر عدم شفافیت و اصطکاک فرآیندها

هر روز افزوده و در این بین ورود نهادهای قضایی و نظارتی متعدد و نگرش‌های مختلف و موازی کاری‌های انجام گرفته، قدرت ریسک را از همه سازمان‌ها و ادارات و تولیدکننده و ارگان‌های صادر کننده مجوزها و پروانه‌ها گرفته است.

■ نوسانات نرخ ارز به یکی از مشکلات همیشگی صنایع مختلف تبدیل شده، با این چالش چگونه کنار آمده‌اید؟

مشکل نوسانات ساعتی و دقیقه‌ای نرخ ارز و افزایش قیمت اقلام داخلی و وارداتی در خصوص تمامی صنایع مطرح بوده و فقدان امکان تأمین ارز از سیستم بانکی نیز بر حجم این مشکلات افزوده است. این مشکلات برای کلیه صنایع تولیدی مطرح است ولی تفاوتی که وجود دارد عدم امکان اصلاح قیمت‌های دارویی توسط تولید کنندگان دارو برخلاف سایر صنایع است که روند برگزاری و تشکیل جلسات کمیته قیمت در سازمان غذا و دارو و نیز اصلاح قیمت‌ها هیچ تناسبی با واقعیت‌های موجود نداشته و ادامه این روند صنایع داروسازی را با مشکلات متعددی مواجه خواهد کرد.

■ در خصوص مطالبات شرکت و دوره وصول مطالبات هم توضیح دهید.

دوره وصول مطالبات برای برخی شرکت‌های دارویی بیش از یک سال هم می‌باشد و در خصوص شرکت داروسازی شهید قاضی نیز به رغم اکثر محصولات تولیدی آن در بیمارستان‌ها و مراکز دولتی که با بدهی‌های انباشته چند ساله به شرکت‌های پخش مواجه هستند، به فروش می‌رسد، با پیگیری‌های مستمر واحد مالی شرکت و اصلاح قراردادهای فروش نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته و هم اکنون در حدود ۶ ماه است.

■ مشکلی بابت دریافت ارز از فروش محصولات صادراتی ندارید؟

عمده مشکل مشترک شرکت‌های تولید کننده در دریافت ارز حاصل از صادرات نبود امکان استفاده از خدمات بانکی و نقل و انتقالات بین‌الملل ارز به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و به موازات آن نبود امکان اخذ وجوه صادراتی به صورت نقدی یا انتقال از سیستم صرافی‌ها به دلیل قادر نبودن به اثبات منشأ خارجی ارز است. همچنین روش محاسبه و مقادیر اعلام بانک مرکزی به منظور ایفای مقررات ارزی نامشخص بوده و به دلیل عدم ارائه اطلاعات دقیق از طرف



مدیرعامل هلدینگ داروپخش:

چرا باید به کشورهای همسایه یارانه بدهیم؟



زهرا فدوی
خبرنگار

بر اساس آمار و ارقام تولید و فروش داروها حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد نسبت به سال‌های گذشته رشد داشته است که به نظر می‌رسد ارزش حاصل از آن در حال خارج شدن از کشور است. در واقع می‌توان گفت یارانه ای است که به کشورهای اطراف با وجود کمبود ارز در کشور پرداخت می‌شود. موارد ذکر شده بخشی از سخنان وحید محلاتی، مدیرعامل هلدینگ داروپخش است که در گفت و گو با ماهنامه بازار و سرمایه مطرح کرده که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

بسته ایم و این شرکت کار بازارگردانی مجموعه را انجام می‌دهد.

■ افزایش نرخ دارو که اخیرا انجام شد به چه میزان بود و چه تاثیری بر سودآوری شرکت داشت؟

افزایش نرخ دارو اثرات متفاوتی دارد؛ در داروهای دامپزشکی که نرخ ارز آنها به نیمایی تبدیل شد، تقریبا قیمت گذاری بر اساس ارز صورت گرفت و حدود نیمی از زیرمجموعه‌های داروپخش که در حوزه داروهای دامپزشکی فعالیت می‌کنند با افزایش نرخ همراه شدند و به طبع به همین میزان فروش آنها نیز افزایش پیدا کرد. البته به این نکته هم باید توجه داشت که زمانی که قیمت نهاده‌ها افزایش پیدا می‌کند نرخ تمام شده هم رشد می‌کند، بنابراین می‌توان گفت عدد قدر مطلق سود

■ برنامه ای برای پذیرش شرکت‌های غیر بورسی دارید؟

بله، در سال جاری مقدمات ورود شرکت پخش اکسیر انجام شده و در آینده ای نزدیک وارد بورس خواهد شد. شرکت توزیع داروهای دامی داروپخش یکی دیگر از شرکت‌هاست که پیش‌بینی می‌شود سال آینده وارد بازار شود. به این ترتیب به جز شرکت بیودارو که با مشارکت بخش خصوصی در حوزه تهیه فرآورده‌های خونی فعالیت می‌کند، تمام شرکت‌های هلدینگ داروپخش وارد بازار سرمایه خواهند شد تا فعالیت‌های آنها به صورت شفاف دیده و پیگیری شود.

■ چه برنامه ای برای بازارگردانی روی سهام‌ها دارید؟

طبق دستورالعملی که وجود داشت با شرکت بازارگردانی نفت و گاز تأمین قرارداد

بانک مرکزی میزان رفع تعهد شده را نیز از طریق سامانه‌های بانکی نمی‌توان مشخص کرد.

همچنین اعمال روش‌های تنبیهی و جرایم و معرفی به سیستم قضایی و تعزیراتی و پاسخگو نبودن و شفاف نبودن بانک مرکزی بالطبع منجر به اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه در مقوله صادرات توسط شرکت‌ها شده و در شرایطی که کشور عزیزمان بیش از هر زمان دیگری نیاز به تأمین ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را دارد، اعمال روش‌های تنبیهی بدون اطلاع قبلی و تنها بر اساس روش‌های مبهم و اعلام نشده بانک مرکزی موجب افت شدید صادرات خواهد شد.

■ در خصوص مواد اولیه به واسطه تحریم‌ها تا کنون به مشکلی برخورد کرده‌اید؟

به رغم مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌ها نظیر تحریم‌های سیستم بانکی، سیستم حمل و نقل بین‌المللی و محدودیت‌های شدید ارزی بانک مرکزی با برنامه ریزی‌های انجام شده، تاکنون مشکل عمده ای از بابت تأمین مواد اولیه مورد نیاز خطوط تولید نداشته‌ایم.

■ شرکت موفق به پرداخت سود معوق تا سال ۹۶ شده بود. پرداخت سود برای سال‌های ۹۷ و ۹۸ به چه شکل است؟

پرداخت سود سال مالی ۹۷ نیز برای همه سهامداران به اتمام رسیده و در حال حاضر سود عملکرد سال ۹۸ طبق توافق با سهامداران عمده شرکت در حال پرداخت می‌باشد.

■ برنامه‌ای برای افزایش سرمایه دارید؟

شرکت در حال انجام افزایش سرمایه از مبلغ ۴۰۵ میلیارد ریال به مبلغ ۸۵۰ میلیارد ریال از محل مطالبات و آورده نقدی سهامداران است که گزارش حسابرسی آن در سامانه کدال نیز منتشر شده است.

■ نماد شرکت در سال گذشته در بازار زرد فرابورس بود که سال گذشته از اقداماتی جهت ارتقا خبر دادید، این مقوله به کجا رسید؟

با توجه به الزام شرکت فرابورس مبنی بر افزایش میزان شناوری سهام شرکت جهت ارتقاء به بازارهای بالاتر، سهامداران عمده در خصوص فروش بخشی از سهام خود به توافق رسیده‌اند که در سال جاری اقدامات لازم در این خصوص به عمل می‌آید.

رشد کرده و عدد بیشتری محقق شده است. داروپخش در خصوص داروهای انسانی با ۲ یا ۳ گروه مواجه است؛ برخی داروهایی که ارزشان نیمایی شده مانند داروهای اوتیسی، ویتامین‌ها و گروهی که از سمت سازمان غذا و دارو تعیین شد که حدود دو برابر تغییر قیمت را تجربه کردند. گروه دوم داروهایی که ارزش نیمایی آنها برای تهیه مواد اولیه تغییری نداشته و همچنان ارزش ۴۲۰۰ تومانی دریافت می‌کنند ولی سایر نهادهای تولید مثل مواد بسته بندی، مواد جانبی و سایر هزینه‌ها بر اساس ارزش نیمایی و آزاد است. در برخی موارد قیمت متناسب با رشد اتفاق افتاده که حدود ۳۰ درصد به طور متوسط تغییر قیمت آنها بوده است.

دسته سوم داروهایی هستند که با وجود طی کردن تمام مراحل هیچ قیمتی نگرفته اند یا تغییری زیر ۱۰ درصد داشته اند. تقریباً هر چه جلو رفتیم و از اول سال فاصله گرفتیم، قیمت‌ها به تدریج و با سیاستی که سازمان غذا و دارو داشته صورت گرفته است. در مجموع شاید حدود ۲۰ درصد معدل تغییر قیمت‌هایی باشد که در بازار اتفاق افتاده است.

■ این تغییر قیمت‌ها چه تاثیری بر سودآوری مجموعه‌ها دارد؟

برخی از مواد اولیه یا مواد جانبی در نیمه ابتدایی سال با ارزش و قیمت‌های قدیم که ارزان تر بود خریداری شده است اما در نیمه دوم سال قیمت تمام شده رشدی است. اگر روال تا آخر سال به همین ترتیب باشد و مواد اولیه و ملزومات لازم برای تهیه دارو در اختیار کارخانه‌ها قرار بگیرد، اغلب کارخانه‌های داروسازی از جمله شرکت‌های گروه داروپخش حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر از میزانی که پیش‌بینی می‌کردند سودآوری خواهند داشت.

■ چه مشکلاتی در این مسیر ممکن است وجود داشته باشد؟

تخصیص ارزش بنا به دلایلی به مجموعه‌ها اتفاق نیفتاده است و در حال حاضر بعضی از کارخانه‌ها تقریباً ۲ تا ۳ ماه است که تخصیص ارزش را گرفته‌اند و پول را هم در بانک تأمین کرده‌اند و بانک هم ارزش را خریداری کرده اما هنوز توانسته‌اند حواله نکنند. اگر این اقدام انجام نشود برای پایان سال یا اوایل سال جدید مشکلاتی برای تأمین دارو خواهیم داشت که امیدوارم هر چه زودتر این اتفاق رخ دهد و مواد اولیه یا جانبی که لازمه نهادهای تولید است، تأمین شود تا بتوانیم تولید را با نظم و ترتیب ادامه دهیم.

■ چرا این ارزش تخصیص پیدا کرده است ولی تحویل داده نشده است؟

بالاخره کشور درگیر مشکلات مالی است و نقل و انتقال پول از ایران با سایر کشورها با مشکلاتی مواجه است.

■ وعده تحقق و عملیاتی شدن این موضوع را داده‌اند؟

خیر، شاید یکی از مشکلات به دلیل محدودیت‌های مسئولان بانکی باشد، اما یکی از مشکلاتی که از ابتدای سال تا به حال با آن مواجه هستیم این است که هیچ بازه زمانی مشخصی برای عملی شدن اتفاقات وجود ندارد.

■ میانگین ارزش تخصیصی برای تهیه مواد اولیه و ملزومات به چه میزان است؟

برای دارو و شیر خشک در ابتدای سال اعلام شد ۱/۵ میلیارد دلار ارزش به همراه ۳۰۰ میلیون ارزش نیمایی در نظر گرفته شده است که مجموع ارزش تخصیصی یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار می‌شد. به طور منطقی این میزان عدد جوابگوی نیازها نخواهد بود بنابراین چیزی حدود ۲ تا ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای تأمین دارو کشور مورد نیاز بازار است. شاید تاکنون تنها ۴۰ درصد از میزانی که اعلام کرده بودند به صنعت اختصاص پیدا کرده باشد که عدد ناچیزی به حساب می‌آید.

■ آزادسازی نرخ ارزش برای دارو چه تاثیری بر سودآوری مجموعه‌ها دارد؟

آزادسازی نرخ ارزش چند نکته دارد؛ اینکه چرا و چگونه انجام شود؟ چرا به این دلیل که ارزش با نرخ ۴,۲۰۰ به سختی قابل دسترسی است،

برخی از مواد اولیه یا مواد جانبی در نیمه ابتدایی سال با ارزش و قیمت‌های قدیم که ارزان تر بود خریداری شده است اما در نیمه دوم سال قیمت تمام شده رشدی است

اگر روال تا آخر سال به همین ترتیب باشد و مواد اولیه و ملزومات لازم برای تهیه دارو در اختیار کارخانه‌ها قرار بگیرد، اغلب کارخانه‌های داروسازی از جمله شرکت‌های گروه داروپخش حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر از میزانی که پیش‌بینی می‌کردند سودآوری خواهند داشت

بنابراین ترجیح این است که حتی شده با ارزش گران تر هم داروی مورد نیاز کشور تهیه شود. اما در کنار قاچاق دارو به دلیل ارزان بودن نرخ ارزش، اختلاف قیمت زیاد نرخ ارزش در ایران با کشورهای همسایه است. بر اساس آمار و ارقام تولید و فروش داروها حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد نسبت به سال‌های گذشته رشد فروش عددی داشته است که به نظر می‌رسد در حال خارج شدن باشد. در واقع یارانه ای است که به کشورهای اطراف با وجود کمبود ارزش در کشور پرداخت می‌شود. اگر عرضه را بر اساس نرخ واقعی تأمین و تولید کنیم شاید حتی به ارزش کمتری در کشور برای تأمین داروی احتیاج داشته باشیم. اما در تحقق این امر برای مردم و شرکت‌ها دو موضوع مطرح است؛ برای شرکت‌ها و مردم تصمیمات یک شبه اخذ نشود و تغییرات به صورت پلکانی ایجاد شود تا هم مجموعه‌ها بتوانند نقدینگی لازم را تهیه کنند و هم جامعه بتواند برای بیماران و مصرف کنندگان تنظیمات لازم را انجام دهد.

■ آیا دولت برای تأمین داروی کشور حمایتی هم انجام می‌دهد؟

دولت در ظاهر قصد انجام چنین کاری را دارد پس می‌تواند مقداری از این تفاوت نرخ ارزش را به شرکت‌های بیمه منتقل کند و آنها پوشش بیشتری بر داروها داشته باشند تا بیماران بتوانند از نظر ریالی تحت فشار بیشتری بیش از نرخ تورم قرار نگیرند. اگر این اتفاقات رخ دهد سود شرکت‌ها ۲ برابر می‌شود ولی نسبت آن شاید خیلی فرق نکند، چون سایر نهادهای تولید هم به همان میزان گران می‌شود. در این شرایط قیمت گذاری سازمان غذا و دارو اهمیت پیدا می‌کند که به موقع انجام شود تا درصد سود تغییر نکند.

■ آیا این تغییرات اثرات منفی هم به دنبال دارد؟

بله؛ اگر بخواهیم واقع بینانه نگاه کنیم، اثرات منفی بر فروش خواهد داشت. با توجه به اینکه حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از دارو به صورت قاچاق از مرز خارج می‌شود، تعداد فروش حفظ نخواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد با کاهش فروش کارخانه‌ها مانند سال ۹۵ و ۹۶ رقابت‌ها شدیدتر و تخفیف‌ها بیشتر شود که در نتیجه از سودآوری مجموعه‌ها می‌کاهد. اگر همه شرکت‌ها نتوانند تمام فرآیند و یا بازی نقدینگی را به درستی انجام دهند و در تهیه مواد و کالا با چالش مواجه شوند، مشکل چندانی پیش نمی‌آید. در چنین شرایطی شرکتی بهتر به تأمین مواد و نقدینگی



اختصاصی به این لوازم و تجهیزات نیمایی بود بعد به ارز آزاد تبدیل شد، بنابراین هزینه‌های انجام پروژه‌ها به شدت افزایش پیدا کرده است. این موارد مقداری پروژه‌ها را به تاخیر انداخته است اما تا آنجایی که بشود شرکت‌ها مشغول انجام پروژه‌ها هستند.

بررسی صورت‌های ۶ ماهه شرکت‌های گروه نشان می‌دهد که حدود ۳۵ درصد رشد فروش و تقریباً ۵۱ درصد رشد سود قبل از مالیات داشته ایم که یکی از دلایل آن توجه شرکت‌ها به بهبود فرآیندها و بهره‌وری کارخانه‌ها بوده است.

■ تا پایان سال چه پیش‌بینی دارید؟

سرمایه حتماً باید افزایش پیدا کند، با توجه به سودآوری خوبی که شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ داروپخش دارند، در کنار ارزش بازار بالا قاعدتاً باید سهام هلدینگ داروپخش از ارزندگی به سزایی برخوردار باشد. اما گاهی تحولات بازار آنچنان با حجم زیاد انجام می‌شود که پیشرفت شرکت‌ها را هم ندیده و خنثی می‌کند، اگر تحولات کلان درست و مثبت باشند قطعاً می‌توانیم پیش‌بینی کنیم سهام هلدینگ داروپخش رو به رشد خواهد بود.

■ پرونده ای با تأمین اجتماعی، بانک مرکزی و بانک پاسارگاد داشتید، آن عدد چه میزان است و در چه مرحله ای قرار دارد؟

در سال ۹۷ با توجه به مبالغی که از طرف بیمارستان‌های دولتی به شرکت‌های پخش دارو و پخش آب کارخانه‌ها پرداخت نشده بود، چند چالش را به وجود آورد. از جمله این چالش‌ها انتشار اوراق اخزا و انتشار اوراق تهاتر مالیات و سود بانکی بود که به کمک آنها بدهی‌ها تهاتر می‌شد.

شرکت توزیع داروپخش با بانک پاسارگاد و کارخانه داروپخش تفاهم نامه ای برای تهاتر مباحث مالی موجود امضا کرد. حدود ۳۵ میلیارد تومان مبلغ این قرارداد بود اما بانک پاسارگاد محلی که بانک مرکزی به عنوان بدهی شناسایی کرده بود را نپذیرفت از این رو از آن زمان تا کنون این موضوع تعیین تکلیف نشده است. بارها به بانک پاسارگاد اظهار نامه دادیم و پیگیری کردیم ولی هنوز بانک پاسارگاد تکلیف را مشخص نکرده است. این موضوع برای مجموعه در کنار نرسیدن به طلب، هزینه هم ایجاد کرده است که امیدواریم بتوانیم هر چه زودتر به تفاهم برسیم.

اگر نیمایی شدن محصولات گام به گام انجام می‌شد و شرکت‌ها می‌توانستند با بانک‌ها و سایرین هماهنگی‌های لازم را به درستی و آرامی انجام دهند، عوارض کمتری گریبان گیر مجموعه‌ها می‌شد

کارخانه‌هایی هستند که داروهایی که در زمان کرونا بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد را تولید می‌کنند.

■ برنامه ای برای افزایش سرمایه دارید؟

بله؛ در حال حاضر سرمایه فعلی شرکت ۸۴ میلیارد تومان است و چیزی که پیش‌بینی شده افزایش سرمایه ای بیشتر از ۱۰۰ درصد است که برنامه داریم تا پایان سال انجام شود. تلاش می‌کنیم سرمایه شرکت بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان شود. شرکت‌های گروه، شرکت توزیع داروپخش، شرکت کارخانجات داروپخش و شرکت اکسیر مجموعه‌هایی هستند که افزایش سرمایه آنها انجام خواهد شد.

■ در آبان ماه سال جاری تنها آمپول صادر کرده اید، چرا بقیه محصولات را نتوانسته اید صادر کنید؟

در حال حاضر صادرات مشکل دارد، زمانی که باید داروی کشور را تأمین کنیم، اولویت بازار داخل می‌شود بنابراین سازمان غذا و دارو صادرات داروها را ممنوع کرده است. ابتدا سازمان غذا و دارو اعلام کرد در چند نوبت اول داروهایی که مازاد مصرف داخل است امکان صادرات دارند اما بعد از مدتی گفتند که نه مازاد مصرف هم نباید صادر شود.

آخرین چیزی که اعلام شد گفتند با ارز نیمایی یا ارز آزاد دارو، مواد اولیه و هر آنچه که لازم است وارد بعد صادر کنید که تقریباً دور از واقعیت است. بعضی از شرکت‌ها در بهار صادرات خوبی داشتند اما به مرور از این میزان کاسته شد و در حال حاضر تقریباً به صفر رسیده است.

■ آخرین وضعیت پروژه سرم سازی چگونه است؟

از ابتدای سال برنامه ریزی شده برای ارتقا کیفیت و GMP بر اساس بودجه ای که پیش‌بینی شده است فعالیت‌ها و طرح‌های توسعه‌ای دنبال شود که تعداد زیادی از آن در حال انجام است. البته به این نکته هم باید توجه داشت که تقریباً از اواسط سال گذشته ارز

می‌پردازد و شرکتی کمتر در این کار موفق می‌شود که در مجموع موجب ایجاد تعادل در بازار می‌شود و در چنین شرایطی می‌توان گفت کل صنعت دارو رشدی حدود ۲ تا ۲/۵ برابری خواهد داشت.

■ برای مقابله با این چالش چه راه حلی وجود دارد؟

سازمان غذا و دارو با وجود حرکت کندی که دارد اما گام به گام در این مسیر حرکت می‌کند؛ تعدادی از مجموعه‌ها در ابتدای سال و تعدادی در اواسط سال نیمایی شدند. اگر ساختار قانونمندی وجود داشته باشد و با توافق شرکت‌ها، سندی‌کای تولیدکنندگان، کارخانه‌ها، سازمان غذا و دارو و مسئولان اقتصادی کشور با هم همکاری داشته باشند و به تدریج قوانین و مسائل را اجرایی کنند مشکلات قابل حل هستند. اگر نیمایی شدن محصولات گام به گام انجام می‌شد و شرکت‌ها می‌توانستند با بانک‌ها و سایرین هماهنگی‌های لازم را به درستی و آرامی انجام دهند، عوارض کمتری گریبانگیر مجموعه‌ها می‌شد.

عنوان شده ارز در بودجه سال آینده ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت گذاری شده و اگر این عدد نرخ رسمی ارز شود، احتمالاً نرخ ۴۲۰۰ تا ۱۱۵۰۰ تبدیل می‌شود. در این شرایط می‌توان گفت به جز در نظر گرفتن تورم سال آینده، مجموعه‌هایی که ارز ۴۲۰۰ می‌گرفتند یک افزایش قیمت دیگری در سال ۱۴۰۰ خواهند داشت.

■ شرایط کرونایی چه تاثیری روی تقاضای دارو داشته است؟

کرونا به دلیل اینکه بیماری جدیدی است و پروتکل‌های ثابت و مشخصی ندارد و تعداد زیادی از داروها برای مقابله با آن استفاده می‌شود مشکلات زیادی را نیز به دنبال داشته است. همزمان با اوج گیری کرونا مصرف سایر داروها به شدت کم شده اما در مقابل مصرف داروهای دیگری که تعدادشان هم کم نیست و برای کرونا و عوارض آن استفاده می‌شود افزایش پیدا کرده است.

■ مجموعه شما دارویی برای کرونا تولید کرده است؟

در کرونا ۳ دارو وجود دارد که دو مورد از آنها در حال حاضر در شرکت‌های زیر مجموعه داروپخش به مرحله تولید رسیده است اما به دلیل بروز برخی مشکلات مراحل تکمیل با تاخیر انجام شد. کارخانجات دارو پخش، داروسازی اکسیر و داروسازی ابوریحان



 **Caspiramer 40**
Glatiramer Acetate

The calm sea
after the
storm

One step

ahead in treatment with

Caspian Tamin





شرکت داروسازی
شهید قاضی (سهامی عام)

Shahid Ghazi Pharmaceutical Co.

مادرک های بیماران جریان داریم

شرکت داروسازی شهید قاضی (سهامی عام) به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان داروهای تزریقی و استریل کشور، با سابقه سه دهه فعالیت و تولید در حدود صد محصول مختلف و محصولات متعدد انحصاری انسانی و دامی توانسته است سهم قابل توجهی در تامین نیاز داروهای تزریقی جامعه، ارتقاء سلامت و جلوگیری از ارزیابی واردات دارو داشته باشد.

این شرکت با بهره مندی از نیروهای جوان و تمصلیکرده، همه ساله محصولات جدیدی را برای تولید، عرضه کرده و علاوه بر تامین نیاز داخلی اقدام به صادرات محصولات خود به کشورهای منطقه و همجوار نیز می نماید.

افتخارات کسب شده اخیر:

۱. وامد برتر گروه محصولات دارویی، بهداشتی و آرایشی خانه صنعت و معدن و تجارت ایران در سال ۹۸
۲. وامد نمونه بهداشتی و دارویی استان آذربایجان شرقی در سال ۹۸
۳. انتفاع به عنوان وامد برتر و فعال HSE کشوری
۴. دارای گواهینامه اشتها به کیفیت ۴ ستاره از سازمان غذا و دارو
۵. وامد نمونه سلامت ممور در استان آذربایجان شرقی سال ۹۹
۶. گروه کار نمونه استان آذربایجان شرقی سال ۹۹
۷. رتبه اول از نظر شفافیت فروش در گروه مواد و محصولات دارویی در طرح رتبه بندی شرکت های برتر ایران IMI100 در سال ۹۸
۸. دارای گواهینامه های استاندارد

ISO9001-ISO45001-ISO10015-ISO10004-ISO10002-ISO14001



۹

آدرس کارخانه: تبریز-کیلومتر ۱۰ جاده تبریز تهران-روبروی مرکز مهادکشاورزی- فیابان سرم دارو
آدرس تهران: بلور مرزداران - نرسیده به پل یادگار امام شمالی - فیابان فرشتگان پلاک ۳

۰۲۱ - ۴۴۲۲۱۷۲۳

تلفن: ۵۱۴۱ - ۰۴۱

www.sgco-infusion.com



سل تک فارمد Celltech Pharmmed

شرکت سل تک فارمد، شرکت ایرانی است که در حوزه
سلول های بنیادی و پزشکی بازساختی

شرکت سل تک فارمد، شرکت ایرانی است که در حوزه سلول های بنیادی و پزشکی بازساختی فعالیت میکند. این شرکت، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲ با هدف پاسخگویی به نیاز روزافزون مردم به روش های درمانی نوین با حمایت پژوهشگاه رویان و شرکت دارویی برکت راه اندازی شد که پیش از این تجربیات ارزشمندی در حوزه سلول های بنیادی و تولید محصولات دارویی به دست آورده بودند. شرکت سل تک فارمد سال ۱۳۹۳ با اجرای برنامه های استراتژیک و رویکردهای بلندمدت با هدف محقق ساختن ایده های بزرگ و نوآورانه فعالیت خود را آغاز کرد؛ ایده هایی که به یقین در شناخت بیماری ها و درمان بیماران، انقلاب بزرگی را رقم خواهد زد. کارخانه سل تک فارمد، شهریور ۱۳۹۶ به مرحله بهره برداری رسید و بهمن ماه همان سال از محصول رینودرم سل این شرکت رونمایی شد. اردیبهشت ۱۳۹۷ کارخانه سل تک فارمد به طور رسمی افتتاح و آذر ماه همان سال از مرستروسل و ریکالرسل از دیگر محصولات این شرکت نیز رونمایی شد.

تحقیق و پژوهش در زمینه سلول های بنیادی، بیوتکنولوژی و تولید داروهای جدید پشتوانه فعالیت هایی است که از سوی محققان این شرکت انجام می شود که بدون تردید در موفقیت های آتی این شرکت به عنوان نخستین تولید کننده سلول های بنیادی در ایران نقش بسیار مهمی خواهد داشت. برای تولید محصولات شرکت سل تک فارمد که عبارتند از محصول رینودرم سل برای رفع پیری و جوانسازی پوست تا آخر عمر، محصول ریکالرسل برای ترمیم لکه های ناشی از بیماری ویتیلیگو یا پیسی، محصول مرستروسل برای درمان آرتروز زانو، لکن و مچ پا، بعد از دریافت نمونه های بافتی از بیمار شامل، نمونه مغز استخوان و نمونه پوست، نمونه ها در صورت تایید صحت سلامت آنها وارد خط تولید اختصاصی برای آن محصول شده و نهایتاً محصول سلولی دارای شناسنامه کامل حاوی اطلاعات دقیق مربوط به شناسایی سلول به همراه نتایج تست های استریلیتی تولید می گردد و در شرایط کاملاً کنترل شده جهت تزریق به مرکز درمانی ارسال می شود.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹ اولین بانک آلوژن سلولی کشور و غرب آسیا به نام تجاری وارنوسل در این مجموعه تأسیس شد و مجوز GMP سازمان غذا و دارو را اخذ نمود.

درمان بیماران کرونایی با روش سلول درمانی به کمک فرآورده های سلولی این مجموعه انجام شده است. پس از استفاده از این محصول و پس از گذشت ۶ ساعت از تزریق، علائم بیمارانی که این نوع درمان را دریافت کرده اند رو به بهبود می رود. این شرکت یکی از شرکت های زیر مجموعه ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) بوده و هر دو مرحله مطالعه بالینی، با پشتیبانی و حمایت های مالی این ستاد (ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)) صورت گرفته است.

این فرآورده سلولی فقط برای درمان کرونا نیست و بیماری های معذب العالاجی مثل فلج مغزی را نیز درمان میکند. به دستور مقام معظم رهبری از تمام امکانات برای مقابله با بیماری کرونا بهره گرفته شده است و شرکت سل تک فارمد به کمک توانایی ها و ویژگی های سلول های بنیادی و دانش ۱۰۰ % بومی توانست راه حلی برای درمان این بیماری پیدا کند که اینگونه مطالعات بر روی افزایش میزان اثربخشی این محصول هم چنان ادامه دارد.

CellTech Pharmmed



در یافت گواهینامه ملی

رعایت حقوق مصرف کنندگان ۱۳۹۹



شرکت داروسازی فارابی (سهامی عام)

شرکت داروسازی فارابی در سال ۱۳۷۱ در زمینی به وسعت ۴۰ هکتار به بهره برداری رسید. داروسازی فارابی هم اکنون با ظرفیت اسمی ۱,۰۵۵,۰۰۰,۰۰۰ عدد کپسول، ۴۴۸,۷۰۰,۰۰۰ عدد قرص و ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ عدد سوسپانسیون خشک به عنوان بزرگترین تولیدکننده آنتی بیوتیک خوراکی در کشور شناخته می شود و در سال های گذشته با رعایت قوانین GMP و با مراعات قوانین سازمان جهانی بهداشت (WHO) موفق به اخذ افتخارات مختلفی همچون شرکت برتر ملی در حوزه دارو در سال ۱۳۹۸، واحد نمونه صنعت کشور در سال ۱۳۹۷ و همچنین اخذ گواهینامه رعایت حقوق مصرف کنندگان در سال ۱۳۹۹ شده است. از پروژه های توسعه شرکت می توان به آغاز پروژه سلیت تولید داروهای خاص در آینده نزدیک اشاره نمود.





کپسول های ژلاتینی

اصلی ترین فعالیت شرکت، تولید پوکه های ژلاتینی کپسول دارویی است و به صورت انحصاری مسئولیت تولید این پوکه ها را به صورت چاپ شده و نیز چاپ نشده به عهده دارد و نیاز بیش از ۲۰۰ شرکت داروسازی را در داخل کشور تامین می نماید.

کپسول بازشونده در روده ی کوچک

ازمیت های این کپسول: حفظ اثر ماده موثره دارویی ح ساس به ا سید معده، تحویل هدفمند داروها در روده به خصوص پروبیوتیک می باشد، عدم تحریک اسید معده و مشکلات رفلاکس

کپسول گیاهی

این کپسول ها در دوفرم پلوان و HPMC تولید می شوند و مزیت های آن شامل ندا شتن واکنشهای ناخواسته با مواد دارویی، نفوذپذیری کمتر اکسیژن نسبت به ژلاتین، پایداری شیمیایی، پوشش مناسب برای داروهای حساس به رطوبت و اکسیژن می باشد.

کپسول های آهسته رهش

این کپسول منحصر به فرد دارای ویژگی های همچون آزاد سازی تدریجی و مستمر دارو طی مدت معینی، عدم نیاز به استفاده مکرر دارو، اثر گذاری طولانی مدت می باشد.

کپسول ژلاتین ماهی

مزیت های این کپسول عبارتند از: عدم وجود نگرانی در رابطه با بیماری جنون گاوی، دا شتن دمای ژلی شدن و ذوب یائین تر و همچنین استحکام ساختاری، قابلیت نفوذ بخار آب، تشکیل کراس لینک کمتر نسبت به سایر ژلاتین ها

کپسول های طعم دار و مرواریدی

این کپسول ها طعم و بوی ناخوشایند کپسول های ژلاتینی را ندارند و در برخی موارد بوی نامطبوع افزودنی ها را پوشش می دهند و مصرف دارو را برای بیمار تسهیل می نمایند.



مدیریت ریسک با
ابزارهای نوین مالی
اختیار خرید و فروش



تهران، خیابان نلسون ماندلا، خیابان شهید دستگردی، پلاک ۲۷۷

www.mebbco.com



کارت اعتباری ویژه فرهنگیان

بانک دی در راستای ارج نهادن به زحمات شاغلین عزیز در حوزه ارزشمند آموزش و پرورش، طرح "کارت اعتباری ویژه فرهنگیان" را ارائه نموده است.

بانک دی
DAY BANK

مرکز ارتباط با مشتری: ۰۲۱-۲۸۲۲۰۰۰۰

www.day24.ir





خدمات بانکداری شرکتی

سامانه پارس (ارائه خدمات بانکی متناسب با نیاز مشتریان)

صدور انواع ضمانت نامه (تخفیف در کارمزد و تسهیل در اخذ وثائق)

اعتبار اسنادی داخلی - ریالی (تسهیل شرایط گشایش اعتبار برای طیف وسیعی از ذینفعان)



مرکز تماس و صدای پارسیان: ۸۱۱۵۱۰۰۰
www.parsian-bank.ir